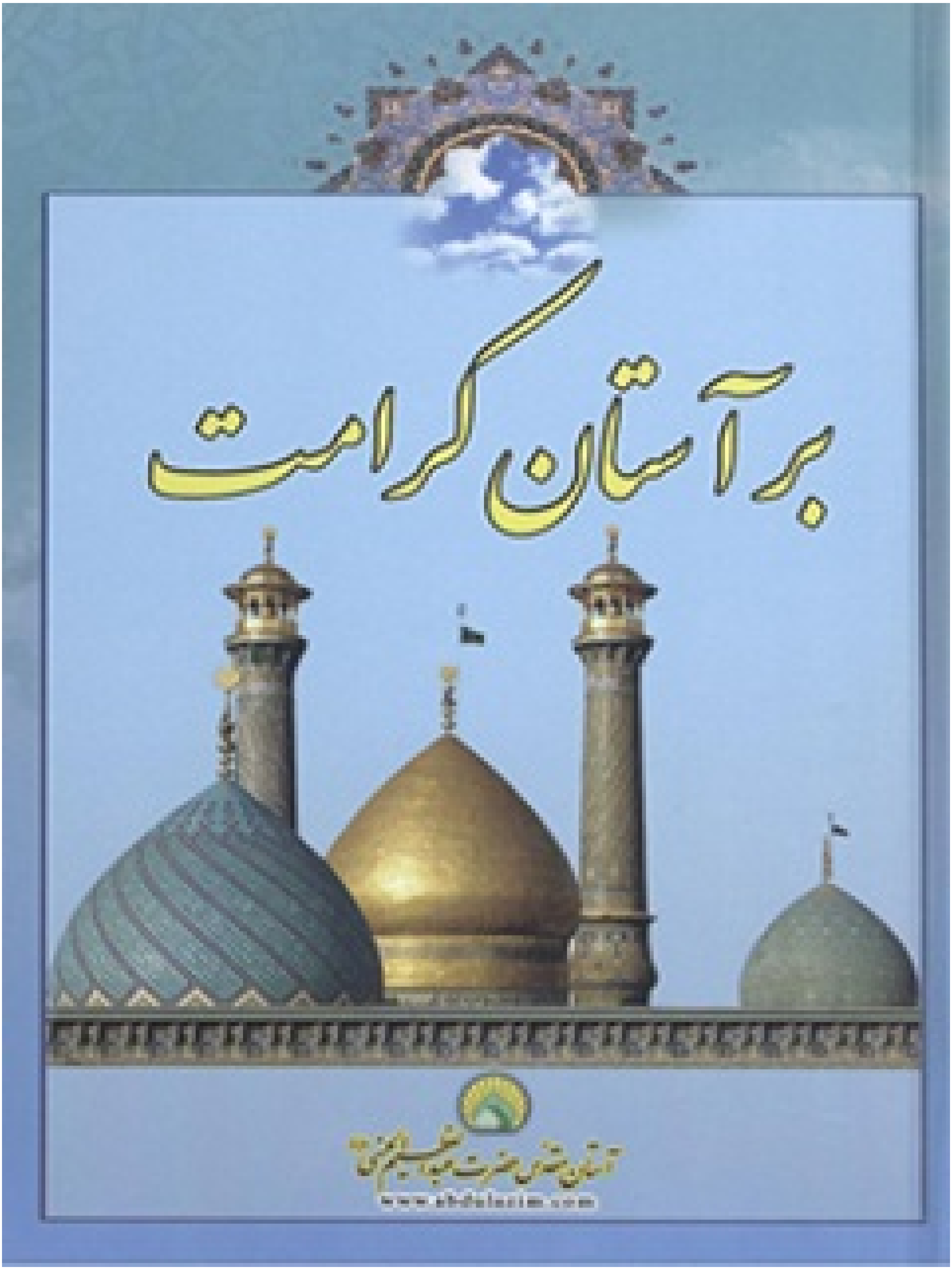

بر آستان کرامت
www.abdulazim.com

بسم الله الرحمن الرحیم

در آستان کرامت ۲

نویسنده:

دبیرخانه بزرگداشت دهه ی کرامت آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

ناشر چاپی:

زائر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

در آستان کرامت ۲

مشخصات کتاب

در آستان کرامت ۲

مجموعه محتوای قابل استفاده در ایام دهه ی کرامت

نویسنده : دبیرخانه ی کارگروه محتوایی شورای هماهنگی بزرگداشت دهه ی کرامت

آستان مقدس حضرت فاطمه ی معصومه (سلام الله علیها)

نوبت چاپ: اول مرداد ماه ۱۳۹۴

انتشارات: زائر آستان مقدس قم

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

ص: ۱

اشاره

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

السلام علیك یا علی بن موسی الرضا

محبت ایرانیان به خاندان با کرامت رسول مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) ، قدمتی همپای ورود اسلام به ایران دارد و هر چه معرفت این قوم پیشتاز تاریخی به عمق و گسترهی دین آخرین الهی بیشتر میشد ، به دامنهی مودت و ولایت آنان نیز افزوده میگشت.

سفر پیشوای هشتمین ، مولای عقل و دین ، حضرت علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحیه و الثناء) به ایران زمین و در پی آن هجرت کریمهی اهل بیت (علیهم صلوات الله) حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و دیگر امامزادگان عظیم الشأن به این سرزمین ، بستری آفرید که ائمهی » ولایت « ، به قلهی اوج » محبت « فرآیند تکامل قوم توحیدگرای ایرانی از سکوی پرش مردم با آن بزرگواران ، با » رابطهی قلبی و عاطفی « هدی(علیهم صلوات الله) تسهیل شده ، ارمغان آوردهی این سفیران سرزمین وحی ، در هم آمیزد و از این ملت با استعداد ، »ِ معرفت « بهمرور آلیاژی سازد که به تعبیر ژرفنمای پیامبر رحمت عامل بقای اسلام در دوران پرمحنِ آخرالزمان گردند.

قدرشناسی ایرانیان از نمایندگان خاندان عترت در این سرزمین ، خصوصا آستانهای آسمانی حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام(، حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و حضرت احمد بن موسی (ملقب به شاهچراغ) و دیگر امامزادگان واجب التعظیم ، نه تنها این قطعات بهشتیِ ایران زمین را به مأمن و ملجأ جمعیت قابل ملاحظه ای از ساکنان این خطّه تبدیل کرده است ، بلکه اگر ژرفتر بنگریم ، به کانون اصلی توجه و عنایت مداوم اکثریت اهل این دیار باستانی

بدل گشته است.

از منظری دیگر ، نگاه راهبردی و اندیشهی برتر ایرانی ، در عرصهی اجتماعی ، سنن ارزشمندی

را به ارمغان آورده است؛ بزرگداشت نوروز ، گرامیداشت اهل علم ، و نکوداشت یاد درگذشتگان ،

نمونههایی از سنّتهای ایرانی است که در لسان نورانی ائمهی اطهار (علیهم السلام) به تحسین

از آن یاد شده است.

نامگذاری بازهی میلادگشتِ حضرت ثامن الحجج و تولّد موفورالسّرور شفیعهی آل الله ، خواهر

یکی از این » دههی کرامت « دردانهی آن حضرت یعنی اول تا یازده ذیالقعده به

جریانسازیهای اجتماعی هوشمندانه در دوران معاصر است.

ستاد بزرگداشت جشنهای دههی کرامت که مرکب از نمایندگان قریب به سی سازمان ،

نهاد و دستگاه کشور است طی سالهای متمادی و با اهتمام و جدیتی تحسین برانگیز ، به

ساماندهی جشنهای گستردهی مردمی در این ایام پرداخته ، میکوشد شور و برانگیختگی

کمنظیر عمومی در این ایام را با عطر دلانگیز معارف اهل بیت (علیهم صلوات المصلین(در هم

آمیزد.

ی این ستاد » کارگروه تولید محتوا « مجموعهی پیش رو دومین محصول از تلاش سالانهی

است که معارف و مضامین ناب قابل استفاده در قالبهای گوناگون فرهنگی را بهصورت موجز

اما کاربردی در اختیار فعالان این ستاد قرار میدهد.

امید که این تلاشها مرضیّ رضای بقیه السلف خاندان کرامت ، حضرت حجت بن الحسن

المهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء(قرار گرفته ، روشنگر مسیر رهپویان آن طریق نورانی باشد.

آستان مقدّس حضرت معصومه (سلام الله علیها(

سید محمد صادقی آرمان

تقدیم به

روح خدا در کالبد زمان ما(قدس سره الشریف)

و تربیتیافته و وصیّ او (ادام الله ظله الشریف)

نایب مقتدر مهدی موعود(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

که این طریق نورانی را پیش پای مشتاقان معرفت خاندان کرامت (علیهم السلام) گشودند.

اسامی ایام دهه کرامت سال ۴۹۳۱ بدین شرح است:

اول ذی القعده (ولادت حضرت معصومه (سلام الله علیها((: کریمه کریمه اهل بیت (علیهم السلام(؛ الگوی دختر مسلمان در تبعیت از ولیّ زمان

دوم ذی القعده (بازگشت آزادگان به میهن اسلامی (۴۹۳۳ ش((: قم؛ مأذنه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) ،منادی سبک زندگی ولایی

سوم ذی القعده: زندگی کریمانه؛ در سایه عمل به آموزه های مهدوی

چهارم ذی القعده (کودتای آمریکا برای بازگرداندن شاه (۴۹۹۲ ش)(: اهل بیت (علیهم السلام)؛ الگوی بصیرت و مقاومت در برابر مستکبران و طاغوتها

پنجم ذی القعده (روز تجلیل از امامزادگان و بقاع متبرکه): امامزادگان؛ علمداران معارف اسلامی ، مأمن فعالیتهای اصیل فرهنگی

ششم ذی القعده (روز بزرگداشت حضرت احمدبن موسی(شاهچراغ)روز جهانی مسجد/ روز علامه مجلسی(: حضرت احمدبنموسی(علیهما السلام)؛ مظهر امامشناسی و قیام در راه امام

هفتم ذی القعده: مسجد؛ پایگاه هدایت ، کانون کرامت

هشتم ذی القعده (روز بزرگداشت ابوعلی سینا/روز پزشک(: جوانان حوزه و دانشگاه؛زمینه سازان تحقق جامعه ی الگو

نهم ذی القعده(آغاز هفته دولت(: محبّت اهل بیت (علیهم السلام(؛ نقطهی پیوند دولت و ملت

دهم ذی القعده: آستان قدس رضوی؛ پرچمدار نشر فرهنگ قرآن و اهل بیت (علیهم السلام(

یازدهم ذی القعده (ولادت امام رضا (علیه السلام(/ روز کارمند(: عالم آل محمد (صلی الله علیه وآله) ، الهامبخش همدلی و همزبانی به مسلمین

فصل اول: کریمه اهل بیت (علیهم السلام)؛ الگوی دختر مسلمان در تبعیت از ولیّ زمان

حضرت فاطمه معصومه، مظهر تبعیت تمام عیار از ولی زمان خود مقام معظم رهبری

بدون تردید نقش حضرت معصومه (سلام اللّٰه علیها) در قم شدن قم و عظمت یافتن این شهر عریقِ مذهبیِ تاریخی ، یک نقش ما لا کلام فیه است. این بانوی بزرگوار ، این دختر جوانِ تربیتشدهی دامان اهلبیت پیغمبر ، با حرکت خود در جمع یاران و اصحاب و دوستان ائمه (علیهمالسّلام) و عبور از شهرهای مختلف و پاشیدن بذر معرفت و ولایت در طول مسیر در میان مردم و بعد رسیدن به این منطقه و فرود آمدن در قم ، موجب شده است که این شهر به عنوان پایگاه اصلی معارف اهلبیت (علیهمالسّلام) در آن دورهی ظلمانی و تاریکِ حکومت جباران بدرخشد و پایگاهی بشود که انوار علم و انوار معارف اهلبیت را به سراسر دنیای اسلام از شرق و غرب منتقل کند. (۱)

شباهت فاطمه معصومه با صدیقه طاهره (س) از جهات مختلف، مخصوصا در زمینه تبعیت و دفاع از ولایت

: «فداها ابوها» : همان گونه که پیامبر (ص) در شان حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود (پدرش به فدایش باد) ، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز در شان حضرت معصومه علیها حضرت معصومه علیها سلام همنام حضرت فاطمه زهراست؛ دراین .» فداها ابوها « : سلام فرمود نام رازها نهفته است. یکی از رازها این بود که در علم و عمل از رقبای خود پیشی گرفته و دیگر این که از ورود شیعیان به آتش دوزخ جلوگیری مینماید. همچنین از نظر کمالات علمی و عملی بی نظیر است.

دیگر این که گرچه مرقد مطهرش آشکار است و همانند مرقد مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها مخفی نیست ولی مطابق مکاشفهای که برای بعضی از اولیای خدا روی داده امام باقر یا کسی که مرقد حضرت معصومه علیها سلام را زیارت کند « : امام صادق علیهم السلام فرمودند به همان مقصودی نایل خواهد شد که از زیارت قبر حضرت زهرا سلام الله علیها نایل میشود.

از دیگر مشابهتهای حضرت معصومه علیها سلام به حضرت زهرا فداکاری ایشان در راه

اثبات ولایت بود زیرا حضرت معصومه علیها سلام نیز آن چنان تلاش کرد که جان خود را فدا

نمود و به شهادت رسید. (۲)

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۱۳۸۹/۷/۲۹،

۲- سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید آوینی aviny.com

حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) حق ولایتمداری را در دوران خود ادا کرد و همانگونه که حضرت زهرا (سلام الله علیها(با استدلالهای متین و استوار ، حقانیت ولایت حضرت علی (سلام الله علیه(را تبیین میکرد ، حضرت معصومه (سلام الله علیها(نیز همانند ایشان بود و روایاتی که از آن حضرت نقل شده اغلب درباره امامت و ولایت علی ابن ابی طالب(سلام الله علیه(است که با اثبات این ولایت ، ولایت دیگر امامان معصوم(صلوات الله علیهم(نیز ثابت میشود.آنجا که حضرت معصومه(س(از زبان خانم فاطمه زهرا(س(نقل نموده أنسیتم قول رسول اللّه یوم غدیر خمّ من کنت مولاه فعلیٌ مولاه(۱)؛ « : است که فرمود ۱ آیا سخن رسول خدا در روز غدیر را فراموش کردید که فرمود: هر که من مولای اویم علی مولای ». اوست

در اسلام به بحث امامت و ولایت توجهای اساسی شده است و از آن به عنوان یکی از اصول دین یاد میشود که منزلت هر موجودی و قبولی کلیه اعمال فرد مسلمان در گرو میزان ولایت پذیری او است. ولایت مداری و بصیرت دو مقوله مهم در مجموعهی روند تکاملی انسان است و اقتضای بصیرت ولایت مداری است.ولایت بذات از آن خداوند کریم است اما به اذن الهی یا أَی هَا الَّذینَ آمَنُوا « معصومین(علیه السلام(نیز از این ولایت برخوردارند. در آیه ۱۳ سوره نسا أَطیع وا اللَّهَ وَ أَطیع وا الرَّس ولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فی شَیْ ءٍ فَرُد وه إِلَی اللَّهِ وَ الرَّس ولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ ذلِکَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْویلًا؛ خداوند به اطاعت از اولی الامر دستور .» داده است

ولایت مداری نیز همچون دیگر مباحث اعتقادی از مباحث مهمی است که زنان نیز در طول تاریخ همپای مردان در آن نقش آفرین بودهاند که به طور نمونه میتوان به شخصیت ولایت

مدارحضرت معصومه (س(اشاره نمود که به تاسی از جده گرامیشان حضرت فاطمه(سلام الله علیها(و حضرت زینب(س(در دفاع از ولایت با هجرتی آگاهانه و از روی بصیرت توانستند در این زمینه نقش آفرینی کرده وبه عنوان الگویی شایسته برای زنان شیعه مطرح گردند. برجستگیها و ویژگیهای حضرت معصومه(س(دو محور است که آن همسنگری با ولایت و ولایت مداری ایشان به معنای واقعی بوده است.در زمان خلافت هارون و مأمون ، که ترجمه آثار علمی بیگانگان به اوج خود رسید؛ و مأمون میخواست دکانی در برابر مکتب علمی اهل بیت(علیه السلام(که در میدان علم و دانش در اوج شهرت بودند باز کند و بدین وسیله ، مشتریان آن مکتب را کم کند و از فروغ آن بکاهد. امام رضا(علیه السلام(در این شرایط ، انقلاب فکری عمیقی ایجاد کرد و جامعه را از سقوط در گرداب خطرناک انحراف و التقاط رهایی بخشید. ۴.

۱- الغدیر ، ج ،۴ ص ۴۳۳ ؛ اعلام النساء المؤمنات ، ص ۱۳۲

همچنین پرده از روی احادیث جعلی که به منظور لکه دار نمودن شخصیت ائمه(علیه السلام(در جامعه رواج یافته بود برداشت و فضایل و مناقب اهل بیت(علیه السلام(را آشکار کرد.

حضرت معصومه(س(نیز امام رضا(علیه السلام(را همراهی مینمود و با برقراری جلسات علمی که سلسله سند و محتوای احادیث آن حضرت گویای چنین مجالسی است ، از حریم امامت و ولایت دفاع میکرد. حضرت رضا(علیه السلام(به دعوت مأمون عباسی ، از مدینه عازم خراسان شد. یک سال از هجرت امام رضا(علیه السلام(میگذشت. حضرت معصومه(س(در فراق برادر ، بی تاب بود. امام رضا(علیه السلام(نامهای به خواهر خویش نوشت و از او خواست نزد او بیاید. از این رو ، آن بزرگوار آماده سفر گردید. زمان آن رسیده بود که فاطمه معصومه(س(فریاد غربت و حقانیت علی بن موسی الرضا(علیه السلام(را در فضایی بین سرزمین حجاز تا طوس طنین انداز کند و خود را برای جان سپاری در راه دفاع از ولایت آماده نماید. آن حضرت مشتاقانه رنج سفر را به جان خرید و قدم در این راه طولانی نهاد. در این سفر ، بیش از هزار علوی در التزام آن بانوی بزرگ اسلامی بودند. حضرت معصومه(س(عالمانه به حمایت از ولایت پرداخت و حیات و زندگی خود و دفاع از ولایت را در این دید که در کنار امامت و ولایت قرار گیرد؛ بنابراین از مدینه به قصد مرو حرکت کرد و در مسیر حرکت توطئه دشمنان را برملا کرد. این بانوی بزرگوار با بصیرت توانست امام زمان خود را بشناسد و به منظور حمایت از ولایت هجرت و جان خود را نثار کرد. حضرت معصومه(س(با این حرکت فقط از امام رضا(علیه السلام(دفاع نکرد بلکه از مقام ولایت که تجلی بخش نماد خدا پرستی و دین است دفاع کردند و درس ولایت مداری را به ما آموزش دادند. (۱)

شخصیتهای بزرگ دین ارج و منزلت بسیار والایی برای حضرت معصومه علیها سلام قائل

بودند و هستند و او را با حضرت زهرا سلام الله علیها مقایسه میکنند. حضرت امام خمینی (قدس سره) در قصیده ای که شامل ۱۱ بیت است او را با حضرت زهرای اطهر مقایسه کرده در بخشی از آن میگوید :

دختر چون این دو در مشیمه قدرت

نامد و ناید دگر هماره مقدر

آن یک امواج علم را شده مبدا

وین یک افواج حلم را شده مصدر

آن یک درعالم جلالت کعبه

.۴

۱- سایت ولایت و بصیرت rvelayat۳۰.persianblog.ir

وین یک در ملک کبریایی مشعر

لم یلدم بسته لب و گرنه بگفتم

دخت خدایند این دو نور مطهر

آن یک خاک مدینه کرد مزین

صفحه قم را نمود این یک انور

خاک قم این کرد از شرافت جنت

آب مدینه نموده آن یک کوثر

مقام علمی و معنوی والای حضرت فاطمه معصومه (س)

آیت الله سید نصر الله مستنبط

بی گمان شیرین ترین خاطره امام هفتم و خاندان نبوی(علیه السلام(از ماه ذیقعده ، در آغاز در افق امامت درخشیدن گرفت و کانون زندگی » نجمه « از برج » معصومه « آن بود ، که هلال امام(علیه السلام(را با انوار درخشانش پر فروغ تر ساخت. حضرت معصومه(س(ماه تابانی بود که لحظه ای از خورشید فروزان امامت جدا نشد و از دریای بیکران علوم پدرش، امام کاظم (علیه السلام(و برارش امام رضا(علیه السلام(کسب فیض نمود. حضرت معصومه (س(در سنین کودکی به مقامی رسید که به راحتی می توانست به پرسش های فقهی و عقیدتی مردم مدینه پاسخ بگوید و پاسخ هایش مورد پذیرش و شگفتی پدر بزرگوارش قرار بگیرد. طبق نقل برخی از ثقات ، مرحوم حاج سید نصرالله مستنبط (داماد مرحوم آیت الله خوئی(از کتاب نفیس و بی نظیر نقل کرده که روزی جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند و تعدادی پرسش در نامه » کشف الثانی « ای نوشته ، نزد خاندان امامت بردند. درآن هنگام حضرت موسی بن جعفر(علیه السلام(در سفر

بودند و امام رضا(علیه السلام(نیز در مدینه تشریف نداشتند. آن گروه از مدینه قصد عزیمت کردند و از این که خدمت امام(علیه السلام(نرسیده بودند و با دست خالی به وطن خود بر می گشتند ، بسیار اندوهگین بودند. حضرت معصومه(س(که در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بود; از مشاهده غم و اندوه آنان متأثر شد ، لذا پاسخ پرسش های آنان را نوشت و به آنها عنایت کرد. شیعیان ، مدینه را با سرور و شادی ترک کردند. آنان در بیرون مدینه با امام کاظم(علیه السلام(مواجه شدند و داستان خود را گفتند و دستخط حضرت معصومه(س(را ارائه دادند ، امام(علیه السلام(بسیار مسرور گشتند و شادی و ابتهاج خود را با این جمله بیان فرمودند : « فداها

ص: ۲،

کشف « از کتاب » مستنبط « پدرش به فدایش باد! این داستان جالب و پر ارج را مرحوم ; » ابوها

متوفای حدود ۲۱۱ ه ق نقل » ابن العرندس « تألیف دانشمند نامی شیعه در قرن نهم » الثانی

فرموده است. (۱)

یکی از فضایل حضرت زهرا (علیاالسلام) این است که پیامبر(صلی الله علیه و آله(در موارد

متعدد ، در شأن او فرمود: "فَداها اَبُوها؛ پدرش به فدایش باد." (۲) این تعبیر بیانگر اوج مقام ارجمند

حضرت زهرا(علیهاالسلام(است که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(در شأن او گفته است. وقتی

که میبینیم در مورد حضرت فاطمه معصومه(علیهاالسلام(نیز نظیر این مطلب از پدرش امام

کاظم(علیه السلام(روایت شده ، این مطلب حکایت گر شأن والای ایشان میباشد.

پیوند ولایی حضرت فاطمه معصومه با امام رضا (علیه السلام)

آیت الله العظمی جوادی آملی

از آنجا که حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها(که از دودمان نبوت و ولایت است به

جایی میرسد که امام هشتم و امام نهم(سلام الله علیهما(درباره زیارت او هم توصیه و سفارش

و هم دستور و برنامه دارند ، لذا از وجود مبارک امام هشتم علیبنموسی الرضا (سلام الله علیهما(

رسیده است که ، خواهر ما فاطمه معصومه در قم مدفون است]و[هر کس این بانو را زیارت کند

بهشت برای او است ، (۳) و از وجود مبارک امام نهم امام محمد تقی(سلام الله علیه(روایت شده

است که عمّه من فاطمه معصومه(س(در قم مدفون است و هر کس آن حضرت را زیارت کند

بهشت برای او است. (۴) ... اعمالی که باعث ورود در بهشت است یکسان نیست؛ بعضی از عملهای خیر باعث

میشود انسان به بهشت راه پیدا کند ، بعضی از اعمال خیر سبب میشود که بهشت در اختیار او

قرار بگیرد ، نه او در اختیار بهشت ، لذا سرّ اینکه وجود مبارک امام هشتم و امام نهم(سلام الله

علیهما(فرمودند ، هر کس کریمه اهلبیت فاطمه معصومه (سلام الله علیها(را زیارت کند بهشت برای او است ، بدین خاطر است که او اهل ولایت است ، اگر کسی پیوند ولایی با دودمان عصمت و طهارت داشته باشد ، میکوشد که رایحه ولایت و طعم ولایت در هستی او پدید آید و شد ، در آن صورت بهشت » ولیّالله « خود جزء اولیای الهی بشود ، اگر کسی جزء اولیای خدا شد ، مشتاق او است.

۱- سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان tebyan.net

۲- بحار ، ج ،۱۹ ص ۲۱ و

۳- » فاطمه بنت موسی بن جعفر)ع(بقم فقال من زارها فله الجنه « ؛ ۹. وسائل الشیعه ، ج ،۴۱ ص ۱

۴- » من زار قبر عمتی بقم فله الجنه « ؛ ۱. وسائل الشیعه ، ج ،۴۱ ص ۱

إشفَعی لیّ فی الجنه فإن لَکِ عِندَ ،» الله شأناً من الشأن (۱)« ... اینکه همه بزرگان در پیشگاه این کریمه عرض میکنند

۱ معلوم میشود که وجود مبارک این کریمه از ولایت الهی برخوردار است

و با قرآن همراه است و از قرآن جدا نمیشود، چنین مقامی را اگر کسی بشناسد و آن حضرت

را با این معرفت زیارت کند استحقاق بهشت را خواهد داشت.

همه این امور نشان میدهد که حضرت فاطمه معصومه(س) به چه جایگاهی رسیده است که

امام هشتم و امام نهم(سلام الله علیهما(هم ترغیب کردهاند که آن حضرت را زیارت کنید به

نحوی که وجود مبارک امام رضا امام هشتم(سلام الله علیه(زیارتنامه خاصی مقرر کرده است ، و

هم در این زیارتنامه جملههایی را تعبیه نمودند که نشانه مقام و منزلت والای حضرت فاطمه

معصومه (سلام الله علیها(است. (۲)

حضرت فاطمه معصومه، ترویج کننده ولایت اهل بیت در زمان خود

اشاره

قابل ذکر است تاریخ اسلام بانوان محدّثه متعددی را در صفحات خویش جای داده است که

این محدّثات در عصر رسالت به ۱۱ نفر و در عصر امیرمؤمنان علی علیه السلام به سیزده نفر و

همچنین راویان زن از فاطمه زهرا علیهاالسلام به هفت نفر ، از امام حسن علیه السلام به چهار

نفر ، راویان زن از امام حسین به سه نفر ، از امام سجاد علیه السلام به سه نفر ، امام باقر علیه

السلام چهار نفر ، امام صادق علیهالسلام ۹۹ نفر ، امام کاظم علیه السلام به پنج نفر ، امام رضا

علیه السلام به هشت نفر ، و از امام جواد علیه السلام به پنج نفر و از امام هادی علیه السلام به

سه نفر ، و از امام حسن عسکری علیهالسلام به یک نفر میرسند. (۳)

در بین این محدّثها نام فاطمه معصومه سلامالله علیها در بین راویان پدرش امام هفتم علیه

السلام و برادرش حضرت رضا علیه السلام میدرخشد. که به نمونه از روایات آن بانو اشاره میشود. (۴)

۱– حدیث منزلت

حضرت فاطمه معصومه از فاطمه دختر امام صادق علیه السلام از فاطمه دختر امام باقر علیه السلام ، از فاطمه دختر امام سجاد علیه السلام ، از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه

۱– مفاتیح الجنان ، زیارت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)
۲– شاخصه های وجودی مقام و منزلت حضرت معصومه(س) از منظر آیت الله العظمی جوادی آملی ۱۱ بهمن ۱۳۹۳
۳– الغدیر ، علامه امینی ، ج ۴، ص ۴۳۳ / بحارالانوار ، ج ۹۱، ص ۹۱۹ / عوالم ، ج ۴، ص ۹۱۹، حدیث ،
۴– مقام علمی حضرت معصومه علیهاالسلام ، نویسنده: سید جواد حسینی ، سایت راسخون rasekhoon.net

انسیتم قول رسول الله « : السلام از امکلثوم دختر حضرت فاطمه از ایشان نقل میکند که فرمود

یوم غدیر خمٍّ: من کنت مولاه فعلی مولاه و قوله: انت منّی بمنزله هارون من موسی (۱)؛ آیا سخن

رسول در روز غدیر را فراموش کردید که فرمود: هر کس من مولای اویم علی مولای اوست (و

آیا فراموش کردید که(جایگاه تو (علی(نسبت به من مانند (جایگاه(هارون (در برابر(موسی

». است

۲- حب اهل بیت علیهم السلام

حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام با سند فوق تا میرسد به زینب دختر علی و او از مادرش

الا من مات علی حبّ آل محمدّ مات شهیداً « : فاطمه زهرا علیهماالسلام نقل نموده که فرمود (۲) ؛

». همانا هر کس با محبت آل محمد(صلی الله علیه و آله(بمیرد؛ شهید مرده است

۳- دوستداران علی علیه السلام

فاطمه معصومه (علیهاالسلام(از فاطمه دختر امام صادق علیه السلام با همان سند فاطمیات

نقل میکند تا میرسد به ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین و او از فاطمه زهرا علیهماالسلام نقل

هنگامی که مرا به آسمان بردند داخل بهشت شدم ، در آنجا « : میکند که پیامبر اکرم فرمود

قصری از درّ سفید میان خالی دیدم که دارای دری بود زینت شده با درّ و یاقوت و روی آن

لا اله الّا الله ، محمد رسولُ « : پردهای آویخته بود. وقتی سر بلند کردم دیدم بر بالای آن نوشتهاند

الله ، علیّ ولی القوم؛ خدایی جز خدای یگانه نیست ، محمد رسول خداست ، علی ولیّ و صاحب

بخٍ بخٍ مَن مثل شیعه علیٍّ؛ به به چه کسی مانند « : اختیار مردم است و بر پرده نوشته شده بود

». شیعه علی است

وقتی داخل شدم قصری از عقیق سرخ در آن دیدم که وسط آن خالی بود این خانه نیز دری

داشت که پردهای مزیّن به زبرجد بر آن آویخته بود. وقتی سرم را بلند کردم دیدم بر او نوشته

و بر ». محمّد رسول الله ، علی وصیّ المصطفی؛ محمد رسول خدا ، علی وصی مصطفی است «

وقتی ». بشّر شیعهَ علیٍّ بطیب المولد؛ به شیعه علی بشارت بده به حلال زادگی « پرده نوشته بود

وارد شدم به قصری از زمرّد سبز رسیدم که زیباتر از آن را هرگز ندیده بودم. دری از یاقوت قرمز

شیعیان ؛» شیعه علیّ هم الفائزون « : داشت که با انواع لؤلؤ زینت شده بود. بر پرده آن نوشته بود

علی رستگارانند.

۱- عوالم ، ج ۲۱ ص ۳۵۴حدیث ۳/ آثار الجنه ، ج ۱ ص ۸-۹

۲- بحارالانوار ، ج ۶۸ص ۷۷عوالم ، ج ۲۱ص ۳۲۵ینابیع الموده ، ص ۲۵۷المسلسلات ، شیخ ابوجعفر بن احمد قمی ، ص ۱۰۸

پرسیدم: دوست من جبرئیل ، این کاخ از آن کیست؟

یا محمّد ، لابن عمّک و وصیّک علیّ بن ابی طالب(علیه السلام(یحشر النّاس « : پاسخ داد

کلّهم یوم القیامه حفاةٌ عراةٌ الّا شیعه علیّ...؛ ای محمد! این خانه پسرعمو و جانشین تو علی بن

ابی طالب است ، در روز قیامت همه مردم پا برهنه و عریان محشور میشوند ، جز شیعیان علی ، و

همه مردم با نام مادرشان صدا میشوند جز شیعیان علی که با نام پدرانشان خوانده میشوند.

لانّهم احبّوا علیّاً فطاب مولدهم؛ چون علی را دوست « : درباره راز این مسئله پرسیدم ، پاسخ داد

داشتند ولادتشان پاک (و حلال(گردید.

۴- پاکیزگی امام حسین علیه السلام

فاطمه معصومه علیهاالسلام با سندش تا میرسد به صفیّه عمّه پیامبر اکرم نقل نموده که

وقتی امام حسین متولد شد من پرستارش بودم. پیامبر اکرم فرمود: عمه جان فرزندم را نزد من

فقلت: یا رسول الله انالم ننظفه لله فقال: یا عمه انت تنظفه؟ ان الله تبارک و تعالی قد نظفه « . آور

مطهّرهٔ؛ عرض کردم ای رسول خدا! من او را پاکیزه نکردهام (و نشستهام(فرمود: عمه! تو

». میخواهی او را پاک کنی؟ خداوند او را پاکیزه و مطهر کرده است (۱)

۵- ارزش قم

آن بانوی مکرمه هنگامی که در ساوه بیمار گشت به اطرافیان خویش فرمود: مرا به قم ببرید

». زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: شهر قم مرکز شیعیان ما میباشد (۲)

بازخوانی مقام و منزلت حضرت معصومه (سلام الله علیه) از نظر برخی علما و بزرگان

آیت الله العظمی بروجردی

آیتالله العظمی بروجردی به خاطر حضرت معصومه (سلام الله علیها(شاه عربستان را

نپذیرفت وقتی در عصر مرجعیت عامه آیتالله العظمی بروجردی ، پادشاه عربستان به ایران آمد و توسط سفیر خود ملاقات با این مرجع بزرگ شیعی را تقاضا کرد. آقا اجازه نفرمودند! اطرافیان گفتند مصلحت است که شما اجازه ملاقات بدهید. ایشان فرمودند: او وهابی است اگر به قم بیاید ، به زیارت حضرت معصومه(سلام الله علیها(نمیرود و این هر چند غیر مستقیم توهینی به ساحت ملکوتی ایشان است.

۱- بحارالانوار ، ج ۴۳ص ۲۴۳

۲- دریای سخن ، سقازاده تبریزی به نقل بارگاه فاطمه معصومه ، همان ، ص ۴۵- ۴۶

علامه طباطبایی

مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی غروبهای ماه رمضان با پای پیاده با کهولت سن به حرم حضرت فاطمه معصومه(سلام الله علیها(میآمد و با بوسه بر ضریح آن حضرت روزه خود را افطار میکرد ، سپس به خانه رفته و غذا میخورد.

آیت الله حسن زاده

آیتالله حسن رمضانی از شاگردان علامه حسن زاده آملی میگوید: چندین سال پیش، دانشگاه قم برای تجلیل از مقام حضرت فاطمه معصومه سلاماللهعلیها قصد برگزاری یک همایش را داشت و از من خواستند که واسطه شوم و حضرت استاد دعوت کنم. معمولا حضرت استاد به خاطر کسالت و اشتغالات فراوانشان این دعوتها را قبول نمیکردند ، اما وقتی این مسأله را مطرح کردم با کمال صفا و صمیمیت و تمام وجود ، سریعاً قبول کردند. ایشان در آنجا اگر برای من ممکن بود و مواجه با « : جملهای بیان کردند که همه را منقلب کرد و آن این بود مشکل نمیشدم ، برای تجلیل از شخصیتی مانند فاطمه معصومه سلام الله علیها این مسیر را »! سینهخیز میآمدم

شیخ محمد تقی تستری

شیخ محمد تقی تُستری ، در قاموس الرجال ، حضرت معصومه (س(را به عنوان بانوی اسوه معرفی کرد و فضیلت وی را در میان دختران و پسران حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام(، در « : غیر از امام رضا (علیه السلام(بی نظیر دانسته است. ایشان در این زمینه چنین مینویسند میان فرزندان امام کاظم (علیه السلام(با آن همه کثرتشان ، بعد از امام رضا (علیه السلام(کسی بی گمان این گونه اظهار نظرها و نگرش به شخصیت .» هم شأن حضرت معصومه (س(نیست

فاطمه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام(بر برداشت هایی استوار است که از متن و روایات وارده از ائمه اطهار (علیه السلام(به دست آمده است. این روایت ها ، مقام هایی را برای فاطمه معصومه (س(برشمرده اند؛ مقامی که نظیر آن ، برای دیگر برادران و خواهران وی ذکر نکردهاند و به این ترتیب ، نام فاطمه معصومه (س(درشمار زنان برتر جهان قرار گرفته است.

آیت الله مرعشی نجفی

مرحوم آیتالله العظمی سید شهابالدین مرعشی نجفی در مدت ۱۱ سالی که در شهر قم اقامت داشت ، سحرها اولین زائر حرم حضرت معصومه(سلام الله علیها(بود. ایشان در طول سال چه شبهای سرد زمستان و چه شبهای گرم تابستان قم قبل از اذان صبح پشت درهای حرم به انتظار میایستاد تا پس از باز شدن درها اولین زائر حضرت باشد. (۱)

۱- شیعه نیوز Shia-news.com

آقای شیخ عبدالله موسیانی (از شاگردان آیه الله مرعشی(نقل میکنند که: حضرت آیه الله مرعشی نجفی به طلاب میفرمودند: علت آمدن من به قم این بود که پدرم (که از زهاد و عباد معروف بود(چهل شب در حرم حضرت علی (علیه السلام(بیتوته نمود که آن حضرت را ببیند ، شبی در حالت مکاشفه حضرت را دیده بود که به ایشان میفرمایند: سید محمود چه میخواهی؟ عرض میکند: میخواهم بدانم قبر حضرت فاطمه زهرا(علیه السلام(کجا است؟ تا آن را زیارت کنم. حضرت فرمود: من که نمیتوانم (بر خلاف وصیت آن حضرت(قبر او را معلوم کنم. عرض کرد: پس من هنگام زیارت چه کنم؟ حضرت فرمود: خدا جلال و جبروت حضرت فاطمه زهرا(علیه السلام(را به فاطمه معصومه (س(عنایت فرموده است ، پس هر کس بخواهد حضرت زهرا(علیه السلام(را درک کند به زیارت فاطمه معصومه(س(برود. آیه الله مرعشی میفرمودند: پدرم مرا سفارش میکرد که من قادر به زیارت ایشان نیستم اما تو به زیارت آن حضرت برو. لذا من به خاطر همین سفارش، برای زیارت فاطمه معصومه(س(و ثامن الائمه(علیه السلام(آمدم و به اصرار موسس حوزه علمیه قم (آیه الله حائری(در قم ماندگار شدم. (۱)

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

روزی به حرم مطهر حضرت فاطمهی معصومه (س(مشرف شدم و پس از اینکه زیارت را خواندم ، خدمت آن حضرت عرض کردم که من امروز آمده ام و هیچ حاجت دنیوی ندارم. فقط مورد عنایت شما واقع شوم و این آیه » تطهیر « یک حاجت دارم و آن این است که درفهم آیهی را درست بفهمم و مشکلاتم در این زمینه حل گردد. پس به خانه آمدم و مشغول نوشتن مطالبی پیرامون این آیهی شریفه شدم؛ پس مسائل و مطالبی به برکت حضرت فاطمهی معصومه (س(برای من روشن شد که شاید اگر پنجاه سال دیگر درس میخواندم آن مطالب برای ما روشن

»! نمیشد (۲)

ملاصدرا

مرحوم صدر المتألهین شیرازی (ملاصدرا) ، فیلسوف بزرگ جهان اسلام و صاحب کتاب

که یکی از شاهکارهای مهم در زمینهی علم فلسفه به شمار میرود » اسفار اربعه « گرانسنگ

در سالهای اواخر عمر پر برکت خود ، به قم آمد و در روستای کهک از توابع این شهر مقیم

گشته و در آنجا به تحریر مباحث فلسفی مشغول شده بود. ایشان نقل کرده است :

هرگاه در زمینهی فلسفه ، مشکلی برایم پیش میآمد که از حلّ آن عاجز میماندم ، با پای

پیاده از کهک به قم میرفتم و به کنار قبر حضرت فاطمهی معصومه سلام اللّه علیها رفته ، از

۱- پایگاه خبری شیعه آنلاین Shia-online.ir

۲- بارگاه فاطمه معصومه (س) تجلیگاه فاطمه ی زهرا(س) ، ص ۱۲،

آن حضرت استمداد مینمودم. با این کار ، مسأله و مشکل من حل میشد و سپس به روستای کهک باز میگشتم. (۱)

همدلی با ولی زمان و ولایت پذیری علت شهادت حضرت فاطمه معصومه

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی با بیان این که علما و فضلایی که در حوزه علمیه مشغول به تدریس و یا ترویج معارف اهل بیت(علیه السلام(هستند باید روح جهادی حضرت معصومه(س(را در پاسداشت از دین و مقام ولایت درک و از حوزه پاسداری کنند ، میگویند: منظور از نشر معارف اهل بیت(علیه السلام(این است که در مقابل جبارین و مستکبرینی که نمیخواهند این معارف در جامعه احیا شود ، ایستادگی کرد و آن موقع است که علم و جهاد و دین و سیاست با هم همراه میشود و این همان نگاه حضرت معصومه(س(به نشر معارف دین و ائمه معصومین(علیه السلام(بود. اگر حضرت معصومه(س(با این نگاه زندگی نمیکرد و به مقام ولایت کاری نداشت و در مقابل جبارین زمان نمیایستاد به طور قطع او را مسموم و شهید نمیکردند.... حضرت معصومه(س(یکی از بانوانی است که همواره مورد توجه ویژه ائمه اطهار (علیه السلام(بوده است و شاید توجهات و روایاتی که در خصوص مقام و منزلت این بانو نقل شده است تنها درباره دو نفر از بانوان دیگر اسلام مشابه آن را ببنیم که یکی در مورد حضرت فاطمه زهرا(س(و دیگری زینب کبری(س(است... تقوای فوق العاده ، اشتغال به عبادت ، توجه به خدا ، علم و فضیلت و دانش در پاسخگویی به سئوالات شیعیان و مسلمانان در زمانی که پدر بزرگوارشان در زندان به سر میبردند ، اهتمام بلیغ و شدید وی به نشر احادیث اهل بیت(علیه السلام(، ولایت پذیری و مقام جایگزینی امام معصوم(علیه السلام(زمانی که امام در اسارت یا سفر به سر میبرد و... از جمله دلایل عظمت و بزرگی این بانوی نمونه است. (۲)

اگر حریم ولایت در خطر باشد، پرده نشینی برای زن جایز نیست!

یکی از بانوان اهل بیت علیهم السلام که به نقل و تعلیم و تعلم حدیث معروف است جناب فاطمه معصومه سلام الله علیها میباشد. گرچه جناب مجلله صدیقه کبری سلام الله علیها ناقل احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین حضرت زینب سلام الله علیها نیز ناقل کلمات مادر بزرگوار خود میباشند و خطبه فدکیه را از ایشان نقل کردهاند.

حتی در بعضی از نقلهاست که حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام بعضی از سوالاتی را که از جناب ایشان پرسیده میشد به فاطمه معصومه سلام الله علیها ارجاع میدادند که این مسأله

۱- جهاد با نفس، ج ۴ ص ۱۸۵

۲- سخنان آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی در چهارمین جشنواره ملی،فرهنگی ،هنری کریمه اهل بیت (ع) در شبستان امام خمینی(ره) حرم مطهر حضرت معصومه(س)،۱۳۸۹/۰۷/۱۷

علاوه بر این که بر جلالت شأن این بانو دلالت دارد ، تعمد امام موسی بن جعفر علیهماالسلام

برای معرفی ایشان را نیز میرساند و به احتمال قوی آن حضرت سوالاتی را ارجاع میدادند که از

جانب بانوان مطرح میشده است و این جدای از این که به نوعی ترویج عفت میباشد ترویج علم

آموزی بانوان نیز میباشد چرا که در مکتب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برخلاف آن

برداشت تحجرآمیزی که بعضی از فِرَق دارند ، علم آموزی زنان در عرض علم آموزی مردان مورد

» طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه « : تأکید واقع شده است (۱)

اهل بیت علیهم السلام هیچ گاه از نقل حدیث زنان نهی ننمودهاند و تعداد زنانی که در طول

تاریخ اسلام محدث بودهاند و در واقع در این زمینه پیرو فاطمه زهرا و فاطمه معصومه سلام الله

علیهما بودهاند خارج از شماره است.

مرحوم علامه محمد تقی شوشتری در خاتمه کتاب رجال مفصل و گرانسنگ خود ، بخشی را

به بانوان محدث و ذکر شرح حال آنان اختصاص دادهاند که تعداد آنها به ۱۴۰ نفر میرسد. (۲)

ایشان در همین کتاب وقتی که به فاطمه دختر امام رضا علیه السلام میرسند ، حدیث جالبی را

که راویان آن همگی زن و همگی "فاطمه" نام بودهاند را نقل مینماید که فاطمه معصومه سلام

الله علیها نیز در این سلسله طلایی نام مبارکش موجود میباشد و ما از باب تبرک و تیمن این

حدیث را در این جا با سند آن ذکر مینماییم تا اینکه وقتی میگوییم فاطمه معصومه سلام الله

بوده است لاأقل یک حدیث هم که شده از آن بانو خوانده باشیم. » محدثه « علیها

اگرچه در دین اسلام تأکید شده است که زنان حتی الإمکان در پس پرده عفاف حجاب باشند و

حضور در درون سنگر خانه و جبهه جهاد تربیت انسان، برای آنها از هر چیز دیگری بهتر است

اما این مادامی است که این جهاد با واجب بزرگتری که دفاع از حریم ولایت است تزاحم

نداشته باشد.

عن فاطمه بنت الرضا عن فاطمه بنت الكاظم عن فاطمه بنت الصادق عن فاطمه بنت الباقر «

عن فاطمه بنت السجاد عن فاطمه بنت الحسين عن أم كلثوم عن أمّها فاطمه بنت الرسول صلى

الله عليه و آله قالت :

أنسيتم قول النبى صلى الله عليه و آله يوم غدير خم: "من كنت مولاه فعليّ مولاه" و قول

النبى صلى الله عليه و آله له: "أنت منى بمنزله هارون من موسى "؟» (۳)

۱- مشکاة الأنوار ص ۲۳۶

۲- قاموس الرجال ج ۱۲ ص ۱۸۱

۳- قاموس الرجال ج ۱۲ ص ۳۳۴

اهل بیت علیهم السلام هیچ گاه از نقل حدیث زنان نهی ننمودهاند و تعداد زنانی که در طول تاریخ اسلام محدث بودهاند و در واقع در این زمینه پیرو فاطمه زهرا و فاطمه معصومه سلام الله علیهما بودهاند خارج از شماره است

یعنی: آیا فراموش کردید فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله را در مورد علی «... أنسیتم » علیه السلام؟

و باز الگوی دیگری برای بانوان در زمینه دفاع از حریم امامت و ولایت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها میباشند که به دنبال امام خود از مدینه ، آن همه سختی راه را تحمل کردند و خود را با زحمت به ساوه رساندند اما تقدیر این بود که به قم بروند و از آنجا به ذرای همیشه تاریخ نورافشانی کنند! فاطمه معصومه سلام الله علیها در این زمینه قطعا از مادر بزرگوار خود صدیقه کبری الگوبرداری نموده بودند.

از این ابحاث میتوان این گونه نتیجه گیری نمود که اگرچه در دین اسلام تأکید شده است که زنان حتی الإمکان در پس پرده عفاف حجاب باشند و حضور در درون سنگر خانه و جبهه جهاد تربیت انسان ، برای آنها از هر چیز دیگری بهتر است اما این مادامی است که این جهاد با واجب بزرگتری که دفاع از حریم ولایت است تزاحم نداشته باشد. آن وقت طبق قاعده "تقدیم اهمّ بر مهم" حتی فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز که عفیف ترین بانوی جهان بوده است به مسجد میرود و خطبه میخواند اما نه در حالت عادی بلکه فقط هنگام ضرورت ! (۱)

تبعیت از ولی زمان تا آخرین لحظه زندگی

در سال ،۱۱ هجری قمری در پی اصرار و تهدید مأمون عباسی سفر تبعید گونه حضرت رضا(علیه السلام(به مرو انجام شد و آن حضرت بدون اینکه کسی از بستگان و اهل بیت خود

را همراه ببرند راهی خراسان شدند. یک سال بعد از هجرت برادر ، حضرت معصومه(س(به شوق دیدار برادر و ادای رسالت زینبی و پیام ولایت به همراه عدهای از برادران و برادرزادگان به طرف خراسان حرکت کرد و در هر شهر و محلی مورد استقبال مردم واقع میشدند.

اینجا بود که آن حضرت نیز همچون عمه بزرگوارشان حضرت زینب(س(پیام مظلومیت و غربت برادر گرامیشان را به مردم مؤمن و مسلمان میرساندند و مخالفت خود و اهل بیت(علیه السلام(را با حکومت حیلهگر بنیعباس اظهار میکرد. بدین جهت تا کاروان حضرت به شهر ساوه رسید ، عدهای از مخالفان اهل بیت که از پشتیبانی مأموران حکومت برخوردار بودند ، سر راه را گرفتند و با همراهان حضرت وارد جنگ شدند و در نتیجه تقریباً همه مردان کاروان به شهادت رسیدند ، حتی بنابر نقلی حضرت(س(معصومه را نیز مسموم کردند.

۱- حمید حاج علی ۰ مدّرس حوزه علمیه ۰ سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان tebyan.net

به هر حال ، یا بر اثر اندوه و غم زیاد از این ماتم و یا بر اثر مسمومیت از زهر جفا ، حضرت فاطمه معصومه(س(بیمار شدند و چون دیگر امکان ادامه راه به طرف خراسان نبود قصد شهر قم را کرد. حضرت فاطمه معصومه(س(فرمود مرا به شهر قم ببرید ، زیرا از پدرم شنیدم که « : میفرمود شهر قم مرکز شیعیان ما است ».

بزرگان شهر قم وقتی از این خبر مسرتبخش مطلع شدند به استقبال آن حضرت شتافتند و در حالیکه موسی بنخزرج بزرگ خاندان اشعری زمام ناقه آن حضرت را به دوش میکشید و عده فراوانی از مردم پیاده و سواره گرداگرد کجاوه حضرت در حرکت بودند ، حدوداً در روز ،۹ ربیع الاول سال ،۱۴ هجری قمری حضرت وارد شهر مقدس قم شدند.

سپس، در محلی که امروز میدان « میر » نامیده میشود شتر آن حضرت در جلو در منزل موسی بن خزرج زانو زد و افتخار میزبانی حضرت نصیب او شد. حضرت فاطمه معصومه(س(به مدت ۴۳ روز در این شهر زندگی کرد و در این مدت مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال بود ، محل عبادت آن حضرت در مدرسه ستیه به نام بیتالنور هم اکنون محل زیارت ارادتمندان آن حضرت است.

سرانجام در روز دهم ربیع الثانی و بنا بر قولی دوازدهم ربع الثانی سال ،۱۴ هجری پیش از آن که دیدگان مبارکش به دیدار برادر روشن شود ، در دیار غربت و با اندوه فراوان دیده از جهان فرو بست و شیعیان را در ماتم خود به سوگ نشاند. مردم قم با تجلیل فراوان پیکر پاکش را به سوی محل فعلی که در آن روز بیرون شهر و به نام باغ بابلان معروف بود تشییع کردند. (۱)

آل سعد در سرزمین بابلان سردابی حفر کردند تا آن را مقبره حضرت معصومه(س(قرار دهند.

هنگامی که قبر مهیا شد ، در مورد اینکه چه کسی وارد قبر شود ، به بحث و مشورت پرداختند ، تا

به اتفاق نظر رسیدند. کسی را به دنبالش » قادر « آن که در مورد پیرمرد پرهیزگاری به نام فرستادند ، تا او را به باغ بابلان برای انجام این امر مهم فراخواند. پیش از آن که قادر بیاید ، دو سوار نقاب پوش از جانب ریگزار نمایان شدند ، نزدیک آمدند و بر جنازه نماز خواندند و جسم پاک ریحانه رسول خدا(ص(را دفن نمودند و بدون اینکه با کسی صحبت نمایند ، سوار شدند و از محل دور شدند و کسی هم آنها را نشناخت!

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی(ره(فرمودهاند: هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار ، امامان معصومی باشند که برای این امر مهم به قم آمدند. بعضی احتمال دادهاند که آن دو نقابدار ، امام رضا(علیه السلام(و امام جواد(علیه السلام(بودهاند. همان طور که امام موسی بن جعفر(علیه ، با اعجاز از مدینه به » شطیطه « السلام(برای مراسم کفن و دفن یک شیعه خالص به نام نیشابور تشریف آورد و هنگام عزیمت فرمود: من و هر کس از امامان اهل بیت که بعد از من به

۱- خبرگزاری بین المللی قرآن iqna.ir

جای من بنشیند ، به ناگزیر باید در تشییع جنازه شما حاضر شویم؛ در هر شهری که باشید شما نیز تقوا پیشه کنید و اعمال خود را نیکو سازید تا ما را در رهایی بخشیدن از آتش جهنم یاری نمایید.

این موضوع در مورد حضرت معصومه(س(نیز صدق میکند. علاوه بر آن ، بانوی آسمانی قم ، است و طبق فقه اهل بیت(علیه السلام(، پیکر معصوم » معصومه « (به تعبیر امام رضا(علیه السلام باید به دست معصوم تجهیز و تدفین شود ، چنان که حضرت زهرا(س(را امیرالمومنین(علیه السلام(و حضرت مریم(س(را حضرت عیسی(علیه السلام(غسل داد.

فاطمه زهرا و فاطمه معصومه علیهما السلام شیداترین پروانههای شمع امامت بودند؛ پروانههای عاشقی که سوختند و به همگان آموختند که امام بر حق چونان کعبه است؛ کعبهای مثل الامام مثل الکعبه اذ توتی و « : که مردم بایستی بر گردش طواف نمایند ، نه او بر گرد مردم ». لا تاتی (۱)

نمونه ای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

معرفی کریمه اهل « ۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع بیت (علیهم السلام(حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها(و چگونگی الگوگیری دختر

» مسلمان امروز از آن حضرت

کهکشان « ،. برگزاری نمایشگاه موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در نرم افزار

(» کرامت

۹. تولید بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل به همراه مسابقه

ویژگیهای دختر « یا »(حضرت معصومه(سلام الله علیها « ۱. شناسایی کتاب مناسب با موضوع

برای طیفهای گوناگون مخاطب سازمان متبوع (کودک، نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی » مسلمان

و...(و برگزاری مسابقه کتابخوانی از آن کتاب

حضرت معصومه(سلام الله « ۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع

و مشارکت با صداوسیمای استانی برای برگزاری گفتگوی » ویژگیهای دختر مسلمان « یا »(علیها

تلوزیونی یا رادیویی

حضرت معصومه(سلام الله « ۱. برگزاری فراخوان شعر ، متن ادبی ، کاریکاتور و... در دو موضوع

» ویژگیهای دختر مسلمان « یا »(علیها

۳. تولید پوستر و کارت پستال و فلش کارت موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در

(» کهکشان کرامت « نرم افزار

۱- نویسنده: حمید شریف زاده ، روزنامه کیهان ۰ شماره ۲۰۰۳۵ به تاریخ ۹۰/۷/۷، صفحه ۶

یا »(حضرت معصومه(سلام الله علیها « ۲. فراخوان مسابقه وبلاگ نویسی با موضوع

» ویژگیهای دختر مسلمان «

۳. برگزاری میزگرد تحلیلی ، کرسی آزاداندیشی یا پرسش و پاسخ با هدف تحلیل ابعاد موضوع

در دانشگاهها و حوزههای علمیه خواهران » ویژگیهای دختر مسلمان «

۴۱ . برگزاری work shape با حضور خوشنویسان ، هنرمندان گرافیست و... در بقاع متبرکه

یا پایگاههای فرهنگی اصلی شهر برای تولید آثار هنری با محتوای تولیدی در کتاب و دعوت از

هنردوستان و عموم مردم علاقمند

۴۴ . برگزاری مسابقات ورزشی (ویژه محلات ، دانشگاهها ، پایگاههای بسیج و...(با شعار

و برگزاری همایش بزرگ پایانی با برنامههای متنوع فرهنگی ویژه » دختر مسلمان؛ دختر برتر «

دهه کرامت و اهدای جوایز تیمهای برتر

۴، . برگزاری مسابقات پیامکی از مضمون کارت پستال یا پوستر طراحی و توزیع شده (از نرم

و اهدای جوایز به پاسخهای برتر »؟ پیام این طرح چیست « افزار کهکشان کرامت(با عنوان

فصل دوم: قم؛ مأذنه اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه وآله) – منادی سبک زندگی ولایی

مروری بر برخی از بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در مورد الگو بودن شهر قم

افتخار امام خمینی (ره) به قمی بودن خود

قم حرم اهل بیت است. قم مرکز علم است. قم مرکز تقواست. قم مرکز شهادت و شهامت است. از قم ، علم به همه جهان صادر شده است و به همه جا صادر میشود. قم شهری است که در آن ایمان و علم و تقوا پرورش یافته. از آن وقتی که قم بوده ، قم از زمان ائمه اطهار مورد توجه اسلام بوده است. از قم تقوا ، شجاعت ، شهامت و همه فضایل به همه جا صادر میشود و صادر خواهد شد. علمایی که در قم من ادراک کرده ام کسانی بودند که در دنیا نمونه بودند ، در علم و در تقوا. من امیدوارم که ادامه پیدا کند این علم و تقوا در شهر شما تا زمان ظهور امام زمان سلام الله علیه من هر جا باشم ، قمی هستم و به قم افتخار میکنم. دل من پیش قم است و قمی و دل من پیش همه اهل تقوا و همه کسانی] است [که به اسلام خدمت میکنند. من اگر چه از قم معالأسف ، تا یک مقداری دور هستم ، لکن به حسب قلب ، نزدیکم. از شما جوانهای عزیز تشکر میکنم که آمده اید و در این جای تنگ و تاریک و پر زحمت نشستید و من هم از بیش از این نمیتوانم تصدیع بدهم و از شما ملتمس دعا هستم ، چنانچه خودم دعاگوی همه هستم و سلامت و سعادت همه مسلمین جهان را و شما برادران عزیز را از خدای تبارک و تعالی خواستارم. سلام من را به اهل قم برسانید و از همه شما امیدوارم که این نهضت را به آخر برسانید و ان شاءالله ، اسلام را به همه معنا در همه جا پیاده کنید. (۱)

حوزهٔ قم، احیاگر اسلام ناب محمدی

الآن ، امروز ، چهل روز است که از مرگ جوانهای ما ، از مرگ طلاب علوم دینیه ، علما ، از مرگ جوانهای متدین قم میگذرد. و مردم در این چهل روز به جوانهای خود چقدر گریه کردهاند و چقدر سوگواری کردهاند. و با چه شجاعت این اهل قم و طلاب علوم دینی ، با چه شجاعت که شاید در تاریخ کم نظیر باشد و دست خالی ، با این دولت و با این عمال شاه

مبارزه کردند و کشته دادند. و حتی در خیابانها و در کوچهها و در پس کوچهها از قراری که ذکر شده است مأمورین ریختهاند؛ و مردم هم بعد از کشتار و قبل از کشتار آنقدری که میشده است مقاومت کردهاند و زنده بودن خودشان را اثبات کردهاند که ما زنده هستیم ، نه مرده. مراجع بزرگاسلام در قم ، چه در خطابههایشان ، چه در اعلامیههایشان و چه در این اعلامیه اخیری که

۴ ۱۱/۱۱/۴۹۱۳. سخنرانی امام خمینی (ره) با موضوع "قم ، مرکز علم ، تقوا ، شهادت و شهامت" ، تهران ، حسینیه جماران ،

۱- سخنرانی امام خمینی)ره(با موضوع "قم ، مرکز علم ، تقوا ، شهادت و شهامت" ، تهران ۰ حسینیه جماران ۱۳۵۹/۰۶/۰۶

همین چند روز همین دو سه روز برای سوگواری و برای اربعین و تعطیل اربعین دادهاند ، مطالب را شجاعانه ذکر کردهاند و نکته اصلی را ولو به صراحت نگفتهاند ، به کنایه اَبلَغِ از تصریح فرمودهاند. خداوند انشاءاللّه آنها را پایدار نگه دارد.

... از قم همان طوری که اهل بیت فرمودهاند علم نشر میشود به همه بلاد (۱) و الآن میبینیم که علمْ مرکزش قماست و از قم دارد نشر میشود ، نه علم ، علم و عمل؛ علم تنها نه ، علم و عمل الآن دارد از قم نشر میشود مرکز فعالیت اسلامی است ، مرکز تحرک اسلامی است. تحرک از قم ، از خود قم ، از طلاب قم ، از علمای قم ، از مدرسین قم حفظهم اللّه از تودهٔ قم که سربازهای وفادار به اسلام هستند ، از آنجا تحرک دارد سرایت میکند به همه جا.

... حوزهٔ قم زنده کرد ایران را. حوزهٔ قم خدمتی به اسلام کرده است که تا صدها سال دیگر این خدمت باقی است. کم نشمرید آقایان این را. دعا کنید به حوزهٔ قم؛ و دعا کنید ما هم این جور بشویم. صدها سال دیگر هم اسم حوزهٔ قم در تواریخ هست ، و ما مردهها را دفن کرده است. (۲) حوزهٔ علمیه قم زنده کرد اسلام را. حوزهٔ علمیه قم و تبلیغات مراجع قم ، علمای قم ، دانشگاهها را که ما را جزء افیون ملت میدانستند ، ما را دست نشاندهٔ انگلیسها و مستعمِرین میدانستند ، بیدارشان کردند که نه؛ اینها تبلیغات است ، تبلیغات خود آنها است ، خود انگلیسها و آلمانها و شوروی و اینها تبلیغ میکنند که خیر حوزههای دین ، حوزههای علمیه ، علمای دین ، اینها افیونند. خود آنها تبلیغ میکنند برای اینکه آنها میدانند که اینها چه فعالیتها دارند و چه تحرکها دارند و اسلام چه دین متحرکی است. اینها میدانند اینها را. میخواستند که از خاصیت بیندازند پیش ملت ، تبلیغ کردند. (۳)

توطئهٔ دیرینه بر ضد حوزهٔ قم جهت نابودی اسلام ناب محمدی

من]آنچه[به شما عرض کنم مطلبی نیست که مال این چند ماهه باشد؛ این یک مطلب ریشهدار است ، مطلبی است که مال چندین سال پیش از این است ، اگر نگویم چهل و چند سال پیش از این ، لااقل بیست سال پیش از این است که اینها نقشهشان این بود که قم نباشد. در زمان حیات مرحوم آقای بروجردی رضوانالله علیه هم نقشه این بود که ایشان نباشند و قم نباشد. قم را برای منافع خودشان مضر میدانند. قم لشکر حق است؛ جنود ابلیس،جنود حق را با مقاصد خودشان مخالف میدانند. در همان زمان ایشان هم ، نسبت به ایشان تعبیراتی

۱- امام صادق ع فرمود: بزودی کوفه از مؤمنان خالی و علم از آن برچیده میشود ۰ آنچنان که مار در لانه خود پنهان گردد؛سپس علم در سرزمینی آشکار میگردد که (قم) نام دارد. قم مرکز علم و فضل خواهد شد تا اینکه مستضعفی در دین حتی در بین زنان خانه باقی نماند این (واقعه) در نزدیکی ظهور قائم ما تحقق پیدا میکند.بحارالانوار ، ج ۵۷ ، ص ۲۱۳

۲- اشاره به جوّ سکوت در حوزهٔ نجف

۳- سخنرانی امام خمینی (ره) با موضوع "جنایات شاه و مدعیان حقوق بشر" ، نجف ، مسجد شیخ انصاری ۱۳۵۶/۱۱/۲۹

میشده است که من نمیتوانم در این منبر عرض کنم. همان وقت بوده است که ، نقشه خارج این بوده است که قم نباشد تا ما هر کاری میخواهیم انجام بدهیم و یک نفسکش در مقابل ما صحبت نکند ، حرف نزند ، بحث نکند ، ایراد نکند ، اعتراض نکند.

اینها از همان زمان مرحوم آقای بروجردی ، اگر نگویم از چهل و چند سال پیش از این ، از زمان مرحوم آقای بروجردی این نقشه را داشتهاند ، منتها با بودن ایشان میدیدند که مفسده دارد اگر بخواهند کارهایی را انجام بدهند. بعد از اینکه ایشان تشریف بردند به جوار رحمت حق تعالی؛ از همان اول ، اینها شروع کردند به اسم احترام از مرکزی ، کوبیدن این مرکز را؛ نه از باب اینکه ح بی به آن مرکز داشتهاند؛ به هیچ مرکزی از مراکز دیانت اینها احساس ح ب نمیکنند؛ نه از باب اینکه به نجف علاقه داشتند ، از باب اینکه قم را نمیخواستند. قم موی دماغ بود ، نزدیک بود به اینها ، مفاسد را زود ادراک میکرد و کارهای اینها زود برش منکشف میشد. اینها قم را نمیخواستند منتها نمیتوانستند به صراحت لهجه بگویند : قم نه ، میگفتند: نجف آره ، مشهد آره؛ »! در قم چیزی به نظر نمیخورَد « (۱) فهمیدند که چیزهایی به نظر میخورَد ، چیزهایی به چشم میخورَد ، چیزهایی به دهان میخورَد ، به گوش میخورَد؛ فهمیدند که نه آنطور نبوده است. اینها از آن وقت نقشه کشیدند برای نابودی روحانیت و دنبالش نابودی اسلام و دنبالش نفع رساندن به اسرائیل و عمال اسرائیل. (۲)

قم خاستگاه انقلاب اسلامی ایران

شهر قم شهر علم است ، شهر جهاد است ، شهر بصیرت است. بصیرت مردم قم یکی از آن نکات بسیار مهمی است که در طول این سی و چند سال همواره خود را نشان داده است. جالب است که پیدایش شهر قم هم ناشی بود از یک حرکت جهادی و توأم با بصیرت. یعنی خاندان

اشعریون که آمدند این منطقه را محل سکونت خودشان قرار دادند ، در واقع اینجا را پایگاهی کردند برای نشر معارف اهلبیت (علیهمالسّلام(؛ یک مجاهدت فرهنگی را در اینجا شروع کردند.

اشعریون قبل از آنکه به قم بیایند ، جهاد در میدان نبرد هم انجام داده بودند؛ جهاد نظامی هم کرده بودند؛ بزرگِ اشعریون در رکاب جناب زیدبنعلی (علیهماالسّلام(مبارزه کرده بود؛ لذا بود که حجاجبنیوسف بر اینها خشم گرفت و اینها مجبور شدند بیایند و این منطقه را با تلاش خود ، با بصیرت خود ، با دانش خود ، منطقهی علم قرار بدهند. همین هم موجب شد که حضرت فاطمهی معصومه (سلام اللّه علیها(وقتی به این ناحیه رسیدند ، اظهار تمایل کردند که

!» در قم کسی که در حد مرجعیت باشد به چشم نمیخورد «: ۴. اشاره به سخن شاه که گفته بود

، قم ، مسجد " ،. سخنرانی امام خمینی (ره(با موضوع "ارزیابی قیام ملت ، و حوادث تلخ و شیرین سال ۱۴ و اوایل سال ۱،

۴،۱/،۱/۴۹۱، اعظم ،

۱- اشاره به سخن شاه که گفته بود (در قم کسی که در حد مرجعیت باشد به چشم نمیخورد)!

۲- سخنرانی امام خمینی (ره) با موضوع "ارزیابی قیام ملت ۰ و حوادث تلخ و شیرین سال ۱۴ و اوایل سال ۴۲ قم ۰ مسجد اعظم ۱۳۴۲/۰۲/۱۲

به قم بیایند؛ به خاطرِ بودن همین بزرگان اشعریون. آنها رفتند از حضرت استقبال کردند ، حضرت را به این شهر آوردند و این بارگاه نورانی از آن روز و از بعد از وفات این بزرگوار در این شهر نورافشانی میکند. مردم قم که پدید آورندهی این حرکت عظیم فرهنگی بودند ، از آن روز پایگاه معارف اهلبیت را در این شهر تشکیل دادند و صدها عالم ، محدث ، مفسر و مبیّن احکام اسلامی و قرآنی را به شرق و غرب دنیای اسلام فرستادند. از قم ، علم به اقصای خراسان و اقصای عراق و شامات رفت. این ، بصیرت آن روزِ مردم قم است؛ که پیدایش قم بر اساس جهاد و بصیرت شد.

در دوران معاصر ما هم عیناً همین مسئله اتفاق افتاد؛ یعنی قم پایگاه برترین معارف اسلامی و الهی شد و به برکت مجاهدت و بصیرت و حضور علمای بزرگ ، سرچشمهای در این نقطه جوشید که شرق و غرب دنیای اسلام از آن بهرهمند شدهاند.

من دو مقطع مهم را یادآوری میکنم ، که در این دو مقطع مهم قمیها حقیقتاً نقش ایفاء کردند؛ نقشهای مؤثر و ماندگاری را مردم قم در این دو مقطع به وجود آوردند: یکی مقطع عاشورای سال ۱، و پانزده خرداد که دو روز بعد از عاشورا بود. روز عاشورا در همین مدرسهی فیضیه مردم قم جمع شدند ، فریاد و غریو امام را شنیدند ، جانهاشان را لبریز کردند و دو روز بعد که خبر دستگیری امام بزرگوار را شنیدند ، در صحن مطهر اجتماع کردند. این حرکت عظیم آنها موجب شد که نهضت روحانیت به رهبری امام بزرگوارمان در حصار حوزه محبوس و محصور نماند؛ بیاید وارد جامعه شود. پیشرو این کار ، قمیها بودند و این کار بزرگ را انجام دادند.

مقطع دیگر ، مقطع سال ۱۱ است که عمق توطئهی دشمن را در اهانت به امام بزرگوار درک کردند؛ فهمیدند مسئله چیست؛ صرفاً این نیست که خواستهاند به امام بزرگوار اهانتی بکنند. در شهر قم ، اولین تظاهرات مردمیِ گسترده علیه آن حرکت خائنانه به وجود آمد. خون جوانان قمی

در این خیابانها ، در همین خیابان ارم ، در خیابان چهارمردان بر روی زمین ریخته شد؛ جان دادند؛ با خون خودشان صدق سخن خودشان را اثبات کردند. در طول این سی سالِ بعد از پیروزی انقلاب ، باز در همهی مقاطع ، این مردم مردمی هستند که با اخلاص، با صدق و صفا و با بصیرتِ مثال زدنی وارد میدان شدند. دشمن برای قم برنامه داشت ، طرح داشت؛ اگر مردم قم بیدار نبودند ، بابصیرت نبودند ، طرحهای دشمنان دربارهی قم ، طرحهای خطرناکی بود. بیداری مردم و حضور حوزهی علمیه در این شهر موجب شده است که این شهر پایگاه بصیرت باشد. (۱)

جوانان قمی در صف اول دفاع از انقلاب و اسلام ناب محمدی

من در خصوص جوانهای قم ، هم خاطرات دارم ، هم اطلاعات متعدد و فراوانی دارم.... قبل از آنکه مبارزات در سال ۱۴ و ۱، اوج بگیرد ، اینجا ما نشانهی زیرکی جوانان قم و هوشمندی آنها

۱- بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۷

را مشاهده کردیم. من فراموش نمیکنم؛ در همین جلوی کوچهی حرم یا آن طرف خیابان ، کوچهی ارگ ، کیوسک روزنامهفروشی بود؛ خبرهای روزنامهها را در آنجا میزدند. ماها از درس که برمیگشتیم ، میایستادیم تیتر این روزنامهها را نگاه میکردیم. وقتی در مسئلهی انجمنهای ایالتی و ولایتی ، دولت طاغوت مجبور به عقبنشینی شد و آن تصویبنامه را باطل کرد ، من دیدم این جوانهائی که حول و حوش همین کوچهی حرم و توی خیابان ارم بودند که این جوانها را غالباً میدیدیم و هیچ تصور نمیکردیم که اینها با اندیشهی سیاسی و مسائل سیاسی سر و کاری داشته باشند آمدند به ما گفتند ما موفقیت روحانیت را در مقابل دولت طاغوت به شما تبریک عرض میکنیم. جوانان قمی که به حسب ظاهر برکنار بودند ، به ما طلبهها ، که هیچ آشنائی هم با هم نداشتیم ، میآمدند تبریک میگفتند.

من از همان وقت به ذهنم رسید که این چه روحیهای در جوان قمی است دانشجو که آن وقت در قم نبود؛ جوان دانشآموز یا حتّی غیر دانشآموز؛ جوان بیکار که نسبت به مسئلهی مبارزه و نهضت و پنجه درافکندن روحانیت با دولت طاغوت ، اینجور حساس است.

بعد که مسائل سال ۱۱ پیش آمد ، آنجا قم خودش را نشان داد. حقیقتاً به معنای واقعی کلمه ، رهبری حرکت مردم در خیابانها و حضور در میدانها و ایستادگی در مقابل پنجههای چدنی و خشن دستگاه را قم شروع کرد. همین جوانهای قمی آمدند توی خیابانها ، خونهاشان بر زمین ریخته شد؛ البته مأمورین نظام طاغوت را حسابی هم اذیت کردند! آن زیرکی جوانهای قم و شیطنت آنها ، مأمورین را حسابی سردرگم هم میکرد.

بعد مسئلهی انقلاب پیش آمد. همه جا قم در صفوف مقدم بود. این لشکر علی بن ابی طالب جزو لشکرهای موفق در دفاع مقدس و در خطوط مقدم بود. در همهی امتحانهای بزرگ ، قمیها

از عهدهی امتحان ، خوب برآمدند؛ صف مقدم هم جوانها بودند. من میخواهم شما جوان امروز که احساس دارید ، اندیشه دارید ، شور و شعور دارید ، این شناسنامهی پر افتخار نسل جوانقمی را از چند دهه پیش به این طرف ، در مقابل چشم داشته باشید.

قمیها در انقلاب نقشآفرینی کردند. در دفاع مقدس نقشآفرینی کردند؛ بعد از تمام شدن جنگ بخصوص بعد از رحلت امام بزرگوار که سایهی ایشان از سر ما کوتاه شد نقشآفرینی جوانهای قمی بارزتر هم بوده است؛ این نکتهی مهمی است. (۱)

چند نمونه از دفاعیات علمای برجسته قم از اصل ولایت فقیه به عنوان امتداد ولایت معصومین

آیت الله العظمی بهجت

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۰۸/۰۴

میدانیم که دین اسلام آخرین دین ، و احکام و قوانین اسلام آخرین مقرراتی است که از ذات مقدس پروردگار وضع شده است ، و پیغمبری بعد از خاتم انبیا صلیالله علیه و آله نخواهد آمد و کتابی آسمانی بعد از قرآن کریم فرستاده نخواهد شد و باید این کتاب تا قیام قیامت ، کتاب قانون بوده و عترت اهلبیت پیامبر اکرم علیهمالسلام ، مبیّن آن باشند. و نیز روشن است که امت محمدی صلیالله علیه وآله در زمان حضرت حجت و معصوم حق ، هر چند در زندان یا در حال تبعید باشند ، میتوانند وظیفه خود را ولو با مشقت بسیار و تحمل مشکلات فراوان به دست آورند.

ولی سخن درباره زمان غیبت کبرای حجت حق است که در این موقعیت نمیتوان برای مسئله بیش از سه صورت فرض کرد :

کتاب خدا و احکام و قوانین دین تعطیل شود؛

خود به خود بماند ، یعنی خودش وسیله ابقای خود باشد؛

نیاز به سرپرست و حاکم و مبیّن دارد که همان ولی امر و مجتهد جامعالشرایط است.

فرض اول عقلا و نقلا باطل است ، زیرا دین مبین اسلام ، آیین خاتم است و تا ختم نسل بشر باید راهنما و آیین امت باشد.

و فرض دوم نیز باطل است ، زیرا قانون خود به خود اجرا نمیشود و نیاز به شخص و یا اشخاص دارد تا آن را حفظ و به اجرا در آورند.

ناچار باید به فرض سوم قائل باشیم و بگوییم: جامعه مسلمین را باید ولی امر به همت شئونات و ابعاد آن اداره کند.

از سوی دیگر نیز روشن است که جامعه نیاز به تشکیلات فراوان از جمله: ارتش، آموزش و پرورش، دادگستری و... دارد ، لذا باید دست ولی فقیه ، در همه شئونات مادی و معنوی ، مبیّن ،

شارح ، راهنما و حلال مشکلات باشد.

در نتیجه ، ولی فقیه باید تمام شئونات امام معصوم (علیه السلام(به استثنای امامت و آنچه را که مخصوص امام معصوم است داشته باشد تا بتواند اسلام را در جامعه پیاده کند وگرنه در صورت عدم وجود تشکیلات حکومتی ، دشمنان نخواهند گذاشت که حکومت و آئین اسلامی عملی شود. دلیل دیگر اینکه با استدلال خلف میتوان گفت :

هیچ جامعه و کشوری با هرج و مرج پایدار نمیماند از این رو باید قانون و حاکم و حکومتی در آن حکمفرما باشد و اگر حکومت طاغوت حاکم باشد دین مبین اسلامی باقی نمیماند و این خلاف فرض است چون گفتیم به دلیل عقلی و نقلی باید دین مبین اسلام تا قیام قیامت باقی بماند؛

؛» وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلاَمِ دِينًا فَلَن ی قْبَلَ مِنْه « (۱) هر کس دین دیگری غیر از اسلام را بجوید ، هرگز از او پذیرفته نمیشود. (۲)

آیت الله العظمی جوادی آملی

اگر سرپرست جامعه ، سمت خود را از مردم دریافت کند تا کارهای آنان را بر اساس مصلحت و رای خودشان انجام دهد ، وکیل آنان خواهد بود و چنین حکومتی ، حکومت وکالتی است ، ولی اگر حاکم اسلامی ، سمت خود را از خداوند و اولیا او یعنی پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام دریافت نموده باشد ، منصوب از سوی آن بزرگان ، و سرپرست و ولی است. » حکومت ولایتی « جامعه خواهد بود و چنین حکومتی ،

در حکومتی که بر اساس ولایت است ، فقیه جامع الشرایط نائب امام عصر علیه السلام و عهده دار همه شوون اجتماعی آن حضرت می باشد و تا آن زمان که واجد و جامع شرایط لازم رهبری باشد ، دارای ولایت است و هرگاه همه آن شرایط یا یکی از آنها را نداشته باشد ، صلاحیت رهبری ندارد و ولایت او ساقط گشته است و او از سرپرستی امت اسلامی منعزل است و نیازی به عزل ندارد.

اما اگر حاکمی بر اساس وکالت از مردم ، اداره جامعه را در دست گیرد ، وکیل مردم است و همان گونه که مردم وکالت را به او دادهاند و او را به این مقام نصب کرده اند ، عزل او از این مقام نیز به دست خود آنان است و چون عزل وکیل ، طبعا جایز است مردم می توانند هرگاه که بخواهند ، او را عزل کنند ، اگر چه هنوز شرایط لازم را دارا باشد و هیچ تخلفی از او سر نزده باشد.

از سوی دیگر، اختیارات چنین حاکمی، اولا مربوط به انجام کارهایی است که مردم در جامعه اسلامی اختیار آنها را دارند و در کارهایی که در اختیار مردم نیست و در اختیار امام معصوم

است، حق تصرف و دخالت ندارد. (۳)

و ثانیا در غیر این مورد نیز اختیارات او به اندازه ای است که مردم بپسندند و صلاح بدانند و لذا دایره حکومت و اختیارات او ، از جهتی مقید به زمان است و از جهت دیگر ، محدود به مواردی است که مردم مشخص کنند.

جز نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر ولایت و رهبری الهی است ، همه حکومت های دموکراتیک و شبه دموکراتیک جهان ، حکومتی بر مدار وکالت دارند. در آن جوامع ، به دلیل بد فهمیدن دین خداوند از سویی ، و به دلیل غروری که از پیشرفت های علم تجربی حاصل گشته و

۱- سوره آل عمران ، آیه ۸۵

۲- کتاب (پرسشهای شما ، پاسخ های آیت الله بهجت)

۳- برای توضیح بیشتر رک "ولایت فقیه آیه الله جوادی آملی ص : ۱۷۲ و ۲۱۷

علم پرستی و اومانیسم و انسان مداری رواج یافته از سوی دوم ، و نیز شهوت گرایی و لذت طلبی بی حد و حصر آنان از سوی سوم ، اساسا احساس نیازمندی به وحی الهی و هدایت انسان های معصوم منصوب از سوی خداوند وجود ندارد و آنان ، عقل خود را در ساختن جامعه ای مطلوب و رساندن انسان به سعادت نهائی کافی می دانند و به همین دلیل ، قوانین کشور را خود وضع می کنند و هر آنچه اکثر مردم بخواهند متن قانون خواهد شد ، اگر چه آن قانون ، موافق با وحی الهی نباشد.

محور حکومت وکالتی ، همانا حکومت مردم بر مردم است یعنی حکومت آرا جامعه (نمایندگان جامعه(بر خود جامعه و بازگشت چنین حکومتی به حکومت هوا بر هوا خواهد بود ، زیرا هر چه مخالفت وحی است ، هوای نفس است و مشمول کریمه (افرایت من اتخذ الهه هواه)(۱) می باشد.

این نکته که در گذشته به آن اشاره شد و در فصل پنجم نیز به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت (۲) نباید مورد غفلت قرار گیرد که درحکومت مبتنی بر ولایت فقیه ، همانند حکومت مبتنی بر ولایت پیامبر صلی اللّه علیه و آله و امام معصوم علیه السلام مردم ، ولایت خدا و دین او را می پذیرند نه ولایت شخص دیگر را ، و تا زمانی ولایت بالعرض و نیابتی فقیه را اطاعت می کنند ، که در مسیر دستورها و احکام هدایت بخش خداوند و اجرای آنها باشد و هر زمان که چنین نباشد ، نه ولایتی برای آن فقیه خواهد بود و نه ضرورتی در پذیرش آن فقیه بر مردم ، و از این جهت ولایت فقیه و حکومت دینی ، هیچ منافاتی با آزادی انسانها ندارد و هیچ گاه سبب تحقیر و به اسارت در آمدن آنان نمی گردد.

آیت الله العظمی بروجردی

در جامعه اموری وجود دارد که وظیفهی شخص و فرد خاصی نیست ، بلکه از امور عمومی

اجتماعی است که حفظ نظام جامعه بدان وابسته میباشد؛ همچون قضاوت و ولایت بر اموال غایبان و ناتوانان و تبیین نحوهی استفاده از لقطه (۳) و مجهول المالک و حفظ نظام داخلی جامعه و پاسداری از مرزها و امر به جهاد و دفاع هنگام هجوم دشمنان و اموری از این دست که به سیاست شهرها مرتبط میشود. اینها اموری نیستند که هر شخص به تنهایی از عهدهی سرپرستی آنها برآید ، بلکه از وظایف رهبری است که زمام امور اجتماعی مردم به دست اوست.

دوم: اگر کسی قوانین و ضوابط اسلام را بررسی و تتبع کند ، برای او جای هیچ گونه تردیدی باقی نخواهد ماند که اسلام دینی سیاسی اجتماعی است و احکام آن منحصر در اعمال عبادی

۱- سوره جاثیه ، آیه ۲۳

۲- رک "ولایت فقیه آیه الله جوادی آملی ص: ۲۵۴،۱۳۳،۹۴

۳- مالی که پیدا شده و صاحبش معلوم نیست.

محض که هدف آن ، تنها تکامل افراد و تأمین سعادت آنها در آخرت باشد ، نیست بلکه بیشتر احکام آن مربوط به امور سیاسی و تنظیم اجتماع و تأمین سعادت دنیایی خلق بوده و درحقیقت اسلام دین دنیا و آخرت و جامع هر دو نشئه است. این امر با نگرش به احکام معاملات و سیاسات و جزائیات همچون حدود و قصاص و دیات و احکام قضایی که برای فصل خصومتها تشریع شده و احکام مالی همچون خمس و زکات و غیر اینها به دست میآید. به همین دلیل در خصوص ضرورت وجود یک رهبر و زعیم سیاسی بین عامه و خاصه اتفاق حاصل شده است. پس وجود یک سیاستمدار و رهبری که امور مسلمانان را اراده کند ، لازم و ضروری بوده و بلکه میتوان ادعا کرد که از ضروریات اسلام است؛ اگرچه در خصوصیات و شرایط رهبر و اینکه کیفیت تعیین رهبر چگونه است ، با هم اختلاف نظر دارند.

آیت الله بروجردی در سومین مقدمهی بحث ولایت فقیه خویش به جدا نبودن دین و سیاست از یکدیگر پرداخته است. وی میگوید: سیاست شهرها و تأمین جهات اجتماعی در دین اسلام از جهات روحانی و شئون مربوط به تبلیغ احکام و ارشاد مسلمانان جدا نیست؛ بلکه از همان صدر اسلام ، سیاست با دیانت در هم آمیخته و سیاست از شئون دیانت محسوب میشده است. به گونهای که پیامبر اکرم (ص(شخصاً به تدبیر امور مسلمانان پرداخته و به سیاستگذاری و حل و فصل خصومتهای آنان اقدام میکردند و برای ولایات حاکم و کارگزار منصوب میفرمودند و مالیاتهای شرعی همچون خمس و زکات از آنها طلب مینمودند و سیرهی خلفای بعد از ایشان نیز به همین منوال بود.

از همان ابتدای امر ، وظایف سیاسی در مراکز ارشاد و هدایت مردم یعنی مساجد انجام میگرفت و امام مسجد ، امیر آنان نیز به حساب میآمد و این سیره همچنان ادامه یافت. حتی

مسجد جامع در کنار دارالاماره بنا میشد و خلفا و امیران شخصاً نماز جمعه و اعیاد را اقامه میکردند و علاوه بر آن به ادارهی امور حج میپرداختند. این عبادات ثلاث یعنی نماز جمعه ، نماز عیدین و حج ، اموری عبادی هستند اما فواید فراوانی دربر دارند که نظیر آن را در سایر عبادات نمیتوان سراغ گرفت و این کیفیت آمیختگی و در هم تنیدگی بین جهات روحی و جهات سیاسی ، از ویژگیهای دین اسلام است.

حال با توجه به این نکات باید گفت: چون طبق اعتقاد ما شیعهی امامیه ، خلافت پیامبر اکرم (ص) و زعامت پس از وی حق ائمهی دوازده گانه است و پیامبر (ص) نیز امر خلافت را مهمل نگذاشته ، بلکه شخص امیرالمؤمنین (علیه السلام) را برای تصدی این مقام مشخص فرمودند و این حق پس از آن حضرت به اولادشان منتقل گردید ، بنابراین آنان محل رجوع مردم در ادارهی امور سیاسی و اجتماعی شان بودهاند و بر مسلمانان نیز لازم بود که به آنان مراجعه کرده و آنان را در این امر مهم یاور و کمک رسان باشند. بدون تردید همین معنی در ذهن اصحاب ائمه (علیه السلام) همچون زراره و محمد بن مسلم ، از فقیهان عصر و ملازم ائمه (علیه السلام) ، نیز وجود

داشت که مرجعی برای این امور غیر از ائمه (علیه السلام(یا کسی که آنان بدین مقام منصوب فرمودهاند نمیشناختند. به همین جهت در اموری که برای آنان رخ مینمود ، در حد امکان به ایشان مراجعه کرده و این چیزی است که با بررسی احوالات و زندگینامههای آنان مشخص میگردد.

آیت الله بروجردی پس از ذکر مجموعهی مقدمات فوق میگوید: چون این گونه امور و حوائج اجتماعی از مسائلی است که عموم مردم در طول مدت عمر خویش با آن دست به گریبان هستند و شیعیان در عصر ائمه (علیه السلام(نمیتوانستهاند در همهی احوالی و هر زمان که بخواهند به ائمه (علیه السلام(دسترسی داشته باشند ، چنان که علاوه بر پراکنده بودن شیعیان در شهرهای مختلف ، مبسوط الید نبودن ائمه (علیه السلام(به گونهای که دسترسی به آنان برای هر مسئله در همهی اوقات امکان پذیر باشد بر این امر گواه است ، به همین جهت به طور قطع برای ما چنین نتیجهای حاصل میگردد که امثال زراره و محمد بن مسلم و دیگر اصحاب ائمه از آنان دربارهی شخصی که به هنگام عدم دسترسی به آنان به وی مراجعه کنند ، پرسش نموده اند. و باز یقین داریم که ائمه (علیه السلام(نیز این گونه امور عام البلوی را که شارع به مهمل ماندن آن رضایت نداده ، مهمل نگذاشته بلکه برای حل و فصل این امور کسی را که شیعیان به هنگام عدم دسترسی به آنان به وی مراجعه کنند ، مشخص فرموده اند. به ویژه اینکه عدم امکان دستیابی اغلب شیعیان در آن زمان به آنان و در عصر غیبت که خود از آمدن آن خبر میداده و شیعیان را که برای آن دوره آماده میکرده اند ، به خوبی میدانسته اند.

حال با توجه به همهی مطالبی که گفته شد ، آیت الله بروجردی میپرسد: آیا کسی میتواند احتمال دهد که ائمه (علیه السلام(شعیانشان را از رجوع به طاغوتها و قضاوت جور بر حذر

داشتهاند اما در مقابل ، کسی را که در فصل خصومات و تصرف در اموال غایب و ناتوان از تصرف و دفاع از حوزهی اسلام و امور مهمی همانند آنکه شارع به اهمال آن راضی نیست به وی مراجعه کنند ، مشخص نفرموده باشد؟ در هر صورت ما یقین داریم که صحابهی ائمه (علیه السلام(دربارهی چنین فردی از ائمه (علیه السلام(پرسش نمودهاند و ائمه (علیه السلام(نیز به آنان پاسخ داده و در صورت عدم امکان دسترسی به ائمه (علیه السلام(افرادی را برای شیعیان مشخص فرموده اند. لکن این احادیث و پرسش و پاسخها در جوامع حدیثی که به دست ما رسیده ساقط شده و چیزی جز همین روایت مقبولهی عمر بن حنظله و مشهورهی ابی خدیجه ، به دست ما نرسیده است.

اکنون (با توجه به مقدمات و مطالب پیشین(که روشن شد نصب از جانب ائمه (علیه السلام(صورت پذیرفته است و آنان این گونه امور مهمه را مهمل باقی نگذاشته اند؛ مخصوصاً اینکه ما معتقدیم آنان به حوائج شیعیان خویش کاملاً واقف اند ، چون احدی اعتقاد ندارد که فرد دیگری برای این مسئولیت عظیم نصب شده ، بنابراین تعیین فقیه برای این منصب قطعی و متعین است.

بنابراین در اینجا امر دایر بر این است که یا اصلاً نصبی صورت نگرفته باشد و یا اینکه فقیه عادل به این مقام منصوب شود و چون ما قبلاً بطلان نظر اول را ثابت کردیم ، نظر دوم یعنی نصب فقیه ثابت و قطعی میگردد و در این خصوص میتوان از مقبولهی عمر بن حنظله به عنوان شاهد و مؤید استفاده کرد.

... همان گونه که ملاحظه شد ، ایشان با بیانی روشن و رسا و منطقی به اثبات ولایت فقیه پرداخته و حتی از مقبوله نیز به عنوان شاهد و مؤید استفاده کردند. (۱)

آیت الله العظمی نوری همدانی

شاخصهای اسلام انقلابی ، شامل مباحث مختلفی است که اولین آن اعتقاد به اسلام ناب محمدی(ص(است؛ دومین شاخصه انقلاب اسلامی مردمی بودن آن است که بر اساس خواست و علاقه مردم شکل گرفته است؛ ستون دین و اجتماع مسلمانان مردم هستند؛ امروز هم اگر اشاره شود میلیونها مردم ما به شوق شهادت میروند که نشانگر مردمی بودن این انقلاب است.

سومین شاخص انقلاب اسلامی ولایت فقیه است که قلب تپنده این نظام است؛ داشتن قدرت جهادی و عزت جهادی

چهارمین شاخصه این انقلاب اسلامی است که امروز این انقلاب و این کشور را بیمه کرده است.

پنجمین شاخصه این انقلاب ظلم ستیزی است و ششمین شاخصه استکبار ستیزی است که برای همه این شاخصه ها آیات و روایات بسیاری ذکر شده است. عزت طلبی و عزت خواهی هفتمین شاخصه این انقلاب است ، زیرا این مکتب ، مکتب شهادت و هیهات منا الذله است؛ هشتمین شاخص، توام بودن دین با سیاست است؛ دین در همه ابعاد با سیاست توام است. نهمین

شاخصه این انقلاب مساله صهیونیسم ستیزی است؛ امام راحل کعبه و مسجد الاقصی را میراث اصلی ما میدانستند ، ولی امروز دشمن کعبه را به آل سعود و مسجد الاقصی را به صهیونیستها داده است که مصیبتی برای عالم اسلام است.

نقش مهم علما ، دهمین شاخصه انقلاب اسلامی است؛ حضوری که امام صادق(علیه السلام(برای طلاب مد نظر قراردادند که مرزهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی را به خوبی صیانت کنند. توجه مخصوص به فقرا و علما شاخصه یازدهم انقلاب اسلامی است و مسئولان ما باید این مساله را مد نظر قراردهند؛ امام راحل فرمودند که این مردم ولی نعمت ما هستند و آنها بودند که انقلاب را به پیروزی رساندند.

۱- کتـــاب البـــدر الزاهر فی صـــلاه الجمعـــه و المســـافر)تقریرات درس آیـــت الله العظمی بروجردی(۰ قـم: انتشـارات دفـتر تبلیغاتاسلامی ۰ چاپ دوم ، ۱۳۶۲ ش، چاپ دوم ۰ ص۵۷-۵۲

عدالت و تقوا و زمینه سازی ظهور شاخصههای بعدی این انقلاب هستند؛ در جای جای کلمات امام راحل بر این مساله تاکید شده است؛ اخبار مرتبط با قم در روایات ما در این رابطه بسیار زیاد است که علم و دین در قم به دنیا منتشر میشود و این شهر و علمای این شهر از زمینه سازان ظهور است. (۱)

مسلمانان جهت سعادت و پیروزی هیچ راهی جز قرارگیری زیر پرچم ولایت رهبر معظم انقلاب ندارند

اشاره

بعد از پیروزی انقلاب ، استکبار جهانی و غرب از این انقلاب کینه به دل گرفته و درصدد براندازی نظام اسلامی برآمدند. به دلیل جلوه گر شدن اسلام ناب است که دشمن گروههای افراطی مانند بوکوحرام ، داعش و تفکریها را ایجاد کرده تا سبب نابودی اسلام شوند. پول نفت و حمایت مالی برخی از کشورهای عربی مانند عربستان بسیاری از جوانان جهان را به این گروهها کشانده است. امروزه همان کسانی که در گروههای افراطی فعالیت داشتند در کشورهای خود دست به کشتار میزنند تا این حوادث را به نام اسلام تمام کنند ، حادثه پاریس نیز از این دسته به شمار میرود. این مسأله سبب اسلام هراسی در کشورهای اروپایی شده است به گونهای که چندین مسجد در اروپا به آتش کشیده شد. مسلمانان برای پیروزی ، سعادت و گسترده شدن اسلام راهی به جز قرار گرفتن در زیر پرچم ولایت رهبر معظم انقلاب ندارند. (۲)

آیت الله مصباح یزدی

هر تلاشی برای تضییع ولایت فقیه تیشه زدن به ریشه اسلام ناب محمدی)ص(است

آیتالله مصباح یزدی با بیان اینکه امروز در عالم تنها یك نظام اسلامی داریم ، تصریح میکنند که: البته اسم اسلامی در سایر نقاط دنیا نیز وجود دارد و حتی از عبارت جمهوری

اسلامی نیز استفاده میشود ، اما نظامی که واقعا اقرب به اسلام است ، تنها نظام ما است ... این نظام به برکت خون صدهاهزار شهید و مجاهدتهای مجاهدان راه حق نصیب مردم شده است و همه در دنیا این نظام را به عنوان ولایت فقیه میشناسند. از این رو تلاش برای تبیین ولایت فقیه تلاش برای حفظ اسلام در عالم است و هر تلاشی برای خدشه وارد کردن به نظریه ولایت فقیه و یا تلاش عملی برای تضییع ولایت فقیه تیشه زدن به ریشه اسلام است.

نمونهای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

۱- بیانات آیت العظمی نوری همدانی در چهارمین مجمع عمومی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۹۴/۰۳/۱۰ خبرگزاری حوزه awzahqom.ir

۲- واکنش آیت العظمی نوری همدانی به حوادث تروریستی پاریس• درس خارج مسجد اعظم قم ۹۳/۱۰/۲۴، خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)

قم و ویژگیهای اسلام « ۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع

» سبک زندگی ولایی « و » ناب

کهکشان « ،. برگزاری نمایشگاه موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در نرم افزار

در موضوع معرفی قم(» کرامت

۹. تولید بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل کتاب به همراه مسابقه

برای طیف مخاطب سازمان » سبک زندگی ولایی « ۱. شناسایی کتاب مناسب با موضوع

متبوع (کودک، نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی ، فرهیختگان و کارشناسان و...(و برگزاری مسابقه

کتابخوانی

و » سبک زندگی ولایی « ۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع

مشارکت با صداوسیمای استانی برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی یا رادیویی

» سبک زندگی ولایی « ۱. برگزاری فراخوان شعر ، متن ادبی ، کاریکاتور و... در موضوع

۳. تولید پوستر و کارت پستال و فلش کارت موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در

(» کهکشان کرامت « نرم افزار

» سبک زندگی ولایی « ۲. فراخوان مسابقه وبلاگ نویسی با موضوع

۳. برگزاری میزگرد تحلیلی ، کرسی آزاداندیشی یا پرسش و پاسخ با هدف تحلیل ابعاد موضوع

در دانشگاهها و حوزههای علمیه » سبک زندگی ولایی «

۴۱ . برگزاری work shape با حضور خوشنویسان ، هنرمندان گرافیست و... در بقاع متبرکه

یا پایگاههای فرهنگی اصلی شهر برای تولید آثار هنری با محتوای تولیدی در کتاب و دعوت از

هنردوستان و عموم مردم علاقمند

۴۴ . برگزاری مسابقات پیامکی از مضمون کارت پستال یا پوستر طراحی و توزیع شده با

و اهدای جوایز به پاسخهای برتر »؟ پیام این طرح چیست « عنوان

فصل سوم: زندگی کریمانه – در سایه عمل به آموزههای مهدوی

گزیدهای از بیانات مقام معظم رهبری درباره وظایف منتظران

آماده شدن جوانان برای سربلندسازی تمدن اسلامی در عالم

ملت ایران به فضل پروردگار ، با هدایت الهی ، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیهی زاکیه و

هدایتهای معنوی ولیاللهالاعظم ارواحنافداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم

سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این ، آیندهی قطعی شماست.

جوانان ، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف

قرار دهند. (۱)

ضرورت کار و تلاش در جهت تشکیل حکومت امام زمان(علیه السلام(

ما که منتظر امام زمان هستیم ، باید در جهتی که حکومت امام زمان(علیه الاف التحیه و الثناء

و عجلالله تعالی فرجه(تشکیل خواهد شد ، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم.

البته ، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند

ساخت ، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.

مظهر عدل پروردگار ، امام زمان(عج(است و میدانیم که بزرگترین خصوصیت امام

یملأ « : زمان(علیهالصلاةوالسلام(که در دعاها و زیارات و روایات آمده است عدالت میباشد

.» الله به الارض قسطا و عدلا

رابطهی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان(عج(یک امر مستحسن ، بلکه لازم و دارای

آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه میدارد. (۲)

دوری از آسایش و راحتطلبی و عافیت، در دوران قبل از ظهور

شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید ، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن

چنان دورانی آماده کنید ، دورانی که در آن ، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد ، دورانی که در

آن ، اندیشه و عقول بشر ، از همیشه فعالتر و خلاقتر و آفریننده تر است ، دورانی که ملتها با یکدیگر نمیجنگند ، دستهای جنگ افروز عالم همانهایی که جنگهای منطقهای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و میاندازند دیگر نمیتوانند جنگی به راه بیندازند ، در مقیاس عالم ، صلح و امنیت کامل هست ، باید برای آن دوران تلاش کرد. قبل از دوران مهدی موعود ، آسایش و راحت

۱- بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانوادههای شهدا ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

۲- بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

است ، به شدت امتحان » والله لتغربلن « و » والله لتمحصن « طلبی و عافیت نیست. در روایات ، میشوید ، فشار داده میشوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود ، در میدانهای مجاهدت ، انسانهای پاک امتحان میشوند. در کورههای آزمایش وارد میشوند و سربلند بیرون میآیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواحنا فداه(روزبه روز نزدیکتر میشود ، این ، آن امید بزرگ است ، لذا روز نیمه شعبان ، روز عید بزرگ است. (۱)

زمینه سازی ظهور، با حاکمیت قرآن و اسلام در ایران

انتظار ، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند فاصله هست اما بلاشک آن دوران وجود دارد؛ لذا تبریک این عید که عید امید و عید انتظار فرج و گشایش است درست نقطهی مقابل آن چیزی است که دشمن میخواهد به وجود بیاورد.

ما آن وقتی میتوانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود(ارواحنافداه(زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملتهای مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواحنافداه و عجلاللهفرجه(، بهوسیلهی ملت ایران برداشته شده است؛ و آن ، ایجاد حاکمیت قرآن است. (۲)بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰(۳)

حرکت به سمت صلاح خود، عامل نزدیکی ظهور

شما مردم عزیز بخصوص شما جوانها هر چه که در صلاح خود ، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیتها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید این آینده را نزدیکتر خواهید کرد ،

اینها دست خود ماست اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم ، آن روز نزدیک خواهد شد همچنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را نزدیک کردند ، آن نسلی که برای انقلاب آن فداکاریها را کردند ، با فداکاریهای خودشان آن آینده را نزدیکتر کردند هر چه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم آن عاقبت را دایما نزدیکتر میکنیم. (۴)

بزرگترین وظیفه ی منتظران

۱- بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

۲-

۳-

۴- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد خجسته امام زمان(عج) ۱۳۷۹/۰۸/۲۲

بزرگترین وظیفه ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان ، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت میکردند ، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است ، آمادهی دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشتهی اسلام است ، میتواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید ، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر ، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را میبازند و زانوانشان سست میشود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر میاندازد ، انجام دهند؛ اینها چطور میتوانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است ، باید در خود زمینههای صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد. (۱)

معنای انتظار فرج

معنای انتظار فرج به عنوان عبارهٔ أخرای انتظار ظهور ، این است که مؤمنِ به اسلام ، مؤمنِ به مذهب اهلبیت(علیهم السلام(وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد ، عقده و گره در زندگی بشر میشناسد. واقعِ قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگیِ کار بشر ، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند. مسئله ، مسئلهی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (علیه الصلاهٔ و السلام(برای اینکه فرج برای همهی بشریت به وجود بیاورد ، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعهی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آیندهی بشر را نجات بدهد.

... انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها ، بر اثر

اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است. (۲)

انتظار حرکت است، سکون نیست

انتظار فرج ، انتظار دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطرهی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بندهی واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود... انتظار

۱- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد خجسته امام زمان(عج) ۱۳۷۹/۰۸/۲۲

۲- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم بهمناسبت نیمهی شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷

معنایش این است. انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد ، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است.... انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن ، آماده بودن ، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصلاهٔ والسلام(برای آن هدف قیام خواهد کرد ، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت. و او عبارت است از ایجاد عدل و داد ، زندگی انسانی ، زندگی الهی ، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است. (۱)

زمینه ظهور درصورت پیروزی ملت ایران آماده میشود

امروز مسیر تاریخ ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطهگری و سلطهپذیری است؛ یک عده در دنیا سلطهگرند ، یک عده در دنیا سلطهپذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت ، اگر شما توانستید پیروز شوید ، به آن نقطهی موعود برسید ، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینهی ظهور ولیامر و ولیعصر (ارواحنا له الفداء(آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحلهی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست ، این بسته به معرفت امروز من و شماست. (۲)

درسهای مهدویت از دیدگاه مقام معظم رهبری

حتمی بودن نابودی ظلم در سطح جهان

اوّلین درس عملی از این موضوع این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان ، نه فقط ممکن است ، بلکه حتمی است. این ، مطلب بسیار مهمّی است که نسلهای بشری امروز معتقد نباشند که در مقابل ظلم جهانی ، نمیشود کاری کرد. امروز وقتی ما با نخبگان سیاسی دنیا از ظلمهای مراکز قدرت بینالمللی و سیستم جهانیِ ظلم که امروز به سرکردگی استکبار در همهی دنیا وجود دارد صحبت میکنیم ، میبینیم آنها میگویند بله؛ چیزی که شما میگویید ،

درست است؛ واقعاً ظلم میکنند؛ اما کاری نمیشود کرد !

یعنی مجموعهی بزرگی از نخبگان که سررشتهی کار در دنیا در دست آنهاست ، اسیر یأس و ناامیدیاند و این یأس و ناامیدی را به ملتهای خود سرریز میکنند و آنها را از اینکه بتوان نقشهی ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد ، مأیوس میکنند. بدیهی است که انسانهای مأیوس نمیتوانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسانها را وادار به کار و حرکت میکند ، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود ، دلها را سرشار از نور امید میکند.

برای ما که معتقد به آیندهی حتمی ظهور مهدی موعود علیهالسّلام هستیم ، این یأسی که

۱- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم بهمناسبت نیمهی شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷
۲- بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

گریبانگیر بسیاری از نخبگان دنیاست ، بیمعناست. ما میگوییم نخیر ، میشود نقشهی سیاسی دنیا را عوض کرد؛ میشود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکانپذیر است ، بلکه حتمی است. وقتی ملتی معتقد است نقشهی ظالمانه و شیطانیِ امروز در کلّ عالم قابل تغییر است ، آن ملت شجاعت مییابد و احساس میکند دست تقدیر ، تسلّط ستمگران را برای همیشه به طور مسلّم ننوشته است.

انسانها میتوانند تلاش کنند و پرچم عدالت را و لو در یک نقطهی محدود بلند کنند. شما ببینید ملتهایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشارِ ظلم و ستم زندگی میکنند ، اگر این امید را در دل خود بپرورانند که میشود با ظلم مبارزه کرد ، چه اتّفاقی در دنیا میافتد و چطور ملتها بیدار میشوند! یک روز ملت ایران هم در پنجهی اقتدار رژیم طاغوتی دچار همین یأس بود؛ ولی امام بزرگوار ما با تعالیم اسلامی ، این یأس را از دلها پاک کرد و به مردم امید و شجاعت داد. نتیجه این شد که این مردم بهپاخاستند ، نهضت کردند ، تن به سختی دادند ، مبارزه کردند ، از جان خود دریغ نکردند و توانستند در این نقطه از عالم ، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی مبارزه و آن را ریشهکن و سرنگون کنند.

امروز دستگاههای تبلیغاتیِ مراکز استکباری دنیا و روشنفکرانِ وابسته به آنها ، در سطح عالم اینطور تبلیغ میکنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانهی کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمانگرایی مبارزه میکنند و میخواهند ملتها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونیِ ظالمانهی دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکسالعملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی ، نقطهی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه الصّلاة و السّلام این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش میدهند که نظم

ظالمانهی جهانی ، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی

کرد. (۱)

لزوم در دست داشتن قدرت توسط انسانهای عادل و صالح

درس دیگری که اعتقاد به مهدویّت و جشنهای نیمهی شعبان باید به ما بدهد ، این است:

عدالتی که ما در انتظار آن هستیم عدالت حضرت مهدی علیهالسّلام که مربوط به سطح جهان

است با موعظه و نصیحت به دست نمیآید؛ یعنی مهدی موعودِ ملتها نمیآید ستمگران عالم را

نصیحت کند که ظلم و زیادهطلبی و سلطهگری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت ، عدالت در هیچ

نقطهی عالم مستقر نمیشود. استقرار عدالت ، چه در سطح جهانی آن طور که آن وارث انبیا

انجام خواهد داد و چه در همهی بخشهای دنیا ، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و

۴ ۴۹۲۴ /۱۳ /۹۱ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمهی شعبان در مصلّای تهران ،

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمهی شعبان در مصلّای تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

انسانهای صالح و عدالتطلب ، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند ، نمیشود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. آغاز دعوت پیغمبران الهی با زبان نصیحت است؛ اما بعد از آنکه توانستند طرفداران خود را گرد آورند و تجهیز کنند ، آنگاه با دشمنان توحید و دشمنان بشریت ، با زبان قدرت حرف میزدند.

شما ببینید در همین آیهی کریمهی قرآن که راجع به قسط صحبت میکند و میگوید خدای » لیقوم النّاس بالقسط « متعال همهی پیغمبران را فرستاد ، (۱) ؛ برای اینکه قسط و عدالت را در » و انزلنا الحدید فیه بأس شدید و منافع للنّاس « : جامعه مستقر کنند ، بلافاصله میفرماید (۲) ؛ یعنی پیغمبران علاوه بر اینکه با زبان دعوت سخن میگویند ، با بازوان و سرپنجگان قدرتی که مجهّز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرتطلبان فاسد ، معارضه و مبارزه میکنند. پیغمبر اکرم وقتی به مدینه آمد و نظام اسلامی را تشکیل داد ، آیات قرآن را بر مردم میخواند ، به گوش دشمنان هم میرسانید؛ اما به این اکتفا نمیکرد. کسانی که طرفدار عدالت هستند ، در مقابل زورگویان و زیادهطلبان و متجاوزان به حقوق انسانها باید خود را به قدرت مجهّز کنند. لذا شما میبینید از روزی که نظام اسلامی به وجود آمد یعنی اسلام مجهّز به قدرتِ یک ملت بزرگ و امکانات یک کشور و دولت بزرگ شد دشمنان اسلام حرکت اسلام را جدّی گرفتند و علاقهمندان و طرفداران اسلام هم در اطراف و اکناف عالم امیدوار شدند. بسیاری از پیغمبران در میدان مبارزه .» و کأیّن من نبیّ قاتل معه ربّیون کثیرٌ « : و جهاد مقدّس و قتال قدم میگذاشتند (۳)

کسانی که خیال میکنند اسلام باید برود و در گوشهای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند ، اینها دانسته یا ندانسته همان چیزی را میگویند که مراکز قدرت

جهانی آن را میخواهند و آرزو میکنند. مراکز قدرت استکباری از اینکه رهبران اسلامی در گوشهای از دنیا بنشینند و گاهی پیامی بدهند و یککلمه حرفی بزنند همچنان که رهبران مسیحی در هر قضیهای پیامی میدهند ، نصیحتی میکنند و جملهای میگویند هیچ ترسی ندارند؛ میدانند این خطری برای آنها نیست. از اینکه ملتهای مسلمان بیدار شوند و تشکیل حکومت دهند؛ از اینکه ایمان اسلامیِ آحاد مردم در قالب یک نظام و یک دولت و یک حکومت تجسّم پیدا کند ، واهمه دارند و میترسند. نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملت ، اسلام در دنیا به عنوان یک قدرت ظاهر شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقرتر و پایدارتر کند ، نظم ظالمانه و شیطانیِ دنیا بیشتر تهدید میشود.

۱- سوره حدید ، آیه ۲۵
۲- سوره حدید ، آیه ۲۵
۳- سوره آل عمران ، آیه ۱۴۶

بعضیها بیتوجّه ، از جدایی دین و سیاست حرف میزنند؛ یعنی دین را به گوشههای خلوت برانند و انسان دیندار ، فقط به نصیحت اکتفا کند! در اینجا نصیحت نمیتواند کاری بکند. آنچه میتواند قدرتها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشهی آن را بَرکند یا آن را متزلزل سازد ، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسیای است که در اختیار احکام اسلامی باشد. امام زمان أرواحنا فداه با اقتدار و قدرت و تکیه بر تواناییای که ایمان والای خودِ او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهّز به آن قدرت کرده است ، گریبان ستمگران عالم را میگیرد و کاخهای ستم را ویران میکند. (۱)

آماده شدن برای سربازیِ امام زمان(ارواحنا فداه)

درس دیگرِ اعتقاد به مهدویّت و جشنهای نیمهی شعبان برای من و شما این است که هرچند اعتقاد به حضرت مهدی أرواحنا فداه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکّی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبهی آرمانی آن ختم کرد یعنی به عنوان یک آرزو در دل ، یا حدّ اکثر در زبان ، یا به صورت جشن نه ، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفتهاند ، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازیِ امام زمان آماده کنیم. سربازیِ امام زمان ، کار آسانی نیست. سربازیِ منجی بزرگی که میخواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بینالمللی مبارزه کند ، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشنبینی دارد. عدّهای این اعتقاد را وسیلهای برای تخدیر خود یا دیگران قرار میدهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پ ر از عدل و داد خواهد کرد ، امروز وظیفهای نداریم؛ نه ، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. شنیدهاید ، در گذشته کسانی که منتظر بودند ، سلاح

خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدانهای فعّالیت و مبارزه ، آماده به کار باشد.

اعتقاد به امام زمان به معنای گوشهگیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ میکردند ، الآن هم در گوشه و کنار تبلیغ میکنند که امام زمان میآید و اوضاع را درست میکند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همهی دنیا را روشن کند. خورشیدِ فردا ، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد. امروز اگر ما میبینیم در هر نقطهی دنیا ظلم و بیعدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد ، اینها همان

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمهی شعبان در مصلّای تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها میآید. اگر ما سرباز امام زمانیم ، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم.

بزرگترین وظیفهی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان ، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدّس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدّس شرکت میکردند ، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است ، آمادهی دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشتهی اسلام است ، میتواند ادّعا کند که اگر امام زمان بیاید ، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر ، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را میبازند و زانوانشان سست میشود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر میاندازد ، انجام دهند؛ اینها چطور میتوانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن م صلحِ بزرگ است ، باید در خود زمینههای صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقّق صلاح بایستد. (۱)

مردمی بودن حکومت مهدی موعود(عج الله تعالی فرجه الشریف)

درس مهمّ دیگری که وجود دارد ، این است که حکومت آیندهی حضرت مهدی موعود أرواحنا فداه ، یک حکومت مردمیِ به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متّکی به ایمانها و ارادهها و بازوان مردم است. امام زمان ، تنها دنیا را پ ر از عدل و داد نمیکند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهیرا در سرتاسر عالم استقرار میبخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل میدهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومتهای مدّعی مردمی

بودن و دمکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنچه امروز در دنیا اسم دمکراسی و مردمسالاری را روی آن گذاشتهاند ، همان دیکتاتوریهای قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است؛ یعنی دیکتاتوری گروهها. اگر رقابت هم وجود دارد ، رقابت بین گروههاست و مردم در این میان هیچکارهاند. یک گروه به قدرت دست پیدا میکند و در سایهی قدرت سیاسیای که همهی زمامهای امور را در کشور در اختیار او میگذارد و با سوءاستفاده از این قدرت ، ثروت و پول و سرمایه به نفع خود گردآوری میکند و آنها را در راه به دست آوردن دوبارهی قدرت مصرف میکند. دمکراسیهای امروز دنیا بر پایهی تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشمها و دلهاست. امروز در دنیا هرجا شعار دمکراسی میدهند ، شما ببینید برای تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری و یا نمایندگان مجلس چه کار میکنند! پول خرج میکنند.

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمهی شعبان در مصلّای تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

دمکراسی در پنجهی اقتدار پول اسیر است. مردمسالاری امام زمان یعنی مردمسالاری دینی با این روش، بهکلّی متفاوت است.

...در نظام اسلامی که مظهر کامل آن ، حکومت حضرت بقیه اللّه أرواحنا فداه است ، فریب و حیلهگری برای جلب آراء مردم ، خودش جرم است؛ استفاده از قدرت برای بهدست آوردن پول ، یکی از بزرگترین جرائم است. آنجا یاران حضرت مهدی موظّفند در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامیِ ما پرتو کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادّعا را نکردیم و نمیکنیم؛ اما باید نشانهای از او داشته باشیم.

در نظام اسلامی ، مراکز قدرت و کسانی که دستگاههای مختلف و مدیریّتها و امضاءها را در اختیار دارند ، باید به جمع ثروت شخصی برای خود ، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر اینطور شد ، آنگاه دستها و دامنها پاک خواهد ماند؛ و الّا اگر مسئولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصهی بزرگ در اختیار اوست؛ فلان پروژهی مهم و پ رخرج زیر امضای اوست و فلان صندوق پول زیر کلید اوست ، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمعآوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان که متعلّق به کشور و مردم است استفاده کند ، همان چیزی اتّفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستمهای ظالمانه در گذشته و امروز در دنیا اتّفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع کثیری دچار محرومیّت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدّعیِ اسلام هستیم ، باید با آن مبارزه کنیم.

؛» ما رأیت نعمه موفورهٔ الّا و فی جانبها حقّ مضیّع « : اینکه امیر المؤمنین علیهالسّلام میفرماید یعنی هرجا شما دیدید ثروت انباشتهای به وجود آمده ، بدانید در کنارش حقوق ضایعشدهی

فراوانی وجود دارد؛ مظهر اصلی و مصداق عمده‌اش همین است که کارگزاران و مسئولان حکومت ، با استفاده از نفوذ و قدرت ، راحت بتوانند از امکانات عمومی استفاده کنند؛ بانکها راحت وام بدهند؛ مراکز گوناگون ، امکان استفاده از زمین ، آب ، هوا ، تجارت و وارد کردن و صادر کردن را در اختیار آنها بگذارند؛ ناگهان ببینید کسانی که دستشان از مال دنیا تا اندکی پیش خالی بود ، ثروتهای گزاف پیدا کرده‌اند؛ ظاهر کار هم قانونی است.

....این را همه بدانند: کسی که خودش آلوده به فساد باشد ، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند. خودِ مسئولان باید با هشیاری و دقّت ، با این پدیده مبارزه کنند. اگر خدای نکرده مدیران در مقابله با فساد در دستگاههای خود کوتاه بیایند ، ناگزیر باید قوّهی قضائیّه وارد میدان شود. دستگاه قضائی هم باید بیاغماض و بدون ملاحظه ، هرجا فساد و یا عملی را برخلاف قانون و در جهت سوءاستفاده ملاحظه کرد ، با آن مقابله کند. (۱)

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمهی شعبان در مصلّای تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

وظایف منتظران در کلام آیت الله مکارم

خودسازی فردی

اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانیها شوخی نیست! کار ساده ای نمی تواند باشد آماده باش برای چنین هدف بزرگی باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد.

حکومت جهانی مهدی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند; و این در درجه اوّل محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است؛ تنگ نظری ها ، کوته بینیها ، کج فکریها ، حسادتها ، اختلافات کودکانه و نابخردانه ، و بطور کلّی هر گونه نفاق و پراکندگی با موقعیّت منتظران واقعی سازگار نیست.

نکته مهم اینجاست که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمّی هرگز نمی تواند نقش تماشاچی را داشته باشد؛ باید حتماً در صف اصلاح طلبان واقعی قرار گیرد. ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل هرگز به او اجازه نمی دهد که در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن اعمالی پاک و روحی پاکتر ، برخورداری از شهامت و آگاهی کافی است !

من اگر ناپاک و آلوده ام چگونه می توانم منتظر تحوّل و انقلابی باشم که شعله اوّلش دامان مرا می گیرد. من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی بنشینم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است و من اگر فاسد و نادرستم چگونه می توانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچ گونه نقشی ندارند ، بلکه مطرود و منفور خواهند بود ، روزشماری کنم !

آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان من از لوث آلودگیها کافی نیست.

ارتشی که در انتظار جهاد آزادیبخش به سر می برد ، حتماً به حالت آماده باش کامل در می آید؛ سلاحی که برای چنین میدان نبردی شایسته است به دست می آورد؛ سلاحهای موجود را اصلاح می کند؛ سنگرهای لازم را می سازد؛ آمادگی رزمی نفرات خود را بالا می برد؛ روحیه افراد خود را تقویت می کند؛ و شعله عشق و شوق برای چنان مبارزه ای را در دل فرد فرد سربازانش زنده نگه می دارد؛ ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سر نمی برد و اگر بگوید دروغ می گوید؛ انتظار یک مصلح جهانی به معنی آماده باش کامل فکری و اخلاقی ، مادّی و معنوی ، برای اصلاح همه جهان است.

فکر کنید چنین آماده باشی چقدر سازنده است! اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانیها شوخی نیست! کار ساده ای نمی تواند باشد آماده باش برای چنین هدف بزرگی باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد.

برای تحقّق بخشیدن به چنین انقلابی مردانی بسیار بزرگ و مصمّم و بسیار نیرومند و شکست ناپذیر ، فوق العاده ، پاک و بلند نظر ، کاملا آماده و دارای بینش عمیق ، لازم است؛ و خودسازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق ترین برنامه های اخلاقی و فکری و اجتماعی است; این است معنی انتظار واقعی؛ آیا هیچ کس می تواند بگوید چنین انتظاری سازنده نیست !

اصلاح جامعه

منتظران راستین در عین حال ، وظیفه دارند که علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند یک برنامه فردی نیست ، برنامه ای است که تمام عناصر تحوّل باید در آن شرکت جوید؛ باید کار به صورت دستجمعی و همگانی باشد؛ کوششها و تلاشها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

در یک میدان وسیع مبارزه دستجمعی هیچ فردی نمی تواند از حال دیگران غافل بماند؛ بلکه موظّف است هر نقطه ضعفی را در هر کجا ببیند اصلاح کند؛ و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم نماید؛ و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند.

زیرا بدون شرکت فعّالانه و هماهنگ تمام مبارزین ، پیاده کردن چنان برنامه ای امکان پذیر نیست

بنابراین منتظران واقعی علاوه بر این که به اصلاح خویش می کوشند ، وظیفه خود می دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند.

این است اثر سازنده دیگر برای انتظار قیام یک مصلح جهانی! و این است فلسفه آن همه افتخارات و فضیلتها که برای منتظران راستین شمرده شده است.

حل نشدن در فساد محیط

هنگامی که فساد فراگیر می شود ، و اکثریّت و یا جمع کثیری را به آلودگی می کشاند ، گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می گیرند ، بن بستی که از یأس از اصلاحات سرچشمه می گیرد.

گاهی آنها فکر می کنند ، کار از کار گذشته و دیگر امیدی برای اصلاح نیست ، و تلاش و کوشش برای پاک نگهداشتن خویش بیهوده است؛ این نومیدی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند ، و نتوانند خود را به صورت یک اقلّیت صالح در برابر اکثریّت ناسالم حفظ کنند ، و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند.

تنها چیزی که می تواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند ، امید به اصلاح نهایی است؛ تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و حتّی برای اصلاح دگران بر نخواهند داشت و اگر می بینیم در دستورات اسلامی یأس از آمرزش. یکی از بزرگترین گناهان شمرده شده است و ممکن است افراد ناوارد ، تعجّب کنند که چرا یأس از رحمت خدا این قدر مهم تلقی شده مهمتر از بسیاری از گناهان فلسفه اش در حقیقت همین است که گناهکار مأیوس از رحمت ، هیچ دلیلی نمی بیند که به فکر جبران بیفتد و یا لااقل دست از ادامه گناه بردارد ، و منطق او این است :

آب از سر من گذشته است ، چه یک قامت چه صد قامت من که رسوای جهانم غم دنیا « هیچ است بالاتر از سیاهی ، رنگ دگر نباشد؛ آخرش جهنّم است من که هم اکنون آن را برای »! خود خریده ام؛ دیگر از چه چیز می ترسم

امّا هنگامی که روزنه امید برای او گشوده شود ، امید به عفو پروردگار و امید به تغییر وضع موجود ، نقطه عطفی در زندگی او پیدا می شود و چه بسیار او را به توقّف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می نماید.

به همین دلیل ، امید را می توان همواره به عنوان یک عامل مؤثّر تربیتی در مورد افراد فاسد

شناخت. همچنین افراد صالحی که در محیط های فاسد گرفتارند ، بدون امید نمی توانند خویشتن را حفظ کنند.

نتیجه این که ، انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می شود امید ظهورش بیشتر می گردد اثر فزاینده روانی در معتقدان دارد ، و آنها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می کند; آنها نه تنها با گسترش دامنه فساد محیط مأیوستر نمی شوند ، بلکه به مقتضای:

وعده وصل چون شود نزدیک آتش عشق تیزتر گردد

وصول به هدف را در برابر خویش می بینند و کوششهایشان برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویشتن با شوق و عشق زیادتری تعقیب می گردد. (۱)

۱- برگرفته از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج) ۰ آیت الله ناصر مکارم شیرازی ص ۱۰۰-۱۰۶

آیت الله العظمی صافی

آسایش دنیا، در گرو اعتقاد به مهدویت

روز شریف نهم ربیع المولود از ایام الله بزرگ و مقدس است. این روز فرخنده و پربرکت ، آغاز ظهور ولایت حضرت ولی الله الاعظم امام مبین و حصن حصین بقیه الله فی الأرضین موعود انبیاء مرسلین ، خاتم الأوصیاء المعصومین ، مولانا المنتظر و العدل المشتهر و الإمام الثانی عشر الحجه بن الحسن المهدی ارواح العالمین له الفداء میباشد؛ و در حقیقت ، باید گفت که از امروز و از درون تاریخ هجری ، تاریخ نوین عصر مهدوی آغاز میشود.

این روز سر آغازی است برای عصری که جهان در پیش رو دارد و در طول حضور بشر در روی زمین بی سابقه است و ویژگیهای آن در عصر هیچ یک از انبیا و رجال ، ظاهر نشده است؛ عصری که در آن زمین پر از عدل و قسط گردد و همه جا امنیّت و آرامش و اطمینان حاکم گردد و میلیاردها بشر در همه جا تحت حکومت واحد و قانون واحد قرار بگیرند و برکات زمین و آسمان ظاهر گردد عصری نمونه است.

عصر مهدوی ، یعنی نفی تمام ضعفها و فسادها ، یعنی انتظارِ چنان جامعه واحد جهانی و مدینه فاضله حقیقی که همه ارکان و اعضا و نهادهایش همانگونه که طرح آن از طرف شخص رسول اعظم صلّی الله علیه و آله ، داده شده ، مانند اعضای بدن انسان واحد ، انجام وظیفه مینماید.

مسیر همه جوامع به سوی این جامعه است و رسیدن بشر به این جامعه ، سنّت الهی و قاعده تخلفناپذیر است ، هر کس که بخواهد مانع از تحقّق جامعه مهدوی شود معارضه و ممانعت وی در هم کوبیده میشود.

در اینجا تذکر این نکته مناسب است که تا دنیا به آن عصر و جامعه بزرگ مهدوی نرسیده است ، جامعههای فعلی اگر بخواهند در سعادت ، آسایش، قدرت ، قوّت ، عزت و عدالت ، زندگی کنند باید همان اصول و مبانی جامعه مهدوی را اصل و مبنای حیات اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی خود قرار دهند و آن را معیار بدانند و صلاح یا فساد خود را با آن بسنجند.

اکنون با این میزان از جوامع کوچک شهری و روستایی، میتوان جامعهای را که مهدوی است، شناسایی کرد؛ در هر شهر و روستایی که حق رعایت میشود، از حق حمایت میکنند، به حق عمل مینمایند، اتحاد و برادری به چشم میخورد، تعلیم و تربیت صحیح و تقدیر از اخیار و دانشمندان در آنجا رایج است، در امانت، خیانت نمیکنند و خلاصه، حیات دینی و انسانی دارند؛ آن جامعه اگر چه کوچک هم باشد، جامعه مهدوی است.

امروز همگان وظیفه داریم که خصوصیات و امتیازات جامعه مهدوی و دولت کریمه الهی را به جهان معرّفی نماییم که جهان تشنه عدل و مواسات و جهانِ خسته از ظلم و جنایات و قتل و

خونریزی خود را برای روز رهایی و روز زیبای مهربانی آماده کند و امیدوار و منتظر وعده الهی

اللهم اجعلنا من « و » إنّهم یَرَوْنَه بَعیداً وَ نَراه قَریباً « برای برپایی حکومت واحد عدالت باشد که

.» أنصاره و أعوانه (۱)

نمونهای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

سبک « و » مهدویت « ۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع

» زندگی مهدوی

،. برگزاری نمایشگاه موضوعی مهدویت

۹. تولید پوستر و کارت پستال و فلش کارت موضوعی ، بروشور یا کتابچه از محتوای این

فصل به همراه مسابقه

برای طیف » سبک زندگی مهدوی « و » مهدویت « ۱. شناسایی کتاب مناسب با موضوع

مخاطب سازمان متبوع (کودک، نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی ، فرهیختگان و کارشناسان و...(و

برگزاری مسابقه کتابخوانی

۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع مهدویت و مشارکت با

صداوسیمای استانی برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی یا رادیویی

» سبک زندگی مهدوی « و » مهدویت « ۱. برگزاری فراخوان شعر و متن ادبی ، در موضوع

» سبک زندگی مهدوی « و » مهدویت « ۳. فراخوان مسابقه وبلاگ نویسی با موضوع

۲. برگزاری میزگرد تحلیلی ، کرسی آزاداندیشی یا پرسش و پاسخ با هدف تحلیل ابعاد موضوع

مهدویت در دانشگاهها و حوزههای علمیه

۳۹،۴ پایگاه خبری مشرق /۱/۴۹ . درس اخلاق ماه مبارک رمضان ، mashreghnews.ir

۳. برگزاری work shape با حضور خوشنویسان ، هنرمندان گرافیست و... در بقاع متبرکه یا پایگاههای فرهنگی اصلی شهر برای تولید آثار هنری با محتوای مهدوی در کتاب و دعوت از هنردوستان و عموم مردم علاقمند

۴۱ . برگزاری مسابقات ورزشی (ویژه محلات ، دانشگاهها ، پایگاههای بسیج و...) با عنوان « مهدییاوران » و برگزاری همایش بزرگ پایانی با برنامههای متنوع فرهنگی ویژه دهه کرامت و اهدای جوایز تیمهای برتر

آیت الله ناصری

پرهیز از گناه، اصلی ترین آموزه مهدوی

غیبت صاحبالزمان(عج) به معنای غایب شدن و حضور نداشتن نیست ، بلکه به معنای حضور داشتن ولی ناشناس بودن در جامعه است. انتظار ، حالتی روحی است که از ضمیر فرد منتظر بر میآید اما با چشم به در دوختن و حسرت خوردن تمام نمیشود.

انتظار واقعی فرج، به عمل و کردار انسان ختم شده و در تمامیِ ابعاد زندگی مادی و معنوی تأثیری شگرف برجای مینهد و انتظار فرج علاوه بر آثار باطنی و معنوی در جامعه، اثرات مثبت بسیاری دارد. در روایات متعدد، انتظار به عنوان عمل، بلکه برترین اعمال معرفی شده و از جمله روایت پیامبر اکرم(ص) بوده که فرمودند "افضل اعمال أمتی انتظار الفرج" که برترین اعمال امت من، انتظار فرج است.

نخستین وظیفه شیعیان انتظار فرج است ، اما آیا واقعا ما منتظریم و انتظار یعنی چه؟ کسی که به وظایف دینی اش عمل کند منتظر واقعی بوده و انتظار یعنی از وضع کنونی راضی نیستیم و منتظریم تا وضع اصلاح شود. تا کنون حکومت عدل الهی به طور کامل در دنیا برپا نشده است و

با ظهور حضرت حجت(عج(حکومت عدل الهی برپا میشود.

منتظر امام زمان(عج(کسی است که گناه نکند و اعمالی انجام ندهد که موجب نارضایتی ایشان شود چون ایشان کسی را میخواهند که بنده خدا باشد نه بنده شیطان و دنیا. میگوییم یابنالحسن اما این ندای ما تنها به زبان بوده و درون قلب ما وارد نشده است وگرنه باید این بیان همراه با اطاعت از امام زمان(عج(باشد؛ مادامی که این حجابهای ظلمانی ، صفات خبیثهای همچون ریا ، غیبت ، تهمت ، تکبّر ، حسادت در وجود ماست ، منتظر واقعی امام زمان(عج(نیستیم.

بر اساس حدیثی که یکی از یاران خاص حضرت صادق(علیه السلام(نقل کرده ، میتوان دید حضرت صادق(علیه السلام(که در شمار منتظران ظهور قرار داشتهاند ، چگونه بیتابانه اشک میریخته و انتظار ظهور را در دل داشتهاند. بنابراین روایت ، روزی مفضّل بن عمر ، ابوبصیر ، ابان بن تغلب و سدیر ، که هر ۱ تن از یاران ویژه حضرت صادق(علیه السلام(و در شمار فداییان ولایت بودهاند ، به محضر آن حضرت میآیند و آن حضرت را در لباسی با آستینهایی تقریباً

۱- بیانیه حضرت آیت الله صافی گلپایگانی به مناسبت نهم ربیع الاول ۰ سالروز آغاز امامت و ولایت حضرت مهدی(عج) ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ خبرگزاری حوزه hawzahnews.com

کوتاه و بدون یقه و سینهای باز میابند که بر روی خاک نشسته و به شدّت گریه میکنند و این سخنان را بر زبان میرانند کهای سرور من! غیبت تو بر گرفتاریها و ناراحتیهای من افزوده است ، گمان نکنم اشک چشمم خشک شود و ناله سینهام فرو نشیند. سدیر با دیدن این حالت ، ناراحت میشود و از آن حضرت میپرسد که یابن رسول الله! چه مطلبی برای شما پیش آمده که این گونه منقلب و ناراحت هستید که آن حضرت ، آهی کشیده و پاسخ میدهند "امروز صبح در کتاب جفر اکبر نظر میکردم که به مسائل مربوط به خاتمالأوصیا رسیدم ، دیدم این بزرگوار چه مقامی نزد حضرت حق دارند و چه اندازه غیبتشان طولانی میشود و چقدر باید ناراحتی اجتماعات را تحمّل کنند ، چقدر بندگان خدا از دین حق دست شسته و از آن خارج میشوند و من از حالات آن حضرت در روزگار غیبت منقلب شده بیاختیار اشک چشمم جاری شده است.

تحلیل کوتاه این حدیث شریف ، نشان میدهد آن حضرت با فرزند زاده بزرگوارشان سنخیت کامل دارند ، در طلب رفع مشکلات ایشان هستند و از آنجا که ایشان در بالاترین حدّ ممکن ، پیراسته از آلودگیها هستند ، نمیتوانند به وضعیت موجود راضی باشند بنابراین بیاختیار در سلک منتظران آن حضرت قرار گرفته و اشک از دیدگانشان جاری می شود. (۱)

نمونهای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

سبک « و » مهدویت « ۴. برگزاری همایش ٠ نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع » زندگی مهدوی

٠. برگزاری نمایشگاه موضوعی مهدویت

۹. تولید پوستر و کارت پستال و فلش کارت موضوعی ٠ بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل به همراه مسابقه

برای طیف » سبک زندگی مهدوی « و » مهدویت « ۱. شناسایی کتاب مناسب با موضوع

مخاطب سازمان متبوع)کودک، نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی ، فرهیختگان و کارشناسان و...(و

برگزاری مسابقه کتابخوانی

۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع مهدویت و مشارکت با

صداوسیمای استانی برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی یا رادیویی

» سبک زندگی مهدوی « و » مهدویت « ۱. برگزاری فراخوان شعر و متن ادبی ، در موضوع

» سبک زندگی مهدوی « و » مهدویت « ۳. فراخوان مسابقه وبلاگ نویسی با موضوع

۲. برگزاری میزگرد تحلیلی ، کرسی آزاداندیشی یا پرسش و پاسخ با هدف تحلیل ابعاد موضوع

مهدویت در دانشگاهها و حوزههای علمیه

۱- درس اخلاق ماه مبارک رمضان ۱۳۹۳/۰۴/۱۳،پایگاه خبری مشرق mashreghnews.ir

۳. برگزاری work shape با حضور خوشنویسان ، هنرمندان گرافیست و... در بقاع متبرکه یا پایگاههای فرهنگی اصلی شهر برای تولید آثار هنری با محتوای مهدوی در کتاب و دعوت از هنردوستان و عموم مردم علاقمند

۴۱ . برگزاری مسابقات ورزشی)ویژه محلات ، دانشگاهها ، پایگاههای بسیج و...(با عنوان و برگزاری همایش بزرگ پایانی با برنامههای متنوع فرهنگی ویژه دهه کرامت و » مهدییاوران « اهدای جوایز تیمهای برتر

فصل چهارم: اهل بیت (علیهم السلام)؛ الگوی بصیرت و مقاومت در برابر مستکبران و طاغوتها

گزیده ای از سخنان امام خمینی (ره) درباره لزوم اقتدا به معصومین (ع) دربصیرت و ایستادگی

در برابر حوادثی که پیش میآید استقامت داشته باشید و از آنهایی باشید که خداوند در

حقشان فرمود : ان الذین قالوا ربنااللّه ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه ألاّ تخافوا و لا تحزنوا و «

.» أبشروا بالجنه التی کنتم توعدون (۱) خداوند ملائکه بر شما فرو میفرستد و قلبتان را آرامش

است » جنات عدن « میبخشد که از کشته شدن و اعدام شدن نگران نشوید. جایگاه ابدی شما

که و عِدَ المتقون.

... نترسید ، نگران نشوید ، قلبتان را محکم کنید. خود را آماده کنید برای کشته شدن ، خود را

آماده کنید برای زندان رفتن ، خود را آماده کنید برای سربازی رفتن ، خود را آماده کنید برای

ضرب و شتم و اهانت ، خود را آماده کنید برای تحمل مصایبی که در راه دفاع از اسلام و

استقلال برای شما در پیش است. کمربندها را محکم ببندید برای حبس، برای تبعید ، برای

سربازی رفتن ، برای ناسزا شنیدن ، نترسید و مضطرب نشوید. به من اگر فحش میدهند شما چرا

غصه میخورید؟ شما چرا نگران میشوید؟ چرا کاغذها را جمع میکنید؟ (۲) مگر من از حضرت امیر

علیهالسلام بالاتر هستم؟ معاویه چند سال در بالای منبر به علی فحش داد و آن حضرت

صبر کرد. مگر حضرت علی غیر از این حرفی میزد که ما میزنیم؟ ما میگوییم احکام قرآن باید

در مملکت ما عمل شود. آن حضرت هم همین را میفرمود. مگر شما از اصحاب حضرت امیر

بالاتر هستید که جان خود را در راه دین میدادند؟ پیشینیان ما ، بزرگان دین ما و

ائمه معصومین علیهم السلام در راه دفاع از اسلام هتک شدند ، سیلی خوردند ، به شهادت

رسیدند؛ زندان رفتند ، مسموم شدند. پیروان علی و فاطمه و اولاد روحانی و جسمانی آن

... بزرگواران همواره با حکام جائر مقابله کردند. عمار یاسر ، (۳) عمر مبارک خود را در مقابله گذراند

» فئه باغیه « تا سرانجام در سن نود سالگی به دست (۴) به شهادت رسید. میثم تمار ، این زبان

۴ . آیه ۴۱ سورهٔ فرقان

، که در آن زنندهترین ، زشتترین و بیشرمانهترین فحشها به امام » سازمان زنان ایران « . اشاره به اعلامیه ساواک به نام داده شده بود. پاسبانها و مأموران ساواك شبانه آن را در خیابانهای قم به در و دیوار میزدند. طلاب و روحانیان آن را جمع میکردند ، امام در نشست بیرونی خانه خود نیز به طلابی که آن اعلامیه فضاحتبار را از دیوارها کنده بودند ، اعتراض کرد که چرا این اعلامیه را جمع میکنید؟ بگذارید بر دیوارها باشد تا ماهیت دستگاه جبار را برای مردم بهتر روشن کند.

۹ . در نوار نامفهوم است.

۱ . این جمله را حضرت رسول (ص) دربارهٔ عمار فرموده بودند.

۱- آیه ۱۵سورهٔ فرقان

۲- اشاره به اعلامیه ساواک به نام (سازمان زنان ایران) که در آن زنندهترین ۰ زشتترین و بیشرمانهترین فحشها به امام داده شده بود. پاسبانها و مأموران ساواک شبانه آن را در خیابانهای قم به در و دیوار میزدند. طلاب و روحانیان آن را جمع میکردند ۰ امام در نشست بیرونی خانه خود نیز به طلابی که آن اعلامیه فضاحتبار را از دیوارها کنده بودند ۰ اعتراض کرد که چرا این اعلامیه را جمع میکنید؟ بگذارید بر دیوارها باشد تا ماهیت دستگاه جبار را برای مردم بهتر روشن کند.

۳- در نوار نامفهوم است.

۴- این جمله را حضرت رسول (ص) دربارهٔ عمار فرموده بودند.

گویای اسلام تا آنجا گفت و گفت که جلادان معاویه علیهااللعنه زبانش را بریدند ، دستهایش را قطع کردند و بدترین شکنجهها را به او دادند.

اولاد فاطمه سلامالله علیها در طول تاریخ اسلام همیشه در برابر دستگاههای ظالم و جائر ایستادند و از اسلام دفاع کردند؛ زجرها کشیدند؛ ناسزاها شنیدند؛ لای جرز قرار گرفتند؛ دستهجمعی سربریده شدند ، قتل عام شدند ، به شهادت رسیدند ، معالوصف مقاومت کردند و نگذاشتند که بدخواهانْ اسلام را از بین ببرند و احکام خدا را محو و نابود کنند. (۱)

من از همه ملت ایران تقاضا دارم که همان طور که از اول در میدان مبارزه با کفر ، همه حاضر بودید و در صحنه این مبارزه همه حاضر بودید ، باز هم ادامه بدهید که ادامه این نهضت برای اسلام است و اسلام عزیز این حق را به ما همه دارد که در راه او هر جانفشانی که میتوانیم و هر اقدامی که میتوانیم بکنیم. ما باید در این امور از پیغمبر اکرم و از ائمه هدی که در طول مدتشان یا در جنگ بودند با کفار و یا در حبس بودند به دست اشخاصی که با اسم اسلام آنها را به حبس و زجر میکشیدند ، سرمشق بگیریم و به آنها اقتدا بکنیم. اسلام عزیز چیزی است که پیغمبر اکرم در راه او جانفشانی کرد و ائمه هدی در راه او جانفشانی کردند و یاران پایدار پیغمبر در راه او جانفشانی کردند. و ما نیز باید به آنها اقتدا کنیم. و از اینکه جنگ طولانی شده است نهراسیم که جنگ به نفع اسلام است. ما حق هستیم و حق بر باطل پیروز است. مرگ مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی نزدیک است. قوای مسلح ایران با کمال رشادت در مرزها مشغول مجاهده هستند و تمام ملت پشتیبان آنهاست؛ زن و مرد این ملت در پشتیبانی آنها مشغول اقدام است. و یک همچو کشوری که تمام افرادش حاضر در صحنه هستند و تمام افرادش برای پیشبرد اسلام و پیشبرد مقاصد اسلامی مهیا هستند ، یک همچو کشوری آسیب

نخواهد دید. و من امیدوارم که بزودی این نوکرهای اجانب و این ریشههای فاسد از بین بروند و

شما ملت عزیز ، سرفرازتر از آنچه تا کنون بودید ، در دنیا قدرت خودتان را نشان بدهید. (۲)

گزیدهای از بیانات مقام معظم رهبری درباره بصیرت و ایستادگی اهل بیت (علیهمالسلام)

ظهور و شکوفایی دین اسلام مرهون بصیرت و ایستادگی پیامبر اکرم (ص)

یادآوری بعثت به معنای یادآوری یک حادثهی تاریخی نیست این آن نکتهای است که ما

باید در مواجه هی با این حادثه ی بزرگ و این خاطرهی ارجمند بشری و انسانی همیشه به یاد

داشته باشیم بلکه تکیهی بر این خاطرهی پرشکوه در حقیقت تکرار و مرور یک درس فراموش

۱- سخنرانی با موضوع توطئههای استعمار بر ضد اسلام مسئولیت سنگین عالمان دینی ۰ قم ۰ مسجد اعظم ۱۳۴۱/۱۲/۲۹

۲- سخنرانی با موضوع کارشکنیها و توطئههای گروهکهای وابسته و لزوم هوشیاری و پایداری ملت ، تهران ، حسینیه جماران ۱۳۶۰/۰۱/۲۶

نشدنی است در درجهی اول برای خود امت اسلامی؛ چه آحاد امت ، چه برجستگان و نخبگان امت سیاستمداران ، دانشمندان ، روشنفکران و در درجهی بعد برای همهی آحاد بشریت. این ، تکرار یک درس است ، تکرار یک سرمشق است ، یادآوری یک حادثهی درس آموز است.

ابعاد این حادثه بسیار متنوع است که حقیقتاً اگر کسی بخواهد با بیان رسا ولو به طور اجمال جوانب مسئلهی بعثت را بیان کند ، باید کتابها نوشته شود و ساعتها سخن گفته شود؛ لیکن همانطور که انسان یک نگاه ابتدائی به این حادثه میکند ، درسهای متعددی را فرا میگیرد. شما ملاحظه کنید پیغمبر اکرم با این پیامی که جامع همهی نیازهای بشر برای کمال بود ، در جامعهای ظهور کرد و دعوت خود را آغاز کرد که هیچیک از آن کمالات مطلوب در آن جامعه وجود نداشت.

پیغمبر ، پیامبر علم بود ، در آن جامعه علم نبود؛ پیامبر عدل بود ، در آن جامعه رایحهای از عدالت به مشام نمیرسید و قدرتمندان ، زورمندان ، رؤسای زورگو بر جان و مال مردم مسلط بودند. پیامبر اخلاق و مدارا و گذشت و انصاف و محبت بود ، در آن جامعه این چیزها به تمام معنا قحط بود؛ یک جامعهی خشن ، زورگو و زور شنو ، دور از اخلاق و معنویت ، دور از علم ، دلبستهی به هواهای نفسانی ، به عصبیتهای جاهلی ، به غرورهای بی مورد و بیجا.

در یک چنین فضای متحجر و دشواری ، در یک چنین سنگستان بی آب و علفی این نهال روئید ، سیزده سال در این شرائط سخت رشد کرد و این سیزده سال منتهی شد به ایجاد یک حکومت؛ تشکیل یک جامعه بر مبنای علم و عدل و توحید و معنویت و اخلاق و کرامت. ذلت را تبدیل به عزت کرد؛ وحشیگری را تبدیل به اخوت کرد؛ عصبیت را تبدیل به مدارا و تعقل کرد؛ جهل را تبدیل به علم کرد؛ یک قاعدهی مستحکمی ، یک شالودهی متینی به وجود آورد که بر

اساس آن شالودهی محکم ، قرنها مسلمانان توانستند بر قلهی مدنیت عالم مسلط شوند و قلههائی را خودشان به وجود بیاورند که در تاریخ بشریت سابقه نداشت.

ده سال هم دوران این حکومت بیشتر طول نکشید. شما ببینید سیزده سال به اضافهی ده سال در عمر ملتها چقدر هست؛ مثل یک لحظه است ، مثل یک ساعتِ گذراست. در یک چنین فاصلهی کوتاهی یک حرکت عظیمی به وجود آمد که میشود گفت تاریخ را به دو قسم منقسم کرد: قسمِ قبل از اسلام و قسمِ بعد از اسلام. انسانیت را به پیش برد ، پایههای اخلاق را مستحکم کرد ، درسهای فراموشنشدنی را برای بشر به یادگار گذاشت؛ عظمت بعثت را از این دیدگاه شما نگاه کنید.

آنچه که این موفقیتها را تضمین کرد ، البته عناصر در هم تنیدهی بسیاری است؛ اما در درجهی اول آن عنصر مستحکم باثباتی که سرشار بود از معنویت ، از صفا و از معرفت به پروردگار و اتکاء به خدا ، وجود خودِ پیغمبر است. پیغمبر اکرم داناترین و خردمندترینِ مردم مکه

بود ، قبل از اینکه به نبوت برسد؛ کریمترین و شریفترین و بااخلاقترینِ مردم آن منطقه بود ، قبل از اینکه به نبوت برسد.

در میان آن مردم این انسان برجسته مورد لطف الهی قرار گرفت و این بار بر دوش او نهاده شد؛ چون خدا او را آزموده بود. خدا بندهی خود را میشناخت و میدانست که این بار را بر دوش چه کسی میگذارد ، و پیغمبر ایستاد. این ایستادگی ، این استقامتِ همراه با معرفت عمیق به آن هدفی که به سوی آن حرکت میکند و آن راهی که آن را میپیماید ، پشتوانهی همهی پیشرفتهای پیغمبر و پشتوانهی شکوفائی این حرکت عظیم شد. بله ، حق پیروز است ، اما بشرطها؛ شرط پیروزی حق ، دفاع از حق است. شرط پیروزی حق ، ایستادگی در راه حق است.

وقتی که در مرحلهی اول بعثت ، بعد از آنی که با گذشت سه سال یا بیشتر که دعوت پنهانی بود ، مخفی بود پیغمبر توانسته بود سی ، چهل نفر را مسلمان بکند ، بعد امر الهی آمد که: علنی کن ، برو توی میدان ، ؛» فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین. انّا کفیناک المستهزءین « پرچم را به دست بگیر و کار را علنی کن. پیغمبر آمد وسط میدان و قضایائی که شنیدهاید. بزرگان و صنادید قریش و زرمندان و زورمندان آن جامعه به خود ترسیدند و لرزیدند. اولین کاری که کردند ، تطمیع آن بزرگوار بود. آمدند پیش جناب ابیطالب گفتند که این برادرزادهی تو اگر ریاست میخواهد ، ما ریاست مطلق خودمان را به او میدهیم؛ اگر ثروت میخواهد ، آنقدر به او ثروت میدهیم که از همهی ما ثروتمندتر بشود؛ اگر مایل است پادشاهی کند ، ما او را به عنوان پادشاه خودمان انتخاب میکنیم. بگوئید از این حرفهائی که میزند ، دست بردارد. جناب ابیطالب که بر جان پیغمبر میترسید و از توطئهی آنها بیمناک بود ، پیش پیغمبر آمد و گفت بزرگان مکه این پیغام را دادند؛ شاید نصیحت کرد ، توصیه کرد که حالا شما هم یک خردهای کوتاه بیائید؛

یا عمّ! واللَّه لو وضعوا الشّمس « : این ایستادگی به این اندازه دیگر چرا؛ لازم نیست. پیغمبر فرمود

؛» فی یمینی و القمر فی شمالی لاعرض عن هذا الامر لا افعله حتّی اظهره اللَّه او یذهب بما فیه

عموجان! اگر خورشید را در دست راست من بگذارند ، ماه را در دست چپ من بگذارند ، برای

اینکه من از این هدف دست بکشم ، سوگند به خدا این کار را نمیکنم؛ تا وقتی یا خدا ما را پیروز

کند یا همهی ما از بین برویم.

چشم مبارک پیغمبر لبریز اشک شد و ؛» ثمّ اغرورقت عیناه من الدّمع « بعد در روایت دارد که

یابن اخی « : از جا بلند شد. ابوطالب این ایمان ، این استقامت را وقتی که دید ، منقلب شد و گفت

واللَّه لا اسلّمنّک « . برو هرکاری که میخواهی بکن؛ هدفت را دنبال کن ؛» اذهب و قل ما احببت

سوگند به خدا من تو را با هیچ چیز عوض نمیکنم. این ایستادگی ، ایستادگی میآفریند. ؛» بشیء

این استقامت از پیغمبر ، ریشهی استقامت را در ابوطالب مستحکم میکند. این پایبندی به هدف ،

نترسیدن از دشمن ، طمع نورزیدن در آنچه که در دست دشمن است ، دل نبستن به امتیازی که

دشمن میخواهد بدهد در مقابل متوقف کردن این راه ،ایستادگی میآفریند ، آرامش به وجود میآورد ،

اعتماد به راه و به هدف و به خدائی که این هدف متعلق به اوست ، به وجود میآورد. لذا سی ، چهل نفر بیشتر نبودند. همین سی ، چهل نفر در مقابل آن همه مشکلات ، آن همه دشواریها ایستادند و روز به روز زیاد شدند. روز به روز در مکه میدیدند که با عمار چه میکنند ، با بلال چه معاملهای میشود ، سمیه و یاسر چه جور زیر شکنجه قرار میگیرند و شهید میشوند؛ اینها را میدیدند ، در عین حال ایمان میآوردند. پیشرفت حق اینجوری است. صرفاً در حالت آسایش، در حالت امن و امان پرچم حق را بلند کردن و پای آن سینه زدن ، حق پیش نمیرود. حق آن وقتی پیش میرود که صاحب حق ، پیرو حق ، در راه پیشرفت حق از خود استقامت و استحکام نشان بدهد.

اشداء .» محمّد رسول اللّه و الّذین معه اشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم « : آیهی قرآن میفرماید بر کفار معنایش این نیست که با کفار دائم در حال جنگند. اشداء ، شدت ، یعنی استحکام ، استواری ، خورده نشدن. یک فلزی زنگ میزند ، خورده میشود ، پوک میشود ، از بین میرود؛ یک فلز هم قرنهای متمادی که بگذرد ، دچار خوردگی و زنگزدگی و پوسیدگی و پوکی نمیشود. اشداء یعنی این. شدت یعنی استحکام. استحکام یک وقت در میدان جنگ است ، یک جور بروز میکند؛ یک وقت در میدان گفتگوی با دشمن است ، یک جور بروز میکند. شما ببینید پیغمبر در جنگهای خود ، آنجائی که لازم بود با طرف خود و دشمن خود حرف بزند ، چه جوری حرف میزند. سرتا پای نقشهی پیغمبر استحکام است؛ استوار ، یک ذره خلل نیست. در جنگ احزاب پیغمبر با طرفهای مقابل وارد گفتگو شد ، اما چه گفتگوئی! تاریخ را بخوانید. اگر جنگ است ، با شدت؛ اگر گفتگو است ، با شدت؛ اگر تعامل است ، با شدت؛ با استحکام. این معنای اشداء علی الکفار است. رحماء بینهم ، یعنی در بین خودشان که هستند ، نه؛ اینجا دیگر خاکریز نرم است ، انعطاف وجود

دارد؛ اینجا دیگر آن شدت و آن صلابت نیست. اینجا باید دل داد و دل گرفت. اینجا باید با هم با تعاطف رفتار کرد.

همان ایستادگیِ اول بعثت ، منجر میشود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابیطالب.

شوخی نیست؛ سه سال در یک درهای در مجاورت مکه ، بدون آب ، بدون گیاه ، در زیر آفتاب سوزان. پیغمبر ، جناب ابیطالب ، جناب خدیجه ، همهی مسلمانها و همهی خانوادههایشان توی این تکه شکاف کوه زندگی کردند. راه هم بسته بود که برای اینها غذا نیاید ، خوراک نیاید. گاهی در ایام موسم که بر طبق سنن جاهلی آزاد بود ، یعنی جنگ نبود میتوانستند داخل شهر بیایند ، اما تا میخواستند جنسی را در دکانی معامله کنند ، ابوجهل و ابولهب و بقیهی بزرگان مکه به نوکرها و فرزندان خودشان سفارش کرده بودند که هر وقت آنها خواستند جنسی را بخرند ، شما وارد معامله شوید ، دو برابر پول بدهید ، جنس را شما بخرید و نگذارید آنها جنس بخرند. با یک چنین وضعیت سختی سه سال را گذراندند. این شوخی است؟

آن استقامت اوّلی ، آن عمود مستحکم این خیمه ، آن دل متوکل علی اللّه است که چنین استقامتی را در فضا به وجود میآورد که آحاد صبر میکنند. شب تا صبح بچهها از گرسنگی گریه میکردند که صدای گریهی بچهها از توی شعب ابیطالب به گوش کفار قریش میرسید و ضعفای آنها هم دلشان میسوخت؛ اما از ترس اقویا جرئت نمیکردند کمک کنند. اما مسلمان که بچهاش در مقابلش پرپر میزد که چقدر در شعب مردند ، چقدر بیمار شدند ، چقدر گرسنگی کشیدند ؛» تزول الجبال و لا تزل « : تکان نخورد. امیرالمؤمنین به فرزند عزیزش محمد بن حنفیه فرمود کوهها ممکن است تکان بخورند؛ از جا کنده شوند؛ تو از جا کنده نشو. این همان نصیحت پیغمبر است؛ این همان وصیت پیغمبر است. این است راه برخاستن امت اسلامی؛ بعثت امت اسلامی این است. این درس پیغمبر به ماست. بعثت این را به ما تعلیم میدهد.

صرف اینکه بنشینیم ، بگوئیم آیهای نازل شد و جبرئیلی آمد و پیغمبر مبعوث به رسالت شد و خوشحال بشویم که کی ایمان آورد و کی ایمان نیاورد ، مسئلهای را حل نمیکند. مسئله این است که ما باید از این حادثه که مادر همهی حوادث دوران حیات مبارک پیغمبر است درس بگیریم. همهی این بیستوسه سال درس است.

من یک وقت به بعضی دوستان گفتم زندگی پیغمبر را میلی متری باید مطالعه کرد. هر لحظهی این زندگی یک حادثه است؛ یک درس است؛ یک جلوهی عظیم انسانی است؛ تمام این بیستوسه سال همینجور است. جوانهای ما بروند تاریخ زندگی پیغمبر را از منابع محکم و مستند بخوانند و ببینند چه اتفاقی افتاده است. اگر شما میبینید امتی به این عظمت به وجود آمد که امروز هم بهترین حرفها ، بهترین راهها ، بزرگترین درسها ، شفابخشترین داروها برای بشریت توی همین مجموعهی امت اسلامی است این جور به وجود آمد ، گسترش پیدا کرد و ریشهدار

شد. والّا صرف اینکه حق با ما باشد ، ما پیش نمیرویم؛ حق همراه با ایستادگی. امیرالمؤمنین

لا یحمل هذا العلم « : بارها من این جمله را از آن بزرگوار نقل کردم در جنگ صفین فرمود

این پرچم را کسانی میتوانند بلند کنند که اولاً بصیرت داشته باشند ، .» الّااهل البصر و الصّبر

بفهمند قضیه چیست ، هدف چیست؛ ثانیاً صبر داشته باشند. صبر یعنی همین

استقامت ، ایستادگی ، پابرجائی. این را ما باید از بعثت درس بگیریم.

امام عزیز ما رشحهای از آن چشمهی فیاض بود که توانست این بساط عظیم را در دنیا راه

آمن الرّسول بما انزل « : بیندازد. امام هم قلبش پر بود از ایمان به راه خود. همان طور که فرمود

خود پیغمبر اول مؤمن بود. .» الیه من ربّه و المؤمنون کلّ آمن باللّه و رسله و ملائکته

در انقلاب ما خود امام بزرگوار ، اول مؤمن به این راه بود و از همه قلبش سرشارتر بود از ایمان

به این راه و این هدف؛ میفهمید ، میدانست دارد چه کار میکند؛ عظمت کار را میفهمید ، الزامات

این کار را هم میفهمید که اولین الزام این کار این بود که با توکل به خدا در این راه محکم

بایستد. محکم ایستاد. جوانان این ملت هم با ایستادگی او ایستادگی پیدا کردند؛ آحاد این مردم

هو « هم وقتی که این چشمه‌ی صبر و سکینه لبریز شد و سرازیر شد ، آنها را فرا گرفت. آنها هم شدند. این سکینه وقتی که بر » الّذی انزل السّکینه فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم .» وللّه جنود السّماوات و الأرض « : دل انسانها نازل میشود ، ایمان انسان زیاد میشود. بعد میفرماید از چه میترسید؟ سپاه زمین و آسمان مال خداست. با خدا باش، این سپاه زمین و آسمان مال شماست؛ در اختیار شماست. این سنتهای الهی است.

ببینید خدای متعال در آنِ واحد دو چیز را آفریده است: یکی این عالم آفرینش را ، با همه‌ی قوانینش، با همه‌ی سننش. یکی قواعد شریعت را؛ دین مردم را ، راهنمائی زندگی مردم را. این دو تا را با هم آفریده؛ اینها با هم منطبقند. اگر شما طبق قوانین الهی یعنی آن اراده‌ی تشریعی حق عمل کردید ، زندگی شما و رفتار شما منطبق با قوانین آفرینش میشود؛ مثل یک کشتیای که در مسیر باد دارد حرکت میکند ، باد به او کمک میکند؛ در جریان آب دارد حرکت میکند ، جریان آب به او کمک میکند.

سنن آفرینش به انسانی که در این راه حرکت کند ، کمک میکند؛ منتها شرطش این است که شما حرکت کنید. ملت ایران حرکت کرد ، سنن آفرینش هم به او کمک کرد؛ قوانین طبیعی الهی به او کمک کرد. والّا کی فکر میکرد در قلب حساسترین نقطه‌ی عالم یعنی خاورمیانه یکی از وابسته‌ترین حکومتها به استکبار جهانی یعنی حکومت شاه؛ حکومت پهلوی در بین جامعه‌ای که بسیاری از روشنفکرانش، بسیاری از نخبگانش، دهها سال بود ذهنشان آلوده شده بود به تعلیمات غربی و وسوسه‌های غربی و هواهای نفسانی ، ناگهان پرچم اسلام بلند بشود و این جامعه امت اسلامی را به اسلام دعوت کند؟ کی فکر میکرد چنین چیزی ممکن است؟ اما شد.

این معنایش این است که وقتی یک جماعتی ، یک ملتی در این راه حرکت کنند ، بادهای

موافق الهی یعنی همان سنتهای آفرینش به اینها کمک میکنند؛ پیش میروند.

... ملت ایران بیدارند؛ ملت ایران حقیقت را میفهمند. طبیعت استکبار این است که اگر یک قدم عقب نشستید ، او یک قدم جلو میآید. هیچ کس گمان نکند که با عقبنشینی در مقابل استکبار و عدول از مواضع صحیح و از حق صحیح و از داعیهی صحیح ، موجب میشود که استکبار خجالت بکشد؛ نجابت به خرج بدهد ، بگوید خوب ، حالا اینها یک قدم عقب نشستند ، ما هم یک قدم عقب بنشینیم. چنین چیزی نیست.

شما یک قدم رفتید عقب ، او یک قدم میآید جلو؛ یک سنگر را خالی کردید ، او میآید آن سنگر را میگیرد. امت اسلام باید اینجوری به قضایای خود نگاه کند. سیاستمداران دنیای اسلام باید با این نگاه ، به حوادث پیرامون خود نگاه کنند. ملت ایران ایستاده است؛ حرف حق خود را زده است. ما حرفمان کلمهی توحید است و توحیدِ کلمه. ما میگوئیم فقط بندهی خدا باشیم؛ بندهی آمریکا نباشیم؛ بندهی قدرتهای زورگو و مستکبر و قلدر نباشیم؛ بندهی فراعنهی عصر

نباشیم؛ بندهی ابولهبها و ابوجهلهای این زمان نباشیم. ابوجهل این زمان کیست؟ ابوجهل که مرد و رفت؛ امروز هم ابوجهل وجود دارد.

رگ رگ است این آب شیرین آب شور بر خلایق میرود تا نفخ صور

امروز هم ابوجهل در دنیا هست؛ امروز هم ابولهب هست؛ آتشافروزها ، جاهلهای بیمغز؛ از اینها امروز در دنیا هستند. ابوجهلهای امروز را پیدا کنید. ابوجهلهای امروز ، آنهائی که بمب اتم میسازند ، همهی دنیا را تهدید میکنند ، آن وقت به یک ملتی بیدلیل گیر میدهند که چرا شما انرژی هستهای میخواهید پیدا کنید؛ که قبول هم داریم برای برق است ، برای استفادههای صلحآمیز است؛ اما چون این توانائی را به شما میدهد ، ما نمیگذاریم؛ حرف حضرات این است. در مقابل این زورگوها ، در مقابل این قلدرها ، جاهلها ، حرفنفهمها که نه منطق سرشان میشود ، نه حرف میفهمند؛ مثل این داشها و لاتهای بیمغز بیکله که دائم به بازوی خودشان نگاه میکنند ، قدرت خودشان را اندازه میگیرند ، دائم عربده میکشند ، اگر چنانچه عقبنشینی کردید ، باختید. ملت ایران این را تجربه کرده است. تقریباً سی سال است که ما با این مسائل مواجهایم؛ اما واقعاً پیش رفتیم؛ روی زمین پیش رفتیم.

امروز ملت ایران قابل مقایسهی با ملت ایرانِ بیست سال قبل نیست و علمش، فناوری اش، تجربهاش، مهارتهای گوناگونش، توسعهی عظیم همهجانبهی ملی و اجتماعی و اقتصادی و کشوریاش، نفوذ و اقتدارش در منطقه ، قابل مقایسهی با بیست سال پیش و بیستوپنج سال پیش نیست. این ، بر اثر همین استقامت است. این درس بعثت است؛ این را بایستی تک تک ما بدانیم و بفهمیم؛ با تاریخ پیغمبر آشنا شویم؛ بدانیم که آن روز بعثت نبی مکرم بود ، امروز بعثت امت اسلامی است.

امروز امت اسلامی باید احساس بعثت بکند؛ خود را مبعوث بداند؛ آگاهانه و با بصیرت حرکت و اقدام کند؛ بر علم خود اضافه کند ، بر توانائیهای خود اضافه کند ، بر انسجام ملی و انسجام بینالملل اسلامی خود اضافه کند. و بین ایشان توحید کلمه خیلی مهم است.

این پیام ملت ایران ، پیام انقلاب اسلامی ، پیام نظام جمهوری اسلامی است. (۱)

عاشورا صحنه بی بدیل بصیرت و استقامت

در گذشته هم حوادثی بوده است و در تاریخ آنها را خواندهاید. اما ، هیچکدام از این حوادث ، با حادثه عاشورا قابل مقایسه نیست؛ حتّی شهادت شهدای بدر و احد و زمان صدر اسلام. انسان تدبّر که میکند ، میفهمد چرا از زبان چند نفر از ائمّه ما علیهمالسّلام ، نقل شده است که خطاب به سیّدالشّهدا علیه الصّلاۀ و السّلام فرمودهاند : « لا یوم کیومک یا ابا عبد اللَّه » ؛ یعنی هیچ حادثهای مثل حادثه تو و مثل روز تو نیست. چون عاشورا یک واقعه استثنایی بود. لُبّ و جوهر

۱- بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم (ص) ۱۳۸۷/۰۵/۰۹

حادثه عاشورا این است که در دنیایی که همه جای آن را ظلمت و فساد و ستم گرفته بود ، حسین بن علی علیهالسّلام برای نجات اسلام قیام کرد و در این دنیای بزرگ ، هیچکس به او کمک نکرد! حتّی دوستان آن بزرگوار ، یعنی کسانی که هریک میتوانستند جمعیتی را به این میدان و به مبارزه با یزید بکشانند ، هرکدام با عذری ، از میدان خارج شدند و گریختند!... این ، در حالی بود که هنگام حرف زدن ، همه از دفاع از اسلام میگفتند. اما وقتی نوبت عمل رسید و دیدند که دستگاه یزید ، دستگاه خشنی است؛ رحم نمی کند و تصمیم بر شدّت عمل دارد ، هرکدام از گوشهای فرار کردند و امام حسین علیهالسّلام را در صحنه تنها گذاشتند.

... این ، یک عبرت عجیب در تاریخ است. آنجا که بزرگان میترسند ، آنجا که دشمن چهره بسیار خشنی را از خود نشان میدهد ، آنجا که همه احساس میکنند اگر وارد میدان شوند میدان غریبانهای آنها را در خود خواهد گرفت؛ آنجاست که جوهرها و باطن افراد شناخته میشود....

وقتی مثل امامحسینی حرکت و قیام کند ، عدّهای از مردم هم دور او را خواهند گرفت و گرفتند. اگرچه آنها هم ، وقتی معلوم شد که کار چقدر سخت است و چقدر شدت عمل وجود دارد ، یکییکی از دور آن حضرت پراکنده شدند ، و از هزار و اندی آدمی که با امام حسین علیهالسّلام ، از مکه به راه افتاده ، یا در بین راه به حضرت پیوسته بودند ، در شب عاشورا تعداد اندکی ماندند که با مجموع آنچه که روز عاشورا خودشان را به حضرت رساندند ، هفتاد و دو نفر شدند!

این ، مظلومیت است. این مظلومیت ، به معنای کوچکی و ذلّت نیست. امام حسین علیهالسّلام ، عظیمترین مبارز و مجاهد تاریخ اسلام است؛ چون او در چنین میدانی ایستاد و نترسید و مجاهدت کرد. اما این انسان بزرگ ، به قدر عظمتش، مظلومیت دارد. همان قدر که بزرگ است ، همان قدر هم مظلوم است؛ و با غربت هم به شهادت رسید.... آن انسانی که در چنان غربتی ، در

چنان ظلمتی ، تنها ، بدون یاور ، بدون هیچگونه امید کمکی از طرف مردم ، با وسعت تبلیغات دشمن ، میایستد و مبارزه میکند و تن به قضای الهی میسپارد و آماده کشته شدن در راه خدا میشود. عظمت شهدای کربلا به این است! یعنی برای احساس تکلیف ، که همان جهاد در راه خدا و دین بود ، از عظمت دشمن نترسیدند؛ از تنهایی خود ، احساس وحشت نکردند؛ کم بودن عدّه خود را مجوّزی برای گریختن از مقابل دشمن قرار ندادند. این است که یک آدم را ، یک رهبر را ، یک ملت را عظمت میبخشد: نترسیدن از عظمت پوشالی دشمن. (۱)

آن هنگام که معلوم شد امام حسین علیهالسّلام شهید خواهد شد و بعد از شهادت او ، آل الله حرم امیر المؤمنین و حرم پیغمبر علیهماالسّلام در بیابان و در دست مردان نامحرم ، تنها خواهند ماند اینجا دیگر مسألهی ناموس پیش میآید به عنوان یک انسان غیرتمند ، میتوانست دیگر تکلیف برداشته شده است. تکلیف زنان چه میشود؟ اگر این راه را ادامه دهیم و « : بفرماید

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت فرارسیدن ماه محرم ۱۳۷۱/۰۴/۱۰

کشته شویم ، زنان خاندان پیغمبر و دختران امیر المؤمنین علیه الصّلاهٔ و السّلام و پاکیزه‌ترین و طیّب و طاهرترین زنان عالم اسلام ، به دست دشمنان مردان بیسروپایی که هیچچیز از شرف ». و ناموس نمیفهمند خواهند افتاد. پس، تکلیف برداشته شد

توجّه کنید برادران و خواهران! مطلب مهمّی است که در واقعهی کربلا از این دیدگاه دقّت شود که اگر امام حسین علیهالسّلام میخواست در مقابل حوادثِ بسیار تلخ و دشواری مثل شهادت علی اصغر ، اسارت زنان ، تشنگی کودکان ، کشته شدن همهی جوانان و حوادثِ فراوانِ دیگری که در کربلا قابل احصاست ، با دیدِ یک متشرّعِ معمولی نگاه کند و عظمتِ رسالتِ خود را دیگر تکلیف نداریم. حال با « : به فراموشی بسپارد ، قدمبهقدم میتوانست عقبنشینی کند و بگوید اما امام حسین علیهالسّلام ». الضّرُورات تُبِیح الْمَحْظُوراتِ « »؟! یزید بیعت میکنیم. چاره چیست چنین نکرد. این ، نشانگر استقامت آن حضرت است. استقامت یعنی این! (۱)

عاشورا یک نیمه روز بیشتر نبود؛ تاریخ را تکان داد و متحول کرد.... شما ببینید در طول سالهای متمادی ، قرنهای متمادی ، یاد امام حسین ، نام امام حسین ، تربت امام حسین ، عزای امام حسین هرگز از بین مردم پیرو اهلبیت و مؤمنِ به اهلبیت خارج نشد؛ این را رها نکردند؛ هرچند خیلی تلاش شد. حالا شما قضیهی متوکل و بستن راه را شنیدهاید. اینها آن کارهای چارواداری ، مخالفتهای چارواداری بوده است. مخالفتهای بسیار زیادی در طول زمان به شکلهای ظاهراً علمی ، به شکل احساساتی ، به شکل تجربهای انجام دادند ، ولی شیعه نگه داشته است و باید نگه دارد.

میگویند چرا ماتم و گریه و اشک را در بین مردم رواج میدهید؟ این ماتم و اشک برای ماتم و اشک نیست ، برای ارزشهاست. آنچه پشت سر این عزاداریها ، بر سر و سینه زدنها ، اشک ریختنها

وجود دارد ، عزیزترین چیزهائی است که در گنجینه‌ی بشریت ممکن است وجود داشته باشد؛ او همان ارزشهای معنویِ الهی است. اینها را میخواهند نگه دارند که حسینبنعلی مظهر این ارزشها بود. یادِ آنهاست؛ زنده نگه داشتن آنهاست.

و ملت اسلام اگر نام حسین را و یاد حسین را زنده نگه بدارد و آن را الگو قرار بدهد برای خود ، از همه‌ی موانع و مشکلات عبور خواهد کرد. لذاست که ما در انقلاب اسلامی ، در نظام جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل ، همه مردم ، مسئولین ، بزرگان ، شخص امام بزرگوار ما بر روی مسئله‌ی امام حسین و مسئله‌ی عاشورا و همین عزاداریهای مردمی ، تکیه کردند و جا دارد. این عزاداریها جنبه‌ی نمادین دارد ، جنبه‌ی حقیقی هم دارد؛ دلها را نزدیک میکند ، معارف را روشن میکند.

۱- بیانات در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی (ره) ۱۳۷۵/۰۳/۱۴

... مرحوم شهید مطهری سالها قبل از انقلاب در این حسینیهی ارشاد فریاد میکشید که: واللّه قریب به این مضمون بدانید شمر ، امروز اسم نخستوزیرِ آن روز اسرائیل (صهیونیست) را میآورد اوست. واقع قضیه هم همین است. ما شمر را لعنت میکنیم ، برای اینکه ریشهی شمر شدن و شمری عمل کردن را در دنیا بکنیم؛ ما یزید و عبیداللّه را لعنت میکنیم ، برای اینکه با حاکمیت طاغوت ، حاکمیت یزیدی ، حاکمیت عیش و نوش، حاکمیت ظلمِ به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم. حسینبنعلی قیامش برای این بود که بینی حاکمیتهای علیه ارزشهای اسلامی و انسانی و الهی را به خاک بمالد و نابود کند؛ و همین کار را هم امام حسین با قیام خود کرد. مجالس ما؛ مجالس حسینی ، یعنی مجالس ضد ظلم ، مجالس ضد سلطه ، مجالس ضد شمرها و یزیدها و ابنزیادهای زمان موجود ، زمان حاضر ، معنایش این است. این استمرار ماجرای امام حسین است.

و امروز دنیا پر از ظلم و جور است. شما ببینید چه میکنند؛ در فلسطین چه میکنند ، در عراق چه میکنند ، در کشورهای گوناگون چه میکنند ، با ملتهای دنیا چه میکنند ، با فقرا چه میکنند ، با ثروتهای ملی کشورها چه میکنند. ابعاد عظیم حرکت حسینبنعلی (علیهالسّلام(شامل همهی این میدان وسیع میشود. امامحسین نه فقط برای شیعه ، نه فقط برای مسلمانها ، بلکه برای احرار عالم درس دارد.

رهبر آزادیبخش نهضت هند در شصت سال ، هفتاد سال قبل اسم حسینبنعلی را آورد؛ گفت من از او یاد گرفتم؛ در حالی که هندو بود؛ اصلاً مسلمان نبود. در بین مسلمین هم همینطور است. ماجرای امامحسین این است. شما گنجینهدارِ یک چنین جواهر ذی قیمتی هستید که همهی بشریت میتواند از او بهره برد و استفاده کند.

... بنده بارها در طول این سالها این جملهی امیرالمؤمنین (علیهالصّلاةوالسّلام(را عرض

این پرچم پرچم انسانیت ، ؛» ألا لا یحمل هذا العلم إلّا أهل البصر والصّبر « : کردهام که فرمود

اسلام ، توحید را آن کسانی که دارای این دو خصوصیتند ، میتوانند بر دست بگیرند و بلند نگه

بصیرت و استقامت. امام حسین (علیهالسّلام(مظهربصیرت و استقامت ؛» البصر والصّبر « ؛ دارند

است.

پیروان امام حسین هم همین را نشان دادند و بعد از گذشت قرنها ، آن روزی که رهبر

شایستهای در میان آنها پیدا شد ، این حرکت عظیم را به وجود آوردند. انقلاب عظیم اسلامی یک

ماجرای عظیمی است؛ داستان عظیمی است. ما در وسط قضیه قرار گرفتهایم ، ابعاد عظیم این

حادثه برای ما خیلی روشن نیست؛ آیندگانِ تاریخ و کسانی که امروز بیرون از این مجموعه

هستند ، آنها بیشتر از ما ابعاد و عظمت این حرکت را میبینند. در دنیائی که همهی پول و ثروت و

قدرت و سیاست و همه چیز و همه چیز در جهت ضد ارزشهای انسانی و دینی است ، ناگهان در

یک نقطهی حساس عالم نقطهی حساس جغرافیائی عالم یک نظامی سر بلند کند ، یک ملتی

قیام کند برای به دست گرفتن پرچم ارزشها؛ و ارزشهای انسانی را سر دست بگیرد ، ندای توحید بدهد ، معجزه است؛ معجزهی زمان ما این است. بعد از همه طرف به او حمله کنند؛ بزرگ و کوچک، طاغوتها وطاغوتچهها با همهی توانشان بریزند سر او ، و در عین حال او نه فقط شکست نخورد ، بلکه بسیاری از آنها را شکست بدهد؛ آنها را عقب براند ، که امروز شما دارید میبینید نشانههای عقبرفتِ استکبار را. در این مبارزه ملت ایران پیروز شد. (۱)

آیت الله العظمی نوری همدانی

آیتالله نوری همدانی استقامت و حماسه آفرینی در برابر هجمه های دشمن را مهمترین درس سیره حضرت زینب(س(میداند ، ایشان در این باره میفرمایند: ما باید به تأسی از آن بزرگ بانو تلاش کنیم در هر عرصهای شجاعت ، فهم و بصیرت خود را برای رسیدن به این مهم بیفزاییم... قدرت و صلابت آن حضرت به حدی بود که سرپرستی و مدیریت کاروان کربلا پس از ظهر عاشورا به ایشان واگذار شد و توانست نهضت امام حسین(علیه السلام(را ادامه داده و به نتیجه مطلوب برساند. ایشان در طول عمر شریف خود در خدمت ۱ تن از معصومان بود؛ امام سجاد(علیه السلام(در وصف آن حضرت فرمود تو عالمی هستی که احتیاج به تعلیم دهنده نداری و فهمیدهای هستی که نیازی به فهماننده نداری؛ در مجلس ابن زیاد که کسی جرأت حرف زدن نداشت ایشان با خطبه غراء خود او را رسوا و تحقیر کرد. (۲)

بررسی مؤلفه ها، شرایط و موانع بصیرت توسط آیت الله مصباح یزدی

مفهوم بصیرت

همریشه و در اصل به معنای بینش است؛ مفهومی اسلامی » بصر « همه میدانیم بصیرت با است و ریشهاش در قرآن و کلمات اهلبیت صلواتاللهعلیهماجمعین مخصوصا نهجالبلاغه یافت

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِى أَدْعُ و إِلَى « ؛ میشود. قرآن کریم درباره پیغمبر اکرم صلیاللهعلیهوآله میفرماید

اللّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَاْ وَمَنِ اتَّبَعَنِى...؛ (۳) من به سوی خدا دعوت میکنم؛ هم خودم بصیرت دارم؛ هم

». کسانی که با من هستند و از من پیروی میکنند در فرمایشات امیرمؤمنان صلواتاللهعلیه

إِنَّ مَعِى لَبَصِيرَتِى مَا لَبَّسْت عَلَى نَفْسِى وَ لَا لُبِّسَ « : تعبیرات عجیبی است. در جایی میفرمایند

عَلَىَّ...؛ (۴) من در این راهی که انتخاب کردم با بصیرتم. نه خودم خودم را فریب دادم ، نه دیگری

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزدهم دیماه ۱۳۸۶/۱۰/۱۹

۲- بياناتی در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت فرارسیدن ولادت حضرت زینب(س)سه شنبه ۵ اسفند ۱۳۹۳،خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا) isna.ir

۳- یوسف ۱۰۸

۴- نهجالبلاغه ۰ ص۵۴ و ۱۹۴

». فریبم داد (۱) ذیل این کلام ، مقداری مفهوم بصیرت را روشن میکند؛ کسی که بصیرت دارد فریب نمیخورد ، نه خودش خودش را فریب میدهد؛ نه دیگران میتوانند فریبش بدهند. در دو جای نهج البلاغه این کلام تکرار شده است که بسیار جلب توجه میکند. برای درک بهتر این کلام باید حوادث آن زمان را در ذهن خود ترسیم کنیم تا کمابیش متوجه شویم که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه از همان آغاز خلافت ظاهریشان با چه مشکلاتی روبهرو بودند که این چنین میگویند.

جامعه اسلامی بعد از رحلت پیغمبر صلیاللهعلیهوآله به راحتی سه خلیفه را قبل از علی (علیه السلام) پذیرفت و به یک معنا خودش آنان را تعیین کرد. با اینکه در بین مسلمانان افراد بسیاری در رخداد غدیر حضور داشتند و با امیرالمؤمنین بیعت کردند ولی هفتاد روز بعد ، آن را به فراموشی سپردند. بالاخره از سر خیرخواهی و برای اینکه جامعه اسلامی بیسرپرست نماند ، خلیفه تعیین کردند و مردم هم پذیرفتند. خاندان پیامبر و بعضی از اصحاب مانند سلمان و ابوذر و مقداد و برخی دیگر از انصار مخالفت کردند ، اما صدایشان به جایی نرسید و مجبور شدند امر واقع شده را بپذیرند. جامعهای را تصور کنید که سه خلیفه را خودش تعیین کرده و برای سایر کسانی که کاندیدای خلافتند احترام زیادی قائل است. بعد ، طلحه و زبیر که از کاندیداهای خلافت بودند به همراه همسر پیامبر حرکتی را بر ضد امیرالمؤمنین آغاز کردند ، و همه این حوادث بعد از بیعتی است که با علی(علیه السلام) داشتند؛ آن بیعت عجیب تاریخی که امیرالمؤمنین میفرماید آنچنان هجوم آوردند که نزدیک بود فرزندان من زیر دست و پا له شوند. بعد از این بیعت ، علی علیهالسلام یک طرف است و طرف دیگر زبیر ، طلحه و همسر پیغمبر. هر کدام از این افراد به تنهایی استوانهای هستند. اینها جمع شدند و بر ضد علی شورش کردند. بصره را تصرف کردند و

میخواستند در آنجا حکومت تشکیل بدهند. فکر میکنید مردم درباره این جریان چگونه قضاوت کنند؟ بنده خودم را جای مردم آن زمان بگذارم؛ میبینم علی ، یکی از اصحاب پیغمبر ، یک طرف است ، اما طرف دیگر سه نفر هستند: یکی از آنها همسر پیغمبر است. اینکه خانمی فرماندهی لشگری را بر عهده بگیرد یا بههرحال جزو یک قیام سیاسی بر ضد خلیفه باشد ، بیسابقه بود. این خیلی مسأله مهمی است. خیال میکنم اگر بنده آن زمان بودم خیلی هنر داشتم ، احتیاط میکردم؛ نه طرف علی میرفتم نه طرف آنها. بالاخره این سه نفر نیز از اصحاب پیغمبرند؛ زبیر پسرعمه پیغمبر است؛ سنش بیشتر از علی است؛ بزرگ بنیهاشم است. طبعا در مردم تزلزل پیدا شد که چگونه رفتار کنند. انسان وقتی این دو کلام را از امیرالمومنین میبیند ، میتواند حدس بزند که حضرت در چه فشاری قرار گرفته بودند. فرمودند: خواب از چشم من ربوده شد؛ شب تا صبح فکر کردم؛ کار را زیر و رو کردم؛ همه اطراف و تمام جوانب قضیه را سنجیدم؛ نتیجهای که

۴ . ظاهرا اشاره به برخوردی است که با اهل جمل و بعد از آن با سایر ناکثین ، مارقین و قاسطین داشتند.

۱– ظاهرا اشاره به برخوردی است که با اهل جمل و بعد از آن با سایر ناکثین ۰ مارقین و قاسطین داشتند.

از این فکرها و تأملات گرفتم این شد که کار من بین دو چیز مردد است؛ باید یکی از دو چیز را انتخاب کنم؛ یا با اینها بجنگم یا از دین اسلام بیرون بروم؛ راه دیگری ندارم.

حضرت میفرماید شب تا صبح فکر کردم ، همه جوانب را سنجیدم و به این نتیجه رسیدم. این طور نیست که اگر با کسی اختلافنظری داریم ، به روی هم شمشیر بکشیم. دعوای سیاسی یا دعوای حزبی نیست. إِنَّ مَعِی لَبَصِیرَتِی؛ من میفهمم دارم چه کار میکنم. این طور نیست که از روی احساسات بگویم با شما میجنگم. شب تا صبح فکر کردم ، جوانبش را سنجیدم؛ قلبت ظهر الامر و بطنه؛ ظاهر و باطنش را سنجیدم تا به این نتیجه رسیدم که یا باید با اینها بجنگم یا از دین اسلام استعفا بدهم یعنی اگر با اینها نجنگم کافرم.

بصیرت علی علیهالسلام

اشاره

من و شما بودیم چه قضاوتی میکردیم؟ نهتنها به سادگی نمیپذیرفتیم که باید با آنان جنگید؛ بلکه میگفتیم: آقا! حالا یک چیزی گفتند ، یک کاری کردند ، حکومتی میخواهند ، اصلا حکومت بصره را به اینها بده و خودت را راحت کن! نهتنها حرکت علی علیهالسلام را تأیید نمیکردیم که ته دلمان تخطئه هم میکردیم. میگفتیم: حالا اول کارت است چهکار داری با اینها بجنگی؟ فعلا چهار روزی بگذار اینها حکومت کنند. آنهای دیگر که به عنوان امیر و فرماندار به مناطق مختلف میفرستی بهتر از زبیر هستند؟! بگذار بصره هم دست اینها باشد ، اما علی میگوید: اگر با اینها نجنگم کافرم. ببینید فتوای امروز ما بعد از ۴۱۱۱ سال پیشرفت علم و تحقیق و آشنایی به مقام عصمت ، چه قدر با فتوای علیبنابیطالب علیهالسلام تفاوت دارد. هنوز هم درست باور نمیکنیم که جنگ جمل حتما جنگ واجبی بوده ، چه رسد به اینکه بگوییم اگر

علی علیهالسلام نمیجنگید کافر میشد؛ از دین خارج میشد. این چه درکی است؟ ما چهطور فکر میکنیم و علی (علیه السلام(چهطور فکر میکند !

شما احتمال میدهید چند درصد مردم اینگونه دلشان با علی بود؟ خیلی از کسانی که همراه علی جنگیدند میگفتند چون بیعت کردیم سر قولمان میایستیم ، وگرنه اگر بنا بود روز جنگ بیعت کنند چهبسا حاضر نمیشدند. سنتی بود در عرب که وقتی با کسی بیعت میکردند و قولی میدادند به این زودیها زیر قولشان نمیزدند؛ خیلی نامردی میدانستند. شاید آن قدر که برای مردانگی خودشان اهمیت قائل بودند به دینشان بها نمیدادند. خیلی از کسانیکه در رکاب علی در جنگ جمل جنگیدند بهخاطر بیعتشان بود. میگفتند حالا که بیعت کردیم آن را نمیشکنیم ، ولی حقیقت این است که مسأله بسیار بغرنج بود. چیزی نبود که به سادگی بشود برای آن تصمیم گرفت. مخصوصا آن زمان که هنوز مسأله عصمت ائمه درست روشن نبود. بسیاری از امامزادههای مورد احترام ما که خود ائمه اطهار به آنها احترام میگذاشتند آنچنان که باید مسأله عصمت را باور نداشتند. برای اینکه یادی از امام رضواناللهعلیه شده باشد این مطلب را که در

درس ایشان شنیدم ، برای شما عرض میکنم. ایشان فرمودند: بعد از شهادت امام سجاد علیهالسلام یک روز امام محمدباقر صلواتاللهعلیه و جناب زیدبنعلیبنالحسین (۱) با هم نشسته بودند. جناب زید که علیه بنیامیه قیام کرده بود ، انتظار داشت که برادرش در این حرکت نظامی علیه بنیامیه مشارکت کند ، ولی ایشان نظرشان این نبود؛ وظیفه خودشان نمیدانستند و صلاح نمیدانستند. جناب زید به امام محمد باقر علیهالسلام عرض کردند که شما میدانید که پدر (امام سجاد علیهالسلام(چهقدر به من علاقه داشت ، به طوری که لقمه میگرفت و در دهان من میگذاشت. اگر این مسأله امامتی که شما برای خودتان معتقدید درست است ، چرا پدر به من نگفت که برادرت امام بعد از من است و باید از او اطاعت کنی؟ معلوم میشود زیدبنعلیبنالحسین با آن جلالت ، مسأله امامت برادرش را معتقد نبوده است و دلیلش هم این بوده که اگر چنین چیزی بود با آن محبتی که پدرم به من داشت به من فرموده بود. حضرت باقر صلواتاللهعلیه یک کلمه فرمودند «: مِنْ شَفَقَتِهِ عَلَیْکَ مِنْ حَرِّ النَّارِ لَمْ ی خْبِرْکَ (۲) پدرم نگفت آن هم به خاطر محبتی بود که به تو داشت. یعنی میترسید اگر بگوید تو نپذیری و در دینت مشکل پیدا بشود. منظورم از نقل این کلام این است که واقعا مسائلی که امروز برای همه ما اینچنین ۴۱۱۱ سال علما روی آن خوندل خوردهاند تا تثبیت شده و امروز از اعتقادات آسان حل شده ، یقینی ماست و در آن تردیدی نداریم. در زمان خود ائمه برای برادران امام و کسی مثل زید خیلی روشن نبود. در چنین شرایطی شما فکر میکنید برای همه اصحاب جمل مسأله عصمت امیرالمؤمنین ثابت بود و ایشان را امام معصوم میدانستند؟ میگفتند: اینها خویش و قومهای پیغمبرند. حالا که پیغمبر از دنیا رفته؛ این نشد آن! آنکه سنش بیشتر است اول خلیفه بشود ، چون بزرگتر است و احترامش واجب. وقتی بنا شد بین اینها جنگ شود ، خیال میکردند جنگ

دو برادر سر ارث است؛ او میگوید سهم من است؛ دیگری میگوید سهم من. در چنین معاملهای انسان حاضر شود در جنگ شرکت کند و جانش را بدهد ، کار سادهای نیست. میگوید اختلاف در ارث دارند ، خودشان بهگونهای اختلافشان را حل میکنند؛ چرا من بروم جانم را بدهم؟! مسأله بغرنج بود. در مقابل ، دو تا از اصحاب بزرگ را میدید که رقیبهای او در خلافت بودند. در شورای ششنفری که خلیفه دوم برای تعیین خلیفه تشکیل داده بود یکی علی بود ، یکی عثمان ، یکی طلحه و یکی زبیر. اینها بهگونهای در ردیف علی حساب میشدند؛ از جهتی چون سنشان و مثلا سوابق و موقعیت اجتماعیشان بیشتر بود ، شاید خیلیها آنها را بر علی مقدم میداشتند. طبعا وقتی علی میخواهد از مدینه به طرف بصره لشگر بکشد ، دوستان و نزدیکان ایشان

۱- زید امامزاده بسیار بزرگوار و محترمی است. کسی است که سند صحیفه سجادیه به خانواده ایشان منتهی میشود و ناقل آن است. امام باقر سلاماللهعلیه نیز به ایشان خیلی کمک و احترام میکردند. ایشان قیام معروفی بر ضد بنیامیه داشتند و بالاخره دراین راه شهید شدند و بدنشان به دار آویخته شد و برای شهادت ایشان مصیبت بزرگی بر اهلبیت وارد شد.
۲- الکافی ۰ جلد ۱۰ص ۱۷۴

میگفتند که آقا این چه کاری است حالا؟! عجله نکنید؛ بگذارید حکومتتان پا بگیرد و جایتان باز بشود ، بعد سراغ اینها بروید. در نهجالبلاغه دو بار (۱) از امیرمؤمنان این مسأله نقل شده که من این جریان را زیر و رو کردم؛ آن قدر در اطرافش فکر کردم تا کاملا برایم روشن شد که یا باید بجنگم یا از دین محمد (ص(خارج بشوم. این بصیرتی است که علی (علیه السلام(ادعا میکند.

مراتب بصیرت

ملاحظه میفرمایید بیجا نیست که مقام معظم رهبری این قدر روی بصیرت تکیه میکنند.

اگر در آن جریان کسانی بصیرت نداشتند خیلی راحت طرفدار دشمنان علی میشدند و علی دوباره خانهنشین میشد. اکنون ماییم و چنین مسألهای که کار را برای علی و یاران علی هم سخت میکند. کار به جایی میرسد که علی فریاد میزند: مردم! اگر من این جنگ را نکنم کافر میشوم؛ از دین خارج میشوم ، تا آنهایی که به ایشان اعتماد دارند و میدانند دروغ نمیگوید باور کنند و برای جنگ همراهش بیایند. در چنین موقعیتی باید چه بصیرتی داشته باشیم؟ آیا منظور بصیرتی است که علی داشت؟ پاسخ این است که چنین بصیرتی در غیرمعصومین بسیار کم پیدا میشود. بنده که اعتراف کردم اگر من بودم خیلی هنر داشتم توقف میکردم. حل قضیه این است که مفهوم بصیرت هم مثل بسیاری از مفاهیم ارزشی دیگر ذومراتب است. بصیرت مراتب دارد. آن مرتبه بصیرت مخصوص علی بود. او بود که یقین کرد که یا باید بجنگد یا از دین خارج بشود. من غیر از امام معصوم کسی را سراغ ندارم که بتواند اینگونه قضاوت کند. اما بصیرت به این مرتبه منحصر نیست و مثل تقوا مراتب زیادی دارد. مرتبهای از تقوا به ائمه معصوم و تالیتلو مقام عصمت نسبت داده میشود؛ آن که در عمرش نه تنها گناه نکرده که کوشیده مکروهات را هم انجام ندهد ، یک مرتبه از تقوا را دارد و یک مرتبه هم تقوای ماست که

به زور از کبائر اجتناب میکنیم. بین این دو ، مراتب و درجات بسیار زیاد است. پس باید کوشید و در این مسیر حرکت کرد؛ مراتب بصیرت را بالا برد و به یک مرتبه نازلهاش اکتفا نکرد. هر کس مسئولیت بزرگتر یا نقش مهمتری در جامعه دارد؛ هر که تأثیرش بر دیگران بیشتر است باید در کسب بصیرت بیشتر بکوشد. دیگران اگر خودشان بصیرت نداشته باشند یک اصل را اگر درست بفهمند و به آن عمل کنند نجات مییابند و آن اطاعت از ولیفقیه است. اگرچه خودشان درست سر در نمیآورند و نمیتوانند مسائل را تحلیل کنند ، ولی اگر این اصل را باور داشته باشند که در زمان غیبت امام معصوم باید از کسی که اشبه به امام معصوم است اطاعت کنند و بدانند که اطاعت او مثل اطاعت معصوم واجب است خیلی به خطر نمیافتند ، اما کسانیکه میخواهند عهدهدار مسئولیتهایی بشوند نمیتوانند هر روز درباره جزئیات از ولیفقیه دستور بگیرند؛ این کار برایشان میسر نیست. بنابر این میبایست خودشان به سطح مورد نیازی از بصیرت برسند. درطول

۱- البته احتمال دارد یک سخنرانی بوده و یک تکهاش دو بار نقل شده است

شاکله هرمی هر کس بالاتر است و به قله نزدیکتر ، مسئولیتش سختتر است و باید بصیرتش

هم بیشتر باشد تا برسد به قاعده هرم ، اما در مراتب پایینتر ، حداقل بصیرتی که برای همه ما

لازم است ، همین است که انسان ولیفقیه را بشناسد و بداند از چه کسی باید اطاعت کند.

الحمدلله خدا هم به ما عنایت فرمود و کسی را که بهترین انسان روی زمین برای جانشینی امام

زمان صلواتاللهعلیه است به ما داد. اگر نبود چه خاکی به سر میکردیم؟ اگر بود اما نمیشناختیم

و اشتباه میکردیم و در طول این سی سال کسان دیگری را جانشین او میدانستیم چه بلایی به

سر ما میآمد؟ الحمدالله خدا این معرفت و این اندازه از بصیرت را به ما داده که بفهمیم باید از

چه کسی اطاعت کنیم و این بسیاری از مشکلات ما را حل میکند.

مؤلفه های بصیرت

همه این مقدمات را عرض کردم برای اینکه به اینجا برسیم که تکلیف کسی که

موقعیتی (۱) در اجتماع دارد سنگینتر از دیگران است و باید بصیرتش هم بیشتر از دیگران باشد تا

بتواند دیگران را راهنمایی کند. اکنون این پرسش مطرح میشود که چه کنیم بصیرت ما افزایش

بیابد؟ بهتر است تحلیل کنیم که بصیرت چیست و از چند عنصر تشکیل میشود و بعد ببینیم

کدام یک از این عناصر در اختیار ماست تا بکوشیم آن را تقویت کنیم.

مطلب را به عنوان یک بحث پیشنهادی خدمت شما عزیزان و نخبگان مطرح میکنم تا روی

آن فکر کنید و از دیگران هم بپرسید ، شاید نکتههای تکمیلی به آن اضافه شود. حیف است با

این همه تأکید مقام معظم رهبری بر روی بصیرت ، دنبال نکنیم که ببینیم این بصیرت چیست و

چگونه باید آن را پیدا کرد.

بصیرت حداقل سه مؤلفه و سه عنصر دارد و میتوان گفت مثلثی است که از سه ضلع تشکیل

میشود. اولین عنصر ، امری خدادادی است؛ هوش و فراست خاص است. هم تجربه نشان میدهد و هم در روایات هست که خداوند به بعضی افراد فراست مخصوصی داده است. امروزه در روانشناسی میگویند هوش، انواعی دارد؛ هوش هیجانی ، هوش اجتماعی ، هوش ارتباطی ، هوش علمی و.... ممکن است کسی از جهتی باهوش باشد ، ولی از جهت دیگر بهرهای از هوش نداشته باشد. بصیرت ، هوش اجتماعی میخواهد. مسائل اجتماعی درک خاصی را میطلبد. شاید شما هم افراد متعددی را دیده باشید که هوش درسیشان خوب است ، یعنی درس را خوب میفهمند و شاید بیش از دیگران پیشرفت علمی میکنند ، اما در درک بعضی از مسائل خیلی ضعیفاند و یک

۴ . موقعیتها متفاوت است. هر کس خودش میفهمد که چه اندازه میتواند در دیگران اثر بگذارد. ممکن است کسی موقعیت رسمی و قانونی داشته باشد یا کسی است که مردم به او اعتماد دارند ، سخنش را میپذیرند و با او مشورت میکنند. وقتی میپرسند آقا شما به چه کسی رأی میدهید ، معنایش این است که به حرف و نظر او اهمیت میدهند. معلوم است تاثیرگذار است و کمی از سطح قاعده هرم بالاتر است.

۱- موقعیتها متفاوت است. هر کس خودش میفهمد که چه اندازه میتواند در دیگران اثر بگذارد. ممکن است کسی موقعیت رسمی و قانونی داشته باشد یا کسی است که مردم به او اعتماد دارند ۰ سخنش را میپذیرند و با او مشورت میکنند. وقتی میپرسند آقا شما به چه کسی رأی میدهید ۰ معنایش این است که به حرف و نظر او اهمیت میدهند. معلوم است تاثیرگذاراست و کمی از سطح قاعده هرم بالاتر است

نوع سادگی مخصوص در برخی از مسایل دارند. این سادگی انواعی دارد. استادی را میشناختم که خودش به من میگفت وقتی برای خرید سیبزمینی میروم ، کلاه سرم میرود! با اینکه در درس خیلی قوی بود ، اما میگفت درک معاشرت با مردم را ندارم و زود گول میخورم. در بین اشخاص دیگر ، در لباسهای مختلف کسانی را دیدهاید که امتیازهای خوبی دارند؛ انسانهای ملا و درسخواندهای هستند ، اما گاهی در درک مسائل اجتماعی خیلی ضعیفاند. یکی از نشانه های این ضعف ، اعتماد فوق العاده آنها به بعضی اشخاص، مخصوصا خویشاوندان و برخی بستگانشان است. شاید شنیده یا دیده باشید که کسانی امتیازات بسیاری دارند ، اما پسرشان میتواند آنها را به راست و چپ بچرخاند. دشمنان هم اول در پسر نفوذ میکنند و او را به جان پدر میاندازند. این فرد هیچ غرض و سوء نیتی در این کار ندارد ، اما تحتتأثیر فکر پسر یا داماد یا خویشاوندانش است.

این عنصر یک هوش خدادادی است؛ اتقوا فراسه المومن فانه ینظر بنورالله. (۱) استعدادها مختلف است و خدا افراد را مختلف آفریده است. بعضیها از این جهت ضعیفاند؛ مثل برخی افراد که قدرت جسمیشان ضعیف است. این هم گونهای از نقص است مثل کسی که از اول بچگی چشمش کمسو است یا گوشش سنگین است.

شناخت؛ اولین شرط بصیرت

دو عنصر دیگر کسبی است. اگر انسان آن درونمایه خدادادی را داشت باید دو کار انجام دهد تا بصیرت (۲) پیدا کند. یکی اینکه بر اطلاعات دینیاش بیافزاید و بکوشد دینشناستر باشد؛ چون یکی از لوازم بصیرت این است که انسان فریب نخورد و یکی از راههای فریب این است که حکم دینی را برای انسان مشتبه کنند. بگویند وظیفه شرعی این است؛ آیه قرآن این را میگوید ،

حدیث این را میگوید. از این سخنان نشنیدهاید؟! آن کسانی که به روی علی شمشیر کشیدند به

إنِ الح کْم الا لِلّه؛ « : قرآن استناد میکردند و میگفتند (۳) تو کافر شدی چون برخلاف قرآن عمل

یکی از شیوهها این است که انسان را از راه قرآن و حدیث و امثال آن فریب دهند ، و ». کردی

کسی که معرفتش نسبت به قرآن و حدیث کم است و نسبت به احکام اسلام اطلاع کافی ندارد ،

فریب میخورد.

معاویه در اواخر عمر به حجاز آمد و مدتی در مکه و مدینه ماند. میخواست برای

ولایتعهدی یزید زمینهسازی کند. کار سیاستمداران همین است که از چند سال قبل به

زمینه سازی برای انتخابات بعدی میپردازند. او با شخصیتهای معروف مدینه ملاقات هایی

۱- الکافی ، جلد۱،ص ۲۱۹

۲- منظورمان از این بصیرت ، بصیرت دینی است. همان طور که امیرالمؤمنین میفرماید: ان معی لبصیرتی

۳- انعام ۵۷، یوسف ، ۴۰ و ۶۷

داشت و البته هر کسی را از راهی فریب میداد. برای یکی هدایا میبرد؛ نزد یکی اظهار تقوا میکرد و یکی را مدح و ستایش مینمود. روی هر کدام به گونهای کار میکرد تا ذهنش را برای پذیرفتن ولایتعهدی یزید آماده کند. با امام حسین صلواتاللهعلیه نیز ملاقاتی داشت و بالاخره بعد از مقدماتی که به عقلش میرسید تا ذهن ایشان را برای پذیرش آماده کند ، گفت: من قصدم این است که بعد از من یزید مسئولیت من را بپذیرد و به اسلام خدمت کند. حضرت نگاهی کردند و گفتند: این پسر سگباز فاسق شاربالخمر را میگویی!؟ او اینهمه زمینهچینی کرده بود که بگوید یزید برای خلافت شایستگی دارد ، حضرت کاسه و کوزهاش را به هم زدند و گفتند: این شاربالخمر سگباز را میخواهی خلیفه مسلمین کنی؟ معاویه که دید قافیه را باخته است گفت: آقا! یزید درباره شما اینطور حرف نمیزند. میدانید یعنیچه؟ معاویه به امام حسین میگوید: غیبت نکن! غیبت مسلمان حرام است. او از شما بهتر است. تو داری غیبت میکنی اما او اینطور نمیگوید؛ غیبت شما را نمیکند.

میگفتند معاویه داهیه عرب بود. ببینید برای امام حسین چه قدر پیچیده حرف میزد.

این فریب دادن از راه دین است. حالا اگر یک انسان عادی بود امکان داشت در مقابل این منطق معاویه کم بیاورد و بگوید استغفر الله؛ اشتباه کردم ، غیبت کردم. اما امام این غیبت را واجب میداند. بیدرنگ پاسخ معاویه را میدهد تا دهانش را ببندد و دیگر از این کثافتها نخورد.

این بصیرت است؛ اینکه انسان بفهمد هرجا چه باید بگوید؛ چه باید بکند و چگونه باید برخورد کند. اینجا این غیبت ، غیبت واجب است ، اگر نگویی گناه کردهای. مگر گفتن هر سخنی پشت سر هر کسی غیبت حرام است؟ ما حتی در رساله های عملیه مان غیبت واجب داریم. کسی با شما مشورت میکند که فلانی به خواستگاری دخترم آمده و شما میدانید که او مرد فاسق معتاد

مشروبخوار بیدینی است. باید به او بگویی یا نه؟ این غیبت واجب است. کسی میخواهد اختیار یک ملت را به دست بگیرد ، شما احتیاط کنید و بگویید من چه عرض کنم؛ از دیگری بپرسید. از دیگری بپرسید یعنیچه؟ مقام مشورت است ، باید بگویی؛ اگر نگویی گناه کردهای. مقدسبازی بسیار بیجا ». آقا غیبت نکنید! من در عمرم از هیچکس بدگویی نکردهام « در میآورد و میگوید کردهاید. مگر ممکن است مؤمن از کسی بدگویی نکند؟ منافق است که میخواهد همه را داشته باشد. مؤمن باید قاطع باشد. باید موضع اسلامی داشته باشد؛ حامی دین باشد. باید کسی را که بر ضد دین اقدام میکند رسوا کرد. نمیشود من مقدسبازی در بیاورم و بگویم خوشم نمیآید درباره کسی حرف بزنم! ببین پیغمبر اکرم ، ائمه اطهار ، امیرالمؤمنین ، امام حسن ، امام حسین و سایر ائمه صلواتاللهعلیهماجمعین درباره دیگران چگونه رفتار میکردند. اگر اینجا یک آدم مقدسمآبی جای امام حسین بود چه میگفت؟ میگفت: حالا من یک تأملی روی ایشان دارم ، یا فکرش را بکنم ببینم چهطور میشود. اینجا جایی است که باید طرف را رسوا کرد.

یکی از جاهایی که انسان از راه دین فریب میخورد ، مقدسبازی ، حقهبازی ، کلکهای شرعی و سوء استفاده از قرآن و حدیث است. انسان باید دین را درست بشناسد و بداند حلال و حرام چیست. بداند کدام غیبت جایز است و کدام غیبت حرام است. مسایل دیگر را هم بشناسد. وقتی معرفت انسان نسبت به دین ضعیف باشد ، فریب میخورد. برای داشتن بصیرت باید دین را خوب بشناسیم و به همان اصول دین و فروع دینی که در مکتبخانه یا مدرسه یا خانه خواندهایم ، اکتفا نکنیم. باید شناختمان نسبت به دین افزایش پیدا کند؛ مطالعات دینیمان بیشتر باشد و عمیقتر فکر کنیم. اگر در مسألهای ابهام داریم این قدر آن را دنبال کنیم و بپرسیم تا خوب برایمان حل بشود.

این حلال و حرام به مسائل فقهی برمیگردد. یعنی انسان فقه را بهتر یاد بگیرد ، ولی فقط دانستن احکام کلی برای تشخیص مصادیق کافی نیست. باید بصیرتمان را نسبت به شناخت مصادیق هم تقویت کنیم. برای این کار یکی از بهترین راهها بررسی مسائل تاریخی ، به خصوص تاریخ صدر اسلام است؛ همینکه مقام معظم رهبری در تفسیر بصیرت روی آن تأکید کردند و فرمودند: عبرت گرفتن از جریانات تاریخی و اجتماعی. ما باید ببینیم رخدادهای صدر اسلام چه بود و چرا این چنین شد. بسیاری از این حوادث بعد از گذشت ۴۱۱۱ سال هنوز معماست. مگر میشود آدمیزاد اینگونه بشود؟! چگونه میشود مسلمانهایی که در رکاب پیغمبر در جنگها حاضر میشدند ، نوه پیامبر را ، آن هم حسین را ، گلی که هر دشمنی میدید عاشقش میشد ، اینگونه به شهادت برسانند؟! نگذارند در کنار نهر یک جرعه آب بنوشد! اگر اینها را درست تحلیل کرده بودیم ، میفهمیدیم که کسیکه چندین سال در کشور مسئولیت داشته ، از دست خود امام برای مسئولیتهایی حکم گرفته ، مدتها از لباس و موقعیتش استفاده کرده ، چهطور ممکن

است برای اینکه نظام اسلامی را از بین ببرد ، با اسرائیل همکاری کند! اگر تاریخ را درست بررسی میکردیم میفهمیدیم آدمیزاد چه موجود عجیب و قابل تغییری است ، آن وقت تعجب نمیکردیم و به آسانی نمیگفتیم که این هم بالاخره چنین است و چنان است. موقعیتش این است به او رأی بدهیم !

این شناخت و عبرت گرفتن از قضایای تاریخی است. ما سالی چند بار روضه سیدالشهدا را میشنویم؟ آیا هیچ فکر کردهایم چرا کوفیان اینچنین شدند؟ این شمری که به کربلا آمد و فرماندهی سپاه را میخواست ، کسی بود که در جنگ صفین در رکاب علی علیهالسلام میجنگید. از یاران علی بود. یکی از سرکردههای لشگر علی در جنگ صفین بود. او چهطور توانست سر سیدالشهدا را ببرد؟ بالاخره به این نتیجه میرسیم که اگر آدمیزاد در مسیر غلطی افتاد ، آرام آرام چنان پیش میرود که دیگر هیچ حدی ندارد. اگر زاویه باز کرد و از راه حق منحرف شد؛ مسامحه کرد و گفت حالا این چیزی نیست ، این زاویه به جایی میرسد که آن خط اصلی را که از آن جدا

شده فراموش میکند. یادش میرود اسلام و انقلاب چه بود. میگوید من به ریاست برسم ، هرچه میخواهد بشود.

حب دنیا؛ مانع بصیرت

یک سؤال: بنده و جنابعالی تافته جدابافتهای هستیم؟ معصوم هستیم؟ ما این اشتباهات را نمیکنیم؟ بنده که بعد از گرفتن نزدیک به هشتاد سال عمر از خدا چنین اطمینانی ندارم. بیش از شصت سال است که با کتاب و سنت ارتباط دارم ، درس طلبگی میخوانم ، اما از خودم چنین اطمینانی ندارم. اگر ما بخواهیم به این مشکل مبتلا نشویم ، نیازمند بصیرتیم. این بصیرت هم کسبی است. اصل آن افزایش تقوا و آفتش حب دنیاست؛ حب الدنیا رأس کل خطیئه. (۱) وقتی ته دل انسان عشق به اسکناس بود ، شب که میخوابد فکر میکند چه کار کنم که یک صفر کنار ارقام حسابم بیاورم ، صبح که بلند میشود فکر میکند کدام معامله را بکنم؟ کدام جنس را بخرم؟ کدام ارز را؟ کدام زمین را؟ بعضیها که در مسیر جنسی در راههای غلطی میافتند ، ممکن است در ظاهر هم هیچ نمودی نداشته باشد ، اما دلبستگی به یک مسائلی دارند که به دنبال یک بهانه شرعی میگردند که بتوانند خودشان را ارضا کنند. پیر شده ، ولی دلش جای دیگری است. میخواهد یک منشی از یک سنخ خاصی داشته باشد. یکی هم عشق به ریاست دارد که برای انسان جنون میآورد؛ دوست دارد دیگری به او بگوید: چشم. شما دیدهاید بعضی کسانی که به مواد مخدر مبتلا میشوند کارشان به چه جنونهایی میکشد. در بعضی فیلمهای تلویزیونی نشان میدهند که در اثر استفاده از مواد مخدر یا قرصهای روانگردان و امثال آن کارشان به جایی میرسد که به پستترین و زشتترین کارها تن میدهند؛ کارهایی که نمیشود اسمش را آورد. آدمیزاد چنین موجودی است. وقتی در راه استفاده از مواد مخدر افتاد و لذتی آنی برایش پیدا

شد ، روز به روز بیشتر و بیشتر آنچنان وابسته میشود که کارش به جنون میکشد؛ البته خود

معتاد این را جنون نمیداند. میگوید کیف میکنم. من و شما که از بیرون میبینیم میفهمیم

این جنون است. اسم همه اینها حب دنیاست؛ البته مراتب دارد. همه یکباره اینطور نمیشوند.

آن معتادی که به این حد رسیده هفت ، هشت سال آرام آرام مصرف مواد مخدر را زیاد کرده تا به

اینجا رسیده است. ما اگر بخواهیم در این دامها نیفتیم باید از اول حواسمان جمع باشد؛ حب دنیا

را تقویت نکنیم؛ حب مال را تضعیف کنیم؛ زندگیمان را از آن حدی که میتوانیم سادهتر

بگیریم ، نه اینکه هر روز برویم اجناس اقساطی بخریم و مدام زر و زیور خانهمان را بیشتر کنیم

و قرض بالا بیاوریم؛ از همان هم که میتوانیم کمی کمتر استفاده کنیم؛ مراقب راههای

درآمدمان باشیم؛ مقید باشیم وجوهات آن را دقیقا پرداخت کنیم؛ کمک به همسایه ، والدین و

۱- الکافی ، جلد ۲،ص ۱۳۱

ارحام را فراموش نکنیم تا حب مال طغیان نکند؛ لَن تَنَالُواْ الْبِرَّ حَتَّى تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ؛ (۱) اگر میخواهید عاشق دنیا نشوید سعی کنید از آن چیزهایی که دوست دارید انفاق کنید. همه اینها برای این است که دلبستگی پیدا نشود. وقتی چیزی را دوست دارید بگویید آن را در راه خدا میدهم.

خودسازی؛ چاره حب دنیا

به طور کلی علاج این مشکل این است که انسان مقید باشد؛ احکام خدا را شوخی نگیرد؛ نگوید امروز این کار عیبی ندارد ، فردا توبه میکنم. این دام شیطان است و انسان را به جاهایی میکشاند که بعضی کسان رسیدند. هشتاد سالش است ، اگر خودش و هفت پشتش از داراییهایشان بخورند تمام نمیشود ، اما باز هم به فکر این است که یک روز دیگر روی صندلی بنشیند یا مال دیگری بر اموالش افزوده شود ، چرا؟ عشق است دیگر. عشق به دنیا به جنون میکشد؛ لا يَقُوم ونَ إلا كَمَا يَقُوم الَّذِى يَتَخَبَّطُه الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ (۲) آنهایی که چشم بینا دارند و خودشان مبتلا نشدهاند میگویند چرا این در زندگیاش تلوتلو میخورد؟ چرا این درست راه نمیرود؟

بنابر این برای کسب بصیرت ، علاوه بر افزایش معلومات ، شناختها و اطلاعات ، باید تقوایمان را هم افزایش بدهیم ، چون کسی که مبتلا به حب دنیا شد همه مسایل را طور دیگری تفسیر میکند؛ تفسیر دلخواه ، بهگونهای که کارهای خودش را توجیه کند. این دام ، سر راه بنده و جنابعالی هم هست. مراتب دارد. یکی دامش قویتر و یکی ضعیفتر است ، اما این دام را شیطان برای همه گذاشته است.

حاصل عرایضم این است که بصیرت یک مثلث است و سه ضلع دارد. یکی از آنها خدادادی

است ، اما دو تای دیگر کسبی است. آن دو یکی از راه افزایش معلومات دینی و تحلیلهای صحیح از قضایای تاریخی حاصل میشود و دومی از راه خودسازی و افزایش سطح تقوا و دینداری. اگر اینها بود بصیرت پیدا میشود وگرنه ، اگر معلوماتش ضعیف بود در دام خواهد افتاد ، و اگر تقوایش هم ضعیف بود باز شیطان از راه دیگری او را فریب خواهد داد و به جایی میکشاند که کار خودش را توجیه میکند و از کار دیگران نیز هرچه موافق سلیقهاش بود تأیید میکند. پس برای کسب بصیرت ، ما باید در دو بعد زحمت بکشیم؛ یکی معلوماتمان را افزایش بدهیم و دیگر اینکه خودسازیمان را بالا ببریم. (۳)

۱- آل عمران،۹۲

۲- بقره،۲۷۵

۳- سخنان حضرت آیت الله مصباح یزدی در جمع ناظران شورای نگهبان ۸۹/۱۲/۰۶،پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله مصباح یزدی mesbahyazdi.ir

نمونهای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

استکبارستیزی در « ۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع

»(سیرهی ائمهی هدی (علیهم السلام

» استکبارستیزی « ،. برگزاری نمایشگاه موضوعی در موضوع

۹. تولید بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل به همراه مسابقه

برای طیف مخاطب سازمان » استکبارستیزی « ۱. شناسایی کتاب مناسب با موضوع موضوع

متبوع (کودک، نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی ، فرهیختگان و کارشناسان و...(و برگزاری مسابقه

کتابخوانی

۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع روز (اهل بیت (علیهم السلام(؛

الگوی بصیرت ، و مقاومت در برابر مستکبران و طاغوتها(و مشارکت با صداوسیمای استانی

برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی یا رادیویی

» بصیرت و استکبارستیزی « ۱. برگزاری فراخوان شعر ، متن ادبی ، کاریکاتور و... در موضوع

۳. تولید پوستر و کارت پستال در موضوع فوق

۲. برگزاری میزگرد تحلیلی ، کرسی آزاداندیشی یا پرسش و پاسخ با هدف تحلیل ابعاد موضوع

در دانشگاهها و حوزههای علمیه » بصیرت و استکبارستیزی «

۳. برگزاری مسابقات پیامکی از مضمون کارت پستال یا پوستر طراحی و توزیع شده با عنوان

و اهدای جوایز به پاسخهای برتر »؟ پیام این طرح چیست «

فصل پنجم: امامزادگان؛ علمداران معارف اسلامی – مأمن فعالیتهای اصیل فرهنگی

فلسفه زیارت امامزادگان و نقش آن در جامعه دینی

مقدمه

همواره در طول تاریخ اسلام و حیات جامعه اسلامی ، نه تنها مفهوم امامت و تشخیص امام ، بلکه هر گونه پیوند و ارتباط با اهل بیت و ائمه معصومین ، چه به لحاظ سببی و چه نسبی ، از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بوده است ، حتی صحابه ، یاران و دوستداران و محبین ایشان متولی امور » اوقاف و امور خیریه « نیز ، شأن و مقامی والا داشته اند. با دقت بر اینکه نهادی با نام بقاع متبرکه و امامزادگان گشته است ، هرساله سرمایه مالی و انسانی زیادی را صرف نگهداری ، رسیدگی و توسعه این اماکن مینماید ، ضروری به نظر میرسد که به لحاظ فرهنگی نیز بستر ذهنی مناسبی در سطح کلان جامعه ایجاد شود و دید روشنی نسبت به فلسفه زیارت امامزادگان و تاثیرات سازندهای که این امر میتواند در جامعه اسلامی به همراه داشته باشد ، به آحاد جامعه اعطاء گردد. برای این منظور پژوهش پیش رو به موضوع یاد شده اختصاص یافته در صدد برآمده تا به این پرسش پاسخ گوید که فلسفه زیارت امامزادگان چیست و زیارت امامزادگان چه نقشی در جامعه دینی دارد؟ در پاسخ فرضی به پرسش خود میتوان گفت ، در نگاه قرآن ، احادیث و نیز بزرگان دین ، زیارت امامزادگان از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده و لذا بر این امر تاکید فراوان صورت گرفته است. با توجه به این تاکیدات انتظار میرود زیارت امامزادگان در هر دو بعد فردی و اجتماعی و نیز در عرصههای مختلف اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی تاثیرات پراهمیتی را به دنبال داشته باشد.

زیارت

زیارت در لغت ، آهنگ کردن و از نظر شرعی حاضر شدن در محضر پیامبر ، امام یا مؤمنی است. بنابراین زیارت پیامبر و امام معصوم یا شهیدان در زمان زنده بودن یا پس از رحلت آنان زندهاند و در « : تفاوتی ندارد؛ زیرا آنها در حقیقت همان گونه که در آیه کریمه قرآن آمده است

.» پیشگاه پروردگارشان روزی میخورند (۱) زائر اسم فاعل زیارت؛ به معنای زیارت کننده ، و مزور اسم مفعول و به معنای زیارت شونده است. زیارت در فرهنگ مذهبی در معنای نوعی دیدار خاص(توام با اکرام) از قبور بزرگان و بزرگ زادگان دینی آمده است.

۱- آل عمران/۱۶۸

فلسفه زیارت امامزادگان

یاد و زیارت پاکان و معصومان ، آدمی را در مسیر پاکی و عصمت قرار میدهد و انسان را بیش

فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر « : از پیش به خدا نزدیک میکند. چنان که در قرآن میخوانیم

.»... فیها اسمه (۱) هم چنین متعلقان اولیای الهی مقدس و منشأ اثر دانسته میشوند. چنان که

پیراهن حضرت یوسف(ع) پدر را بینا کرد. (۲) از این رو زیارت اولیا و تبرک جستن به آنها دارای اثر

».. هل جزاء الاحسان الا احسان « خواهد بود. هم چنین بر اساس آیه شریفه (۳) خواندن نماز و

قرآن و هدیه ثواب آن به آن امام ، به حتم دعای آن امام را در حق ما به دنبال خواهد داشت.

مسلماً زیارت پیامبر اکرم(ص(و ائمه معصومین(ع) آثار و اجر فراوان دارد و عرض ارادت به

آنان و به زیارت آنان رفتن نوعی ارتباط معنوی بین زائر و ائمه(ع) است. بنا به آن چه از روایات

استفاده میشود ائمه معصومین(ع) حاضر و ناظر بر اعمال ما هستند و به خصوص عنایت خاصی

نسبت به کسانی که به زیارت قبورشان میروند ، دارند. از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که:

من زارنی بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی وکنت له شهیداً و شافعاً یوم القیامه؛ هر کس «

مرا بعد از وفاتم زیارت کند مثل کسی است که در زمان حیات من مرا زیارت کرده است و من

.» شاهد برای او شفاعت کننده او در روز قیامت خواهم بود (۴) زیارت « : امام صادق(ع) میفرماید

من اراد الله به الخیر « : و در حدیث دیگری میفرماید » قبر امام حسین(ع) از بهترین اعمال است

قذف فی قلبه حب الحسین و حب زیارته و من اراد الله به السوء قذف فی قلبه بغض الحسین و

بغض زیارته؛ هرگاه خداوند اراده خیری به بنده خود کند در قلب او محبت امام حسین(ع) و

.» زیارت او را قرار می دهد (۵)

نقش امامزادگان در جامعه

تاثیرات فردی

دنیای امروز با وجود پیشرفت و تحولی که بر حسب ظاهر پیدا کرده است ، در واقع پر از نگرانی ها ، اضطرابها و ترسها و دلواپسیهای شخصی است که ایجاد عقدههای روانی میکند. همین عقدهها هم منشأ بسیاری از بدبختیهای نسل ماست و این فاجعه ای است که جامعه غرب را در لجنزار خود فرو برده ، و دردی است بی درمان که روان شناسان شرق و غرب به آن

۱- نور/۳۶

۲- یوسف/۹۶

۳- الرحمن/۶۰

۴- مجلسی،۱۹۹۲:۹۷/۱۴۳

۵- عاملی،۱۴۰۹

اعتراف میکنند. این دردها را درمانی نیست جز توجه به معنویت ، دین و اخلاق و تقویت آن در وجود انسان ها.

امروزه ، نقش مذهب و عقاید مذهبی در بهداشت روانی و سلامت روحی بسیار مورد توجه محققان و دانشمندان قرار گرفته است و منجر به انجام تحقیقات بسیار متعدد و متنوع شده است و در نهایت همه این تحقیقات ، نقش مثبت و مؤثر مسایل دینی و مذهبی را در بهداشت روانی تأیید میکند.

بنابراین زیارت و دعا که در آیین نورانی اسلام از جایگاه بسیار رفیع برخوردار است ، میتواند در برطرف نمودن نیازهای معنوی و روحی انسان نقش سازندهای داشته باشد.

می توان تاثیر روحی ــ روانی زیارت را چنین برشمرد :

گناه زدایی

گناه اثری تاریک بر دل آدمی میگذارد و میل و رغبت به انجام کارهای نیک و خدایی را کاهش میدهد. در عوض زیارت ، بندگی و یاد خدا ، وجدان خدایی را در دل انسان پرورش میدهد و علاقه به انجام کار نیک را در وجود انسان بیشتر کرده ، موجب تقرب به پروردگار و دوری از فساد و شرّ و گناه میگردد. (إِنَّ الصَّلَوةَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْم نکَرِ((۱)

درمان رذایل اخلاقی

در نهج البلاغه پس از اشاره به پاره ای از صفات رذیله در رفتار انسانی ، از جمله سرکشی ، ظلم و تکبر آمده است: چون بشر در معرض آفات متعدد اخلاقی و بیماریهای روانی قرار دارد ، خداوند متعال به وسیله نماز و دعا بندگان مؤمن خود را از گرفتاری در دامان این صفات شیطانی حفظ و حراست میکند. (۲) زیارت نیز از این تاثیر بی بهره نیست.

نورانیت و بصیرت دل ، زهد و وارستگی از لذات مادی

جلب توجه و نظر الهی به خود

» أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوب « آرامش قلبی و قدرت روحی (۳)

اهل ایمان به برکت وجود ارتباط سازنده با پروردگار ، طبق تصریح قرآن (۴)در آرامش و امنیت روانی کامل به سر میبرند. از آنجا که نابهنجاریهای روانی و رفتاری در انسان هنگامی شروع میشود که احساس ناامنی در انسان به شدت حاکم گردد ، لذا میتوان با الهام گرفتن از

۱- عنکبوت/۴۵

۲- نهج البلاغه/ خطبه ۲۳۴

۳- رعد/۲۸

۴- فتح/۴

آموزههای دینی و انجام مناسکی همچون زیارت و دعا و برقراری پیوندی قوی با خالق متعال ، بر این ناامنی غلبه نمود و سرانجام به سلامت روحی و بهداشت روانی فرد کمك کرد .

حضور در اماکن مقدس و زیارتگاههای « : دکتر احمد بیان معمار روانپزشك ایرانی ، میگوید شخصیتهای معنوی و الهی ، موجب تخلیه هیجانی در انسان میشود و این تخلیه هیجانی با آرامش درونی در آدمی همراه است. مراسمی نظیر نذر ، اطعام نیازمندان ، عبادات دسته جمعی و شرکت در فعالیتهای مذهبی در اماکنی مانند مسجد ، اکثراً میتوانند کارکردهای روان درمانی .» داشته باشند

حضور در اماکن مقدس و زیارتگاهها و یا شرکت در مراسم مذهبی جمعی ، سبب میشود که فرد در هماهنگی با محیطی که در آن قرار گرفته برای دقایق یا ساعاتی کشمکشهای درونی و تضادهای روانی خویش را به فراموشی بسپارد. "نیس" و "وینتراب" دو پژوهشگر غربی طی بررسی جامعی که در مورد ۱۱۱ نفر انجام دادند ، به این نتیجه رسیدند که شرکت افراد در مراسم دینی از قبیل زیارت و عبادت ، با کاهش اختلالات روانی آنها همراه است. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که شرکت در مناسك دینی و حضور در اماکن زیارتی ، باعث کاهش اضطراب و عصبانیت و اختلالات روانی میشود.

تاثیرات اجتماعی

۲-۱- حفظ هویت اسلامی

مسائل مختلفی در حفظ هویت و ایجاد همبستگی عاطفی اجتماعی جامعه موثر است. از این میان میتوان به نقش عمده بناهای مذهبی به عنوان یکی از مکانهای هویت بخش و ارتقای

دهنده فرهنگ اسلامی اشاره نمود.

بناهای مذهبی در بسیاری از شهرهای کشور اسلامی ایران به عنوان عاملی شاخص هویت شهری شناخته میشود در این راستا میتوان نقش امامزادهها را در تثبیت هویت و فرهنگ اسلامی بیان نمود امامزادهها از دیرباز سبب جذب جمعیت و تلاقی افکار و فرهنگ مردمی است که بخشی از باورهای اعتقادی و مذهبیشان در آن تجلی پیدا میکند. اهمیت و ضرورت حفظ آثار کهن نه به عنوان پدیدههای نمادین ، بلکه به دلیل شناخت سیر تحول و تکامل تاریخ شهرسازی و تمدن شهرنشینی ، حفظ هویت و اصالت شهری و تبیین حیات شهری بر اساس شواهد و مدارک علمی همواره مورد توجه بوده است. بناهای امامزادگان با توجه به اعتقادات مسلمانان و احترام ویژه آنان ، مکانهایی هستند که از دیرباز نقش ارتقای هویت شهری و اسلامی شهروندان را بر عهده داشتهاند. هویت شهری وجه تمایز شهری از شهر دیگر است که این امر موجب میشود حس تعلق مکانی در شهروندان به وجود آید و در ساخت و توسعه شهر خود و بهره گیری از اقسام نمادهای مذهبی مشارکت کنند.

۲-۲- سبب همبستگی اسلامی

اسلام علاوه بر کنگره سراسری سالانه در مکه معظمه توانسته است همواره گردهماییهای مذهبی ، فرهنگی و اقتصادی خود را برگزار کند؛ همچنین از نظر سیاسی توانسته در صورت بروز اختلاف میان برخی کشورهای اسلامی ، در رفع آن از فکر و اندیشه یکی از اعضا و یا از وجدان عمومی امت اسلامی استمداد بطلبد و از نقش، تأثیر فرهنگی و بار احساسی اوقات و اماکن اسلامی ، مثل ماه رمضان و یا شهر مکه ، پیوسته در این زمینه استفاده کند. از آن جا مکانها شامل ارزشهای ویژه و خاص خود هستند ، میتوانند بار احساسی فراوانی برای انسانها همراه داشته باشند. مکانهای زیارتی جهان اسلام از ارزشهای والای مذهبی و فرهنگی در بین مسلمانان برخوردار هستند و به عنوان تداعی کننده چنین بار احساسی برای مسلمانان ، میتوان با استفاده و تقویت این بار احساسی اتحاد و انسجام را بین مسلمانان و کشورهای اسلامی تقویت کرد.

تاثیرات سیاسی

از جمله نتایج زیارت میتوان به آموزش تسلیم ناپذیری ، دلاوری و غیرت ورزی نسبت به اسلام ، دفاع از فضیلت و کرامت انسانی ، نشانگر اعتراض سیاسی بودن و جزآن اشاره کرد.

زیارت دین را به مردم یادآور میگردد و به یادشان میآورد که باید از سنّت نبوی و آیین محمّدی ، که اهل بیت نبوّت و خاندان رسالت آن را پاس داشته اند ، پیروی کرد .

زیارت درس عزّت طلبی ، تسلیم ناپذیری ، دلاوری و غیرت ورزی نسبت به اسلام و دفاع از فضیلت و کرامت انسانی و همچنین حرمت انسانها را به انسانها میآموزد. نمونه آن میتوان پس از شهادت امام حسین (علیه السلام(به گروه توّابین اشاره کرد. چون توّابین به شمار نزدیک

به چهار هزار تن و به فرماندهی سلیمان بن ص رد خزاعی ، با شعار خونخواهی حسین بن علی (علیهما السلام) و کشتن قاتلان او قیام کردند ، در ربیع الأوّل سال ۱۱ ق. به زیارت آرامگاه امام رفتند و در پیرامون این آرامگاه گرد آمدند. آنها یک شبانه روز در کربلا ماندند و سپس به عین الورده کوچیدند. (۱)

زیارت نشان دهنده ترس حاکمان ظالم از رفت و آمد مردم به امکان زیارتی است که تاریخ از این نمونه ها فراوان به یاد دارد: ابرهه برای انهدام کعبه حرکت کرد تا آن جا را ویران کند و صنعا معبد عمومی عرب و مرکز شرق گردد. زمانی نیز که مردم برای زیارت آرامگاه امام حسین (علیه السلام) میرفتند. این امر خشم هارون را برانگیخت و او را بر آن داشت که از آن آرامگاههای پاک انتقام ستاند. هارون مشتی از مردمی را که خداوند بر دل هایشان مهر نهاده و خوف خویش را از آنان ستانده بود ، روانه ساخت تا مرقد آن امام را که چراغ هدایت راه نجات امّت بود ویران

۱- صدر، بی تا ۲۳

سازند. فرستادگان هارون دو مسجدی را که بر مرقد امام و بر مرقد حضرت ابوالفضل (علیه السلام(برپا شده بود ویران ساختند و بنا و نشانی که از میراث فرهنگی امّت در آن جا بود از میان بردند. هارون همچنین از آنان خواسته بود درخت سدری را که در کنار مرقد امام (علیه السلام(روییده بود قطع کنند و جای قبر را نیز با خاک یکسان سازند. این هم ، بدان هدف بود که زایران آن حضرت به بارگاه او راه نیابند و آهنگ زیارت او نکنند. هارون همچنین مردانی مسلّح گماشت تا مانع رسیدن مردم بدان مرقد نورانی شوند. (۱)

زیارت میتواند انگیزه مهمی برای آزادی یکی از مقدس ترین اماکن مذهبی ، بیت المقدس، که سالیان درازی زیر سلطه و اشغال است ، باشد.

زیارت میتواند نشانگر اعتراض سیاسی باشد. در شروع حرکت مشروطه پس از ایستادگی عین الدوله در برابر خواستههای مردم و روحانیت ، آیت الله بهبهانی ، آیت الله طباطبایی و آیت الله شیخ فضل الله نوری یک ماه در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند. در نهایت علاء الدوله حاکم تهران عزل و بنا شد عدالتخانه تأسیس گردد. در ۱، جمادی الاول ۴۹،۱ ه.ق حدود هزار نفر که در رأس آنها آیت الله بهبهانی و آیت الله طباطبایی بودند به سوی قم حرکت کردند و مهاجرت کبیر را شروع نمودند که موجب شد مظفرالدین شاه ، عین الدوله صدراعظم را برکنار کند و فرمان مشروطیت را هم صادر نماید.

زیارت میتواند سرآغاز مبارزات سیاسی مردم یک کشور باشد. اعتراض به ماجرای کشف حجاب در مسجد گوهر شاد مشهد که در بین شهرهای ایران به دلیل وجود حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام(از تقدس خاصی برخوردار است و همه ساله میلیونها نفر برای زیارت میآیند از این دست است.

زیارت میتواند مبنای ادعای کشوری برای رهبری جهان اسلام باشد. وجود مکه و مدینه در کشور عربستان موجب شده است که این کشور مدعی رهبری جهان اسلام باشد .

تاثیرات اقتصادی

زیارت در بعد اقتصادی موجب منافع متعددی از جمله اشتغال زایی ، ایجاد درآمد ارزی برای کشور ، توسعه شبکههای ارتباطی ، حمل و نقل و غیره میشود (که ما در اینجا وارد مباحث گسترده آن نمیشویم).

نتیجه

هدف تعالیم اسلام ارتقا و رشد معنوی انسان و سوق دادن او به پیشرفتهای مادی و معنوی جامعه است. از این رو ، اسلام از هر زمینه ، مناسبت ، زمان ، مقام و مکان در این مسیر استفاده

۱- صدر، بی تا ۲۸

میکند. یکی از این راهها زیارت است که علاوه بر آثار معنوی ، دارای نتایج دیگری از جمله سیاسی و اقتصادی نیز هست. از نتایج سیاسی میتوان به ارائه چهره واقعی از کشورهای مسلمان در جهان ، نمایش قدرت امت واحده اسلامی ، نماد اعتراض سیاسی ، مبدأ شروع حرکت انقلابی مردم یک جامعه ، ایجاد انگیزه جهت باز پس گیری مواریث اسلامی اشاره کرد. نقش امامزادگان در توسعه سیاسی و اقتصادی و هویت بخشی به جامعه و تمدن اسلامی نقشی بی بدیل است و فرهنگ فاخر اکنون شیعیان مرهون این بقاع متبرکه است. (۱)

نقش امامزادگان در گسترش مذهب شیعه در ایران

از زمان خلافت امیر مومنان علی (ع(که ایران پایگاه تشیع شده بود شیعیان ، این دیار را مامنی برای قیام علیه حاکمان غاصب یافتند و شهرهایی نظیر قم ، کاشان ، خراسان ، شیراز و مازندران به صورت کانونی برای فراگیری و نشر آموزههای فقه شیعی تبدیل شد. در واقع فرزندان و نوادگان خاندان پاک و نورانی ائمه معصومین علیهم السلام ، وجود پربرکت خود را فدای تحقق ارزشهای الهی و بشری کردند و در این مسیر بیشترین مشقتها و محدودیتها را از ناحیه دشمنان اسلام (امویان و عباسیان(تحمل کرده ، نهایتاً در دفاع از اسلام شهادت را به عنوان پیام حقیقت و نور هدایت بشریت برگزیدند.

بی تردید نقش امام زادگان در کنار رسالت تاریخی و دینی ائمه معصوم (ع(در گسترش مذهب شیعه در ایران زمین بی بدیل بوده است.

مهاجرت علویان به ایران از لحاظ سیاسی اجتماعی و حتی انجام کارهای عمرانی و اتحاد – مردم منطقه تاثیری مهمی داشت ، زیرا با حضور در میان مردم و حسن معاشرت در رفتار و جلب نظر و افکار عمومی و خلق و خوی علوی ، در فاصله زمانی کمی ، از پایگاه مادی و معنوی در

میان مردم برخوردار میشدند و با کسب اعتماد و اطمینان مردم به تدریج رهبری مردم را در مناطق به دست میگرفتند و با شرکت در مسایل سیاسی اجتماعی و بهره برداری از نفوذ خود – در ایجاد تحولات منطقه ای ، نقش موثری پیدا میکردند. برای مثال هنگامی که یحیی بن عبدالله از همراهان حسین بن علی پس از شکست قیام و کشته شدن یارانش به ایران مهاجرت کرد ، پس از توقف در دیلم و معاشرت با مردم ، مردم معتقد شدند که وی استحقاق پیشوایی دارد. سپس با او بیعت کردند و گروهی از مردم شهرها گرد وی جمع شدند و رفته رفته کارش بالا گرفت. مهاجرت سایر علویان به نقاط گوناگون ایران از جمله ری ، کاشان ، قم ، گرگان و طبرستان ، همه گویای حضور قوی و تاثیرگذار آنها در منطقه بوده است. آنها در امور سیاسی ، اجتماع یا عمرانی به صورت فعال وارد صحنه میشدند. برای مثال ، ورود اشعریها در سال ۳

۱- اثر منیره ناصح ستوده، سایت جامع امامزادگان و بقاع متبرکه ایران اسلامی emamzadegan.ir

هجری به قم و تلاش و کوشش در عمران و آبادانی این شهر تا زمان حضور حضرت معصومه (س) گویای تاثیر مثبت آن است.

یکی از دلایل قرب و قیام امامزادگان در ایران این بود که مردم این دیار با توجه به سابقه طولانی در فرهنگ و تمدن ، به روح اسلام توجه ویژهای داشتهاند و ارادتشان نسبت به خاندان رسالت بسیار پایدار بوده است. به همین دلیل تشیع با فرهنگ ایرانی پیوند خورد ، چرا که خاندان پیامبر ، مجری عدالت و مساوات بودند. نفوذ شیعه آن چنان قوی بود که شاخصهای مقدس آن (بقاع متبرکه) حتی از جانب حاکمان اهل سنت نیز محترم شمرده میشد. با توجه به علاقه شیعیان به دفن شدن در کنار این مزارها ، روز به روز بر اهمیت و توسعه آنها افزوده گشت. به زودی این اماکن متبرکه به عنوان نماد تمایلات سیاسی و مذهبی شیعیان کاربرد یافت. بنابراین هدایای فراوانی به شکل نذورات نقدی ، املاک و موقوفات به متولیات این بقاع واگذار شد و افزایش جمعیت نیز منجر به افزایش تعداد زوار این امام زادهها شد. این فزونی تاثیر مستقیمی بر زیارتگاه داشت و نقش عمدهای در زندگی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا کرد.

این اماکن مذهبی از دو سو مورد احترام و توجه مردم ایران بودهاند :

از یک سو اعتقاد و ایمان به خاندان نبوت و امامت و گرایش آنان به عدالت و فضایل انسانی و از سوی دیگر فضیلت وجود امام زادههای مدفون در این بقاع ، به عنوان نمادی از اعتقادات مذهبی مردم ایران. اما جدا از آن ، ویژگیهای ساخت و شکل معماری هر یک از امامزادهها در نوع خود قابل توجه است.

امام زاده محلی است که فرهنگ عامه در آن پرورش مییابد و شکل میگیرد. زمینه مساعدی است برای زنده نگه داشتن باورهای عامه مردم که دیرتر از مکانهای دیگر دستخوش

فراموشی و تحول میشود. برای بقعه علاوه بر ارزشهای مذهبی ارزش فرهنگی نیز باید قائل شد. نگهداری و آبادانی به همت اهالی بستگی دارد. چون بسیاری از آمال و آرزوهای خود را در آن میجویند. بقاع ، پناهگاه بی پناهان و نماد پاکی ، زهد و تقوا به حساب میآید و از این رو به آن عشق ورزید ، برای آن نذر میکنند و معجزات و کرامات آن را دهان به دهان باز میگویند.

امام زادهها در سراسر ایران ، از جمله کانونهای معنوی اسلام به شمار میروند. اغلب این امام زادهها از سادات شیعه علوی بودند که در پی اقتدار خلافت اموی تا پایان خلافت عباسی ، در نبرد با دستگاه خلافت ، برای برپایی عدالت اهل بیت (ع(به شهادت رسیدند.

امروزه هزاران زن و مرد مسلمان در لحظههای بیم و امید و در اوقات فراغت خود به این زیارتگاهها و اماکن متبرکه میروند و به امید گره گشایی از مشکلات خود یا بستگان به آنها توسل میجویند.

این مزارهای متبرك در ایران نمودی از آرمانهای راستین تشیع بود که از اسلام ریشه گرفته بود و در حقیقت پشتوانه عظیمی برای معیارها و ارزشهای والای مکتب تشیع محسوب

میگردید. این مکانها افزون بر اینکه محلی برای زیارت مشتاقان خاندان اهل بیت (ع(بود ، مدرسه بزرگی نیز برای زائران تلقی میگردید که از معرفت امامزادگان و فضایل اخلاقی آن بزرگواران بهره مند گردند و از سویی به مظلومیت و حقانیت آنان پی برند که این خود در گسترش مذهب شیعه نیز موثر بود. به بیان دیگر ، این آرامگاهها هر کدام به کانونی برای گسترش فرهنگ تشیع تبدیل گردید.

در این راستا میتوان به نقش تاریخی دختران امام موسی کاظم (ع(در ترویج ارزشهای دینی و گسترش اسلام راستین به ویژه در شهر مقدس قم نیز اشاره نمود. این بزرگواران طبق نقلها فقیه ، دانشمند ، محدث ، پاک دامن ، پارسا و پرهیزگار بودند در میان زنان مدینه ، به ترویج مباحث علمی و احادیث نبوی اشتغال داشتند. دختران آن امام همام در دوران حساس و خفتان آور عباسی هر یک بنا به توانایی و تکلیف خویش، مسوولیت مهمی ایفا کردند. نکته جالب توجه این است که دختران امام موسی کاظم (ع) هر یک از عالمهای بودند که با نقل روایات مستند و احادیث معتبر در مورد فضایل امام علی (ع) و عاشورا و استمرار ولایت و معرفی امام زمان خویش، ساعی و کوشا بودند.

در میان دختران امام کاظم (ع) حضرت فاطمه معصومه (س) همچون اجداد طاهرینش، با تاسی به حضرت زینب (ع) در مقابل تهدیدها و فشارهای حکومت ظالم علیه خاندان اهل بیت (ع(ایستاد و علاوه بر فعالیتهای علمی و روایی و بیان احادیث شیعه در خصوص غدیر خم و ولایت و امامت ، در حرکتی سیاسی اجتماعی همراه برادران خویش به عرصه مبارزه وارد شد و هجرت را به عنوان عامل اعتراض به وضعیت موجود و حکومت وقت برگزید.

حضرت معصومه (س) طبق روال هجرت علویان ، برای فرار از ظلم و ستم حکومت و نشر و

تبلیغ آیین محمدی (ص) و آشکار کردن چهره نفاق دینی عباسیان و مظلومیت خاندان اهل بیت (ع(در طول سفر خویش از مدینه به با بیان سخنان بیدار کننده خویش، اذهان جامعه را نسبت به اهل بیت (ع) و جایگاه آنها و نقش امامت در جامعه مسلمین روشن ساخت. حضرت معصومه (س) نیز به همراه برادران خود برای کسب آزادی و بیان مسایل دینی از فرصت استفاده فرمود و با وجود سختی سفر و دوری از وطن و زادگاه خویش و ترک دوستان و یاران سفر خود را آغاز نمود. تاریخ نشان داده است که در طول دوران هجرت حضرت معصومه (س) و شهادت امام رضا (ع(و حضور برادرزادگان او در نقاط گوناگون کشور پهناور اسلامی در سرزمین فارس، مصر ، ری ، قم و خراسان ضمن اعتراض به حکومت غاصب را مردم را همراه خود ساخت و آنان دست به شورش و قیام زدند تا سرانجام هر یک به نوعی توسط حکومت به شهادت رسیدند.

از دیگر سو جامعه شیعه و فرهنگ تشیع ، گرد امامزادهها شکل گرفت این همان چیزی است که برخی در بحث جامعه شناسی ، هنگام مطالعه جامعه شیعی اذعان میکنند که جوامع شیعی

جوامعی هستند که گرد امامزاده هایشان شکل گرفتهاند و فرهنگ و هویت آنها متاثر از امامزاده هاست.

در دورترین روستاهای ایران امام زادههایی وجود دارد که اصلاً دین مردم آن روستانها به آن امامزاده بستگی دارد و اگر این امامزادهها نبودند تاریخ دین داری مردم عوض میشد. در واقع محور حفظ تشیع همین امامزادهها هستند و فرهنگ شیعی چه در گذشته و چه در حال به وسیله آنها حفظ میشود. اگر آدمی در دوره کهنسالی و میان سالی هم باشد چنانچه رگههایی از محبت این امامزادهها در روحش نقش بسته باشد. نمیتواند از آنها جدا شود.

از دیگر سو آموزههای علویان توانست بذر تشیع را در قلب ایرانیان بکارد و سیره عدالت گستر علوی ، آنان را شیفته مکتب تشیع کند. نقل است روزی گروهی از ایرانیان به حضور امیر مومنان علی (ع) آمدند و از اعراب شکایت کردند و گفتند: رسول خدا (ص) هیچ گونه تبعیضی میان عرب و غیرعرب در تقسیم بیت المال یا در ازدواج قائل نبود. بیت المال را برابر تقسیم میکرد ، مسلمانانی چون بلال و صهیب در عهد رسول الله (ص) با زنان عرب ازدواج کردند ولی امروز اعراب میان ما و خودشان تفاوت قائلند. امام علی (ع) با اعراب در این زمینه صحبت کرد. ولی اثر نداشت و آنان فریاد کردند: ممکن نیست ، ممکن نیست. علی (ع) در حالی که از این جریان خشمناک بود میان ایرانیان آمد و گفت: با کمال افسوس اینها حاضر نیستند ، با شما روش برابری در پیش گیرند و مانند یک مسلمان با حقوق یکسان رفتار کنند. من توصیه میکنم که بازرگانی پیشه کنید ، خدا به شما برکت خواهد داد.

اولاد حضرت علی (ع(نیز همین مشی و سلوک وی را در برخورد با مسایل نژادی و قومیتها پیگیری ظلمهایی که خلفا اموی و عباسیان بر علیه مردم غیر عرب انجام میدادند ، موجب شد

علویان مردم دور دست را به قیام و براندازی حکومت ظالمانه میخوانند.

نکته دیگر اینکه احترام به علویان در ایران پس از حضور مبارک امام رضا (ع) در طوس دوچندان شد و اعوان و انصار امام در نشر آثار اسلام و تبدیل خراسان به مرکز شیعه نقش بی بدیل ایفا کردند. با حضور امام رضا (ع) در ایران به ویژه پس از ولایت عهدی ، حضرت حب ولایت امام و ائمه گسترش یافت و سادات و علویان که سالها طعم تلخ حکومت بنی امیه و بنی عباس را چشیده بودند ، احساس آرامش نمودند و مورد تجلیل و تکریم قرار گرفتند.

با آمدن امام رضا (ع) به ایران و مهاجرت علویان و سادات و علما ، مرکز تجمع و تبلیغات شیعیان اثنی عشری از کوفه و نجف به قم و خراسان سرایت کرد و بدین ترتیب مراکز شیعه از فشار متمادی و لابه لای قرنهای ممتد خفقانی نجات یافت و سرانجام توانست پیروزمندانه در سراسر ایران انتشار یابد.

در هر صورت ، محبوبیت علویان و اهل بیت میان مسلمانان به ویژه ایرانیان از دلایل گسترش تشیع در مناطق مختلف جهان به ویژه ایران است اهل بیتی که در ادوار تاریخ با عنوان شناخته شده اند. » شریف « و لقب » علویان «

این محبوبیت در درجه نخست بر گرفته از اعتنای قرآن به ذوی القربی و آیه تطهیر است و علاوه بر قرآن روایات فراوانی هم در فضایل اهل بیت به خصوص علی (ع) توسط صحابه و تا بعین در نقاط مختلف جهان اسلام به خصوص عراق نقل میشد و زمینه را برای دوستی بیشتر آنان نسبت به اهل بیت فراهم میکرد.

نکته آخر که باید به آن اشاره نمود این است از دوران امام صادق (ع(در شهرهای قم ، ری ، خراسان و مازندران کانونهای علویان به صورت منسجم در حال شکل گرفتن بودند. حضور هر یک از امامزادگان و سادات در میان شیعیان موجب تقویت و انسجام بیشتر کانونها میشد و قدرت بالقوهای برای شروع قیام و خطر برای حکومت عباسیان به شمار میآمد. از این رو ، حاکمان عباسی با دقت و حساسیت شدید ، این مراکز را تحت نظر داشتند و سعی میکردند از ایجاد هر عاملی که باعث انسجام و اتحاد آنها میشود ، ممانعت کنند. از سوی دیگر ، علویان و خاندان اهل بیت علیهم السلام از وجود چنین مراکزی آگاهی داشتند و هنگام هجرت بهترین مکانها و امن ترین پایگاه را شهرهای یاد شده میدانستند که محبت اهل بیت (ع) در میان آنها واقعی بود. (۱)

مروری بر نظرات برخی از علما بر جایگاه امامزادگان و لزوم تبدیل آنها به قطب های فرهنگی جامعه

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

امام زادگان، مظهر ایستادگی و ولایتمداری

ولایت در اسلام یک مفهوم عالی است. این را باید بفهمند. شیعه باید به ولایت افتخار کند و غیر شیعه هم سعی کند آن را بشناسد.... ایستادگی در مقابل دشمن هم ، از خصوصیات ولایت است. چون ائمّه ما ، الگوی این ایستادگی اند؛ از نمونه کربلا بگیرید تا امامزادههایی که در سختترین شرایط مقاومت کردند و به شهادت رسیدند. (۲)

امامزادگان و بقاع متبرکه باید به قطب فرهنگی تبدیل شوند.

۱- نویسندگان: دکتر مومن بالله داود احمدزاده ۰ سایت جامع امامزادگان و بقاع متبرکه ایران اسلامیemamzadegan.ir

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۴/۰۲/۲۸

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

ضرورت تبدیل بقاع متبرکه به قطبهای فرهنگی کشور

بقاع متبرکه امامزادگان باید هم به لحاظ ظاهری و هم به لحاظ معنوی احیا شوند ...باید برنامههای فرهنگی مناسبی در بقاع متبرکه و امامزادگان اجرا شود تا این اماکن تبدیل به قطب و کانونهای فرهنگی شوند. (۱)

آیت الله العظمی جوادی آملی

ارتباط امامزادگان با عترت طاهرین(ع)

مهمترین بحثی که درباره امامزادگان مطرح است این است که اینها به عترت طاهرین (علیهم السلام و الصلاهٔ) مرتبط هستند و عترت عدل قرآن کریم است و قرآن کریم مبین ، مفسر و شارح میخواهد که همان عترتاند.

آن علوم اساسی که به وسیله ذات اقدس الله و خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام و الصلاهٔ) رسید به این امامزادگان هم منتقل شد. اینها ممکن است از علمالدراسه خیلی استفاده نکرده باشند ولی مهمترین علم ، علمالوراثه است که امامزادگان سهم وافری بردند. علمالدراسه بدون علمالوراثه تعیینکننده نیست.

این امامزادهها از علمالوراثه طرفی بستند و با همان علمالوراثه از حجاز به ایران آمدند و اسلام را به عنوان قرآن و عترت به ایران آوردند هرجا این امامزادهها نزول اجلال کردند آنجا مرام اهلبیت(ع) ، مکتب اهلبیت(ع) ، علوی بودن ، فاطمی بودن ، حسنی و حسینی (علیهم السلام و الصلاهٔ) بودن ، رواج پیدا کرده است.

این امامزادهها نسبت به ما حق حیات دارند یعنی ما تشیع مان را ، ولایتمداریمان را ، پیروی

اهلبیت(ع(را از این امامزادهها داریم. آن روز که اسلام به ایران آمده است اسلام تنها با قرآن نیامده و وسیله عترت هم آمده و این عترت آمیخته با قرآن و قرآن هماهنگ با عترت به وسیله این امامزادهها منتشر شده ، اینکه میبینید بزرگان وقتی وارد حرم امامزادگان شدند نهایت خضوع را دارند برای این است که اینها حق حیات نسبت به ما دارند.

درست است بزرگانی نظیر شیخ طوسی ، شیخ مفید ، شیخ صدوق ، اینها معلم ما بودند و آثار علمی فراوانی به یادگار گذاشتند اما اینها معلمند و آنها (امامزادگان(نسبت به ما حق حیات دارند؛ بین حق حیات و حق تعلیم خیلی فرق هست.

این امامزادگان آمدند گفتند؛ اسلام تنها قرآن نیست قرآن با عترت همراه است ، الان ما به برکت تلاش و کوشش امام راحل و خونهای پاک شهدا (رضوان الله تعالی علیهم(در خدمت قرآنیم.

۱- سخنان آیت الله مکارم شیرازی در دیدار مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان قم ۹۱/۰۸/۱۴ به نقل از ایرنا

.» انا وعلی ابوا هذه الامه « : اگر کسی به این حدیث نورانی دل بست که پیغمبر (ص(فرمودند و اوفرزند معنوی این خاندان شد میتواند از علمالوراثه سهمی ببرد.غرض آن است که اسلام با قرآن و عترت شروع شد ، با قرآن و عترت دوام پیدا میکند و با قرآن و عترت در زمان ظهور حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه(هماهنگ میشود تا در حوض کوثر این دو بهم برسند.

امامزادگان وارثان این علمند ، حافظان این اصلند و وارثان این نسلند که به ما منتقل کردند.

مرحوم صاحب جواهر یک حرف عمیق فقهی دارد که میفرماید آنجا که یک امامزاده دفن شده قبرستان است ، نماز در قبرستان مکروه است ولی نماز در کنار قبر امامزاده به منزله نماز در مسجد است. این از کجاست؟ دلیل این حرف چیست؟ جز آن است که عترت هماهنگ با قرآن است؟ از یک طرف فقه فتوا میدهد که در کنار قبر نماز خواندن مکروه است از طرفی هم همین فقه فتوا میدهد نماز خواندن در حرم ائمه (علیهالسلام(همانند نماز در مسجد است. به دلیل هماهنگی قرآن و عترت این فیض پیش آمده است.

وظیفه ما در برابر امامزادگان همان وظیفهای است که نسبت به عترت طاهرین (علیهالسلام(داریم. اجلال اینها ، تکریم اینها ، تبجیل و تعظیم اینها جزو شعائر اسلامی است و همانند قرآن اینها برای ما محترمند و قداست دارند. اگر قرآن اساس دین ماست خاندان عصمت و طهارت هم اساس دین ماه هستند.

اگر کسی بخواهد دین داشته باشد ، اساسش ولایت است ، اگر کسی بخواهد یقین پیدا کند ستون یقین سخنان نورانی اهلبیت(ع(است ، دودمان طه و یاسین اساس دین و همتای قرآن کریم هستند. به فرموده امام علی (ع(خاندان نبوت اساس یقین و عماد دین هستند. اگرگفته شد مزار امامزادگان و بقعه آنها باید قطب فرهنگی بشود برای آن است که وجود مبارک پیامبر

.» انی تارک فیکم الثقلین « : (ص(فرمود

امیدواریم نظام اسلامی ما توفیق آنرا داشته باشد از بقاع متبرکه بهره فرهنگی و دینی ببرد به

طوری که اساس دین و عماد یقین از این بقعهها نصیب اسلام شود. (۱)

شناخت بقاع متبرک و قبور پربرکت ، تفسیر عملی سوره کوثر است. آنان مصداق روشن کوثر

و حافظان شجره طیبه و ناشران اهل ولایت و مبلغان آثار هستند و قبور آنها هم منشا برکات

است. مکتب تشیع به برکت ورود فرزندان اهلبیت (ع(نصیب مردم ایران شد. لذا بقاع متبرکه

همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند ، باید به قطب فرهنگی تبدیل شود

۱- پیـــام آیتـــالله العظمی جـــوادی آملی بـــه مناســـبت برگزاری نخســـتین کنگره بینـــالمللی امامزادگـــان در اصـــفهان ۹۲/۰۶/۱۹،خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)

ص: ۱۰۳

آیت الله العظمی سبحانی

وجود بقاع متبرکه و امامزادگان، عامل نزدیکی به خدا

دلیل این امر که معنویت خاصی در میان مردمی که گرد بقاع متبرکه زندگی میکنند وجود دارد ، آن است که مردم برای چنین مکانهایی احترام خاصی قائلند و در آن آبادی ، گناه کمتر است..هرجا بقعه متبرکهای وجود دارد و امامزادهای مدفون شده ، ترس از خدا بیشتر است بنابراین حفظ این آثار بر ما لازم است چون بر دیانت مردم موثر هستند.

مردم ما همواره احترام بقاع متبرکه را داشتهاند و در عمران و آبادانی این امکان کوشا بودهاند.. اندیشه وهابی به دنبال نابودی تمام آثار اسلامی و معنوی در سراسر جهان است و دستهای پشت پرده آنها و همچنین دولت انگلیس در بسیاری از تخریبهایی که اخیرا صورت گرفته دیده میشود. آنها به دنبال این هستند که تمام آثار را از بین ببرند و هیچ اثری از اسلام نماند مگر قرآن و حتی اگر بتوانند قبر پیامبر(ص(را نیز محو میکنند زیرا آنها عداوت و خصومتی دیرینه با اسلام ناب و پیامبر دارند. (۱)

آیت الله العظمی بهجت

اهمیت زیارت مشاهد امامزادگان

توسل به امامزادهها برای برآورده شدن حوایج ، مشهور و مجرب است ، ولی عدهای در توسل عَصای خَیرٌ «: به حضرت رسول صلیاللهعلیهوآلهوسلم بر ما ایراد میگیرند و نعوذبالله میگویند حتماً برای اینکه با عصا حداقل میتوان گرگ را از .»! مِنْ م حَمدٍ!؛ عصای من از محمد برتر است گوسفند دور کرد ، ولی نعوذبالله او مرده و خاک شده است !

وَ مَن لمْ يجْعَلِ اللهُ لَه نُورًا فَمَا لَه مِن نورٍ؛ هرکس که خدا برای او نوری قرار نداده باشد ، نور «

». نخواهد داشت ،(۲)

این امامزادهها و مشاهد مشرفه و عتبات عالیات را که ما شیعیان در اختیار داریم ، دیگران از اینگونه فیوضات محرومند. اگر کسی بتواند کرامات و معجزاتی را که از ضرایح آنها صادر شده جمعآوری کند ، کتابهایی از کرامت و معجزه تألیف خواهد شد. (۳)

پرسش : گفته میشود هر کس در سفر اول زیارت حضرت امام رضا علیهالسلام حاجتی داشته باشد ، آن حضرت آن حاجت را برمیآورد ، آیا این حرف درست است؟

۱- سخنان آیت الله سبحانی در دیدار مدیرکل اوقاف قم۹۳/۱۲/۲۸ به نقل ازروابط عمومی اداره کل اوقاف و امورخیریه قم

۲- در محضر بهجت ، ج۲ص۲۵۵

۳- در محضر بهجت ،ج۲،ص ۳۰۷

پاسخ : چنین معروف است ، ولی در هر سفر بلکه در همهجا و همیشه آن حضرت حوائج را بر آورده میکند ، بلکه امامزادههای آنها سفرههای رحمتند و چهبسا نسخهی دردهای ظاهری و باطنی ما به دست یکی از آنها باشد. خود را از زیارت مشاهد آنها محروم نکنیم. (۱)

آیت الله ناصری

امامزادگان، منشأ خیر و برکت

امامزادگان در عالم برزخ و هم در عالم ماده نظارت دارند و در هر مکانی که هستند سبب دفع بلا و قضا و نزول خیر و برکت هستند. این بزرگواران تمام دعاها و حاجات ما را میشنوند و آنها را به حضور حضرت مهدی (ع(جهت وساطت میبرند. (۲)

آیت الله العظمی نوری همدانی

آیت الله نوری همدانی به ضرورت توجه ویژه به بقاع متبرکه اشاره کرد و گفت: باید به جایی برسیم که هر امامزاده به مرکزی فرهنگی مبدل شود.

این مرجع تقلید ادامه داد: افرادی که برای زیارت در بقاع متبرکه حضور میبابند باید به این مقوله هم توجه کنند که چرا در طول تاریخ ، فرزندان اهل بیت(ع(به ایران و شهر قم میآمدهاند و در اینجا زندگی میکرده اند.

او با بیان اینکه امامزادگان و نوادگان و فرزندان ائمه اطهار(ع(در هر کجای ایران اسلامی قدم گذاشتند مورد تکریم مردم قرار گرفتند عنوان داشت: ایرانیان در طول تاریخ اموال فراوانی را در راه تکریم امامزادهها تقدیم کرده اند.

آیت الله نوری همدانی با بیان اینکه در هیچ کشوری به اندازه حتی یک شهر ایران موقوفه وجود ندارد گفت: این امر نشان دهنده علاقه مردم به اهل بیت(ع(است.

استاد حوزه علمیه قم در ادامه خواستار تبلیغات فرهنگی در بقاع متبرکه شد و افزود: این امر نیازمند مدیریت فرهنگی صحیح و قوی است و در این زمینه باید تدابیر مناسبی اندیشه شود که تاکنون نیز همین گونه بوده است.

او با بیان اینکه آستان مقدس امامزادگان مرکز تبلیغ فرهنگ اسلامی شدهاند خاطرنشان کرد: این اقدام سازمان اوقاف جای تقدیر و تشکر دارد.

آیت الله نوری همدانی اضافه کرد: حرم اول اهل بیت(ع(در ایران مشهد ، حرم دوم قم و حرم سوم فارس است که باید در این سه شهر تمهیدات لازم به منظور احیای موقوفات و تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی صورت بگیرد. (۳)

۱- در محضر بهجت، ج۲، ص ۲۷۷
۲- سخنان آیتالله محمدعلی ناصری دولتآبادی به مناسبت هفته وقف در گفتوگو با خبرنگار فارس در اصفهان ۹۳/۱۰/۰۴به گزارش روابط عمومی سازمان اوقاف و امور خیریه
۳- سخنرانی در جمع مسئولان اداره کل اوقاف و امور خیریه استان قم ۰ شفقنا (پایگاه بین المللی همکاری خبری شیعه)

راهکارهای عملی تبدیل بقاع متبرّکه به قطب فرهنگی

مراکز دینی از صدر اسلام مورد توجه رهبران و متدیّنان این دین بوده است. این مراکز که

نمونه عینیاش در مساجد بروز یافته ، بهمثابه پایگاه اصلی رسیدگی به همه امور مردم بوده و امور

مهمّی چون جهاد ، قرآن آموزی ، نماز جمعه و غیره در این مکانهای شریف صورت میگرفت. در

و بوجود آمدن اعتاب مقدّسه ، این مکانها » ع« دورهای بعدی مخصوصا بعد از شهادت ائمه

علاوه بر کارکرد مساجد ، بهعنوان کانون شکلگیری جنبشهای عدالتخواه و ضدّ حاکمیتِ

ناصالح مورد توجه قرار گرفت؛ فشارهای گوناگون در ادوار مختلف برای منصرف کردن مردم از

روآوری به این اماکن که در قالب منع زیارت صورت میگرفت حکایت از نقش پ ررنگ این مراکز

دینی دارد. قبور امام زادگان که بسیاری از ایشان خود یک رهبر دینی بوده و در جهاد با –

اما در » ع« حاکمیتهای جور به شهادت رسیدهاند کارکردی مشابه با کارکرد اعتاب مقدّس ائمه

مقیاسی کوچکتر و گاه منطقهای داشتهاند. در این میان نقش این بقاع متبرکه در شکلگیری

فرهنگ دینی درخور توجه است؛ چرا که درسآموزههای فراوان این بزرگان در میدان جهاد

علمی ، عملی و دفاعی بستر طرح ارزشهای دینی و به تبعِ آن ارائهی منظومهای از شاخصههای

فرهنگساز را فراهم نموده است. از اینرو بر مسؤلان امر لازم است تا با بازخوانی تراث علمی و

عملیِ برجای مانده از این بزرگانِ به طرح نقشهراهی برای احیاء و تقویت ارزشهای دینی با

محوریت این بقاعِ متبرّک اقدام نمایند؛ چرا که به لحاظ علقهی معنویِ مردم با این مراکز مذهبی

زمینه مناسبی برای قرار گرفتن بقاع متبرّک در کانون توجّهات مردمی و تبدیل آنها به قطبهای

اصلی فرهنگِدینی وجود دارد.

برای تبدیل بقاع متبرّکه به قطب فرهنگی علاوه بر تقویت و تعمیق شناخت مردم نسبت به

امام زادگان باید به یک سری اقدامهای عملی دست زد که میتوان عمدهترین آنها را با رعایت اختصار بصورت زیر دستهبندی نمود:

۴ زیباسازی ظاهری و معنوی بِقاع متبرّکه با بهرهگیری از معماری اسلامی و دستورالعملهای روایی نقش بِسزایی در راستای جذب مردم و تبدیل این بقاعِ شریف به مراکز اصیل فرهنگی دارد.

، بهرهگیری درست و هدفمند از رسانه با توجه به ظرفیت تأثیرگذاری بالای آن ، شیوهای کارآمد در شناساندن جایگاه امام زادگان و عمقبخشی به معارف عموم مردم در این زمینه و نهایتا تبدیل این بقاع به کانونهای اصلی دینی فرهنگی است.

۴ . سخنرانی در جمع مسئولان اداره کل اوقاف و امور خیریه استان قم ، شفقنا (پایگاه بین المللی همکاری خبری شیعه(

۹ برخورداری از نیروهای توانمند در حوزه اخلاق و دانشِ دینی در سِمتِ دستاندرکارانِ بقاع متبرّکه و نیز تلاش برای ایجاد نوعی پیوند ماندگار بین مردم و امام زادگان از راهکاری تبدیل این بقاع به مراکز پیشرو در امر فرهنگ است.

۱ سه حوزه اصلی دیانت ، سلامت و امور فرهنگی از ظرفیتهای بالقوهایاند که میتوان با فعّالسازی هوشمندانه و مدبّرانه آنها بسترِ جلب و جذب مردم به این مراکز دینی و تبدیل آنها به قطبهای فرهنگی را فراهم ساخت.

۱ فرصت منابع انسانیِ بومی و فعّالسازی شایستهی این استعدادها ، میتواند به عنوان یک عامل مهم در روآوی مردم به بقاع متبرّکه در راستای تبدیل این اماکن مقدّس به قطبهای فرهنگی باشد.

۱ احساس فایدهمندیِ هرچه بیشتر اماکن متبرّک از سوی مردم عاملی تعیین کننده در رویآوری مردم به این مکانهای مطهّر است. در همین راستا از راهکارهای عمده در برانگیختن این احساس مثبت ، میتوان به برگزاری دورههای مختلف با موضوع مهارتهای زندگی بویژه برای بانوان اشاره نمود.

۳ التزام عملی بزرگان و مسؤلان به ارتباط با این مراکز دینی با کارکرد الگوبخشی که این هنجار رفتاری دارد زمینه گرایش و رویآوری مردم به بقاع متبرّک و تبدیل آنها به مراکز اصلی فرهنگی را فراهم میسازد.

۲ فرهنگ اطعام و نیز دستگیریهای اقتصادی بهعنوان دو عامل مهم در جذب توده مردم بویژه اقشار کمبرخوردار به بقاع متبرّک و فراهم شدن زمینهی کار فرهنگی و نهایتا تبدیل این اماکن مقدّس به اقطاب فرهنگی خواهد بود. (۱)

نمونهای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

نقش و جایگاه « ۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع

» امامزادگان در نشر معارف دینی

کهکشان « ،. برگزاری نمایشگاه موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در نرم افزار

در امام زادگان شهر (» کرامت

۹. تولید بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل به همراه مسابقه

۱– نویسنده: مرتضی حبیبی سیسرا ۰ دانشجوی دکتری و پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)،قم ، منبع: راسخون

۱. شناسایی کتاب مناسب با موضوع امامزادگان برای طیف مخاطب سازمان متبوع (کودک ، نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی ، فرهیختگان و کارشناسان و...(و برگزاری مسابقه کتابخوانی

۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع روز و مشارکت با صداوسیمای استانی برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی یا رادیویی در محل بقاع متبرکه شهر یا استودیوی « نقش و جایگاه امامزادگان در نشر معارف دینی « صداوسیما با موضوع

۱. تولید پوستر و کارت پستال و فلش کارت موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در و توزیع در بقاع متبرکه (« کهکشان کرامت « نرم افزار

۳. برگزاری work shape با حضور خوشنویسان ، هنرمندان گرافیست و... در بقاع متبرکه یا در کتاب و « دهه کرامت « پایگاههای فرهنگی اصلی شهر برای تولید آثار هنری با موضوع دعوت از هنردوستان و عموم مردم علاقمند

۲. شرکت در مراسم غبارروبی و تطهیر و تنظیف محیط بقاع متبرکه با نیت تجلیل از امام زادگان شهر

فصل ششم: حضرت احمد بن موسی(علیهما السلام)؛ مظهر امام شناسی و قیام در راه امام

اشاره

حضرت سید امیر احمد (علیهالسلام(ملقب به شاهچراغ و سیدالسادات الاعاظم ، فرزند بزرگوار امام موسی کاظم (علیهالسلام(و برادر امام رضا (علیهالسلام(است. در فضیلت احمد بن موسی (علیهما السلام(سخن بسیار است. به طور کلی از آنچه نسب شناسان ، علمای رجال ، محدثان ، محققان ، مورخان ، مولفان و نویسندگان در خصوص احمد بن موسی (علیهما السلام(و فضایل وی نوشته اند ، بر میآید که او کریم ، شجاع ، فاضل ، صالح ، پرهیزگار ، صاحب ثروت و منزلت ، بزرگوار و با عزت بوده و نزد پدرش منزلتی خاص داشته است. شبها تا صبح به عبادت مشغول بود ، با قلم خود ، قرآن بسیار نوشت و شخصی موثق و راوی احادیث زیادی از نیای خود بود. (۱)

تاریخ ولادت:

تاریخ دقیق تولد حضرت احمد بن موسی شاه چراغ سلام الله علیه مشخص نیست. اخیراً در شورای فرهنگ عمومی استان فارس نامگذاری یک روز به نام بزرگداشت آن حضرت مطرح شد و متولیان امر تصمیم گرفتند که روز تولد آن حضرت را به عنوان مراسم بزرگداشت انتخاب کنند. لذا برای مشخص شدن روز دقیق تولد ، مورخان و محققان تحقیقات خود را آغاز کردند. اما پس از بررسیهای به عمل آمده کارشناسان به این نتیجه رسیدند که روز تولد حضرت شاه چراغ بدرستی مشخص نیست و در این خصوص نقلهای متفاوتی وجود دارد. از این رو تصمیم بر این شد که در دهه کرامت یعنی حدفاصل تولد حضرت معصومه سلام الله علیها و امام رضا علیه تعیین شود. » شاه چراغ « السلام یک روز به عنوان روز بزرگداشت حضرت احمد بن موسی

تاریخ شهادت: بین سالهای ،۱۹۰ تا ،۴۲۰ هجری قمری

قاتل: قتلغ خان(حاکم شیراز(به فرمان مأمون عباسی

محل دفن: شیراز (۲)

گزیده‌های از تجلیل برخی از علما و بزرگان از شخصیت والای احمد بن موسی (علیه السلام)

مقام معظم رهبری

شخصیت برجسته‌ی جناب احمدبن‌موسی... در میان امامزادگان شناخته‌شده‌ی خاندان پیغمبر ، و کان احمدبن‌موسی کریما « : جزو برجستگان محسوب میشود. درباره‌ی او اینجور نوشته‌اند که مردی بخشنده و کریم و باورع و ؛» جلیلا ورعا و کان ابوالحسن... (علیهالسّلام(یحبّه و یقدّمه

۱- پایگاه اطلاع رسانی آستان مقدس شاه چراغ ،shahecheragh.ir

۲- پایگاه اطلاع رسانی حوزه ، hawzah.net

دارای جلالت مقام و منزلت بود و پدرش حضرت موسیبنجعفر این بزرگوار را بر فرزندان و خویشاوندان دیگر خود مقدم میداشت و به او محبت ویژهای داشت. شیراز هدف توجه این امامزادهی عزیز و دیگر امامزادگان قرار گرفت؛ آمدند و از سوی این مردم هم پشتیبانی شدند! تا امروز هم برکات این بزرگوار بر سرتاسر استان و بر بخش مهمی از این کشور ، جاری و ساری است. (۱)

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

علاقه و ارادت خاص مردم باایمان این خطه از کشور]شیراز[سبب شده که از قدیم الایام پذیرای منسوبین به خاندان نبوی و علوی باشند و آنها را چون جان شیرین خود در بر گیرند به همین دلیل شیراز و فارس مرقدهای مطهر شخصیتهای فراوانی را در خود جای داده و در هر گوشه و کنار مزار و قبور آنها جلب توجه میکند و مورد احترام همگان است. در این میان حضرت شاهچراغ احمد بن موسی علیه السلام فرزند هفتمین امام و برادر هشتمین امام شیعه بیش از همه مورد توجه قرار دارد و بارگاه ملکوتی و مقدسش همواره مورد زیارت اولیاء اللّه و ارباب حاجات بوده و هست و دلیل آن هم جلالت مقام علم و زهد و تقوای آن حضرت است. مرحوم شیخ مفید مطابق آنچه در کتاب معجم رجال الحدیث مرحوم آیت اللّه خوئی (قدس سره(آمده در حق این امامزاده والامقام میگوید: « کان کریماً جلیلاً ورعاً وکان ابوالحسن موسی علیه السلام یحبه و یقدمه و یقال ان احمد بن موسی (رضوان اللّه علیه(اعتق الف مملوك؛ او مردی کریم و جلیل القدر و بسیار متقی بود و حضرت امام کاظم علیه السلام به او عشق میورزید و بر دیگران مقدم میداشت و گفتهاند حضرت احمد بن موسی که رضوان خدا بر او باد هزار برده را خرید و آزاد کرد.

در بخش دیگری از این پیام آمده است: محدث قمی در شرح حال آن حضرت از صاحب روضات الجنات نقل میکند که آن حضرت که سید السادات نامیده میشد و در این زمان مشهور به شاهچراغ است. کرامات باهره از مرقد طاهرش ظاهر گشته و این امر به تواتر رسیده است. به همین دلیل سزاوار است همه فارسیان و به ویژه شیرازیان به وجود مرقد شریف آن بزرگوار در این منطقه افتخار کنند و آن را گرامی دارند.

وجود این مرقد مطهر در شیراز به ضمیمه سایر مراقد مطهره از دودمان اهل بیت علیهم السلام و به اضافه ایمان و علاقه مندی مردم این مرز و بوم به مبادی دینی و مذهبی سبب شد که رهبر بزرگوار انقلاب در سفر اخیرشان آن را به عنوان سومین شهر مذهبی این کشور بعد از

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

بنامند. این نام هم افتخار بزرگی برای مردم این مرز و بوم است و هم » قم « و » مشهد مقدس « مسئولیت های سنگینی بر دوش آنها مینهد. (۱)

شیخ مفید

در شرح حال حضرتش میفرماید: » ارشاد « شیخ مفید علیه الرحمه در کتاب خود بنام حضرت احمد بن موسی (علیهما السلام) جلیل القدر ، کریم و پرهیزگار بود و حضرت موسی ،» بسیره « بنجعفر (علیهما السلام(او را دوست و مقدم میداشت و مزرعه خود که معروف بود به به او بخشید و گویند حضرت احمد بن موسی رضی الله عنه هزار بنده خرید و در راه خدا آزاد نمود. حسن بن محمد بن یحیی برای من حدیث کرد از جدش که گفت: شنیدم از اسماعیل فرزند حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) که میگفت: پدرم با فرزندان خود از شهر مدینه بسوی برخی از اموال خود بیرون رفت و با احمد بن موسی (علیهما السلام) بیست مرد از خدمتگزاران و خادمین پدرم همراه بودند و چنان مراسم احترام و ادب نسبت به آنجناب بجای میآوردند که هرگاه احمد بن موسی (علیهما السلام) مینشست آن بیست تن مینشستند و چون برمی خاست بپا میایستادند. در چنین شرایطی پدرم احمد را قلباً چنان دوست میداشت و باطناً به وی مهر میورزید که چون احمد از پدر غافل میگردید پدرم مخفیانه با گوشه چشم بر او نگاههای گرم و محبت آمیز مینمود و چشم از وی برنمی داشت و ما متفرق نمیشدیم تا اینکه احمد از جمع ما خارج نمیگشت. (۲)

محمد کشی

محمد کشی در کتاب خود ، احمد بن موسی (علیهما السلام(را یکی از فضلای عصر خود نام میبرد و او را از محدثانی میشمارد که احادیث زیادی از پدر و اجداد بزرگوارش نقل کرده و

مینویسد که: احمد بن موسی (علیهما السلام) به دست مبارک خویش، قرآن کریم را نوشته

است. (۳)

سید محسن امین

سید محسن امین ، در اعیان الشیعه به نقل از محمد بن هارون موسی نیشابوری(محدث

نیشابوری(در کتاب لُبّ الانساب ، ضمن شرح فضایل احمد بن موسی (علیهما السلام(مینویسد:

گفته میشود که احمد بن موسی (علیهما السلام(سه هزار بنده داشت و هزار بنده را آزاد کرد و

۱- پیام آیت الله مکارم شیرازی به مناسبت برگزاری مجلس تجلیل از مقام شامخ حضرت احمد بن موسی(ع) ۱۳۸۸/۰۸/۰۳پایگاه اطلاع رسانی حوزه hawzah.net

۲- پایگاه اطلاع رسانی آستان مقدس شاه چراغ ، shahecheragh.ir

۳- پایگاه اطلاع رسانی آستان مقدس شاه چراغ ، shahecheragh.ir

هزار قرآن با دست مبارکش نوشت و او با عزت و بزرگوار و دارای منزلتی بزرگ بود. و احادیث بسیاری از پدر و اجدادش حکایت کرده است.(۱)

علامه مجلسی در کتاب ((مراۀ العقول((در شرح حدیث پانزدهم میگوید:

ام احمد مادر بعضی اولاد موسی کاظم علیه السلام میبود و او داناترین ، پرهیزگارترین و گرامیترین زنهایش در نزد آن حضرت بود که اسرار خود را به وی میسپرد و اماناتش را نزد او ودیعه مینهاد.

در کتاب اصول کافی در باب ((امام در چه زمانی میداند امام است)) آمده است که حضرت امام موسی (علیهالسلام) امانت سر به مهری به ((ام احمد)) سپردند و فرمودند بعد از شهادت من هر کس از اولاد من در طلب این امانت آمد خلیفه و جانشین من است ، با او بیعت نما که جز خدا کسی خبر از این امانت ندارد. بعد از شهادت امام موسی (علیهالسلام) حضرت امام رضا (علیهالسلام) به نزد ام احمد آمدند و امانت پدر را طلبیدند. ام احمد بگریه افتاد و دانست که امام (علیهالسلام) شهید شده اند. پس آن بانوی محترمه امانت را بر حسب وصیت آنحضرت به امام رضا (علیهالسلام)تقدیم نمود و با ایشان بعنوان امام هشتم شیعیان بیعت کرد. (۲)

معرفت واقعی به امام زمان، سبب عدم تردید در افشای حقیقتی بزرگ

چون خبر شهادت حضرت موسی کاظم علیه السلام امام هفتم شیعیان در مدینه شایع شد ، گرد آمده و حضرت سید میر » احمد بن موسی « مردم به در خانه ام احمد ، مادر حضرت شاه چراغ احمد را با خود به مسجد بردند ، زیرا از جلالت قدر و شخصیت بارز و اطلاع بر عبادات و طاعات و نشر شرایع و احکام و ظهور کرامات و بروز خوارق عادات که در آن جناب سراغ داشتند ، گمان کردند که پس از وفات پدرش امام موسی بن جعفر علیه السلام امام بحق و خلیفه آن حضرت

است. » احمد « فرزندش

به همیت جهت در امر امامت با حضرتش بیعت کردند و او نیز از مردم مدینه بیعت بگرفت ، سپس بر منبر بالا رفت ، خطبهای در کمال فصاحت و بلاغت انشاء و قرائت فرمود ، آنگاه تمامی حاضرین را مخاطب ساخته و خواست که غائبین را نیز آگاه سازند و فرمود: همچنان که اکنون تمامی شما در بیعت من هستید ، من خود در بیعت برادرم علی بن موسی علیه السلام میباشم ، امام و خلیفهی بحق و ولی خداست. و از جانب خدا و رسول » علی « بدانید بعد از پدرم برادرم صلی الله علیه و آله و سلم او ، بر من و شما فرض و واجب است که امر آن بزرگوار را اطاعت کنیم و به هر چه امر فرماید گردن نهیم.

۱- پایگاه اطلاع رسانی آستان مقدس شاه چراغ ، shahecheragh.ir

۲- پایگاه اطلاع رسانی آستان مقدس شاه چراغ ، shahecheragh.ir

پس از آن شمهای از فضایل و جلالت قدر برادرش علی علیه السلام را بیان فرمود ، تا آنجا که همه حاضران گفتههای آن بزرگوار را اطاعت کردند ، ابتدا او بیعت را از مردم برداشت ، سپس گروه حاضران در خدمت احمد به در خانه حضرت امام علی بن موسی علیه السلام آمده همگی با آن جناب بر امامت و وصایت و جانشینی امام موسی بن جعفر علیه السلام بیعت نمودند. و حضرت امام رضا علیه السلام درباره برادرش احمد دعا کرد و فرمود: همچنان که حق را پنهان و ضایع نگذاشتی ، خداوند در دنیا و آخرت تو را ضایع نگذارد. (۱)

احمد بن موسی (علیه السلام) مظهر قیام در راه امام

در زمان خلافت مامون عباسی لعنه الله علیه که قیام و نهضت سادات هاشمی و علوی به اوج خود رسیده بود و با زعامت و هدایت حضرت امام رضا (علیهالسلام) اسلام راستین و حاکمیت الهی ترویج میشد و حقیقت چهره کریه خلفای عباسی و حکومت غاصبین روشن میگشت ، مامون به منظور فرو نشاندن مبارزات انقلابی شیعیان و تحکیم خلافت متزلزل عباسی ولایتعهدی خود را به حضرت امام رضا (علیهالسلام) واگذار میکند و علیرغم میل باطنی امام (علیهالسلام) ، مامون حضرتش را از مدینه به طوس انتقال میدهد و ولایتعهدی را به ایشان تحمیل مینماید.

حضور با برکت امام هشتم (علیهالسلام(در خراسان باعث میشود که شیعیان و محبان اهل بیت رسالت با اشتیاق زیارت چهره تابناک امامت و ولایت از نقاط مختلف بسوی ایران حرکت کنند.

حضرت احمد بن موسی (علیهما السلام(نیز در همین سنوات(۴۳۲ تا ،۱۹ ه.ق) به همراه دو تن از برادرانش به نامهای محمد و حسین و گروه زیادی از برادرزادگان ، خویشان و شیعیان ، بالغ

بر دو یا سه هزار نفر از طریق بصره عازم خراسان شدند و از هر شهر و دیاری که میگذشتند ، بر تعداد همراهانشان افزوده میشد ، به طوری که برخی از مورخان تعداد یاران احمد بن موسی (علیهما السلام(را نزدیک به پانزده هزار نفر ذکر کرده اند.

در همین احوال ، علیرغم خدعه و نیرنگهای مامون عباسی برای مخدوش ساختن مقام ولایت و چهره علمی حضرت رضا (علیهالسلام(، برتری حجت خدا و پیروزیهای حضرتش کینهی مامون عباسی را بیشتر و سرانجام در سال ،۱، ه.ق امام معصوم را مسموم و به شهادت میرساند. سپس در سوگ ایشان ، با ریا کاری به عزاداری میپردازد و جسد مطهر حضرت رضا (علیهالسلام) را با احترام در کنار مدفن هارون الرشید قاتل امام موسی الکاظم (علیهالسلام) دفن مینماید.

۱- پایگاه اطلاع رسانی حوزه ۰ hawzah.net

مامون ملعون که از جنایات خویش بسیار متوحش، و خبث سریره و دشمنی آل ابیطالب را از اسلاف خویش کمال و تمام به ارث برده بود ، با اطلاع از حرکت حضرت احمد بن موسی (علیهما السلام) برادر بزرگوار امام رضا و یارانش به قصد خراسان ، به جمیع حکام و عمال خود دستور داد هر کجا از بنی فاطمه و اولاد پیغمبر بیابند مقتول سازند. و پیروان سادات بنی هاشم را با آزار و شکنجه مرعوب و مقهور حکومت غاصب نمایند.

خبر حرکت احمد بن موسی (علیهما السلام) توسط کارگزاران حکومتی به مامون رسید.

مامون که ورود برادران امام را به مرکز حکومت ، تهدیدی جدی برای موقعیت حساس خود میدید و از هم داستان شدن برادران و شیعیان امام با وی هراسناک بود ، به همه حکمرانان خود ، دستور داد که: در هر کجا قافله بنی هاشم را یافتند ، مانع از حرکت آنها شوند و آنها را به مدینه بازگردانند یا مقتول کنند.

این دستور به هر شهری که میرسید ، کاروان از انجا گذشته بود ، مگر در شیراز که پیش از رسیدن کاروان احمد بن موسی (علیهما السلام) ، حکم به حاکم وقت رسید. حاکم فارس ((قتلغ خان((مردی سفاک و خونریز بود. وی با لشکری انبوه از شهر خارج شد و در برابر کاروان احمد بن موسی (علیهما السلام) اردو زد.

احمد بن موسی (علیهما السلام) در دو فرسنگی شیراز با قتلغ خان روبرو شد. در آن جا خبر شهادت برادرش علی بن موسی الرضا (علیهما السلام(انتشار یافت ، و به احمد بن موسی (علیهما السلام) خبر دادند که اگر قصد دیدن برادر خود علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) را دارید ، بدانید که وی فوت شده است.

حضرت احمد بن موسی (علیهما السلام)که وضع را چنین دید ، دانست که نخست ، برادرش

در طوس]وفات نیافته بلکه[شهید شده است.

دوم ، برگشتن به مدینه و یا غیر آن ممکن نیست؛ سوم ، این جماعت به قصد مقاتله و جدال در این جا گرد آمده اند. بنابراین ، اصحاب و یاران خود را خواست و جریان را به آگاهی همه رساند و افزود:

قصد اینها ریختن خون فرزندان علی بن ابی طالب (علیهما السلام(است ، هر کس از شما مایل به بازگشت باشد یا راه فراری بداند ، میتواند جان از مهلکه به سلامت برد که من چارهای جز جهاد با این اشرار ندارم. تمامی برادران و یاران احمد بن موسی (علیهما السلام(عرض کردند که مایلاند در رکاب وی جهاد کنند. آن بزرگوار در حق آنها دعای خیر کرد و فرمود: پس برای مبارزه ، خود را آماده سازید.

سپاه قتلغ خان در برابر یاران احمد بن موسی (علیهما السلام(صفهای خود را آراستند ، و جنگ نابرابری آغاز شد. در نتیجهی رشادت و فداکاری یاران احمد بن موسی (علیهما السلام(دشمن شکست خورد و عقب نشینی کرد. این جدال در سه نوبت و به مدت چند روز ادامه یافت.

در پیکار سوم ، سپاهیان قتلغ خان شکست خوردند و ناچار از محل درگیری ، قریه کُشن تا نزدیک برج و باروی شهر شیراز به مسافت سه فرسخ عقب نشستند و از ترس به درون حصار شهر پناه بردند و دروازههای شهر را محکم بستند. احمد بن موسی (علیهما السلام(به اردوگاه خویش، در قریه کُشن ، نزدیک یاران خویش بازگشت. در این نبرد ، عدهای از امامزادگان و اصحاب احمد بن موسی (علیهما السلام(زخمی و تعدادی نزدیک به سیصد نفر به شهادت رسیدند.

روز دیگر ، احمد بن موسی (علیهما السلام(یاران خود را به پشت دروازه شهر شیراز منتقل کرد و همان جا خیمه زد. قتلغ خان که دریافت قادر به پیکار با احمد بن موسی (علیهما السلام(نیست و با وجود عشق و فداکاری که در سپاه احمد بن موسی (علیهما السلام(موج میزند ، توان مقابله مردانه با آنها را ندارد ، با عدهای از فرماندهان سپاه خود ، طرح نیرنگی را ریخت تا بلکه با این روش بر آنها فایق آیند. بر اساس نیرنگ و توطئه طراحی شده ، جمعی از سپاهیان جنگ آزمودهی خود را با شیوه جنگ و گریز به صفوف یاران احمد بن موسی (علیهما السلام(گسیل داشت و به آنها دستور داد در اولین درگیری وانمود به عقب نشینی و شکست کنند و به سوی دروازههای شهر بازگردند. یاران و برادران احمد بن موسی (علیهما السلام(با این خدعه وارد شهر شدند ، دشمن مکار ، دروازههای شهر را بست. سپاهیان قتلغ خان که از پیش در گذرگاههای شهر کمین کرده بودند ، یاران احمد بن موسی (علیهما السلام(را هر کدام به وضعی و در موضعی به شهادت رساندند.

در نتیجه توطئه دشمن بسیاری از یاران احمد بن موسی (علیهما السلام(به شهادت رسیدند و عدهای نیز که از نیرنگ دشمن به سلامت گریخته بودند ، در اطراف پراکنده شدند. مورخان اتفاق نظر دارند که غالب امامزادگان در فارس و دیگر شهرهای ایران ، از پراکنده شدگان این نهضت

هستند.

حضرت احمد بن موسی (علیهما السلام) نیز مورد تعقیب دشمن قرار گرفت و قتلغ خان با شمار زیادی از سپاهیان خود به آنها هجوم برد. احمد بن موسی (علیهما السلام) شجاعانه در مقابل دشمن پایداری کرد و به دفاع از خود پرداخت. (۱) دانست که از طریق « قتلغ » هنگامی که ستیز مسلحانه ، قدرت از میان بردن آنان را ندارد؛ از طریق خانه همسایه او شدند و از طریق شکافی که در خانه همسایه درست کردند وارد خانهای که سید أحمد در آن پناه برده بود ، شدند و زمانی که او برای استراحت و تجدید قوا ، پس از نبردی طولانی به خانه رفته بود ، هنگام خروج ، « قتلغ خان » با شمشیری بر سر او ضربهای وارد کردند. سپس به دستور خانه را بر روی آن بدن شریف خراب کردند و زیر آوار باقی گذاردند. (۲)

۱- پایگاه اطلاع رسانی آستان مقدس شاه چراغ shahecheragh.ir

۲- پایگاه اطلاع رسانی حوزه ۰ hawzah.net

پیدا شدن مدفن احمد بن موسی و ارتباط آن با نام شاه چراغ

درباره پیدا شدن مدفن حضرت احمد بن موسی حکایتی نیز نقل شده است که توجه به آن را نیز روشن میکند » شاه چراغ « دلیل نامیده شدن آن حضرت به :

کسی از مدفن حضرت احمد ابن موسی(ع(اطلاعی نداشت » امیر عضدالدوله دیلمی « تا زمان و آنچه روی قبر را پوشانده بود تل گلی بیش به نظر نمیرسید که در اطراف آن ، خانههای متعدد ساخته شده بود. از جمله پیرزنی در پایین آن تل ، خانهای گلی داشت و در هر شب جمعه ، ثلث آخر شب میدید چراغی در نهایت روشنایی در بالای تل خاک میدرخشد و تا طلوع صبح روشن است ، چند شب جمعه مراقب میبود ، روشنایی چراغ به همین کیفیت ادامه داشت با خود اندیشید شاید در این مکان ،مقبره یکی از امامزادگان یا اولیاء الله باشد ، بهتر آن است که امیر عضدالدوله را بر این امر آگاه نمایم.

هنگام روز پیرزن به همین قصد به سرای امیر عضدالدوله دیلمی رفت و کیفیت آنچه را دیده بود به عرض رسانید. امیر و حاضرین از بیانش در تعجب شدند. درباریان که این موضوع را باور نکرده بودند ، هر کدام به سلیقه خود چیزی بیان کردند. اما امیر که مردی روشن ضمیر بود گفت:

» اولین شب جمعه شخصاً به خانه پیرزن میروم تا از موضوع آگاه شوم «

چون شب جمعه فرا رسید شاه به خانه پیرزن آمده و دور از خدم و حشم آنجا خوابید و پیرزن را فرمود هر وقت چراغ روشن گردید مرا بیدار کن. چون ثلث آخر شب شد پیرزن بر حسب معمول روشنایی پرنوری قوی تر از دیگر شبهای جمعه مشاهده کرد و از شدت شعفی که به » شاه! چراغ « : وی دست داده بود بر بالین امیر عضدالدوله آمده و بی اختیار سه مرتبه فریاد زد امیر بیدار شد و ناگهانی از خواب پریده و چشمش را متوجه سمتی نمود که پیرزن چراغ را به

او نشان میداد و چون علنا و آشکارا چشمش نور چراغ را دید در شگفتی عجیب بماند و چون رو به سمت چراغ بر بالای تل برآمد اثری از چراغ ندید و چون به پایین آمد باز نور چراغ با روشنایی زیاد خود نمایی میکرد ، خلاصه اینکه امیر شخصی را جهت کاوش در آن منطقه مامور میکند و... مقبره فرزند ارشد موسی بن جعفر(ع(حضرت شاه چراغ پیدا میگردد و به دستور امیر بر بالای آن جایگاهی ساخته میشود که تا امروز زیارتگاه عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت است. (۱)

اشارهای به چند نمونه از شفایافتگان متعدد حرم احمد بن موسی (ع)

بلند شو ترا شفا دادیم

پسر بچه ده ساله که محمد نیمزاری اهل و ساکن جیرفت بود حدود هشت ماه پیش دچار تب شدید شده و همزمان با آن خالهای قرمز و سیاهی در بدنش مشاهده میشود. با توجه به ناراحتی

۱- پایگاه اطلاع رسانی حوزه ، hawzah.net

شدید نامبرده اطباء و درمانگاههای موجود در جیرفت و کرمان از معالجه وی ناامید شده و اعلام

مینمایند که وی مبتلا به سرطان خون میباشد. ناگزیر پدر پسر بچه مزبور او را جهت معالجه

به شیراز میآورد و در بیمارستان شهید فقیهی شیراز بستری میکند و سپس بیمار را به

بیمارستان علی اصغر شیراز منتقل نموده و چهل روز از بستری شدن وی در بیمارستان مزبور

میگذرد ، بدون اینکه نتیجهای گرفته شود. بالاخره در شب جمعه پدر و مادر کودک بیمار از همه

جا مایوس شده و تصمیم میگیرند جهت بهبود او به حضرت احمد بن موسی(ع(متوسل شوند با

همین هدف فرزند خود را به حرم مطهر شاهچراغ(ع(منتقل کرده و پس از چند دقیقه در کمال

تعجب در حضور خدام و زوار حرم ، پسر بچهای از جای خود بلند شده و با صدای بلند میگوید که

من خوب شدم و به آغوش مادرش پناه میبرد. (۱)

رویای شگفت انگیز

یکی از رزمندگان جبهههای حق علیه باطل با توسل به حضرت احمدبن موسی شاهچراغ(ع(

بهبودی خود را بدست آورد. رزمنده اسلام منصور قاضی زاده در گفتگو با خبرنگاران رسانههای

گروهی اظهار داشت:

در عملیات والفجر یک، بر اثر اصابت گلوله کاتیوشا و موج انفجاری که نزدیکی من صورت

گرفت ابتدا ذات الریه گرفتم و بعد دردی کشنده سراسر کمر و پایم را فرا گرفت تا اینکه به

کرمان برای معالجه انتقال یافتم. در این شهر بعد از اینکه پزشکان مرا جواب کردند ، گفتند

امکان دارد در تهران معالجه شوم. پایم دیگر حرکت نمیکرد ، دردم به قدری بود که نمیتوانستم

به تهران بروم. از طرفی از معالجه خود ناامید بودم. چون پزشکان گفته بودند بر اثر صدمات وارده

به رگ کمر و نخاع امکان دارد دیگر نتوانم فعالیت بدنی داشته باشم. شب را با دعای کمیل و

توسل به امامان آغاز کردم ، نیمههای شب وقتی که در میان درد جانفرسا به خواب رفتم ، در رویا منظرهای عجیب دیدم. توی خواب ، صحرائی در نظرم مجسم شد ، لبانم خشک بود و دنبال نجات دهندهای میگشتم. در همین حال آقایی به من نزدیک شد ، خوب که دقت کردم دیدم آن آقا شهید آیت الله دستغیب است. ایشان جلو آمدند و با همان لهجه شیرازی از من سوال کردند: «به دنبال چه میگردی؟» در جریان را گفتم ایشان گفتند: ((آن چیزی که تو دنبال آن هستی در این بیابان پیدا نخواهی کرد ، تو باید از احمد بن موسی یاری طلبی)). در میان درد و ناله صبح از خواب برخاستم و به نزد سیدی بنام ((خوشرو)) رفته ، جریان ماوقع و آنچه را که در خواب دیده بودم با ایشان در میان گذاشتم. وی توصیه نمود که هرچه زودتر به شیراز بروم. بعد از وضو وارد حرم مطهر شدم. در کنار حرم پاهایم لیز خورد و ضعفی سراسر بدنم را فرا گرفت. دوباره دست به ضریح گرفتم و تضرع و زاری را آغاز نمودم که از حال رفتم. بخود که آمدم احساس کردم دیگر

۱- پایگاه اطلاع رسانی آستان مقدس شاه چراغ آبان ماه۱۳۷۶ shahecheragh.ir

دردی در پاها و کمرم نیست. بلند شدم و راه رفتم و از حرم بیرون آمدم. در آستانه صحن مطهر عصایم را به یکی از خدام آستان دادم و گفتم دیگر به این نیازی ندارم. (۱)

عشق به اهلبیت

در خجسته ایام میلاد حضرت قائم(ع) در بارگاه ملکوتی فرزند بزرگوار امام هفتم حضرت احمدبن موسی الکاظم شاهچراغ (ع) معجزهای رخ داد.

دختر بچه محصل ۴۴ سالهای بنام مرجان اسدپور فرزند محمد جواد اهل خرمشهر ساکن شیراز که بطور مادرزادی مبتلا به ناشنوائی و لکنت زبان بود و از حدود ، سالگی خانواده وی با مراجعه مکرر به سازمان بهزیستی کلینیک ویژه هدایت و چند دکتر متخصص در شیراز قصد - مداوای وی را داشتند ، اما نتیجهای حاصل نمیشد. چند شب قبل حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را به خواب میبیند و مورد عنایت خاصه این حضرت واقع میشود ، و شب جمعه نیز همراه با نزدیکانش به حرم مطهر حضرت شاهچراغ(ع) مشرف شده و پس از زیارت لحظهای به فکر فرو میرود که شفای خود را از حضرتش بگیرد. لذا با قلبی پاک و آکنده از عشق به اهلبیت عصمت و طهارت به حضرت احمدبن موسی الکاظم شاهچراغ(ع(متوسل میگردد و روسری اش را به شبکههای ضریح مقدس میبندد. پس از آن نوری از ضریح مقدس ساطع میشود و او در ناباوری کامل و گریه فراوان به مادرش میگوید که مادر مگر میشود من خوب شوم و شفا پیدا نمایم؟ که حضرت با عنایت خاصه خود شفای وی را از حق تعالی گرفتند و دختر بچه ناشنوای مادرزاد شفای خود را بدست میآورد. متعاقب وقوع این معجزه خدام حرم مطهر نقاره خانه آستان مقدس شاهچراغ(ع(را بصدا در میآورند.

در مجلس با شکوهی که به همین مناسبت با حضور هزاران تن از شیفتگان خاندان ولایت در

صحن مطهر برگزار گردید ، حضرت آیت الله سید محمد مهدی دستغیب تولیت آستان مقدس احمدی و محمدی(ع) جریان معجزه حضرت شاهچراغ(ع) و شفا یافتن دوشیزه مرجان اسدپور را بیان نمودند و ضمن تفسیر سوره مبارکه کوثر به ذکر فضائل ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین پرداخت. خانم مرجان اسدپور طی سخنانی از معجزهای که برایش اتفاق افتاده بود صحبت کرد و شرح بیماری خود را به تفصیل برای زائرن حرم مطهر بیان داشت و پدر و مادرش نیز از خداوند قادر متعال سپاسگذاری نمودند و در پایان از طرف آیت الله دستغیب هدایایی تقدیم دختر شفا یافته شد و مقادیر زیادی شیرینی و پارچههای تبرکی به امت اسلامی حاضر در مراسم اهدا گردید. (۲)

۱- پایگاه اطلاع رسانی آستان مقدس شاه چراغ خرداد ماه ۱۳۶۴ shahecheragh.ir

۲- پایگاه اطلاع رسانی آستان مقدس شاه چراغ بهمن ماه۱۳۷۳ shahecheragh.ir

نمونهای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

معرفی حضرت احمد « ۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع

» امامشناسی و قیام در راه امام « یا موضوع »(بن موسی (علیه السلام

کهکشان « ،. برگزاری نمایشگاه موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در نرم افزار

() کرامت

۹. تولید بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل به همراه مسابقه

برای طیف مخاطب » امامشناسی و قیام در راه امام « ۱. شناسایی کتاب مناسب با موضوع

سازمان متبوع (کودک، نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی ، فرهیختگان و کارشناسان و...(و برگزاری

مسابقه کتابخوانی

امامشناسی و قیام در راه « ۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع

و مشارکت با » و الگوسازی از حضرت احمد بن موسی (علیه السلام(شاهچراغ » امام

صداوسیمای استانی برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی یا رادیویی

امامشناسی و قیام در راه « ۱. برگزاری فراخوان شعر ، متن ادبی ، وبلاگ نویسی و... در موضوع

» امام

۳. تولید پوستر و کارت پستال و فلش کارت موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در

() کهکشان کرامت « نرم افزار

۲. برگزاری میزگرد تحلیلی ، کرسی آزاداندیشی یا پرسش و پاسخ با هدف تحلیل ابعاد موضوع

در دانشگاهها و حوزههای علمیه » امامشناسی و قیام در راه امام «

۳. برگزاری work shape با حضور خوشنویسان ، هنرمندان گرافیست و... در بقاع متبرکه یا

پایگاههای فرهنگی اصلی شهر برای تولید آثار هنری با محتوای تولیدی در کتاب با موضوع

امامت و دعوت از هنردوستان و عموم مردم علاقمند

فصل هفتم: مسجد – پایگاه هدایت – کانون کرامت

اشاره

مسجد از مهمترین نهادهای جامعه اسلامی با کارکردی جامع و چندمنظوره به شمار میآید و همواره در طول تاریخ اسلام نقش بنیادین و محوری در شکل گیری تمدن اسلامی و پیشرفت جامعه ایفا نموده است. در صدر اسلام اولین اقدام پیامبر(ص(برای پایه گذاری بنای حکومت اسلامی در مدینه ، احداث مسجد بود و در ادامه راه تا دوران معصومین علیهم السلام مکانی برای عبادت ، تجمعات سیاسی ، فرهنگی و بهترین جایگاه علم آموزی و فراگیری قرآن و معارف و احکام اسلام و گره گشایی از مشکلات مردم بوده است. لذا مسجد علاوه بر آثار عبادی و پرورش معنوی اهل ایمان ، با گسترۀ نقش ها ، فعالیتها و برنامهها ، در امور اجتماعی و امور تربیتی نیز نقش مهمی را عهده دار است.

جایگاه مسجد در گذر زمان فراز و فرودهایی داشته است که بالاترین میزان اثربخشی مسجد در جامعه را میتوان در نهضتهای دینی و سیاسی تاریخ اسلام مشاهده نمود. در دوران معاصر نیز این روند ادامه یافت و با پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه و گسترۀ تأثیر مسجد به اوج خود رسید و به عنوان پایگاه اصلی انقلاب نقش آفرینی کرد. مسجد نقطه شروع قیام و خروش مردم و مرکز راهبری و اتاق فکر مبارزان بود و با سخنرانی و روشنگری و ابلاغ پیامها و سازماندهی مردمی در مساجد ، سرنگونی رژیم طاغوت تحقق یافت.

در مقابل به برکت انقلاب اسلامی ، مساجد نیز جایگاه اصلی خود را بازیافتند و فعالیت و نقش آنها در مسیر صحیح توسعه یافت. که البته این مهم با هدایت رهبران و نظریه پردازان انقلاب اسلامی و تبیین ویژگیهای مسجد طراز اسلامی بر مبنای آیات مبارك قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام ، در طول سالیان پر برکت انقلاب اسلامی صورت گرفت.

اهمیت و جایگاه مساجد از نظر آیات و روایات

در این خصوص در منابع دینی ما مطالب بسیاری وجود دارد که ما در اینجا به گوشهای از آن

اشاره میکنیم:

إِنَّمَا يَعْم رُ مَسَاجِدَ اللّهِ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلاَةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللّهَ «

» فَعَسَى أُوْلَئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ الْم هْتَدِينَ (۱)

مساجد خدا را تنها کسانی آباد میکنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز برپا میکنند

و زکات میدهند و جز از خدا نترسیده اند. امید است آنان از هدایت یافتگان باشند.

»... يَا بَنِي ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ « (۲)

۴ – . التوبه آیه ۴۲

، . اعراف/ ۹۴

۱– التوبه آیه ۱۸

۲– اعراف/ ۳۱

ای فرزندان آدم ! زینت و آراستگی خویش را نزد هر مسجدی اتخاذ کنید.

حسن بن علی (علیهماالسلام(هر وقت می خواست به نماز بایستد بهترین لباس های خود را می پوشید. خدمتش عرض کردند یا بن رسول الله چرا لباس های خوب خود را در موقع نماز می خذوا « : پوشید؟ فرمود: خداوند جمیل و زیبا است ، و هر زیبایی را دوست می دارد و می فرماید ، من نیز خود را برای پروردگارم زینت می دهم و دوست دارم بهترین » زینتکم عند کل مسجد لباسم را بپوشم. (۱)

ظالم ترین مردم در منطق قرآن مجید ، کسانی هستند که مانع رفت و آمد افراد به این وَ مَنْ أَظْلَم « : مکانهای آسمانی شوند؛ چنانچه خداوند متعال در آیه ۴۴۱ سوره بقره میفرماید و کیست ظالم تر از آن کس که ؛»... مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ ی ذْکَرَ فیهَا اسْم ه وَ سَعی فی خَرابِها نگذارد در مساجد خدا ، نام وی برده شود و در ویرانی آنها بکوشد؟

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام(پیرامون فوائد ارتباط با مساجد در کلامی نورانی خویش اینگونه میفرماید:

مَنِ اختَلَفَ اِلَی المَسجِدِ اَصابَ اِحدَی الثَّمانِ؛ اَخاً م ستَفاداً فِی اللهِ ، اَو عِلماً م ستَطرَفاً اَو آیَةً « م حکَمَةً اَو یَسمَع کَلِمَةً تَد لُّ عَلی ه دیً ، اَو رَحمَةً م نتَظَرَةً ، اَو کَلِمَةً تَرُدُّه عَن ردی ، اَو یَترُکَ ذَنبا » خَشیَةً اَو حَیاءً (۲)

کسی که پیوسته به مسجد برود ، یکی از این منافع هشتگانه نصیبش میشود: ۴. برادران مفید

۹. عقائد خود را با دلیل و ،. با علم و دانش نو و تازه آشنا میشود ، و با ارزشی پیدا میکند ،

.۱ ۱. کلمات و سخنانی که موجب هدایتش شود میشنود ، برهان محکم و استوار میسازد ،

۱. مواعظی که او را از فساد و گناه جلوگیری کند میشنود ، رحمت الهی شامل حالش میگردد ،

۳. به خاطر حیاء و آبروی خویش، ترک گناه میکند ۲. به خاطر ترس الهی مرتکب عمل خلاف

نمیشود.

مَن مَشی « : در روایتی از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(این نکتهی مهم ذکر شده است

إلی مَسجِدٍ یَطلُب فیهِ الجَماعَهَ کانَ لَه بکُلِّ خُطوَهٍ سَبعونَ ألفَ حَسَنهٍ و ی رفَع لَه مِن الدَّرَجاتِ مِثلُ

ذلکَ و إن ماتَ و ه و علی ذلکَ وکَّلَ اللّه بِهِ سَبعینَ ألفَ مَلَکٍ یَع ود ونَه فی قَبرِهِ و ی ؤنِس ونَه فی

» وَحدَتِهِ و یَستَغفِرُونَ لَه حتّی ی بعَثَ (۳)

هر که برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود ، برای هر قدمی که برمیدارد هفتاد

هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا رود و اگر در آن حال بمیرد ، خداوند هفتاد

۱- المیزان ، ذیل تفسیر آیه ۳۱ سوره مبارکه اعراف

۲- وسائل الشیعه ، جلد۵،ص ۹۷

۳- وسائل الشیعه ، ج ۸، ۲۸۷

هزار فرشته بگمارد که تا زمانی که برانگیخته شود ، در قبرش به عیادت او روند و انیس تنهایی او

باشند و برایش آمرزش طلبند.

است؛ یعنی به قصد نماز جماعت و رسیدن به جماعت » یَطْلُب فِیهِ الْجَمَاعَهَ « نکتهی مهم

حرکت کند. همهی این روایتها گواه بر این است که جماعت در مسجد هدف است؛ جماعتی

که راه وحدانیت و وحدت را طی کند. رسول گرامی اسلام (صلیاللهعلیهوآله(برای ایجاد نظم ،

هماهنگی و وحدت شانههای نمازگزاران را در نماز جماعت میگرفت ، منظم میکرد و میفرمود:

.» مساوی و منظم باشید ، نامنظم و جدا از هم نباشید که قلبهای شما از همدیگر جدا میشود «

مَن بَنی – « : از امام صادق علیه السلام نیز در خصوص ساختن مسجد نقل شده است

» مَسجِدا بَنَی اللّه لَه بَیتا فی الجَنّهِ (۱)

هر کس مسجدی بسازد ، خداوند برای او در بهشت خانه ای بسازد.

من اسرج فی مسجد سراجا لم تزل الملائکه و حمله « : از پیامبر(صلی الله علیه و آله) نقل شده

» العرش یستغفرون له ما دام فی ذلک المسجد ضوئه

کسی که چراغی در مسجدی برافروزد فرشتگان و حاملان عرش الهی مادام که نور آن چراغ

در مسجد می تابد برای او استغفار می کنند. (۲)

قال الله تبارک و تعالی: الا انّ « : در حدیثی دیگر از پیامبر(صلی الله علیه و آله(نقل شده که

بیوتی فی الارض المساجد ، تضیء لاهل السّماء کما تضیء النجوم لاهل الارض الا طوبی لمن

کانت المساجد بیوته ، الا طوبی لعبد توضا فی بیته ثمّ زارتی فی بیتی الا انّ علی المرور کرامه

» الزائر ، الا بشر المشّائین فی الظّلمات الی المساجد بالنور السّاطع یوم القیامه (۳)

خداوند فرموده است: بدانید که خانههای من بر روی زمین ، مسجدها هستند. مسجدها برای

اهل آسمان نور میدهند همان گونه که ستارگان برای اهل زمین. هان! خوشا به حال کسی که خانه اش مسجد باشد. هان! خوشا به حال بندهای که در خانه اش وضو بگیرد سپس مرا در خانه ام زیارت کند ، بدانید که احترام زیارت کننده بر عهده کسی که زیارت گردیده ثابت است. هان! کسانی را که در تاریکیها به سوی مسجدها میروند به نور درخشان روز قیامت نوید ده.

ما من یوم الا و ملک ینادی فی المقابر من تغبطون؟ « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله

» فیقولون: اهل المساجد یصلون و لا تقدر و یصومون و لا تقدر (۴)

۱- کافی (ط دارالحدیث) ، ج ۶ ، ۳۰۷

۲- محاسن صفحه ۵۷ بنا به نقل کتاب کنز العرفان جلد ۱صفحه ۱۰۸

۳- بحار الانوارج ۸۴ ص ۱۴

۴- بحار الانوارج ۸۴ ص ۴۴۱

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: هیچ روزی نیست مگر این که فرشتهای در

گورستانها (به مردگان(ندا میکند: به چه کسانی غبطه میخورید؟ میگویند: به اهل مساجد که

نماز میگزارند و ما قدرت بر آن نداری و روزه میگیرند و ما نمیتوانیم روزه بگیریم.

لا صلاهٔ لجار المسجد الا فی المسجد الا ان یکون له « :(قال علی بن ابی طالب (علیه السلام

» عذر او به عله ، فقیل له: و من جار المسجد یا امیرالمومنین؟ قال: من سمع النداء (۱)

امیرالمؤمنین (علیه السلام(فرمود: همسایه مسجد جز در مسجد نماز نگزارد مگر اینکه عذری

داشته باشد یا بیمار باشد. پرسیدند: ای امیرالمومنان! همسایه مسجد کیست؟ فرمود: هر کس

صدای اذان را بشنود.

مَنْ مَشی اِلَی الْمَسْجِدِ ، لَمْ یَضَعْ رِجْلَه عَلی رَطْبٍ وَ لا « :(قال الامام الصادق (علیه السلام

» یابِسٍ اِلّا سَبَّحَتْ لَه الْاَرْض (۲)

امام صادق (علیه السلام(فرمود: هر کس به طرف مسجد برود ، پایش را بر هیچ تر و خشکی

نمیگذارد ، مگر اینکه زمین برای او تسبیح میگوید.

یا اَباذَرَ اِنَّ اللهَ تَعالی ی عْطیکَ ما د مْتَ جالِساً فِی الْمَسْجِدِ « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله

» بِکُلِّ نَفَسٍ تَنَفَّسَ فیه دَرَجَهً فِی الْجَنَّهِ (۳)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود:ای ابوذر! تا زمانی که در مسجد نشسته ای ، خداوند

برای هر نفسی که میکشی ، درجهای از بهشت برایت پاداش میدهد.

» اَهْلُ الْمَسْجِدِ ز وّار اللهِ وَ حقٌّ عَلَی الْمَزُورِ اَلتُّحفَهُ لِزائِرِهِ « :(قال الامام الحسن (علیه السلام (۴)

امام حسن (علیه السلام(فرمود: اهل مسجد زائران خدا هستند و بر زیارت شونده است که به

زائرانش هدیهای بدهد.

مَنْ كانَ الْقُرآنُ حَديثَه وَ الْمَسْجِد بَيْتَه بَنَى اللهُ لَه بَيتاً « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله

» فی الْجَنَّهِ (۵)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: هر کس که کلامش قرآن و خانه اش مسجد باشد ،

خداوند منزلی در بهشت برای او بنا میکند.

» اَلْمَساجِد مِجالِس الْاَنْبیاء « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله (۶)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: مساجد ، مجالس پیامبران است.

۱- روضه المتقین ج ۲ ص ۹۹
۲- بحار الانوار ، ج ۸۴ ص ۱۳
۳- بحار الانوار ، ج ۸۳ ص ۳۷۰
۴- کلمه الامام الحسن ، ص ۴۱
۵- وسائل الشیعه ، ج ۳ ص ۴۸۱
۶- مستدرک الوسائل ، ج ۳ ص ۳۶۳

اِنَّ الْمَساجِدَ ب ی وت الْم تَّقین وَ مَنْ کانَتِ الْمَساجِد بَیتَه فَقَدْ « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله

» ضمنَ اللّهُ لَه بِالرَّوحِ وَ الرَّحْمَهِ وَ الْجَوازِ عَلَی الصّراطِ (۱)

رسول اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: مساجد ، خانه پارسایان است و هر کس خانه اش

مسجد باشد ، خداوند ضمانت کرده برای او رحمت و شادی را و اجازه عبور از صراط (به سوی

بهشت(را به او خواهد داد.

بَشِّرِ الْمَشَائینَ اِلَی الْمَساجِدِ فی ظُلَمِ اللَّیْلِ بِنُورٍ ساطِعٍ « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله

» یَوْمَ الْقِیامَهِ (۲)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: آنان که در ظلمت شب به سوی مساجد میروند ،

مژده باد به نوری که (از چهره شان(در روز قیامت میدرخشد.

مَنْ اَرَادَ د خُولَ الْمَسْجِدِ فَلْیَدَخُلْ عَلی س کُونٍ وَ وَقارٍ فَإنَّ « :(قال الامام علی (علیه السلام

» الْمَساجِدَ ب ی وت اللهِ وَ اَحَبُّ الْبقاعِ اِلَیْه (۳)

امام علی (علیه السلام(فرمود: هر کس میخواهد به مسجد داخل گردد ، با آرامش و طمأنینه

وارد شود ، چون مساجد خانههای خدا و محبوب ترین محلها در نظر اوست.

» لا تَدْخُلِ الْمَساجِدَ اِلّا بِالطَّهارَهِٔ « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله (۴)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: داخل مساجد مشو مگر با طهارت.

مَنْ اَقامَ فی مَسْجِدٍ بَعْدَ صَلاتِهِ انْتِظاراً لِلصَّلاهِٔ ، فَه وَ ضَیْف « :(قال الامام الصادق (علیه السلام

» اللهِ و حَقٌّ عَلَی اللهِ اَنْ ی کْرِمَ ضَیْفَه (۵)

امام صادق (علیه السلام(فرمود: هر کس در مسجد پس از نمازش، در انتظار نماز دیگر بماند ،

میهمان خداست و برخداست که میهمانش را گرامی دارد.

» لا تَجْعَلُوا الْمَساجِدَ طُرُقاً حتَّی تُصَلَّوا فِیها رَکْعَتَینِ « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله (۶)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: مساجد را گذرگاه قرار ندهید ، مگر آن که هنگام عبور ،

دو رکعت نماز بخوانید.

لَیَحْضُرَنَّ مَعَنَا صَلاتَنا جَماعَهً أوْ لَتَحَوَّلِنَّ عَنّا وَ لا ی جاور نا وَ ...« :(قال الامام علی (علیه السلام

» لا نُجاور ه م (۷)

۱- مستدرک الوسائل ، ج ۳ ص ۳۶۲

۲- مستدرک الوسائل ، ج ۳ ص ۳۶۳

۳- من لایحضره الفقیه ، ج ۱ ص ۱۷۰

۴- مستدرک الوسائل ، ج ۳ ص ۳۸۸

۵- بحار الانوار ، ج ۸۴ ص ۳

۶- وسائل الشیعه ، ج ۳ ص ۵۵۳

۷- وسائل الشیعه ، ج ۳ ص ۴۷۹

امام علی (علیه السلام((در جواب عدهای که به حضرت گفتند: عدهای از همسایگان مسجد در نماز جماعت حاضر نمیشوند(، فرمود: باید در نماز جماعت ما حضور یابند ، یا این که از ما دوری گزینند و همسایه ما نشوند و ما هم همسایه آنها نباشیم.

حَریم الْمَسْجِدِ اَرْبَع ونَ ذِراعاً وَ الْجَوار اَرْبَع ونَ داراً مِنْ اَرْبَعَهِ « :(قال الامام علی (علیه السلام » جَوانِبِها (۱)

امام علی (علیه السلام(فرمود: حریم مسجد ، چهل ذرع و همسایه آن ، چهل خانه از چهار طرف است.

اِنَّ الجنَّهَ وَ الْح ورَ لَتَشْتاقُ اِلی مَنْ یکْسِح الْمَسْجِدَ أو یَأخُذُ « :(قال الامام الرِّضا (علیه السلام » مِنْه الْقَذی (۲)

امام رضا (علیه السلام(فرمود: بهشت و حوریان بهشتی مشتاق کسی هستند که مسجد را تمیز کند یا آلودگیهای آن را بگیرد.

مَنْ وَقَّرَ مَسْجِداً ، لَقَی اللهُ یَوْمَ یَلْقاه ضاحِکاً م سْتَبْشِراً وَ اَعْطاه « :(قال الامام علی (علیه السلام » اللهُ کِتابَه بِیَمینِه (۳)

امام علی (علیه السلام(فرمود: هر کس حرمت مسجد را حفظ کند ، خدا را در روز قیامت با چهرهای خندان و شادمان ملاقات میکند و نامه اش را به دست راستش میدهد.

مَنْ اَسْرَجَ فی مَسْجِدٍ مِنْ مَساجِدِ اللهِ سِراجاً ، لمْ تَزَلِ « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله » الْمَلائِکَهُ وَ حَمَلَهُ الْعَرْشِ یَسْتَغْفِرونَ لَه مادامَ فی ذلکَ الْمَسْجِدِ ضوْءٌ مِنَ السِّراجِ (۴)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: هر کس در مسجدی از مساجد خدا چراغی روشن بیافروزد ، تا زمانی که روشنایی از چراغ در آن مسجد است ، فرشتگان و حاملان عرش برایش

استغفار میکنند.

» مَنْ اَحَبَّ اَنْ لا یُظْلَمَ لَحَد ه فَلْی نَوِّرِ الْمَساجِدَ « :(قال رسول الله)صلی الله علیه و آله (۵)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: هر کس دوست دارد قبرش تاریک نباشد ، مساجد را نورانی کند.

لَحَدیثُ الْبَغْیِ فِی الْمَسْجِدِ ، یَأکُلُ الْحَسَناتِ کَما تَأکُلُ « :(قال رسول الله)صلی الله علیه و آله

» الْبَهیمَهُ الْحَشیشَ (۶)

۱- وسائل الشیعه ، ج ۳ ص ۴۸۴

۲- مستدرک الوسائل ، ج ۳، ص ۳۸۵

۳- بحار الانوار ، ج ۸۴ ص ۱۶

۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۹

۵- مستدرک الوسائل ،ج ۳ ص ۳۸۶

۶- مستدرک الوسائل، ج ۳،ص ۳۷۱

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: سخن ناروا در مسجد ، حسنات و خوبیهای انسان را

میخورد آن گونه که چارپایان ، علفها را میخورند.

» إذا نَزَلَتِ الْعاهات وَ الْآفات ع وفی اَهْلُ الْمَساجِدِ « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله (۱)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود: وقتی مشکلات و بلاها نازل میشود ، اهل مسجد

نجات مییابند.

یا اَباذَرٍّ کُلُّ ج لُوسٍ فِی الْمَسْجِدِ لغوٌ اِلّا ثلاثهً: قَراءهٌ « :(قال رسول الله(صلی الله علیه و آله

» م صَلٍ أوْ ذاکِرُ الله تَعالی اَوْ سائلٌ عنْ عِلْمٍ (۲)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله(فرمود:ای ابوذر! در مسجد هر نشستنی به جز برای سه چیز ،

بیهوده است: نماز خواندن ، ذکر خدا گفتن ، سوال (و بحث) علمی.

نگاهی به اهمیت مسجد از نظر علما و بزرگان

امام خمینی (ه) مسجد سنگر است، سنگرها را پر کنید

نماز بالاترین ذکر خداست. اگر در نماز کوتاهی بشود؛ هر کس بگوید خوب من خودم تنهایی

میروم توی خانهام میخوانم ، خیر نماز را در جماعت بخوانید. اجتماع باید باشد. مساجد را پر

کنید. اینها از مساجد میترسند. اینها بیخ گوش شما میگویند که این آخوند ، که از او کاری

نمیآید ، مسجد میروید چه کنید؟ خودمان میرویم فلان جا نماز میخوانیم. نماز نمیخواهند

بخوانند ، میخواهند نماز را بشکنند. نماز میخوانند؛ با این نمازهایی که در مسجدها میروند و

نمیگذارند که مسلمانها نماز درست خودشان را بخوانند؟ با این نمازها میخواهند نماز را بشکنند.

اینها از مسجد میترسند. من تکلیفم را باید ادا کنم ، به شما بگویم. شما دانشگاهیها ، شما

» محراب « . دانشجوها ، همهتان مساجد را بروید پر کنید. سنگر است اینجا. سنگرها را باید پر کرد

به آن میگویند؛ یعنی ، آنجایی که حرب از آن شروع میشود؛ محل حرب. امروز از همه روزها مقصود این وقت است ، این عصر است از همه وقت برای ما » امروز « برای ما یعنی ، حسّاستر است؛ برای اینکه همه چیز درست شده است و شیطانها از اطراف میخواهند حالا که همه چیز درست شده و مأیوس شدند ، نگذارند اجرا بشود کارها؛ باز تهیه ببینند ، ولو ده سال دیگر ، ولو برای ده سال دیگر تهیه ببینند؛ برای اینکه ، مسجدها را هی کمکم هی خالی کنند... و بعد از خالی کردن این سنگرها ، حمله کنند. این دژهای محکم را محکم نگاه دارید. (۳)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶

۲- بحار الانوار ، ج۸۳، ص ۳۷۰

۳- سخنرانی حضرت امام خمینی در حسینیه جماران ۱۳۵۹/۰۳/۱۴

به شدت مراقب توطئه دشمن در خلوت کردن مساجد باشید

توجه داشته باشد ملت ، که دشمنهای اسلام و دشمنهای کشور شما ، از هر راهی استفاده میخواهند بکنند. این راههایی که خوب ، دیدهاید که واضح است که توطئه ها بکنند ، و مثلاً شلوغیها بکنند و فسادها بکنند و اینها را که میدانید. راه دیگری که الآن در نظر آنهاست این است که این مراکزی که مربوط به ربط روحانیت و ملت است ، این مراکز را سست بکنند و کمکم از بین ببرند. وسوسه کنند به اینکه این آخوندها که از آنها کاری نمیآید ، میروید توی مسجد چه کنید؟ برویم راهپیمایی کنیم. خوب ، راهپیمایی سر جای خودش اما مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم دیگر مسجد میخواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای ادارهٔ مسجد است. ما اگر نماز نباشد و آداب اسلامی نباشد ، چه داعی داریم که بیاییم خودمان را به مهلکه بیندازیم و وارد این امور بشویم؟ ما برای اسلام این کارها را میکنیم و شما ، شما ملت برای اسلام قیام کردید ، و برای اسلام اینهمه زحمت کشیدید و دارید میکشید. مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است ، بسط فقه اسلام است و آن مساجد است ، اینها را خالی نگذارید. این یک توطئه است که میخواهند مسجدها را کمکم خالی کنند.

... شما این را خیال نکنید که آنها خیلی دستپاچهاند که همین دو سه روز این کارها را انجام بدهند. اگر توانستند ، حالا ، اگر نتوانستند نقشه میکشند که در پنجاه سال دیگر کار خودشان را انجام بدهند ، دست برنمیدارند و یکی از نقشههای مهم همین است که قشرهای ملت را از هم جدا کنند ، و مهم این است که روحانیت را از ملت جدا کنند.

اینها ضربهای که از روحانیت خوردند از هیچکس نخوردند. برای اینکه میگویند ضربهای را که دیگران هم زدند به ما ، اینها وادارشان کردند. مسجدها مردم را وادار کرد. پس باید مسجدها را ما شروع کنیم بشکنیم. اینکه میآیند مسجدها را میخواهند خلوت کنند ، و بیچاره جوانها و متدینین ما هم اشتباهاً به خطا میروند ، این است که مسجدها کمکم امسال یک قدری ماهرمضانش کمتر باشد ، سال دیگر یک خرده کمتر. بعد از ده سال ، پانزده سال دیگر هیچی بشود. آنها عجله ندارند؛ بتدریج هر چه شد. شما باید هوشیار باشید.

... مسجدها را محکم نگه دارید و پر جمعیت کنید. من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمانها. حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به او بسته است. ماه مبارک رمضان و بعد از ماه مبارک رمضان هم ، مسجدها را آباد کنید. من در مکه که مشرف بودم یک روز میخواستم یک کتابی بخرم که برای آن کتابفروش هم فایده داشت ، ایستاده بودم ، اذان گفتند ،

» سنّه حنفیّه « (۱): یکدفعه رها کرد و گفت که دیگر با من حرف نزد ، رفت سراغ نماز. در مدینه بازار را که من دیدم بسته بود. یعنی باز بود لکن هیچ کس نبود. میرفتند سراغ نماز. چرا شما نمیروید سراغ نماز؟ چرا ظهر که میشود بازار را رها نمیکنید و بروید سراغ نماز؟ اگر بروید سراغ نماز ، احیاء کنید این سنت سیاسی اسلام را ، همان طوری که در روز جمعه حالا بحمداللّه میروید ، روز غیرجمعه هم بروید مساجد را پر کنید. اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد ترس از فانتومها نداشته باشید. ترس از امریکا و شوروی و اینها نداشته باشید. آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام. پشت کنید به مساجد. (۲)

مقام معظم رهبری

بهترین روش ارتقاء سطح دینی مردم، شنیدن سخنان رودرروی روحانیون

درست است که علمای متعددی ، بحمدالله چه در مرکز و چه در شهرستانها ، با عناوین مختلف به اقتضای نماز جمعه یا مناسبتهای دیگر بیاناتشان از رادیو و تلویزیون پخش میشود؛ لکن هیچ کدام از این کارها ، جای اقدام رودرروی روحانی با مردم را نمیگیرد. حرکت رودررو و چهرهبهچهره با مردم ، رسم ما روحانیان بوده است و گروههای مردم نیز ، همان گروههایی هستند که در محله های مختلف شهرها و روستاها پراکندهاند. لذا ، یک روحانی باید در حد کافی و لازمی ، بال مواجهه با مردم حرف بزند و نیازهای دینی و عقدههای ذهنی آنها را دربارهی مسائل دینی ، برطرف کند. هیچ روشی جای این را نمیگیرد. (۳)

لزوم پیوند مسجد و مردم در تمام عرصه ها

روحانی پرهیزگار ، خردمند ، کارشناس و دلسوز در مسجد ، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان ، روح و مایهی حیات مسجد است. امامان جماعت باید آمادهسازی خویش برای طبابت

معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند و مراکز رسیدگی به امور مساجد و حوزههای علمیه در همه جا آنان را یاری دهند. مساجد باید مَدرَسِ تفسیر و حدیث و منبرِ معارف اجتماعی و سیاسی و کانونموعظه و پرورش اخلاق باشد. زمزمهی محبت متولیان و مدیران و امنای مساجد ، باید دلهای پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیههای بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و آیندهپو و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل ، همکاری و پیوند تعریف شده و شایستهای برقرار گردد. چه نیکوست که دانش آموزان برجسته و ممتاز در هر محل ، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت ، تشویق شوند. مسجد باید رابطه ی خود را با جوانانی که ازدواج میکنند ، با کسانی که به موفقیتهای علمی

۱- آیین دین حنیف اسلام

۲- سخنرانی حضرت امام خمینی در حسینیه جماران ۱۳۵۹/۰۴/۲۰

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۷۱/۱۱/۲۹

و اجتماعی و هنری و ورزشی دست مییابند ، با صاحب همّتانی که کمک به دیگران را وجههی همت میسازند ، با غمدیدگانی که غمگساری میجویند ، و حتی با نوزادانی که متولد میشوند ، برقرار و مستحکم کند. مسجد باید در هر منطقه و محل؛ مأمن و مایهی خیر و برکت باشد و به طریق اولی ، وسیلهی زحمت و آزار مجاوران نگردد. پخش صداهای آزاردهنده بویژه در شب و هنگام آسایش مردم ، کاری ناروا و در مواردی خلاف شرع است. تنها صدائی که باید از مسجد در فضا طنین بیفکند بانگ اذان با صوت خوش و دلنواز است. (۱)

در هر جا سامان زندگی است، مسجد مرکز اصلی است

روح مسجد ، کالبد زندگی را پرنشاط و پرانگیزه میسازد. در هر جا سامان زندگی است ، مسجد ، مرکز و کانون اصلی است. در بنای شهر و روستا ، در مدرسه و دانشگاه ، در مراکز جمعیتی از بازارهای کسب و کار تا فرودگاهها و جادهها و پایانههای سفری و تا آسایشگاهها و بیمارستانها و بوستانها و گردشگاهها ، در همه و همه باید مسجد را همچون قطب و محور بنا نهاد.

مسجد در همه جا باید پاکیزه ، زیبا و آرامبخش باشد. مدیریت محتوایی و معنویِ مسجد که بر دوش روحانی مسجد است باید خردمندانه و مسئولانه ، و حتی عاشقانه باشد. حوزههای علمیه برای آمادهسازی روحانیانی در این طراز ، وظیفهئی ذاتی و طبیعی دارند.

اگر مسجد ، کیفیت شایستهی خود را بیابد ، هزینههای مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه و مردم و مسئولان برداشته خواهد شد. (۲)

قدر مسجد را بدانید

مسجد ، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما ، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ ، منشأ آثار بزرگ و نهضتها و حرکتهای اسلامی بزرگی شده است. مثلاً قیام مردم

کشورهای شمال آفریقا که مسلمان هستند مثل الجزایر و دیگر کشورهایی که سالها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسویها بودند از مساجد شروع شد ، که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند. انقلاب در این کشورها هم ، آن روزی رو به شکست رفت و دوباره ملّتها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطه خود را با مساجد و با دین و ایمانِ مساجد قطع کردند.

در صدر اسلام هم ، در زمان نبیّ مکرّم اسلام صلی اللّه علیه وآله وسلّم و همچنین در زمان حکومت با برکت امیرالمؤمنین علیه الصّلاة والسّلام ، مسجد مرکز همه تصمیم گیریهای مهم و کارهای بزرگ بود. نمیخواهیم از لحاظ وضع زمان ، مسجد امروز را به مسجد کوفه زمان

۱- پیام مقام معظم رهبری به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز۱۳۸۹/۰۷/۱۸

۲- بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۰۷/۱۹

امیرالمؤمنین تشبیه کنیم؛ زیرا اقتضاهای هر زمان متفاوت است. به طور کلّی مسجد به عنوان یک پایگاه دین ، عبودیّت و معرفت ، میتواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد.

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی و یا لااقل سهولت این پیروزی این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام ، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم ، تربیت ، روشنگری افکار و اذهان ، مورد استفاده قرار دادند و مسجد ، مرکزی برای حرکت ، آگاهی ، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد. در دوره مشروطیت هم همینطور بوده است؛ در دوره ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همینطور بود؛ در زمان انقلاب هم که این مسأله ، به حدّاعلی رسید.

ملت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارد و پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورند. اگر کسی خیال کند که در مسجد ، فقط چند رکعت نماز میخوانند و بیرون میآیند و این چه تأثیری دارد ، خطاست. اینطور نیست. اوّلاً اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود ، خودِ نماز که به زبان م شَرِّع مقدّس نماز و اذان ، خیرالعمل و فلاح است ، مایه برکات زیادی میشود. نماز یک ملت را به قیامِ للّه وادار میکند. نماز انسانها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک میکند.

علاوه بر آن ، مسجد فقط برای نماز نیست؛ در مسجد انواع عبادات هست. از جمله آن عبادات ، تفکّر است که (۱) من « ، یا در بعضی از روایات است که » تفکّر ساعه خیر مِن عبادهٔ سنه « البته فکر کردن درست افراد مسجد برو ، این فکر را به » سبعین سنه « ، یا » عبادهٔ اربعین سنه وسیله شنیدن سخنان عالم دین و فقیه به دست میآورند.

بنابراین مسجد ، هم مدرسه است ، هم دانشگاه ، هم مرکز تفکّر و تأمل ، هم مرکز تصفیه روح ، هم مرکز خلوص و مرکز اتّصال بنده به خداست. ارتباط زمین و آسمان است. جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل میکند. انسان درمسجد ، خود را به خدا متصّل میکند.

بنابراین باید قدر مساجد را دانست. باید در مساجد حضور پیدا کرد. بحمداللّه به برکت انقلاب در این سالهای اخیر ، این معنا زیاد شده و کیفیّت پیدا کرده است. همه شنیدید که امسال در ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب ، در بسیاری از مساجد سراسر کشور ، جوانان ما ، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف ، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مأنوس شدند. بعد از آن هم با گریه و اشک و آه ، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند ، تا برای سال آینده آماده شوند.

۱- بحارالانوار ،ج ۷۱ ص ۳۲۷

الذین ان مکّنا هم فی الارض اقاموا الصلوة (۱) عزیزان من! این برای یک جامعه ، علامت خوبی است

، علامت یک حکومت الهی ، علامت یک حرکت صحیح و دارای جهت گیری صحیح

است. این را جدّی بگیرید و تقویت کنید.(۲)

لزوم رسیدگی به کانونهای فرهنگی هنری مساجد

این کانونهای فرهنگی هنری مساجد را مؤثر کنید ، برایش کار کنید. بنشینید فکر کنید ،

مطالعه کنید و سخنی که متناسب با نیاز آن جوانی است که آنجا حضور پیدا میکند ، فراهم کنید.

مطالعه کنید. کتابهائی وجود دارد که میشود از این کتابها استفاده کرد. کتابهائی هست؛ بروید

بپرسید ، تحقیق کنید از کسانی که اهلش هستند. خودتان را مجهز کنید ، مسلح به سلاح معرفت

و استدلال کنید ، بعد به این کانونهای فرهنگی هنری بروید و پذیرای جوانها باشید. با روی

، که ظاهراً عبارت است » و سنّه من نبیّه « : خوش هم پذیرا باشید؛ با سماحت ، با مدارا. فرمود

مدارا کنید. ممکن است ظاهر زنندهای داشته باشد؛ داشته باشد. بعضی از ؛ » مداراة النّاس « از

همینهائی که در استقبالِ امروز بودند و شما هم جناب آقای مهماننواز ، هم بقیهی آقایان

الان در این تریبون از آنها تعریف کردید ، خانمهائی بودند که در عرف معمولی به آنها میگویند

اشک هم از چشمش دارد میریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت ؛« خانم بدحجاب «

است؟ حق است؟ نه ، دل ، متعلق به این جبهه است؛ جان ، دلباختهی به این اهداف و آرمانهاست.

او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است ، نقصهای این حقیر باطن است؛

ما هم یک .«؟ گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستم / آیا تو چنان که مینمائی هستی « . نمیبینند

نقص داریم ، او هم یک نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از

منکر هم میکند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت. بنابراین با قشر دانشجو ارتباط پیدا

کنید. (۳)

آیت الله العظمی نوری همدانی

دور شدن مسجد از جایگاه اصلی خود نتیجه توطئه مستکبران است

در صدر اسلام بسیاری از کارهای حکومتی و اجتماعی در مساجد ساماندهی میشد. امور قضایی ، جهادی ، مقدرات فرهنگی و آموزشهای مختلفی در مساجد دنبال میشد؛ پیامبر(ص) پس از ورود به مدینه نخستین کارشان ساخت مساجد بود و خود حضرت مانند یک کارگر معمولی برای ساخت مسجد کمک کرد. به مرور زمان مسجد به مکانی تبدیل شد که صرفا در

۱- حج/ ۴۱

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم ۱۳۹۱/۰۷/۱۹

۳- بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۱۹

آن نماز میخوانیم... شما (مدیران فرهنگی مساجد(باید در مساجد همان فرهنگی که در صدر

اسلام حاکم بود را احیا کنید؛ کار شما بسیار مهم و حساس است. (۱)

آیت الله حایری شیرازی

فرهنگ و هنر در کانونهای مساجد موجب ارزش آفرینی اسلامی میشود

اجرای برنامه های فرهنگی و هنری براساس موازین اسلامی توسط این کانونها رشد

دینداری را در جامعه ایجاد میکند.

کانونهای فرهنگی و هنری مساجد زمینه ساز تقویت و ایجاد نشاط روحی در افراد جامعه و

پایداری در پایبندی به ارزشهای اسلامی است ... وجود کانونهای فرهنگی هنری مساجد برای

ایجاد و تقویت نشاط در لایههای مختلف جامعه ضروری است.

در مساجد روابط بین امامان جماعت و جوانان باید سرمشق دیگر افراد جامعه در عرصههای

مختلف فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی باشد. از وظایف و ویژگی اصلی امام جماعت و روحانیان

مسجد شناساندن حدود الهی به فعالان کانونهای فرهنگی و هنری است. (۲)

نمونهای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

نقش و جایگاه مسجد « ۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع

» در تعالی اجتماعی

،. برگزاری نمایشگاه موضوعی و تولید بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل به همراه

مسابقه

برای طیف مخاطب سازمان متبوع (کودک ، » مسجد « ۹. شناسایی کتاب مناسب با موضوع

نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی ، فرهیختگان و کارشناسان و...(و برگزاری مسابقه کتابخوانی

۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع مسجد و مشارکت با

صداوسیمای استانی برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی یا رادیویی

۱. برگزاری فراخوان شعر ، متن ادبی ، کاریکاتور و... در موضوع مسجد

بچههای « ۱. برگزاری مسابقات ورزشی (ویژه مساجد ، محلات ، پایگاههای بسیج و...(با شعار

و برگزاری همایش بزرگ پایانی با برنامههای متنوع فرهنگی ویژه دهه کرامت در » مسجد

مساجد و اهدای جوایز تیمهای برتر

۴ . بیانات حضرت آیت الله حسین نوری همدانی در دیدار مدیران تخصصی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور ،

۳،/،/۳۱، سایت اقامه نماز (center.namaz.ir (به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا

، . بیانات آیت الله حایری شیرازی در همایش 'مسجد سنگر است' در مجتمع فرهنگی هنری بوعلی سینای همدان ، سایت

خبرگان رهبری به نقل از گزارش ایرنا

۱- بیانات حضرت آیت الله حسین نوری همدانی در دیدار مدیران تخصصی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور ، ۹۴/۰۲/۲۷ سایت اقامه نماز (center.namaz.ir) به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا

۲- بیانات آیت الله حایری شیرازی در همایش 'مسجد سنگر است' در مجتمع فرهنگی هنری بوعلی سینای همدان ۰ سایت خبرگان رهبری به نقل از گزارش ایرنا

فصل هشتم: جوانان حوزه و دانشگاه – زمینه سازان تحقق جامعه الگو

بیانات مقام معظم رهبری

موضوع دانشگاه ، به خودیِ خود یک موضوع مهم است؛ همچنان که موضوع حوزهی علمیه را عنوان » وحدت حوزه و دانشگاه « هم ، بهخودیخود یک موضوع اساسی و مهم است. وقتی ما میکنیم ، بدیهی است مقصود این نیست که این دو را در عالم واقعیّت به یک چیز تبدیل کنیم. زیرا اگرچه در گذشته ، در حوزههای علمیه ، همان دروسی خوانده میشد که امروز در دانشگاهها خوانده میشود ، اما اگر فرض کنیم آن دروس حوزههای علمیه ، همان پیشرفتی را که تا امروز کرده است ، میکرد ، باز امروز باید به مقتضای تخصّص و تشعُّب ، هر گروه کار و درس خودش را دنبال کند. پس، مقصود این نیست. مبادا بعضی همین موضوعِ به این روشنی و وضوح را ندیده بگیرند و در بارهی غلط بودن شعار وحدت حوزه و دانشگاه قلمفرسایی کنند.

این را همه میفهمند: نه امام و نه دیگر بزرگواران نخواستند بگویند که دانشگاهها جمع شوند و قم بروند ، یا شعبهای از حوزهی قم شوند. یا اینکه حوزهی قم جمع شود و بیاید در دانشگاهها حل گردد ، یا شعبهای از آنها شود. هیچکس این را نخواست و مطرح نکرد. مسئله این است که ما دو نهادِ اصیلِ دانشجویی داریم. یکی متوجّه به کسب علومِ مربوط به فهم و تبلیغ دین و نوآوری در مباحث دینی و نوآوری در فهم مسائل روز و حادث شونده در زندگی است ، که این حوزه است و کارش عبارت است از تحقیق در مسائل دینی و فراگرفتن احکام الهی در همهی شئون زندگی. آن هم نه فقط در آنچه که مربوط به کنج محراب یا کنج خانه است؛ بلکه در قلمرو وسیع زندگی بشر. این گروه ، این را باید فراگیرند؛ احکام جدیدش را تحقیق کنند؛ ناخالصیها و ناسرهها را از آن بزدایند و آن را با زبان مناسب ، در هر جامعهای و هر زمانی و هر

مخاطبی ، به رساترین شکل ممکن به مخاطبین برساند. این ، وظیفه‌ی آن نهاد حوزه‌ای است و اسمش « حوزه‌ی علمیه » است.

نهاد دانشجوییِ دیگر ، ناظر به اداره‌ی امور زندگی مردم ، منهای مسائل مربوط به دین است. مردم معاش دارند ، کسب دارند ، ساختمان دارند ، راه دارند ، جسم دارند؛ شناساییهای گوناگون لازم است ، تحقیق در امور زندگی مردم لازم است. علوم مختلف و انواع و اقسام دانشها ، برای بهتر کردن و راه انداختن زندگی مردم وجود دارد. این نهاد هم مشغول فراگیری این دانشهاست که اینها را فراگیرد و در آنها متخصّص و صاحبنظر شود؛ در باره‌ی آنها تحقیق کند و آنها را برای پیاده شدن در جامعه آماده نماید؛ تحقیقات نوِ دنیایی را جذب کند و خودش به نوبه‌ی خود ، تازه‌هایی در این دانشها بیافریند و به بشریت عرضه کند. این هم یک نهاد دانشجویی دیگر.

حال اگر این دو نهادِ دانشجویی خوب کار کنند و باهم رابطهی متقابل دوستانه و از خود دانستن یکدیگر داشته باشند ، معنایش این خواهدشد که این جامعه ، هم دینش و هم دنیایش آباد خواهد شد. آنها جهتگیری زندگی جامعه را تصحیح میکنند؛ اینها حرکات زندگی جامعه را تسهیل میکنند. آنها فکر و ذهن و روح جامعه را آنچنان از زشتیها و نادرستیها دور میکنند که بفهمد به کجا باید حرکت کند ، و اینها وسیلهی این حرکت را بهدست او میدهند تا حرکت کند. یک وسیله لازم است که ما از آن استفاده کنیم و راه بیفتیم؛ یک بینش لازم است که ما بدانیم به کجا باید راه بیفتیم. از کجا و به کجا ، از کدام طرف؟ از کدام راه و به کدام هدف؟ این هر دو ، برای زندگی انسانها لازم است. آن ، دنیاست؛ این ، آخرت است. این دو اگر باهم جمع میشود. یعنی کسی که هم دنیا دارد ، هم » سَعد الدّنیا و الآخرهٔ؛ حَصَل الدّنیا و الآخرهٔ « شدند ، آخرت دارد. یعنی یک انسان خوشبخت. یعنی یک زندگی سعادتمند. یعنی همانی که انبیا آن را خواستهاند. لذا میبینید پیغمبر اکرم دین آورد ، همان جهتگیری را آورد. بر معنویّات تکیه کرد؛ اما پیدرپی ، ابزار مادّی را هم به دست مردم داد. جاهایی را خودش، مباشرتاً علم را یعنی علم زندگی و علم مربوط به ادارهی امور زندگی را بهدست مردم داد. یکجا هم که کار پیچیدهتر میشد و محتاج تخصّص بود ، آنها را امر کرد که بروید علم یاد بگیرید ، بروید بینش پیدا کنید ، بروید به اشیا نگاه کنید.

در قرآن و سنّت نبیّ اکرم ، علیه و علی آله الصّلاهٔ و السّلام ، راه کشف کردن ، دیدن و پیدا کردن یاد داده شده است. لذا شما میبینید که هرکدام از این دو قسمت ، در جوامع اسلامیِ صدر اوّل ، یک اوج و شکوه دارد. در بخش دنیایی هم ، به برکت اسلام ، آنها قلّهی دانش بشری شدند. این را که دیگر بنا نیست امروز غربی ها سلب کنند. خاطرهی تاریخی از ملل مسلمان ، که

دیگر جای انکار نیست. اگر این دوتا ، یعنی دنیا و آخرت ، باهم جمع شوند ، این خواهد شد که گفتیم. اما اگر هرکدام از این دو گرفته شود ، اشکالی بهوجود میآید.

امروز ، در نظامهای ساخته و پرداختهی فرهنگ غرب چه در خود منطقهی جغرافیایی غرب ، چه در جاهای دیگر دنیا در بخش ابزار و وسایل زندگی تا آنجا پیشرفت کردهاند که به کرات آسمانی رسیدهاند. این از لحاظ علمی ، انصافاً فوقالعاده است. این را که دیگر نمیشود منکر شد. فرض بفرمایید به آسمانها بروند و دوربینهای تلسکوپ را در آنجا تعمیر کنند. این ، پیشرفت عظیمی برای بشر است. اما اگر از نظر جهتگیری زندگی ، بینشی که انسان به آن احتیاج دارد ، نباشد ، اصلًا این ابزار برای بشر هم لازم نیست؛ بلکه مضرّ است. انسانِ امروز ، از این نظر عقب مانده است. دستش خالی است. معنویّت در دنیا نیست. جهتگیری درست ، نیست. برای همین است که دنیا پر از ظلم و جور است. افسوس که بعضی ، مطلبی به این وضوح را نمیفهمند! مگر این دنیا مال بشر نیست؟! مگر این علم و پیشرفت برای این نیست که انسان از آنها استفاده کند؟! وقتی ما میبینیم در دنیا وضعی است که اکثر انسانها ، روز به روز بدبختتر میشوند و

عدّه ای با همان ابزار پیشرفتهای علمی که مال انسان است ، بر انسانیّت اینگونه فشار میآورند ،

این کافی نیست که کسی بفهمد یک بال انسانیّت شکسته و افتاده است؟!

این ، بال معنویّت است. اگر ما هم در جامعهی خودمان ، جنبهی معنوی را ندیده بگیریم؛ آن را

حذف نماییم ، یا کوشش کنیم از صحنه خارجش کنیم ، همین خواهد شد. از وقتیکه ترشّحات و

نشانهها و طلیعههای فرهنگ غرب ، به صورت قصّه و نقشه نه به صورت طبیعی و آنچه که

لازمهی زندگی عمومی بشر باشد به کشور ما سرازیر شد از اواخر سلطنت ناصر الدّین شاه مبارزه

با دین و تلاش برای منزوی کردن دین هم شروع شد. البته عدّهای ، اینها را از زمان رضا خان

میدانند و مربوط به سلاطین قاجار نمیدانند. اما این ، یک واقعیّت است. منزوی کردن علمای

دین؛ منزوی کردن دین؛ سعی در استخدام نیروهایی برای مقاصد خبیث که شروع شود ، جامعه ،

جامعهای خواهد شد که از لحاظ وسایل و ابزار زندگی که ما به آن میگوییم: دنیا؛ یعنی همانکه

در علوم امروز ، علوم دانشگاهی نامیده میشود پیشرفت میکند. اما آن جامعه ، یک جهتش ناقص

است و آن ، جنبهی معنوی است.

حالا یکوقت است که جامعهای در جنبهی علومِ مربوط به ابزار زندگی پیشرفتی دارد. مثل

جوامع غربی. امّا یکوقت در همان هم پیشرفت ندارد. مثل بسیاری از جوامع تابع غرب که

معنویّت را حذف کردند ، مادیّت را هم نتوانستند جلب کنند! مثل وضع زندگی خود ما در دوران

حکومت پهلویها: معنویت را طرد کردیم ، مادیّت را هم نتوانستیم به شکل مدرن و جدید و

شدیم! » خسر الدّنیا و الآخرهٔ « علمی و واقعیاش به داخل کشور بیاوریم. یعنی

آن طرف قضیه هم ، همینطور است. یعنی اگر جامعهای ، فقط به جنبههای معنوی بپردازد و از

علوم غافل بماند؛ از پیشرفت علمی ، از کشفیّات علمی ، از نوآوریهای علمی ، از تحصیل علم میان

فرزندان میهن ، از ساختن انسانهایی که بتوانند زندگی را به شکل متناسب با نیازهای بشر درآورند با سهولت و سرعتی که امروز دنیا طلب میکند و نیازمند آن است غافل بماند ، باز یک بال دیگرش شکسته است. خیال نکنید که اسلام طرفدار این است که همه چیز منحصر بشود در مسائل روحی و معنوی و نظر به مادیّات نباشد! نه! این انحراف ، همان اندازه بزرگ است که آن انحرافِ اوّل. اسلام ، انزوا از دنیا و زندگی را ، به صورتی بسیار روشن رد کرده است.

در کلمات امیر المؤمنین علیهالسّلام در نهج البلاغه ، این را مشاهده میکنید. نهجالبلاغهای که کتاب زهد است ، بر سرِ آن کسی که زندگی دنیا را رها کرده است ، به خیال اینکه آخرت خودش را درست کند ، فریاد میزند. اسلام اینگونه نیست.

پس، این دو باید باشند؛ اما باهم باید باشند. این دو نهاد دانشجویی ، باید هر دو کار را بکنند. اما هم خوب کار کنند؛ هم نسبت به یکدیگر ارتباطات عاطفی درستی داشته باشند. یکدیگر را طرد نکنند. استعمارگران و کسانی که میخواستند بر این کشور سلطهی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و غیره پیدا کنند ، دین را از محیط دانشگاه حذف کردند. راه پیدا کردن این سلطه این

بود که دین را حذف کنند. اهل دین و علمای دین را حذف کنند. یا اگر به کلّ از بین نمیبرند ، آن را به صورتهای بیجانی تبدیل کنند. این ، کاری بود که از همان اوانی که اشاره کردم تقریباً از همان صد و پنجاه سال پیش؛ در اواخر حکومت ناصر الدّین شاه دنبال شده است. حالا علما هم باشند برای وقتهایی که شاید وجودشان لازم باشد و از آنها استفاده کنیم؛ اما بدون روح و معنای عالم دین. این را میخواستند.

البته رضا خان آمد قلدری و بیعقلی کرد و همان ظاهرش را هم خواست در سطح جامعه و بخصوص در محیطهای علمی حذف کند. نیّت این بود. لذا در محیطهای دانشگاهی ما ، دین یک چیز بیگانه شد. دانشگاه ما را اینطور ساختند. یک چیز بیگانه؛ چرا؟ هدف بسیار روشن بود. برنامهی بسیار زیرکانهای بود. برای اینکه اگر دین در دانشگاه نباشد ، آن کسانی که در این فضا پرورش پیدا میکنند ، در آینده همان سردمداران و سررشتهداران زندگی هستند ، که بیدین شدهاند و به سهولت جامعه را به سمت بیدینی خواهند کشاند! این ، هدفی بود که دنبال شد و انصافاً هم ، تا مدّتی و در برههی طولانیای از زمان ، موفّق شدند. محیط دانشگاه را محیط بیگانه از دین کردند.

البته نمیتوانستند دانشگاه را از انسانهای متدیّن ، به کلّی خالی کنند. این روشن است. بالاخره جوانان این مملکت ، بچههای خانوادههای متدیّن بودند و به دانشگاه میآمدند. عدّهای ، البته ، از دین خارج ، یا به آن بیاعتنا یا سرد میشدند. اما عدّهای هم متدین میماندند. همان زمان هم داشتیم. پس، معنایش این نیست که در دانشگاه ، آدم متدیّن نبود. بلکه معنایش این است که در دانشگاه ، آن آدم متدیّن ، غریب بود. همان دختر متدیّنی که میخواست دین و حجاب خود را نگه دارد ، در دانشگاه کشور اسلامی و مسلمان کشور ایران در آن زمان ، غریب بود. پسر دانشجوی

متدیّن هم غریب بود. استاد متدیّن هم غریب بود. روال عمومی دانشگاه ، هیچگونه کمکی به او نمیکرد. بلکه در موارد بسیاری ، معارضه و اصطکاک هم با او درست میکرد. اما اگر دانشجو یا استاد ، بیدین و لاابالی بود ، روال عمومی دانشگاه با او هیچگونه اصطکاکی نداشت. به او میدان داده میشد.

وحدت « این راه ، غلط بود. این ، همان چیزی است که امام بزرگوار همیشه از آن نالید و شعار برای مقابله با این درست شد. اینجاست که معنای وحدت حوزه و دانشگاه » حوزه و دانشگاه فهمیده میشود. وحدت در اهداف کلّی؛ وحدت در کامل ساختن این ملت و این کشور و حرکت با یکدیگر و عبور در دو خطّ موازی ، بدون اصطکاک باهم. یعنی هر دو ، کار خودشان را بکنند؛ اما برای یک هدف و آن هدف ، ساختن و کامل کردن ملت و کشور ایران است. اینطور باید حرکت کرد.

در دانشگاه ، هنوز انگیزههای ضدّ دینی کم نیست. نمیگویم در بین دانشجویان زیاد است.

دانشجویان ، بچههای این ملت و امروز بچههای انقلابند. بچههایی که امروز در دانشگاه هستند ،

بچه های ساخته و پرداخته ی انقلابند. اگر کسری هم در اعتقادات آنها باشد ، تقصیر ماست. تقصیر کسانی است که بایستی دین را به اینها تعلیم میدادند.

دانشجو در محیط دانشگاه ، از لحاظ اعتقاد و عمل و گرایش دینی ، هیچ مشکلی ندارد. اما هنوز هم بعضی از دستاندرکاران و استادان هستند که نسبت به دین و احساسات و ایمان و انگیزههای دینی و انقلابی ، مسئله دارند. اینها باید نتوانند در دانشگاه اثر بگذارند. من نمیگویم چگونه. اما اینها باید نتوانند محیط دانشگاه را با افکار و انگیزهها و احساسات غلط خودشان ، تحت تأثیر قرار دهند؛ چون این امر ، مایهی بدبختی ملت است. مایهی سلطهی بیگانگان است. مایهی ناقص ماندن زندگی یک ملت است.

دانشگاه باید یک محیط دینی باشد. در دانشگاه باید متدیّنین احساس کنند که فضای عمومی آنجا به آنها کمک میکند. البته تدیّن ، دین ، معنویّت و اخلاق ، و از جملهی شعب این معنویّت ، ، اما در تضاد با » من متدیّن هستم « همین احساسات انقلابی است. امروز کسی نمیتواند بگوید انقلابی باشد که براساس دین است. البته سلایق خاص را نمیگویم. همهی سلیقهها و مذاقها ، وقتیکه اهل دین و معنویّتند ، باید بتوانند در این محیط زندگی کنند. نباید یک فرد بر فرد لذاست که »! شما حتماً این طور که من فکر میکنم فکر کن « دیگری فشار بیاورد که تشکّلهای دانشجویی باید باشند و هرکدام کار خودشان را بکنند. همه کار کنند و همه هم خوب کار کنند. بخصوص با حضور روحانیون محترم در دانشگاهها اگر انشاءاللّه این شکلی که جدیداً دنبال میشود ، و آنچنان که بنده آرزو میکنم و دوست میدارم پیش برود این معنا ، یعنی این جنبهی معنویّت و روحانیت در داخل دانشگاه ، بیشتر تأمین خواهد شد.

عین همین مسائل ، نسبت به حوزه است. من دربارهی مسائل حوزه ، حرفها و سخنها دارم و

گفته‌ام. اما اینجا چون چهره‌ی عمومی ، چهره‌ی دانشجویی است ، بیشتر به دانشگاه پرداختم. لکن مسائل حوزه هم ، همینطور است. حوزه هم به اینکه خود را به روز کند احتیاج دارد. حوزه‌ی علمیه قم ، به عنوان قلّه حوزه‌های علمیه ، و به دنبال آن حوزه‌های دیگر علمیه ، باید کاری کنند که دین خدا در بین مردم ، مورد رغبت و شوق قرار گیرد. دین را آنچنان که خدا خواسته است ، باید به مردم ارائه دهند. این هم احتیاج به تحقیق ، به نوآوری ، به روشنفکری ، به آگاهی از دنیا و به خالی بودن از هواها و هوسهای دنیایی دارد. اگرنه در همه؛ لااقل در بخش عظیمی و حد اقل در کسانی که دستاندرکار و مسئول هستند. لذا شما میبینید در باره‌ی مرجع تقلید ، چه سختگیریهایی در اسلام هست : « صائناً لنفسه ، حافظاً لدینه ، مخالفاً لهواه ، مطیعاً لامر مولاه ». و دیدیم که یک مرجع تقلید با این خصوصیات مرحوم آیتاللّه العظمی گلپایگانی رحمه اللّه علیه ، برطبق شناخت و تشخیص من ، حقّاً و انصافاً همین خصوصیات را داشت وقتی از دنیا رفت ، جوش و خروش عظیمی در دلهای مردم به وجود آمد. این ، نشان داد که احساسات و ایمان مردم ایران چیست. ضمناً ، خنثی بودن و خنثی شدنِ تبلیغات و تلاشهای دشمنان را نشان داد.

حوزه باید طوری باشد که از این قبیل، انسانهای شایسته، زیاد پرورش دهد. همه به سنین بالا نمیرسند. همه به مرجعیّت نمیرسند. اما انسانهای خوب، در هر رتبه که باشند، وجودشان شایسته و مفید و مؤثر است؛ به شرطی که این دو باهم تلاش کنند، باهم انس داشته باشند و از تجربیات علمیِ هم استفاده کنند. اینها نکاتی است که در دیدارها و سخنرانیها، مکرّراً گفته میشود.

آنچه من میخواهم عرض کنم و این بیانات با توجّه به آن انجام شد ، این است که این دو باید ناظر به یک هدف باشند و آن ، تکمیل زندگی مردم است. حوزهی کامل؛ دانشگاه کامل. هرکدام به معنای کمال حقیقی خودشان؛ و هماهنگی این دو باهم. آنوقت ملت ، ملت مستقل ، و جامعهی ایرانی ، جامعهی الگودهنده خواهد شد. یعنی این انزجار شما نسبت به دشمنان دین دشمنان مقتدر دین که امروز از قدرت دنیایی برخوردارند تثبیت خواهد شد. نفیِ ملت ایران ، یعنی ای که میگوید ، یا اثباتی » نه « آن کلمهی نفیی که ملت ایران ، از زبان خودش صادر میکند. آن که از زبان جاری و صادر میکند ، هر دو ، در دنیا الگو خواهد شد. امروز ، بشریت به این الگو نیازمند است.

امیدواریم که خداوند متعال دلهای شما را به نور ایمان و معرفت منور کند و شما را به تأییدات الهی و توجّهات ویژه ولیّعصر أرواحنا فداه ، مؤیّد فرماید؛ و إن شاء اللّه بتوانید این هدف را ، آنچنان که شایسته و خداپسند است ، به پیش ببرید. (۱)

توقعات مقام معظم رهبری از دانشگاه

اقتدار یک ملت در گرو اقتدار علمی آن است

یک ملت ، با اقتدار علمی است که میتواند سخن خود را به گوش همهی افراد دنیا برساند؛ با

اقتدار علمی است که میتواند سیاست برتر و دست والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال اینها به دست میآید؛ پول تابع تواناییهاست. امروز اینطوری است؛ علم را میشود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد. این ، جایگاه علم است. ما از علم عقب ماندیم. نه فقط در دوران پنجاهسالهی منحوس پهلوی (که البته در این دوران ، از لحاظ عمق علمی ، پدر این مملکت را در آوردند. حالا خود تحلیل این مسئله ، یک تحلیل تاریخی اجتماعی است و یک مسألهی مهمی است(بلکه از قبل از آن. دوران قاجاریه و پهلوی مظهر این عقبماندگی علمی است. ما حالا داریم تلاش میکنیم که بتوانیم این درّهی وسیع را پر کنیم.

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان ، به مناسبت ((روز وحدت حوزه و دانشگاه)) ۱۳۷۲/۰۹/۲۴

وظیفه ی دانشگاه (نه فقط دانشگاه امام صادق؛ مطلق دانشگاه(در این کشور ، این است که این درّهی علمی را پ ر کند. هرچه میتوانید ، علم بیاموزید. (۱)

نیاز مبرم کشور به حرکت جهادی در دانشگاه ها

یکی از نقشههای مهمّ دشمن ، متوقّف کردن حرکت علمی در کشور است. خب ، وقتی این را فهمیدیم ، برمیگردیم به دانشگاه؛ اینجا آن مدیریّت جهادی که ما عرض کردیم ، (۲) معنا پیدا میکند. چون جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنیای انجام میگیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت میگیرد؛ این جهاد است. آنوقت معنای مدیریّت جهادی در اینجا این است که توجّه بکنید که حرکت علمی کشور و نهضت علمی کشور وپیشرفت علمی کشور مواجه است با یک چالش خصمانه ، که در مقابل این چالش خصمانه شما که مدیرید ، شما که استادید ، شما که دانشجو هستید ، باید بایستید؛ این شد حرکت جهادی و مدیریّت دستگاه؛ چه مدیریّت دانشگاه ، چه مدیریّت وزارت ، چه مدیّریت هر بخشی از بخشهای گوناگون این عرصهی عظیم ، خواهد شد مدیریّت جهادی. (۳)

توجه ویژه دانشگاهیان به نقشه جامع علمی کشور

نقشهی جامع علمی بحمدالله تصویب شد؛ آنطور که به من گزارش کردند ، مورد استقبال هم قرار گرفته است. چندین سند علمی بر اساس نقشهی جامع علمی تهیّه شده ، تنظیم شده ، ابلاغ شده ، و چندین سند علمی دیگر در حال تدوین است؛ و به ما گفته شد که بعضی از مسئولین بخشهای علمی از مجموعهای که اجرای نقشهی جامع علمی را بهعهده دارند ، درخواست تدوین سند علمی میکنند برای بخشهای خودشان. خب ، این اتّفاق افتاده است؛ این

یک اتّفاق مهم و کارسازی در کشور بوده است. آنچه مکمّل این کار میتواند بشود ، این است که برای دانشگاههای گوناگون کشور بر اساس مزیّتها ، مسئولیّت و سهم نسبت به مجموعهی نقشهی جامع علمی تعیین بشود؛ دانشگاههای معتبر کشور ، دانشگاههای مختلف کشور ، سهم خودشان را در مجموعهی این سند بزرگ چشمانداز علمی کشور بدانند و در آن بخشهای ویژهی مربوط به خودشان کار کنند؛ یعنی در مجموع یک جدولی بهوجود بیاید که هردانشگاهی سهم خودش را در پر کردن این جدول بداند و تشخیص بدهد. میتوان براساس مزیّتها و استعدادها ، دانشگاهها را تقسیم کرد و سهم هر دانشگاهی را بهعهدهی آن دانشگاه گذاشت. (۴)

۱- بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیهالسّلام) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

۲- پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال جدید ۱۳۹۲/۱۲/۲۹

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

لزوم هم راستا بودن فعالیتهای علمی با نیازهای کشور

یک نکتهی اساسی در فعّالیّتهای علمی این است که فعّالیّت علمی کشور ، ناظر به نیازهای کشور باشد که این بهطور کامل امروز تأمینشده نیست. همانطور که دوستان اشاره کردند ، مقالات علمیِ نمایه شدهی کشور ما امروز مشتری دارد ، یعنی مشتریِ کار علمی در دنیا فراوان است؛ ولی خب ، این کافی نیست. بله ،]اینکه[شما مقالهای تهیّه کنید و مرجع واقع بشود ، و به آن ارجاع داده بشود ، مایهی افتخار است ، چیز خوبی است ، برای کشور هم خیلی خوب است و نشانهی پیشرفت علمی کشور است؛ امّا از این مهمتر این است که آنچه شما در زمینهی مسائل علمی کار میکنید ، ناظر باشد به نیازهای کشور. خب ، امروز ملاحظه کردید ، در مورد مسائل مربوط به صنعت ، مربوط به کشاورزی ، مربوط به مدیریّت بحران ، مربوط به مسائل گوناگون کشور ، مطالبی را صاحبنظران ابراز کردند ، نیازهایی را گفتند ، کمبودها و ضعفهایی را که وجود دارد مطرح کردند؛ خب میتواند تحقیق علمی ، پژوهش علمی ، مقالهی علمی ، برای تأمین این نیازها تهیّه بشود و ناظر به رفع این نیازها باشد. این هم مسئلهی مهمّی است. اگر چنانچه در این زمینه دانشگاههای کشور تلاش بکنند ، این مهمترین کمکی است که به ادارهی کشور کردهاند. بحث کمکی که میتوانند دانشگاهها و محیطهای علمی بکنند ، همین است که در زمینههای گوناگون ، تأثیر بگذارند در تصمیمگیریهای مسئولین؛ ناظر باشد کار علمی آنها به نیازهایشان؛ حالا چه با مقالات علمی ، چه با پایاننامههایی که به دانشجوها میدهند ، چه با مناظرات علمی. (۱)

لزوم تقویت روحیه معنوی دانشجویان توسط اساتید

یک نکتهی دیگری که مناسب است به شما اساتید عرض بکنیم و اینجا من یادداشت کردهام ،

این است که استاد جایگاه تأثیرگذاری در ذهن شاگردان خودش دارد؛ خاصیّت استادی این است؛ یعنی تفوّق علمی شما بر دانشجو و تعلیمی که به او میدهید ، یک جایگاه اثرگذاری برای شما در ذهن او و در شخصیّت او بهوجود میآورد؛ از این جایگاه برای تربیت دانشجویتان استفاده کنید.

ما امروز نیازمندیم که جوانان ما خوشروحیّه ، امیدوار ، شجاع ، دارای اعتمادبهنفس، دارای ایمان ، دارای روحیّهی آیندهنگر ، دارای روحیّهی خدمت]باشند[؛ احتیاج داریم دانشجوی ما اینجور بار بیاید. خب ، این را شما میتوانید در محیط علمی ، در کلاس درس تأمین کنید. عکس آن هم ممکن است: میشود با تعبیراتی ، با متلک گفتن به بنیانها و اصول پذیرفتهشدهی کشور ، دانشجو را نسبت به آیندهی کشور بیاعتماد کرد ، بیاعتقاد کرد ، لاأُبالی کرد؛ این هم میشود. آنچه از استاد انتظار میرود فقط تغذیهی علمی دانشجو نیست ، بلکه تقویت روحیّهی معنوی او و شخصیّت معنوی او هم از استاد متوقّع است؛ شما میتوانید در این زمینه اثر بگذارید. سعی کنید

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

دانشجو را پایبند به تعلّقات معنوی ، تعلّقات خانوادگی ، تعلّقات میهنی بار بیاورید؛ دانشجو را معتقد و مؤمن به فرهنگ اسلامی بار بیاورید. بعضی بهعکس عمل کردند در طول سالهای متمادی قبل از انقلاب؛ بعد از انقلاب هم البتّه تا امروز رگههایی مشاهده شده در دانشگاهها؛ خب ، ما هم اطّلاع داریم ، شما هم اطّلاع دارید ، کسانی را و جریانی را میشناسیم ، میشناختید حالا اسم کسان و اشخاص مورد نظر نیست جریانی وجود دارد که مرعوب و مغلوب تسلّط فرهنگ غربی است؛ هرچیزِ غربی برای او مایهی تمجید]است[و هرچیزِ میهنی و ملّی و خودی مورد تحقیر و اهانت قرار میگیرد؛ داریم کسانی از این قبیل؛ این درست عکسِ آنچیزی است که باید باشد. استاد در محیط دانشگاه ، در محیط درس، میتواند دانشجوی خودش را ، هم از لحاظ دینی مؤمن بار بیاورد ، هم از لحاظ میهنی ، انسان علاقهمند به آیندهی کشورش و آیندهی میهنش و سرنوشت ملّتش بار بیاورد؛ میتواند او را امیدوار ، باروحیّه ، خوشبین ، معتقد به مبانی نظام کشور بار بیاورد؛ میتواند هم عکس عمل بکند. توقّعی که از استاد است این است: نباید سخن استاد موجب دلزدگی و یأس دانشجوی جوان بشود؛ مَنِش استاد هم همینجور است. (۱)

به هیچ وجه نباید دانشگاه تبدیل به باشگاه سیاسی شود

من خواهش میکنم از مدیران دانشگاهها و مسئولان گوناگون مدیریّتی که دانشگاه را مرکز جوَلان سیاسی و تلاشها و فعّالیّتهای جناحهای سیاسی قرار ندهید. سمّ مهلك حرکت علمی این است که دانشگاهها تبدیل بشوند به باشگاههای سیاسی؛ کاری که در یک دورهای انجام گرفت. این بهمعنای نفی حرکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاهها نیست؛ بنده همیشه مدافع و منادی کار سیاسی دانشجوها و دانشگاهیان بودهام و هستم الان هم معتقدم منتها نگاه سیاسی ، مَشرب سیاسی ، فهم سیاسی و فعّالیّت سیاسی داشتن ، یک حرف است و دانشگاه را و

کلاس درس را و محیط علمی را جولانگاه کار سیاسی قرار دادن ، یک حرف دیگری است؛ اینها با همدیگر تفاوت دارد. آرامش دانشگاه کمککنندهی به این است که دانشگاه بتواند در زمینهی مسائل علم که اینهمه اهمّیّت دارد کار خودش را انجام بدهد ، وظیفهی خودش را انجام بدهد ، و اگر خدای نکرده عکس این بشود ، اوّلین ضربهای که خواهیم خورد ، این است که حرکت علمی در دانشگاه و به تبع آن در کشور متوقّف خواهد شد ، یا کند خواهد شد؛ و عرض کردیم توقّف ، به معنای عقب گرد است. (۲)

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

باید فرآورده دانشگاههای ما شهید چمرانها باشد

مرحوم شهید چمران حقاً یک نمونه و مظهری بود از آن چیزی که انسان دوست میدارد تربیت جوانان ما و دانشگاهیان ما به آن سمت حرکت بکند.... این شهید یک دانشمند بود؛ یک فرد برجسته و بسیار خوشاستعداد بود. خود ایشان برای من تعریف میکرد که در آن دانشگاهی که در کشور ایالات متحدهی آمریکا مشغول درسهای سطوح عالی بوده آنطور که به ذهنم هست ایشان یکی از دو نفرِ برترینِ آن دانشگاه و آن بخش و آن رشته محسوب میشده تعریف میکرد برخورد اساتید را با خودش و پیشرفتش در کارهای علمی را. یک دانشمند تمامعیار بود. آن وقت سطح ایمان عاشقانهی این دانشمند آنچنان بود که نام و نان و مقام و عنوان و آیندهی دنیائیِ به ظاهر عاقلانه را رها کرد و رفت در کنار جناب امام موسای صدر در لبنان و مشغول فعالیتهای جهادی شد؛ آن هم در برههای که لبنان یکی از تلخترین و خطرناکترین دورانهای حیات خودش را میگذرانید.

از اول انقلاب هم در عرصههای حساس حضور داشت. رفت کردستان و در جنگهایی که در آنجا بود حضور فعال داشت؛ بعد آمد تهران و وزیر دفاع شد؛ بعد که جنگ شروع شد ، وزارت و بقیهی مناصب دولتی و مقامات را کنار گذاشت و آمد اهواز ، جنگید و ایستاد تا در ۹۴ خرداد سال ۱۱ به شهادت رسید. یعنی برای او مقام ارزش نداشت ، دنیا ارزش نداشت ، جلوههای زندگی ارزش نداشت.

اینجور هم نبود که یک آدم خشکی باشد که لذات زندگی را نفهمد؛ بعکس، بسیار لطیف بود ، خوشذوق بود ، عکاس درجهی یک بود خودش به من میگفت من هزارها عکس گرفتهام ، اما خودم توی این عکسها نیستم؛ چون همیشه من عکاس بودهام هنرمند بود. دل باصفائی داشت؛

عرفان نظری نخوانده بود؛ شاید در هیچ مسلک توحیدی و سلوک عملی هم پیش کسی آموزش ندیده بود ، اما دل ، دل خداجو بود؛ دل باصفا ، خداجو ، اهل مناجات ، اهل معنا.

توقعی که ما داریم و این توقع ، توقع زیادی هم نیست ، یعنی آن زمینهای که انسان مشاهده میکند این روحیههای پرنشاط شما ، این دلهای پاک و صاف ، این ذهنهای روشن ، این جوّال بودن فکرهای شما که انسان در عرصههای مختلف از نزدیک شاهد است این امید را و این توقع را به انسان میبخشد ، این است که فرآوردهی دانشگاه جمهوری اسلامی نه به نحو استثنا بلکه به نحو قاعده چمرانها باشند؛ نه اینکه چمرانها یک استثنا باشند. این امید ، امید بیجائی نیست.... این توقع بیجا نیست که ما بخواهیم دانشگاه جمهوری اسلامی ، در آینده عناصری مثل چمران را پرورش بدهد. آن وقت شما ببینید چه خواهد شد! چه خواهد شد! نظامی با مطالبات

بین المللیِ در سطح اعلا: در زمینه ی انسان ، در زمینه ی حکومت ، در زمینهی زن ، در زمینه ی اخلاق و در زمینه ی علم. مطالبات امروز ما مطالبات بینالمللی است. (۱)

توقعات مقام معظم رهبری از حوزه علمیه

مطلب اول

این نظام ، بر محور تفکرات اسلامی بنا شده و بایستی بر محور مقررات و بینشهای اسلامی اداره بشود. این تفکرات و بینشها و مقررات ، در کجا بایستی تحقیق و تنقیح بشود؟ این استفهامها ، در کجا باید پاسخ داده بشود؟ اگر حوزهی علمیهی قم که امروز در کشور ما و بلکه در عالم تشیع ، مادر و محور حوزههای علمیه است و در درجهی بعد بقیهی حوزهها ، تنقیح و تبیین مقررات و احکام و معارف اسلامی را که نظام با آنها حرکت خواهد کرد به عهده نگیرند ، چه کسی باید به عهده بگیرد؟ حوزهها بایستی این مسئولیت را احساس بکنند.

مطلب دوم

مطلب دوم در باب کارهای اصلیای است که باید از حوزه توقع داشته باشیم. ما وقتی به تصویر دنیای اسلامی کشورمان نگاه میکنیم ، پنج کار اصلی را میبینیم که باید انجام آن را از حوزه توقع داشته باشیم.... البته ، این تعریف و تقسیمبندیی که ما میکنیم ، جامع و مانع نیست.

کار اول ، عبارت از مرجعیت و افتاست. مردم همیشه محتاج مرجع و مفتی هستند و حوزه متکفل تربیت و تولید مرجع و مفتی است.

کار دوم ، تربیت مدرّس است. حوزه ، طبعاً مدرّسانی لازم دارد که باید در خود حوزه تربیت بشوند.

کار سوم ، تحقیق و تألیف در مسائل علمی است؛ چه کارهایی که از بیرون به حوزه عرضه

میشود و چه کارهایی که متعلق به خود حوزه است و به محققان و مؤلفانی که کتابهایی بنویسند ، احتیاج دارد و چه کتابهایی که برای بیرون حوزه لازم است و چه کتابهایی که حاوی تحقیقات جدید در مسائل فقهی است و شیوهی نوین استنباط را بیان میکند که امام در همین پیام و یکی از پیامهای قبلیشان به آن اشاره کردند و چه کتابهای درسی. این سه کار ، بیشتر به درون حوزه توجه دارند؛ ولی دو کار دیگر به بیرون حوزه نگاه میکنند.

کار چهارم ، مسألهی قضاست. سیستم قضائی اسلامی ، فقیه و مجتهد و عادل را میطلبد. قضای اسلامی این است. آن وقتیکه ما مجتهد و مفتی و صاحبنظر نداریم ، به قاضی مأذون «مِن قِبَل المجتهد اکتفا میکنیم. این از باب ضرورت است که «الضّرورات تبیح المحذورات. » آن وقتی که قاضی عادل قطعی نداریم ، به آنکه مورد اعتماد باشد ، اکتفا میکنیم؛ و الّا باید فقیه و

۱- بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه ها ۱۳۸۹/۰۴/۰۲

مجتهد عادل ، منصب قضا را به عهده بگیرد. پس، این هم کار دیگر حوزههای علمیه است که بایستی دائماً یک رشته از رشتههای پنجگانهی آن ، برای این مهم کار کند.

کار پنجم ، تبلیغ در سطح وسیع و به شیوهی مطلوب و مدرن است که در مطلب سوم ، شأن تبلیغ و ابعاد گوناگون تبلیغی را که امروز از ما متوقع است ، توضیح خواهم داد. این پنج مسئولیت را حوزهی علمیه باید انجام بدهد.

این پنج مسئولیت را حوزهی علمیه باید انجام بدهد. آیا بدون نظم و تقسیمبندی و تقسیم کار و کوتاه کردن راهها و زدن از زواید و پرداختن به بعضی از کارهای لازمی که امروز به آنها پرداخته نمیشود ، ممکن است این پنج وظیفه را از حوزه متوقع باشیم و حوزه آنها را برآورده کند؟ ما باید حساب کنیم فرضاً در سی سال آینده ، این کشور اسلامی چند نفر قاضی مجتهد عادل لازم دارد. حوزه بایستی این طور خیز بردارد که بتواند تا سی سال آینده ، این تعداد را تربیت کند. همچنان که برای تربیت پزشک، به دانشگاهها میگوییم مثلًا برای بیست سال آینده ، این تعداد پزشک لازم داریم. دانشگاههای پزشکی هم طوری برنامهریزی میکنند که این نیاز تأمین بشود. حالا اگر پزشک نداشتیم ، از کشورهای دیگر میآوریم؛ ولی اگر ملا نداشتیم ، از کجا بیاوریم؟ این توقع نیز جز با سازماندهیِ درست انجام نمیگیرد.

مطلب سوم

مطلب سوم در باب حوزه و انتظاراتی است که از حوزه میرود. آقایان! ما ملت ایران ، انقلاب بسیار بزرگی کردیم. عظمت این انقلاب ، خیلی زیاد است و من محکم به شما عرض میکنم که اغلب ما خیلی از چیزها را میدانیم؛ ولی هنوز نمیدانیم چه کار عظیمی انجام گرفته است. این انقلاب ، حادثهی فوقالعاده و عجیبی است. همهی دنیای استکبار و طغیان و جاهلیت یک طرف

و این انقلاب طرف دیگر. واقعهی خیلی مهمی اتفاق افتاده است و در خودش این کفایت را میبیند که به مصاف تمام طغیان و کفر جهانی برود. ما در این انقلاب قرار گرفتهایم و نمیفهمیم چه قدر بزرگ و مهم است.

این انقلاب ، با این عظمت و ابعاد و آثار عملی ، از لحاظ ارایهی مبانی فکری خودش، یکی از ضعیفترین و کمکارترین انقلابها و بلکه تحولات دنیاست.... وقتی انقلاب اکتبر تحقق پیدا میکند ، در طول ده پانزده سال ، آن قدر کتاب و فیلم و قصه و جزوه در سطوح مختلف راجع به مبانی فکری این انقلاب نوشته میشود که در کشورهایی که باد آن انقلاب به آنها رسیده ، دیگر مردم احتیاجی ندارند از کتابهای آنها استفاده کنند!

... یکی از کارهایی که حوزه باید انجام بدهد ، همین است. یعنی مرکزی داشته باشد و کتابهایی را که در دنیا راجع به انقلاب نوشتهاند ، جمع کند؛ چه آنهایی که مستقیماً در بارهی انقلاب است و چه آنهایی که به خاطر انقلاب ، به شیعه و یا اسلام فحش دادهاند و چه کتابهایی

که از ما تعریف کردهاند و نقاط قوّت ما را که بعضاً خودمان هم از آنها غافل بودهایم یادآور شده اند.

در این مرکز ، محققان حوزه باید مشابه این کتابها را نیز در داخل کشور جمعآوری کنند و مورد بررسی قرار دهند. وقتیکه محقق میگوییم ، فوراً ذهن به سمت پیرمردهای از کار افتاده نرود. محققان جوان مثل خود شما بنشینند اینها را تقسیمبندی کنند و تفکر و ذهنیت انقلاب و به تعبیر اروپایی آن ، ایدئولوژی انقلاب را که متأسفانه هنوز معادل فارسی آن را پیدا نکردهایم تدوین کنند و آن را نه در یک جلد کتاب و نه با یک بیان بیرون بدهند؛ که اگر از ما پرسیدند: انقلابتان چیست؟ بگوییم این است. اگر شما چنین کاری نکردید ، دیگرانی که غالباً صلاحیت ندارند ، خواهند کرد.

... در حوزههای علمیه ، استعدادهای فوقالعاده وجود دارد. واقعاً فهمیدن بعضی از مطالبِ اصولی و فلسفی و بعضی از ریزهکاریهای فقهی ، مشکلتر از فهمیدن بسیاری از فرمولهای علمی دنیاست و طلبهها با آن دقت فکری خودشان ، این مطالب را میفهمند. مگر میشود آدم مغزی به آسانی پیدا کند؟ در حوزههای علمیه ، از این قبیل متفکران که « قوانین » مثل مغز صاحب مرتب فکر و دقت و ریزبینی میکنند ، زیاد است. اگر این استعدادها و خلاقیتها و ذوقهایی که گاهی مشاهده میشود ، به شکل صحیحی به سمت یک تبلیغ درست هدایت شود ، ما دیگر محتاج چیزی نیستیم.

مطلب چهارم

امروز تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام هست که ارتباط مستقیمی با انقلاب ندارد. این تهاجم ، وسیعتر از انقلاب و علیه اسلام است. چیز عجیب و فوقالعادهیی است که با تمام ابعاد

فرهنگی و اجتماعی و سیاسی ، علیه اسلام و حتّی اسلامی که در تودهی مردم الجزائر نفوذ دارد وارد کارزار شده است. فقط یک استثنا دارد و آن اسلامِ وابسته به دستگاههای استعماری و فهدگونه است؛ و الّا حتّی اسلامهای به معنای اعتقاد عوامانهی مردم هم مورد تهاجم است؛ چه برسد به اسلام ناب و انقلابی و به تعبیر آنها اسلام ایران که دیگر وضعش روشن است.

تهاجم عجیبی وجود دارد. چیزهایی که شما میشنوید مثل حجاب در فرانسه و مبارزه با دختران محجبه در این کشور اینها جرقههایی است که نشان از آتشهای زیر خاکستر میباشد و از کار عظیمی در پشت پرده خبر میدهد. قضیه فقط این نیست که یک دولتِ مثلًا لاییکی بگوید که ما نمیخواهیم محجبهیی باشد؛ نه ، اینها اصلًا از اسلام به شدت احساس خطر کردهاند.

... مدتی از قضیهی تنباکو و قضایای مختلفی که در همان هند و افغانستان و ایران و مصر و سایر کشورها اتفاق افتاده بود ، گذشته بود و استکبار و استعمار جهانی ، از قدرت اسلام غافل شده بودند و دیگر آن حساسیت را نسبت به اسلام خیلی نشان نمیدادند. علتش هم این بود که از این

طرف ، اسلام چیزی از خودش نشان نداده بود و آنها قدری دچار غفلت شده بودند. چند دههای که گذشت ، انقلاب ما پیروز شد و تمام معلومات و معارف استعماری آنها که در طول سالهای متمادی اندوخته بودند به هم ریخت و ناگهان احساس کردند که همان اسلام قدیمی که از او میترسیدند با قدرت فراوان به میدان آمده است.

... اینها ، راجع به اسلام کارشناس و متفکر دارند که می نشینند بررسی میکنند و در بارهی ملتها و اندیشه ها و روحیات و مذاهب گوناگون ، پروندههایی درست می کنند و در مراکز تحقیقاتی و فرهنگی و جاسوسی و سیاسی خود ، تمام آن پرونده های آرشیو شده را دو مرتبه مطرح میکنند و کارهای تحقیقاتی جدید انجام می دهند. اینکه میشنویم در اسرائیل ، سمیناری تحت عنوان برگزار میشود ، به همین معنا و در همین جهت است. در » شناخت اسلام و تشیع در ایران « بسیاری از جاهای دنیا ، سمینارها و جلساتِ تحقیقاتیای توسط دنیای غرب و سرمایهداری و استکبار تشکیل میشود و تزهای گوناگونی برای بازنگری به اسلام مطرح میگردد.

استکبار ، همه ی وجودش را اندیشمندانه در جهت ادارهی مطلوب خودش به کار می گیرد و کاملًا با فکر حرکت میکند و جریانات جهانی را هدایت مینماید تا محفوظ بماند؛ چون میداند که اگر فکر و پیشبینی و آینده نگری نکرد و اگر آمار نداشت ، ضربه خواهد خورد. عالی ترین و ممتازترین دستگاههای فکری ، در اختیار استکبار است. اینها ، از پانزده یا بیست سال پیش، برای مسائل بلند مدت سرمایهداری ، فکر و طراحی می کنند و نقشه می ریزند تا در آینده از آن جواب بگیرند.

... در حال حاضر ، یک جبهه بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانهها همراه است ، مثل سیلی راه افتاده تا با ما بجنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست.

بسیج عمومی هم در آنجا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم بهگونهای است که تا به خود بیاییم ، گرفتار شدهایم. مثل یک بمب شیمیایی نامحسوس و بدون سروصدا عمل میکند. فرض کنید در محوطهیی یک بمب شیمیایی بیفتد که احدی نفهمد که این بمب در آنجا افتاد؛ ولی پس از هفت ، هشت ساعت ببینند صورتها و دستهای همه تاول زده است. الآن در مدرسهها و داخل خیابانها و جبهه ها و حوزههای علمیه و دانشگاههای ما ، ناگهان نشانههای این تهاجم تبلیغی و فرهنگی را خواهید دید.

... هدف این تهاجم با چنین ابعادی ، اسلام و انقلاب و ما هستیم. البته ، شکی نیست که مقابله با این تهاجم ، پول و بودجه و امکانات و پشتیبانیهای سیاسی دولت را میخواهد؛ اما دولت پول بدهد و پشتیبانی بکند که چه بشود؟ طبیعی است که فکری پخش بشود. آن فکر کجا تولید خواهد شد؟ آیا آن هم در دولت است یا در حوزه؟ اینها انتظاراتی است که از حوزه می رود.

مطلب پنجم

من ، چهار انتظار را مطرح کردم که حوزهی علمیه پاسخگو باشد.... البته ، یک چیز دیگر هم در اینجا وجود دارد و آن نقش حوزه غیر از جنبههای فرهنگی در ادارهی جامعه است. ما نباید از نقش سیاسی حوزه و شخصیتهای حوزوی در ادارهی جامعه غافل شویم. این ، چیز مهمی است. شما باید رهبران آیندهی انقلاب و کشور را در حوزه بسازید و بپرورانید و فراهم کنید؛ شخصیتهایی که بتوانند رئیسجمهور و وزیر و نماینده و نظریهپرداز سیاسی باشند. (۱)

نمونهای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع روز

،. تولید بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل به همراه مسابقه برای توزیع در دانشگاهها و حوزههای علمیه

ویژگیهای جامعه الگو و « ۹. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع

و مشارکت با صداوسیمای استانی برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی » راهکارهای دستیابی به آن

یا رادیویی

۱. برگزاری میزگرد تحلیلی ، کرسی آزاداندیشی یا پرسش و پاسخ با هدف تحلیل ابعاد موضوع

در دانشگاهها و حوزههای علمیه » جامعه الگو و راهکارهای دستیابی به آن «

در دانشگاهها و حوزههای علمیه » وظیفه من در تحقق جامعه الگو « ۱. برگزاری مسابقه

۱- سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلّاب و فضلای حوزه ی علمیه ی قم ۱۳۶۸/۰۹/۰۷

فصل نهم: محبت اهل بیت (علیه السلام) – نقطه پیوند دولت و ملت

ارزش بسیار بالای محبت اهل بیت (علیهم السلام)

مقام معظم رهبری

خدا را با همهی وجود شکر و سپاس میگزاریم که این دلهای پر محبت را و این محبتهای جوشان را مانند ذخیرهای برای ملت ما و برای سعادت ما و برای آبروی ما به ما عنایت کرده است.

اگر محبت اهلبیت (علیهم السّلام) و عشق جوشان به این عناصر الهی و ربانی نمیبود ، مسلّماً جریان شیعه با همهی معارف مستحکم آن ، در طول زمان و تاریخ ، در میان این همه دشمنی باقی نمیماند. این عواطف را ، این شور محبت را نباید دست کم گرفت. یقیناً منطق در به کرسی نشاندن سخن حق تأثیر زیادی دارد و بدون پشتیبانی منطق و حکمت ، هیچ حقی را نمیشود بر پا نگه داشت؛ اما گسترش گرایش به حق ، بقای این حق ماندگارِ در طول تاریخ اسلام ، جز با محبت ، با مودت ، با پیوند قلبی و عاطفی ، امکانپذیر نبود. لذا شما ملاحظه کنید؛ از اول اسلام تا امروز ، پیوند فکری و عقلانی همراه بوده است با پیوند عاطفی و قلبی.

اگر در تاریخ ملاحظه میکنید که وقتی پیغمبر اکرم در ایام فتح مکه یعنی هشت سال بعد از هجرت پیغمبر هنگامی که وضو میگرفت ، اصحاب آن بزرگوار سبقت میجستند برای اینکه آب وضوئی را که از صورت مبارک آن بزرگوار جاری میشد ، بگیرند و به عنوان تبرک بر سر و روی خود بکشند ، این همان پیوند عاطفی است؛ این فرق دارد با خضوع قلبی و ایمان به معارف نبوی؛ این یک چیز دیگر است؛ این همان چیزی است که یک دشمن عنود مثل ابی سفیان را متحیر و متعجب کرد. او این منظره را دید و گفت: من قدرتها و حکومتها و سلطنتهای زیادی را

دیدم ، اما هیچ قدرتی را ندیدم که اینجور در دلهای مردم نفوذ کند؛ آنچنانی که امروز قدرت اسلام را میبینم. این ، ارتباط قلبی و عاطفی است؛ این را باید حفظ کرد.

از اولِ تاریخ تشیع تا امروز ، یک عنصر اصلی و اساسی در تشیع و جریان تشیع ، همین جریان عاطفی است؛ البته عاطفهی متکی به منطق ، عاطفهی متکی به حقیقت ، نه عاطفهی پوچ. لذا قل لا اسئلکم « ؛ شما در قرآن هم ملاحظه میکنید که اجر رسالت ، محبت و مودت در قربی است .» علیه اجرا الّا المودّة فی القربی (1) این خیلی نکتهی مهمی است که باید به آن توجه داشت.

تشیع ، آیین محبت است. خصوصیت محبت ، خصوصیت تشیع است. کمتر مکتب و مسلک و دین و آیین و طریقهیی مثل تشیع ، با محبت سر و کار داشته است. علت این هم که چنین

۱- شوری/ ۲۳

فکری تا امروز مانده در حالی که اینهمه با آن مخالفت کردهاند این است که ریشه در

زلال محبت داشته و دین تولّی و تبرّی و آیین دوست داشتن و دشمن داشتن است و عاطفه در

آن ، با فکر هماهنگ و همدوش است. چیزهای خیلی مهمی است. اصل خیلی سحرآمیز و

عجیبی است.

اگر محبت در تشیع نبود ، این دشمنیهای عجیبی که با شیعه شده ، باید او را از بین میبرد.

همین محبت شما مردم به حسینبن علی(علیه السّلام) ، ضامن حیات و بقای اسلام است. اینکه

امام میفرمود ، عاشورا اسلام را نگهداشت ، معنایش همین است. فاطمیه و میلاد و وفات

پیامبر(ص) و ائمه(علیهمالسّلام) هم همینطور است. (۱)

آیت الله العظمی بهجت

محبت اهل بیت از اعظم طاعات و واجبات

محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام خود ، یک عمل است و واجب ، بلکه از اعظم -

طاعات و واجبات است ، به حدّی که فرمودهاند: "لم يناد بشيء كما(ما(نودى بالولايه."(۲) ، به هیچ

چیز ، همانند ولایت فرا خوانده نشده است. البته نماز ، روزه ، زکات و حج هم واجب است و محبت

هر قدر رتبهاش بیشتر باشد ، اثر آن در اعمال دیگر بیشتر خواهد بود. در قرآن شریف

میفرماید: "الا المودة فى القربى" (۳) به جز مودّت نزدیکان (من(. اگر چیز دیگری غیر از مودّت

اهل بیت علیهم السلام برای مردم نافع تر بود ، بیان می شد. (۴)

آیت الله مصباح یزدی

اساس اسلام محبت اهل بیت (علیهم السلام) است

کُلِّ شَیْء « : هر چیز پایهای دارد و پایه و اساس اسلام محبت اهل بیت(علیهم السلام(است

». اساسٌ و اساس الاسلامِ ح بُّنا اهلَ البیتِ اگر این محبت بود ، کاخ اسلام پابرجا میماند ، گرچه ممکن است در و دیوارش خرابی پیدا کند و سقفش سوراخ شود؛ اما چون پایه محکم است آن خرابیها قابل ترمیم و جبران است.

از خدای متعال میخواهیم این ذخیره گرانبهای محبت و ولایت اهل بیت(علیهم السلام(را برای ما تا روز قیامت حفظ فرماید و هرگز آن را از قلب ما بیرون مبرد. (۵)

آیت الله مجتهدی تهرانی

محبت اهل بیت (علیهم السلام) در هفت جایگاه سودمند است

ح بِّی وَ ح بُّ اَهْلِ « : روایت از پیغمبر اکرم (صلّی الله علیه و آله و سّلم) منقول است که فرمودند »... بَیْتی نَافِعٌ فی سَبْعَهِ مَوَاطِنَ اَهْوَالُه نَّ عَظیمَهٌ (۶) ؛ دوستی نسبت به من و اهل بیتم در هفت موقعیّت سود بخش است.

این موقعیّتها مواطنی است که خوف ، بیم و ترس در آنها بزرگ است. تا اینجا اشاره به این معنا است که این رابطه درونی با پیغمبر اکرم و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) در این هفت موقعیت که انسان در آنها خوفناک است و خوف هم بزرگ است ، اثر میگذارد. یعنی سودی که میرساند عبارت از این است که آن خوف و ترس تخفیف پیدا میکند.

آن هفت موقعیت عبارتند از:

هنگامی که انسان از نشئه دنیا به نشئه برزخ کوچ میکند ، خوفناک است. ؛» عِنْدَ الْوَفَاۀ « .

مرگ اینگونه است ، ترسناک است. این محبّت آنجا اثر میگذارد و از ترس انسان میکاهد.

براساس روایات مراد از عالم قبر ، نشئه برزخ است. نشئه برزخ هم ترسناک ؛» وَ فی الْقَبْر « .، است. در آنجا هم این رابطه درونی سود بخش است. یعنی از آن خوفی که انسان در نشئه برزخ دارد ، می کاهد.

آنگاه که انسان از نشئه برزخ به نشئه قیامت کوچ میکند. یعنی هنگامی ؛» عِنْدَ النُّشُور « ۹.
که انسانها به قیامت برانگیخته میشوند و با آن صحنهها مواجه میشوند. در آنجا هم مثل
مرگ که رفتن از نشئه دنیا به برزخ بود ، دوباره انسان میترسد. اینجا هم این رابطه درونی یعنی
محبت پیامبر و اهل بیتش (صلوات الله علیهم اجمعین) نافع است.

آنگاه که صحیفه اعمال را بهدست انسان میدهند. در آنجا هم وقتی ؛» وَ عِنْدَ الْکِتَاب « ۱.
انسان خبردار میشود که در دنیا چه کرده است ، باز هم خوف شدید او را فرا میگیرد. مراد از
در قیامت هم این است که صحیفه عمل هر » تَطائُر کتب « کتاب ، صحیفه اعمال است. مراد از
کسی را به دست خود او میدهند. در این هنگام نیز این رابطه محبّتی ، اثر تخفیفی میگذارد.

هنگام محاسبه اعمال. معنای حساب ، بازجویی نسبت به اعمال است. ؛» وَ عِنْدَ الْحِسَاب « ۱.
آنگاه که از انسان بازجویی میکنند ، باز انسان خوف شدید میگیرد که چه جواب بدهم؟ این
محبت ، آنجا هم اثر میگذارد.

آنگاه که اعمال را میسنجند ، آنجا هم هولناک است. در آنجا هم این ؛» وَ عِنْدَ الْمیزَان « ۱.
رابطه درونی اثر میگذارد.

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان ۱۳۶۹/۱۰/۱۷
۲- کافی ، ج ۲ص ۱۸و ۲۱؛ وسائل الشیعه ،ج ۱ص ۱۷و ؛ بحارالانوار، ج ۶۵، ۳۲۹ و ۳۳۲
۳- شوری/ ۲۳
۴- مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهجت ، bahjat.org
۵- پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله مصباح یزدی ، mesbahyazdi.ir
۶- امالی شیخ صدوق ۰ صفحه ۱۰بحار الانوار ، جلد ۷ صفحه ۲۴۸

هنگام عبور از صراط ، که خوفش از همه جا بیشتر است ، این محبّت » وَ عِنْدَ الصِّرَاط « .۳

سودمند است. به این ترتیبی که حضرت آوردهاند دقّت کنید! دقیقاً از عبور از نشئه دنیا تا آخر کار

در آن لحاظ شده است.

نکته: اثرگذاری این رابطه دورنی در ربط با چیست؟ بهخصوص آنجایی که صحیفه عملم را

به دستم میدهند ، آن موقع که نگاه میکنم ، در این موقعیّت ، محبّت به پیامبر اکرم و ائمه

و » مقبولیت طاعات « (علیهمالسلام(در دو رابطه برای انسان سودمند و اثر گذار است؛ یکی

.» جبران نقایص طاعات « دیگری

طاعات ما آفت دارد؛ این محبّت ، آفت طاعات را از بین میبرد ، این جسد را زنده میکند و این

نقص را جبران میکند. توجّه داشته باشید که معنایش این نیست که این محبّت ، معاصی را از

بین میبرد! برخی که در فهم روایات کجفهمند ، اینجا اشتباه میکنند. آنچه میگویم ، با توجه به

جمیع معارف ما است که در روایات متعدده ما وارد شده است. مضمون این روایات این است که

خیال نکنید حبّ ما اهل بیت در معاصی شما مؤثر است. نخیر ، حبّ اهل بیت(علیهمالسلام(روی

طاعات ما اثر میگذارد ، آن هم در دو رابطه؛ یکی مقبولیت و دیگری جبران نقص آن طاعات.

بنابر این ، در این هفت موطن که هولناکند ، و انسان از آنها بیم دارد ، این محبت از بیم انسان

است. آن بیم و ترس، بالاترین زجر برای » نافع « میکاهد. بر اساس این روایت ، این محبت

انسان است. انسان از این دنیا میخواهد برود ، زجر میکشد. اما محبّت آنها این زجر را از انسان

میگیرد. در برزخ میخواهد زجر بکشد ، این محبت از زجر کشیدن انسان میکاهد. در روز قیامت

که میخواهد مبعوث شود و از آن نشئه به نشئه دیگر وارد شود ، آنجا هولناک است؛ این محبّت

از آن زجر میکاهد. تا صحیفه اعمال را بدستش بدهند زجر میکشد. آنجایی که بازجویی

میکنند باز زجر میکشد. همینطور هنگام سنجش و میزان اعمال ، در همه اینها انسان زجر میکشد. چه رسد به آخرِ کار که عبور از پل صراط است.

امّا این حبّ در تمام این مراحل اثر گذار است و از خوف انسان میکاهد. نسبت به خود اعمال اثر دارد؛ روی طاعات اثر دارد ، آن هم در این دو رابطه: یک: مقبولیت برای طاعات ، دو: جبران نقایص طاعات. اما در مورد معاصی یا باید در این دنیا توبه کرد و یا نعوذبالله خداوند در این مسیر هولناک، فشارهایی را برای تطهیر انسان در نظر می گیرد. (۱)

عشق و علاقه ملت ایران به اهل بیت علیهم السلام

مقام معظم رهبری

این ملت ، ملت انقلابی است. این کشور ، کشور اسلام ، کشور امام زمان و کشور اهل بیت است. این کشور ، کشور قرآن است. ریشههای ایمان در این کشور ، خیلی عمیق است. سالها

۱- آیت الله مجتبی تهرانی، ۸۹/۰۵/۰۶ مسجد جامع بازار تهران

حرکت استکباری و استعماری ، با همه ی مظاهر بی ایمانی که آورد و وارد این کشور کرد ، نتوانست این ملت را از دین و ایمانش جدا کند. (۱)

آن کسانی که میخواهند این کشور را از عقاید و عواطفِ پاک و منطقی و نشاندهندهی عمق اعتقاد آنها دور کنند ، باید بدانند که کاری از پیش نخواهند برد. این مردم بیدارند. این مردم به اسلام پایبندند. این مردم به عشق اهل بیت پایبندند. (۲)

اساساً مادامی که ایمان ، با محبت و عشق عمیق و رنگ و بوی پیوند عاطفی همراه نباشد ، کارایی لازم را ندارد. محبت است که در مقام عمل و تحرک آن هم در حد بالا به ایمان کارایی میبخشد. بدون محبت نمیشد ما نهضت را به پیش ببریم. بالاترین عنوان محبت یعنی محبت به اهل بیت در تفکر اسلامی ، در اختیار ماست. اوج این محبت ، در مسألهی کربلا و عاشورا و حفظ یادگارهای گرانبهای فداکاری مردان خدا در آن روز است که برای تاریخ و فرهنگ تشیع ، به یادگار گذاشته شده است. (۳)

آیت الله العظمی نوری همدانی

یکی از جلوههای محبت مردم متعهد ایران نسبت به اهلبیت عصمت علیهم السلام این است که مردم ولایتمدار این مملکت در طول تاریخ هر موقعی که ایام عید با ایام عزاداری اهلبیت علیهم السلام مواجه شده است ، مراسم و آداب عزاداری را بر مراسم عید ترجیح دادهاند و به این وسیله ارادت خود به اهلبیت علیهم السلام را به نمایش گذاشته اند. (۴)

آیت الله سعیدی

طی سالهای متمادی ارادت و علاقه مردم به اهل بیت به مناسبتهای مختلف قابل رؤیت و همیشه آرزوی آنها زیارت عتبات عالیات بود. همین ارتباط در عاشورا و اربعین و دیگر مناسبتها

موجب بیداری و مقابله با ظلم و جهل بوده است.

محبت اهل بیت عامل وحدت

مقام معظم رهبری

قرآن ما را به وحدت توصیه کرده است. قرآن ما را تهدید کرده است که اگر اتحاد و همبستگی خودتان را از دست بدهید ، آبرو و هویت و قدرت شما نابود خواهد شد. (۵)

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) ۱۳۷۷/۰۶/۲۴

۲- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۳۷۸/۰۷/۰۹

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای جامعه ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران ، علما و ائمه ی جماعت و جامعهی وعاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی ، در آستانه ی ماه محرّم ۱۳۶۸/۰۵/۱۱

۴- بیانات آیت الله نوری درباره همزمانی ایام فاطمیه با نوروز ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ رجا نیوز، rajanews.com

۵- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۰۲/۰۶

مسأله ی اهل بیت (علیهم الصّلاهٔ و السّلام(، یکی از مهمترین و بزرگترین مسائل اسلام و در ردیف مسائل درجهی اول این دین مقدس است. محبت اهل بیت ، فریضهیی است که مسلمانان عالم از هر فرقه و وابسته به هر جریان و گروهی ، آن را پذیرفتهاند و به آن مباهات میکنند. ما که مفتخر به پیروی از فقه اهل بیت مکرّم هستیم و دین را اصولًا و فروعاً از آنها آموختهایم ، نباید گمان کنیم که محبت اهل بیت ، مخصوص ماست و نباید اشتباه کنیم و فکر کنیم که اهل بیت ، فقط متعلق به ما هستند. اهل بیت متعلق به اسلامند؛ همچنان که جدشان نبی اکرم ، متعلق به اسلام بود. اهل بیت متعلق به جهان و تاریخند؛ همچنان که جدشان نبیّ اکرم (صلّی الله علیه و آله و سلّم(، متعلق به بشریت و تاریخ بود.

مهم این است که دنیای اسلام میتواند بر محور دو نقطهی مربوط به اهل بیت ، اتفاق و اتحاد داشته باشد: یکی محبت است که یک امر عاطفی و عقیدتی است و مسلمین به محبت اهل بیت (علیهمالسّلام(امر شدهاند و همه آن را قبول کردهاند. این نقطه میتواند نقطهی تمرکز عواطف و احساسات همهی مسلمین باشد. نقطهی دوم ، آموزش دین و تعلم معارف و احکام الهی به مثابهی عِدل قرآن و به موجب حدیث ثقلین است ، که باز این حدیث را شیعه و سنی و فرق مختلف اسلامی روایت کردهاند.

این چیز مهمی است که برافراشتن پرچم اهل بیت (علیهمالسّلام(در دنیای اسلام ، حقیقتاً میتواند دنیای اسلام و مسلمین را از این دو نقطهنظر گرد هم مجتمع کند. امروز این فرصت عظیم در اختیار همهی مسلمین است؛ مخصوصاً آنهایی که مکتب اهل بیت را در عمل تحقق بخشیدهاند و ایماناً و عملًا به آن متصل شدهاند.

امروز در ایران اسلامی که حاکمیت اسلام و قرآن در آن ، امیدی به همهی مسلمین عالم داده

است بحمد اللّه پرچم اهل بيت در اهتزاز است و ما ميبينيم كه همهى مسلمين گوشه و كنار عالم ، به اين نظام و به اين جمهورى و به اين پرچم و به پرچم متعالى اسلام كه در اينجا در بموالاتكم تمّت الكلمه و عظمت « . اهتزاز است ، احترام ميگذارند و از آن احساس عزت ميكنند .» النّعمه و ائتلفت الفرقه

امروز لازم است كه پيروان مكتب اهل بيت ، دو كار اساسى را وجههى همت خود قرار بدهند: در مرتبهى اول ، باهم آشنا بشوند ، همكارى و همفكرى بكنند ، معضلات را حل كنند ، گرهها را باز كنند ، احساس خويشاوندى نمايند و در هر نقطهيى از دنيا كه هستند ، بدانند كه تعارف آنها باهم و تشكلشان به شكل صحيح ، قلب مقدس وليّعصر (ارواحنا فداه و عجّل الله تعالى فرجه(را شاد ميكند. اين بزرگواران ، از تفرقه و تشتت و جدايى و بَغضا متنفر بودند؛ اهل وحدت و عامل جمع و شمع انجمن بودند. امروز هم پيروان و علاقهمندان آنها ، بايد اين را تأمين كنند.

دوم اينكه مجموعهى پيروان مكتب اهل بيت (عليهمالسّلام(، در هرجاى دنيا كه هستند ، با همهى وجود باور كنند كه جزيى از عايلهى بزرگ مسلمينند؛ نه به زبان ، بلكه با همهى احساس.

اگر غیر از این باشد ، دشمنان اسلام و اهل بیت ، حد اکثر خشنودی و خوشحالی را پیدا خواهند کرد.

از مدتها پیش، دشمنان اسلام ، علاج کار خود و منویات خبیثشان را در منطقهی اسلامی در این دیدند که مسلمین را متفرق و شعبه شعبه کنند ، مشترکاتشان را تضعیف و یا کمرنگ کنند و به چیزهایی که آنها را از هم جدا میکند ، تکیه نمایند. بحمد اللّه انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی نگذاشت ، یا بسیاری از خواستهها و اهداف آنها را خنثی کرد. (۱)

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

ملت مسلمان ایران باید متوجه باشند تا وحدت بین آنها دچار خدشه نشود. ایرانیان پیرو اهل بیت (ع(و مکتب تشیع هستند. محبت اهل بیت ، مانع ایجاد تفرقه بین آذری زبانها و سایر اقوام ایران اسلامی است. (۲)

آیت الله خاتمی

ملت بزرگ ایران گره خورده با محبت اهل بیت است و این تنها اختصاصبه شیعیان نیز ندارد؛ بلکه حتی سایر مذاهب و سایر فرق دیگر کشورمان نیز در این جهت با ملت بزرگ ایران همراه هستند. به عنوان نمونه در عرصه عزاداری سیدالشهدا نیز میبینیم که زرتشتیها و مسیحیان در بسیاری از نقاط کشور به خصوص در تهران سعی میکنند همراهی خود را با مردم عزادار نشان دهند. معنای این سخن بنده این است که محبت اهل بیت(ع(یک هنجار برای ملت بزرگ ایران شده است. (۳)

دشمنان نظام جمهوری اسلامی برای متلاشی کردن این اتحاد در تلاشند اما شیعه و سنی همواره با محوریت اهل بیت (ع(در آرامش و امنیت در کنار هم زندگی می کنند. (۴)

نتیجه گیری

با توجه به مطالب فوق گوشهای از ارزش بسیار والای محبت ائمه اطهار (علیهم السلام(و این مطلب که میتواند این محبت بسیار ارزشمند عامل مهمی در اتحاد مردم این مرز و بوم باشد ، روشن گشت. از آنجا که اتحاد و یکپارچگی ملی در عصر حاضر ضرورتی اجتناب ناپذیر میباشد ، همچنانکه رهبر معظم انقلاب نیز تاکید زیادی بر این مطلب دارند ، یکی از مصادیق این اتحاد ملی پشتیبانی ملت شریف ایران از دولت مردان است. مطمئنا و بدون تردید دولت مردان نیز همگی دوستداران و محبین ائمه اطهار (علیهم السلام(هستند. به همین جهت علی رغم

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با میهمانان و شرکتکنندگان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم السّلام) ۱۳۶۹/۰۳/۰۴
۲- بیانات آیت الله صافی گلپایگانی ۱۳۸۵/۱۲/۱۳،سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان tebyan.net
۳- آیتالله سید احمد خاتمی در گفتگو با خبرگزاری دانشجو ۱۳۹۴/۰۱/۲ snn.ir
۴- سخنان آیت الله سید احمد خاتمی در روز اربعین حسینی ۱۳۹۳/۰۹/۲۲خبرگزاری جمهوری اسلامی irna.ir

اختلاف نظرهایی که بین دولت مردان و برخی از تودههای مردم وجود دارد که امری طبیعی –

بوده و در تمامی دولتهای بعد از انقلاب اسلامی نیز وجود داشته است توجه به این نکته که –

همگی دوستداران اهل بیت (علیهم السلام(هستیم ، مطمئنا کمک شایانی به یکپارچگی و اتحاد

تمامی اقشار جامعه با دولت مردان خواهد نمود. در همین خصوص توجه به گزیدهای از

اظهارنظرهای معدودی از دولت مردان محترم درباره توجه و ارادتشان به اهل بیت (علیهم

السلام(بدون منفعت نخواهد بود:

ضرورت همدلی میان مردم و مسئولین

مقام معظم رهبری

همدلی یک چیز زورکی نیست ، یک چیز دستوری نیست که کسی دستور بدهد که مردم

همدلی کنید ، مردم هم بگویند چشم ، این همدلی نمیشود؛ همدلی مثل یک گل است ، مثل یک

نهال و بوتهی گل است ، باید نهال را نشاند در زمین ، بعد از آن مراقبت کرد ، آن را آبیاری کرد ، از

لطمه زدن به آن باید جلوگیری کرد تا این همدلی رشد کند؛ بدون این ، همدلی نخواهد شد.

همدلی از همزبانی هم بهتر است ، همزبانی هم خوب است.

ای بسا هندو و ترک همزبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان

پس زبان محرمی خود دیگر است همدلی از همزبانی بهتر است

همدلی لازم است؛ همدلی را باید بهوجود آورد؛ همدلی را باید رشد داد. این توصیهی من به

همه است. (۱)

همدلی با یاد خدا میسّرتر خواهد شد. یاد خدا در دل انسان چراغی روشن میکند؛ دل را

نورانی میکند؛ غبارهای کینه و نفرت و خودخواهی را از دلها میزداید؛ لنگری برای دلهای

متلاطم و مضطرب به وجود میآورد؛ آرامش میبخشد و اطمینان و اعتماد ایجاد میکند. یاد خدا برای دلهای پاک، همیشه در دسترس است؛ مگر دلی که خود را مبتلای به آلودگیها کرده باشد. برای چنین کسی یاد خدا دشوار است؛ چنین توفیقی برای او پیش نمیآید و او را به حریم قدس الهی راه نمیدهند. دلی که آلودهی شهوت و آلودهی به عشق به قدرت و آلودهی به کینهی به بندگان خدا و آلودهی به حسد و خودخواهیها و آلودهی به عشق به مالاندوزی است ، به حریم قدس الهی راه پیدا نمیکند؛ مگر شستشو کند.(۲)

۱- بیانات در دیدار مداحان اهلبیت علیهم السلام در آستانهی سالروز ولادت حضرت فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) ۱۳۹۴/۰۱/۲۰

۲- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۴/۱۹

همدلی و همراهی ، بخش قابل توجّهی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. آیاتی

» و اعتصموا بحبل الله جمیعاً « هست که صریحاً در این معناست ، مثل (۱) و غیر اینها. آیاتی هم

هست که اگرچه به صراحت در این معنا نیست ، اما مفاد و جهت حقیقی آن ، اتّحاد دلها و جانها و

همگامی انسانهاست و میدانید که امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه ، مظهر همدلی یک

رهبری سیاسی ، یک حاکم سیاسی و یک ولیّ و امام ، با آحاد مردم است. مثالزدنیتر از امیر

المؤمنین هم نمیشود کسی را در دنیا و در تاریخ پیدا کرد علیٌّ ولی الله ولایت به معنای حقیقی ،

این است. ما از اوّل در نظام مقدّس جمهوری اسلامی ، به برکت وحدت و اتّحاد ، هر کاری کردیم

و توانستهایم بکنیم. (۲)

به ملت عزیزمان بارها عرض کردیم که امروز ما به چند چیز احتیاج داریم: اول ، اتحاد و

همدلی میان مردم با یکدیگر ، و میان مردم با مسئولین ، و میان مسئولین با یکدیگر. این ، نیاز

بزرگ کشور ماست. امروز دنیا دارد یک بخش مهمی از تاریخ خود را میگذراند. ما باید در این

فصل ، در این بخش، در این مقطع ، خیلی بهوش باشیم ، خیلی مراقب باشیم؛ بفهمیم چه کار

داریم میکنیم. اگر در بین خودمان کدورتها و بددلیها و بدجنسیها و ناسازگاریها وجود داشته

باشد چه بین آحاد مردم ، چه بین مسئولین و مردم ، چه بین مسئولین با یکدیگر نخواهیم

توانست به این وظائف بزرگی که امروز متوجه به ماست ، عمل کنیم. این یک توصیهی مهم

است ، یک ضرورت اصلی است. (۳)

نمونهای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

همدلی و همزبانی « ۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع

» دولت و مردم

۹. تولید بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل به همراه مسابقه

برای طیف مخاطب »(محبت اهل بیت (علیهم السلام « ۱. شناسایی کتاب مناسب با موضوع

سازمان متبوع (کودک، نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی ، فرهیختگان و کارشناسان و...(و برگزاری

مسابقه کتابخوانی

۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع روز و مشارکت با صداوسیمای

استانی برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی یا رادیویی

» همدلی و همزبانی دولت و مردم « ۱. فراخوان مسابقه وبلاگ نویسی با موضوع

۱- آل عمران/۱۰۳

۲- بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید غدیر ۱۳۷۷/۰۱/۲۷

۳- خطبه های نماز عید سعید فطر ۱۳۹۰/۰۶/۰۹

۳. برگزاری میزگرد تحلیلی ، کرسی آزاداندیشی یا پرسش و پاسخ با هدف تحلیل ابعاد موضوع در دانشگاهها » راهکارهای تحقق شعار سال (همدلی و همزبانی دولت و مردم(و موانع آن «

۲. برگزاری مسابقات پیامکی از مضمون کارت پستال یا پوستر طراحی و توزیع شده با عنوان و اهدای جوایز به پاسخهای برتر »؟ پیام این طرح چیست

ص: ۱۶۳

فصل دهم: آستان قدس رضوی؛ پرچمدار نشر فرهنگ قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)

مقدمه

بارگاه ملکوتی حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع(که باغی از باغهای بهشت است ، همواره حصن حصین ولایت ، قبله اهل دل و ملجأ مؤمنان صادق میباشد.

این آستان مقدس که مرکز ایران و مطاف فرشتگان و کرّوبیان است ، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ، با الهام از تدابیر و ارشادات امام راحل خمینی کبیر مؤسس و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران(قدّسسره(و رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله خامنهای(مدّظلهالعالی(و در پرتو مدیریتی کارآمد ، جهشی مشهود و بیمانند در ارائه خدمات شایسته ، متنوع و گسترده به مردم به ویژه خیل عظیم زائران آن حضرت داشته است.

قبل از انقلاب اسلامی ایران حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا (ع(توسط دربار پهلوی ضربات زیادی را متحمل شد. در آن زمان بخشی از وقفیات و داراییهای این آستان مورد تصرف قرار گرفت؛ موقوفاتی که به دلایل مختلفی حیف و میل و صرف خوشگذرانیها و مهمانیهای دربار پهلوی میشد.

از دیگر ضربه هایی که این خاندان بر پیکرهی این موقوفات وارد کردند ، اجرای طرح موسوم به اصلاحات ارضی بود ، به طوری که زمینهای موقوفه را بدون توجه به مسائل شرعی و فقهی دین مبین اسلام تقسیم و تمام املاک آستان قدس رضوی و سازمان اوقاف کشور را با هدف نابودی موقوفات و نیز نابودی تولید و کشاورزی و وابستگی هر چه بیشتر کشور ، به صورت قطعات کوچک واگذار میکردند. این در حالی بود که طبق فقه پویای اسلامی ، وقف قابل بخشش، فروش و انتقال قطعی نیست ، و نمیتوان آن را به رهن یا به ارث داد ، بلکه فقط میتوان آن را به اجاره داد.

علاوه بر ضررهای مادی ، عدم استفاده مناسب از ظرفیتهای عظیم آستان قدس رضوی در

ترویج معارف قرآن و اهل بیت نیز خود یکی از ضررهای مهمی بود که در رژیم پهلوی بر این ملت وارد شد که مطمئنا بسیار سنگین تر از ضررهای مادی آن میباشد.

اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی آستان قدس رضوی به برکت مرقد منور ثامنالحجج(ع(و نظام مقدس جمهوری اسلامی شاهد تحولات عظیم و چشمگیری در زمینههای سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی بوده که از لحاظ کمّی و کیفی ، حتی با مجموع دستاوردهای چند قرن گذشته در این آستان نیز قابل مقایسه نیست.

به برکت پیروزی انقلاب اسلامی و زحمات شبانهروزی نیروهای متخصص، مؤمن و ولایی ، آستان قدس رضوی به درخشانترین مراحل تاریخی خود رسیده است و در تمام زمینههای

ساختاری ، تبلیغی ، فرهنگی ، عمرانی و اقتصادی دچار تحولات و دگرگونیهای عمیقی گردیده است؛ چیزی که تأثیر آن نهتنها در مشهد و ایران ، بلکه در عرصهی جهانی جلوهگر شده است.

نگاهی گذرا به گزیدهای از فعالیتهای دینی مذهبی که هم اکنون در حرم مطهر

در حال انجام است:

برگزاری سخنرانیهای متعدد توسط وعاظ ممتاز و برجسته در اماکن مختلف حرم مطهر

برگزاری همایشها و محفلهای قرآنی

توزیع بستههای فرهنگی در روزهای مختلف از قبیل کتاب ، کتابچه ، نشریه و ویژهنامه

برگزاری مراسم متنوع مذهبی از قبیل اعتکاف ، جشنهای میلاد ، سوگواریها و امثال آن

برگزاری مراسم دعا و مناجات (ندبه ، کمیل ، توسل ، زیارت عاشورا و...)

برگزاری مسابقات روزانه هفتگی و مناسبتی برای کودکان ، فرهیختگان و عموم زائران

ارائه خدمات مشاورهای رایگان ، به صورت فردی در زمینههای اعتقادی ، اجتماعی ، تربیتی ، خانوادگی ، رفع شبهات دینی و...

برپایی نمایشگاههای تخصصی مختلف

برگزاری همایشهای تخصصی مناسبتی و آموزشی

برگزاری اتاقهای گفتوگو

برگزاری جلسات "دین ، نشاط ، زندگی" با موضوعاتی همچون بهداشت روانی خانواده ، شادابی و نشاط در اسلام ، ویژگیهای خانواده بهشتی ، بنیادهای تعلیم و تربیت اسلامی ، مهارتهای ارتباط سالم و...

پاسخگویی به سوالات شرعی به صورت حضوری ، تلفنی و پیامکی در زمینههای متنوع از

جمله دینشناسی عمومی ، علوم قرآن و حدیث ، فلسفه و کلام ، ادیان و عرفان ، فرق و مذاهب ، تاریخ و سیره انبیا و ائمه اطهار(ع(، شخصیت شناسی و منبع شناسی علمی اجرای مراسم اختصاصی ویژهی زائران غیر ایرانی

برگزاری ویژه برنامههای مناسبتی برای زائران فارسی زبان مقیم خارج از کشور

ضبط صوتی و تصویری برنامههای فرهنگی و تبلیغی حرم مطهر و تکثیر آن جهت ارائه به زائران علاقهمند

برگزاری حلقههای معرفت

حلقههای معرفت نشستهای بسیار صمیمی و پرباری است که در آن ، گفت و گوی چهره به چهره و پرسش و پاسخ آزاد دینی با حضور استادان در این نشستها موضوعات مختلفی مانند احکام ، عقاید ، تربیت دینی ، جامعه دینی و... مطرح میشود مجرب حوزه و دانشگاه صئرت میگیرد و در جلسهای فعال ، به بحث و تبادل نظرگذاشته میشود. در این جلسات زائران ،

گرداگرد استاد حلقه میزنند و در فضایی کاملا صمیمی ، سؤالات و شبهات دینی خود را مطرح میکنند. این شیوه سبب شده است تا زائران استقبال بسیار خوبی از این جلسات داشته باشند و با الگو گیری از آن ، حلقههای مشابهی را در سایراماکن مذهبی به اجرا درآورند.

بنیاد پژوهشهای اسلامی

با توجه به جایگاه حرم مطهر رضوی به عنوان کانون انتقال تفکر اسلامی شیعی به اقصی نقاط دنیا ، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی در سال ۴۹۱۹ شمسی تأسیس شد تا با فعالیتهای فرهنگی ، علمی و تحقیقاتی خود ، بیش از پیش آستان قدس رضوی را به مرکز ثقل فرهنگ اسلامی و شیعی تبدیل کند.

بنیاد پژوهشها جهت تمرکز در فعالیتهای تحقیقی و پژوهشی خود مبادرت به تعیین ۴۱ گروه پژوهشی کرده است که عبارتند از: کودک و نوجوان ، تاریخ ، اسلام ، حدیث ، قرآن ، فقه و اصول ، ترجمه عربی ، تصحیح متون اسلامی ، ترجمه زبانهای اروپایی ، جغرافیای ممالک اسلامی ، کتابشناسی ، کلام وفلسفه اسلامی ، رجال وتراجم ، دایرۀ المعارف آستان قدس رضوی و خراسان شناسی. گفتنی است که در چشم انداز بنیاد ، قرار است که این گروهها به ۴۲ گروه و تعداد پژوهشگران به ۴،۱ نفر افزایش یابد. همچنین در کنار این گروهها این بنیاد ، کار تولید مطلب برای انتشار مجله مشکوۀ را نیز برعهده دارد. مشکوۀ نشریهای علمی و تحقیقی است که به نوعی ویترینی از خروجیهای بنیاد محسوب میشود.

عملکرد آستان قدس در عرصه آموزش

آستان قدس رضوی در زمینه آموزش پس از انقلاب اسلامی فعالیتهای بی نظیر و موثری چون تاسیس دانشگاهها ، مدارس، موسسات خدماتی و مشاورهای را در کارنامهی خود ثبت نموده

است که از آن جمله میتوان به دانشگاه علوم اسلامی رضوی اشاره کرد. دانشگاه علوم اسلامی رضوی توسط آستان قدس رضوی در کنار مرقد منور امام هشتم(ع(و با هدف تربیت فقیه ، اسلامشناس، محقق و استاد در رشتههای مختلف علوم اسلامی ، تربیت حقوقدان ، قاضی و کارشناس حقوقی ، تربیت عالم دینی و مبلغ اسلامی با هدف گسترش فرهنگ اسلامی و معارف اهل بیت(ع(در داخل و خارج کشور و همچنین تربیت نیروی انسانی کارآمد برای مراکز علمی و آموزشی پژوهشی کشور پایهگذاری شد.

عملکرد سیاسی آستان قدس رضوی در پیشبرد اهداف ملی

همانطور که میدانید ، دین مبین اسلام برای سعادت بشر یک برنامه همه جانبه دارد و در واقع تمام ابعاد و نیازهای انسان را تحت پوشش قرار میدهد. این دین همانطور که برای آخرت انسان یک سری دستورات دارد ، برای سعادت و پیشرفت دنیایی او نیز برنامههایی دارد که بدون سیاست صحیح و وجود سیاستمداران مؤمن این امر ناشدنی است. از همین رو بود که یکی از

شئون اولیای الهی و ائمه اطهار)ع(مقام ((ساسه العباد)) یعنی تدبیر کننده و سیاستمداری امور بندگان خداوند است. البته سیاست در اسلام مبانی قرآنی و روایی بسیاری دارد و چون در این نوشتار محل بحث ما نیست ۰ فقط به همین نکته اشاره کردیم.

آستان قدس رضوی در راستای حمایت از انقلاب اسلامی و تبیین مواضع ولایت فقیه برای عموم مردم به طرق مختلف از جمله برگزاری مراسم ویژه پیرامون مناسبتهای انقلابی و ملی ، همکاری با نهاد امام جمعه در برپایی نماز جمعه در حرم مطهر ، راهاندازی مؤسسه قدس (روزنامه قدس(، برگزاری همایشها و کنفرانسهای تخصصی با موضوعات امام خمینی(ره(و انقلاب اسلامی ، پیگیری منویات مقام معظم رهبری در قالب کنفرانسها و همایشهای تخصصی (از جمله پیرامون بصیرت ، واکاوی عقبه جریانات فرهنگی ، نقش بسیج ، تمدن اسلامی ، بیداری اسلامی ، جنگ نرم ، سبک زندگی اسلامی ، نهضت نرم افزاری و...(، چاپ کتب و مقالات متعدد با موضوعات اندیشه سیاسی اسلام ، انقلاب اسلامی و ولایت فقیه ، جنگ نرم.

شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی

فعّالیتهای گستردهی فرهنگی در مجموعهی بزرگ آستان قدس رضوی که دارای مؤسسات و بخشهای متعدد و مختلف فرهنگی میباشد ، نیازمند هماهنگی ، سیاستگذاری ، انسجام بخشی ، هدایت و نظارت است.

این وظیفه ی مهم بر عهدهی شورای عالی فرهنگی است که به ریاست تولیت عظمی آستان قدس رضوی حضرت آیت الله واعظ طبسیو با حضور شخصیتهای برجسته ، فرهیختگان و صاحبنظرانی از حوزه و دانشگاه و تعدادی از مدیران عالی و مسئولان مربوطه در آستان قدس رضوی برگزار میشود.

اهداف و وظایف شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی

* سیاستگذاری کلان فعالیتهای فرهنگی آستان قدس رضوی ، تبیین خط مشی و اولویتها با تأکید بر رهنمودهای مقام معظم رهبری ، رسالت فرهنگی آستان قدس، چشم انداز ،۱ ساله آستان قدس، نیازها و مناسبات جدید فرهنگی در کشور ، جهان تشیع و جهان اسلام.

*تصویب و اصلاح اساسنامه ، وظایف و برنامههای مؤسسات و بخشهای فرهنگی آستان قدس رضوی.

*ارزیابی دورهای عملکرد مؤسسات فرهنگی و تصویب شاخصهای عمومی و اختصاصی ارزیابی عملکرد مؤسسات فرهنگی

*بررسی و تصویب نظامهای اساسی در تحول سازمانی مؤسسات فرهنگی شامل نظامهای مدیریت ، کیفیت ، نظام ارزیابی عملکرد ، نظام ارزشیابی نیروی انسانی ، برنامهریزی نیروی انسانی ، بهسازی ساختار سازمانی و...

*بررسی طرحهای پیشنهادی مهم مؤسسات و دبیرخانه

*تحلیل و واکاوی پدیدههای فرهنگی ، اجتماعی و اتخاذ تصمیم لازم و تعیین نقش و مأموریت هر یک از مؤسسات و بخشهای فرهنگی درخصوص موضوعات جدید.

*ایجاد همگرایی بین مؤسسات فرهنگی ، پرهیز از فعالیتهای موازی و استفاده از ظرفیتهای مشترک مؤسسات فرهنگی در تولید محصولات فرهنگی و انجام برنامههای فرابخشی و فراگیر.

سند چشمانداز بیست ساله آستان قدس رضوی

آنچه مردم عزیز ما خوب است مطلع باشند و بدانند ، این است که چشمانداز بیست سالهی « ابلاغ شده به مسئولان سیاستگذاری و برنامهریزی ، یک امر عملی ، منطقی و قابل تحقق است. نباید تصور شود کلماتی که در چشم انداز بیستساله ، پشت سر هم نوشته میشود ، صرفاً یک ». آرزو است و بدون محاسبهی عملی است

۱۲/۱۲،۴۹/ بیانات مقام معظم رهبری ویژهی ابلاغ چشمانداز ،۱ سالهی کشور. ،۹

از آنجا که آستان قدس رضوی بدلیل وجود مضجع شریف حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحیه و الثناء(مورد عنایت ویژه الهی و خود حضرت است ، مطمئنا در جهت ترویج معارف الهی ، دارای ظرفیتی بی بدیل است. لذا لازم است که جهت استفاده حداکثری از این موقعیت ویژه ، علاوه بر برنامه ریزیهای کوتاه مدت ، برنامه ریزیهای بلند مدتی هم در تمام زمینهها از جمله در زمینه گسترش معارف دینی صورت پذیرد. به همین دلیل یک سند چشم انداز جامع جهت ارتقاء سطح برنامههای متنوع و متعدد حرم مطهر تدوین شده است که در اینجا به قسمتهای مرتبط به اشاعه فرهنگ دینی مردم اشاره میشود:

۴. عالی ترین مرکز تبلیغی ، فرهنگی ، علمی در اشاعه سنت و سیره امام علی بن موسی الرضا(ع(

،. الهام بخش، فعال و مؤثر در فضای فرهنگی کشور ، منطقه و جهان اسلام با اتکا به معارف قرآنی و سنت و سیره رسول اکرم (ص(و اهل بیت (علیهم السلام(

۹. جایگاه برتر در رشد و تعمیق باورهای اعتقادی در پاسخگویی به نیازهای دینی ، اخلاقی و فکری امت اسلام به ویژه نسل جوان و زائرین حضرت رضا(ع(

۱. غنی ترین و فعال ترین مرکز موزهای و گنجینه اسناد ونفایس در منطقه و جهان اسلام

۱. غنی ترین و فعال ترین مرکز کتابخانهای در منطقه و جهان اسلام

۱. دارای معتبرترین مراکز علمی و مقام ممتاز آموزشی و پژوهشی در سطح کشور

۳. فعال در عرصههای تبلیغی و اطلاع رسانی فرهنگی با بهره مندی از کارآمدترین شیوه های مناسب هنری رسانه های نوین

۲. پایگاه برتر کشوری در احیا و نشر و تبیین فرهنگ وقف متناسب با نیازهای جامعه

۳. پایگاه برتر کشوری در احیا و نشر و تبیین فرهنگ نذر متناسب با نیازهای جامعه

راهبردهای اساسی چشمانداز بیست سالهی آستان قدس رضوی حول محور

امور فرهنگی، اجتماعی و تبلیغات:

۴. پیشگامی در نظریهپردازی ، تولید علم و جنبش نرمافزاری به منظور اشاعهی سنت و

سیرهی امام علیبن موسی الرضا(ع؛

،. طراحی و جهتدهی به مطالعات و پژوهشهای فرهنگی متناسب با شرایط و نیازهای روز؛

۹. پیشگامی در تدوین طرحهای جامع پژوهشی فرهنگی؛

۱. تمرکز بر رویکرد علمی معنوی در فعالیتهای فرهنگی در زمینهی اشاعهی سنت و

سیرهی امام علیبن موسی الرضا(ع؛

۱. ترویج فرهنگ دینی و نهادینهسازی ارزشهای موجود در سنت و سیرهی امام علیبن

موسی الرضا(ع؛

۱. طرح گفتمانهای عمیق علمی و فرهنگی با ادیان و مذاهب؛

۳. تعمیق باورهای اعتقادی مخاطبان با بهرهگیری از رسانهها و فناوری نوین؛

۲. پیشگامی در ارائهی الگوهای مؤثر در مراکز آموزشی و پژوهشی؛

۳. زمینهسازی برای ایجاد بنیادهای وقفی علمی ، آموزشی ، مطالعاتی و پژوهشی؛

۴۱ . گسترش ارتباطات بیرونی با حوزههای تأثیرگذار در جهت اشاعهی سنت و سیرهی امام

علیبن موسی الرضا(ع؛

۴۴ . ارتقاء جایگاه و نقش فعال در برقراری روابط بین اماکن زیارتی و مذهبی در جهان اسلام؛

۴، . منطقیسازی انتظارات و مطالبات زائرین و صاحبان نفع متناسب با دامنهی اختیار و مسئولیتهای آستان قدس رضوی؛

۴۹ . ترویج و ارتقای فرهنگ وقف و معرفی عملکرد موقوفات در سطح ملی و بین المللی؛

۴۱ . پیرایش باورهای اعتقادی از خرافات ، التقاط و شبهات؛

۴۱ . تعامل گسترده و بهرهگیری از تشکلها ، نهادها و سازمانهای فرهنگی و دینی کشور ، منطقه و جهان اسلام برای تقویت فعالیتهای فرهنگی اجتماعی در راستای رسالت فرهنگی آستان قدس رضوی؛

۴۱ . تنوع بخشی و توسعهی قلمرو فعالیتهای مراکز علمی ، فرهنگی و تبلیغی؛

۴۳ . تقویت زیرساختها و توسعهی امکانات زیربنایی فرهنگی در جهت انجام فعالیتهای مؤثر فرهنگی در سطح کشور ، منطقه و جهان اسلام؛

۴۲ . ترویج فرهنگ مطالعه؛

۴۳ . نیازسنجی ، جهت بخشی و بهینه سازی نظام آموزشی؛

،۱ . ارتقاء و ترویج فرهنگ زیارت؛

،۴ . گسترش حوزهی مخاطبان و اثربخشی فعالیتها در ترویج فرهنگ و هنر دینی؛

،، . تبیین و ترویج مبانی نظری فرهنگ نذر؛

،۹ . ارتقای جایگاه کتابخانهای و موزهای با توجه به شاخصهای جهانی؛

،۱ . برخورداری از فرهیختگان و استفاده از تجارب موفق در فعالیتهای فرهنگی و تبلیغی در راستای اشاعه سنت و سیره امام علیبن موسی الرضا(ع(؛

،۱ . جذب و استفاده از ظرفیت فکری متخصصین و اندیشمندان مرتبط با حوزههای کتابخانهای و موزهای؛

،۱ . جذب اعضاء هیئت علمی و پژوهشگران برجسته؛

،۳ . جذب مبلغین مذهبی در عرصههای مورد نیاز؛

،۲ . تربیت اسلامشناسان و نخبگان فکری و فرهنگی؛

،۳ . توانمندسازی مبلغین فرهنگی و مذهبی؛

۹۱ . ایجاد و توسعهی فضای رشد ، پرورش و ترغیب استعدادها در خلق جلوههای بدیع معماری و هنر ایرانی اسلامی(رضوی(؛

۹۴ . جلب مشارکت همهجانبه در معرفی و بهکار گرفتن قابلیتهای فرهنگی ، تبلیغی و هنرِ اصیل آستان قدس رضوی؛

،۹ . گسترش توافقنامههای تبلیغی فرهنگی در عرصههای ملی و بین المللی؛

۹۹ . تعامل و مشارکت با دانشگاهها و حوزههای علمیه بهویژه در بعد پژوهش در وقف و نذر؛

۹۱ . مشارکت و بهرهگیری از رسانههای ملی و فراملی در پاسخ گویی به نیازهای مخاطبان؛

۹۱ . ظرفیتسازی برای پرکردن اوقات فراغت زائرین با استفاده از فناوریهای روز.

نمونه ای از فعالیت های فرهنگی متناظر با این روز

ابعاد وجودی امام رضا « ۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع

» (علیه السلام(و راهکارهای تحقق ولایت حضرت در وجود ما و جامعه اسلامی

کهکشان « ،. برگزاری نمایشگاه موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در نرم افزار

(» کرامت

۹. تولید بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل به همراه مسابقه

برای طیف مخاطب سازمان »(امام هشتم (علیه السلام « ۱. شناسایی کتاب مناسب با موضوع

متبوع (کودک، نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی ، فرهیختگان و کارشناسان و...(و برگزاری مسابقه

کتابخوانی

۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع معرفی حضرت ثامن الحجج

(علیه السلام(و مشارکت با صداوسیمای استانی برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی یا رادیویی

۱. برگزاری فراخوان شعر ، متن ادبی ، وبلاگ نویسی و... در موضوع روایات رضوی

۳. تولید پوستر و کارت پستال و فلش کارت موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در

(» کهکشان کرامت « نرم افزار

ابعاد « ۳. برگزاری میزگرد تحلیلی ، کرسی آزاداندیشی یا پرسش و پاسخ با هدف تحلیل

وجودی امام رضا (علیه السلام(و راهکارهای تحقق ولایت حضرت در وجود ما و جامعه

در دانشگاهها و حوزههای علمیه » اسلامی

۴۱ . برگزاری work shape با حضور خوشنویسان ، هنرمندان گرافیست و... در بقاع متبرکه

یا پایگاههای فرهنگی اصلی شهر برای تولید آثار هنری با محتوای تولیدی در کتاب و دعوت از

هنردوستان و عموم مردم علاقمند

تا « ۴۴ . برگزاری مسابقات ورزشی (ویژه محلات ، دانشگاهها ، پایگاههای بسیج و...(با شعار

و برگزاری همایش بزرگ پایانی با برنامه های متنوع فرهنگی ویژه دهه کرامت و » جامعه رضوی

اهدای جوایز تیمهای برتر

۴، . برگزاری مسابقات پیامکی از مضمون کارت پستال یا پوستر طراحی و توزیع شده با

و اهدای جوایز به پاسخهای برتر »؟ پیام این طرح چیست « عنوان

فصل یازدهم: عالم آل محمد (ص) – الهام بخش همدلی و هم زبانی به مسلمین

مقدمه

بحث همدلی و همزبانی مسلمین در دو مقوله قابل بحث است؛ یکی درون فرقهای و میان شیعیان و دیگری برون فرقهای و میان تمامی دنیای اسلام که از آن تعبیر به وحدت اسلامی میشود که هر کدام از این دو مقوله نیازمند بحث جداگانهای است. با توجه به اهمیت فوق العاده وحدت اسلامی در عصر کنونی که مقام معظم رهبری نیز روی این قضیه تاکیدات ویژهای دارند و از طرف دیگر چون بخشی از مصادیق همدلی و همزبانی درون فرقهای در سرفصل نهم مورد بحث قرار گرفت ، لذا در اینجا تنها به مقوله مهم وحدت اسلامی میپردازیم.

فصل اول: وحدت اسلامی چیست؟

مقصود از وحدت

منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت ، هیچگاه وحدت مذهبی و افکار و سلیقهها نبوده و نیست. زیرا در واقع وحدت مذهبی به این معنا است که:

۴ یا از « میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته ». شود و مثلا

همه مسلمانان شیعه و یا سنی شوند.

، و یا مشترکات « همه مذاهب گرفته شود و اختلافاتِ همه آنها کنار گذاشته شود و بدین

نحو مذهب جدیدی اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود ». نباشد

متأسفانه همواره افرادی از روی بی اطلاعی و یا غرض ورزی اینگونه معناهای نادرست و غیر قابل قبول از وحدت اسلامی را در میان مسلمین القاء میکنند تا بدینوسیله اعتراضها و جبهه گیری هایی را در مقابل این هدف بزرگ و عالی به وجود آورند. اما حقیقت آن است که نگاه عالمان روشنفکر مسلمان از وحدت اسلامی دست کشیدن از عقاید مذهبی و کوتاه آمدن بر سر اصول و حتی فروع اعتقادی نیست ، بلکه بر طبق سیره و فرمایشات اهل بیت (علیهم السلام(

هدف ، مقصود و معنای وحدت اسلامی آن است که:

۴ امّت واحده اسلامی

مسلمانان با درک اشتراکات و تأکید بر آنها ، امت واحده اسلامی را به وجود آورده و به مصاف دشمنان اسلام بروند و بی جهت نیروی خویش را صرف دشمنی و مخاصمه با یکدیگر نکنند. این حکمی عقلی و استدلالی برهانی است که قرآن کریم نیز با تأکید بر آن میفرماید:

قلْ « یاَ أَهَلَ الکْتاَبِ تعَالوْا إلَ کلَمَهٍ سَوَاء بیَنْنَاَ وَبیَنْکُمْ؛ (۱)

ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما مشترک است ». بایستیم

۱- آل عمران/۶۴

آیه فوق که ندای وحدت است در برابر تمام مذاهب آسمانی و توحیدی ، بر اساس اصل مشترک میان آنها یعنی توحید. توضیح بیشتر اینکه:

یهودیان ، مسیحیان و مسلمانان در اصول مهمی همچون توحید و نبوتِ پیامبران الهی اشتراک نظر دارند و از این جهت از آنها با عنوان ادیان « » توحیدی یاد میشود. عقل و شرع حکم میکند که این ادیان توحیدی باید در مقابل دشمنان توحید و رسالت الهی در یک جبهه قرار گیرند و دست در دست هم در راه اعتلای کلمه توحید بکوشند. پس در این مسیر نباید با دشمنانِ توحید همدست شده و با پیش کشیدن اختلافات میان خویش، در راه حذف اندیشههای توحیدی قدم بر دارند. زیرا مسلما اگر توحید این سنگ بنای ادیان الهی زیر سؤال برود و تضعیف شود ، مطرح کردنِ خصوصیات دینی دیگر بی ارزش و بی فایده خواهد بود.

از همین رو همه مسلمانان نیز باید بدانند با پذیرش کلمه توحید و اقرار به نبوت پیامبراسلام (صلی الله علیه وآله وسلم(تحت لوای اسلام قرار گرفتهاند و باید همه توان خویش را در راه اعتلایِ آن مصروف دارند. از این منظر میتوان سکوتِ امام علی (علیه السلام(، صلحِ امام حسن (علیه السلام(، و حتی ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام(را در راستای حفظِ وحدت و یکپارچگی مسلمانان دید. چنانچه امیرالمؤمنین (علیه السلام(خود دراین باره فرمودند:

با خود اندیشیدم و دیدم که صبر]بر محرومیت از حق ولایت و زعامت مسلمین[برتر است از به هم زدن وحدت مسلمین و ریخته شدن خونشان ، چرا که مردم تاز همسلمان بودند و دین به مَشکی میمانست که کمترین سستی آن را تباه و ناتوا نترین مردم آن را وارونه میکرد

۴ .همچنین آن حضرت در نامه (۱)، نهج البلاغه نیز میفرمایند:

به « خدا سوگند هرگز فکر نمیکردم و به خاطرم خطور نمیکرد که عرب بعد از پیامبر (صلی

الله علیه وآله وسلم(، امر امامت و رهبری را از اهل بیت (علیهم السلام(او بگردانند و در جای دیگر قرار دهند و باور نمیکردم آنها آن را از من دور سازند!... دست بر روی دست گذاردم تا این که با چشم خود دیدم گروهی از اسلام بازگشته و میخواهند دین محمد (صلی الله علیه وآله وسلم(را نابود سازند. در این جا بود که ترسیدم اگر اسلام و اهلش را یاری نکنم ، شاهد نابودی و شکاف در اسلام باشم که مصیبت آن برای من از رها ساختن خلافت و حکومت بر شما بزر گتر بود؛ چرا که این بهره دوران کوتاه زندگی دنیا است که زایل و تمام میشود. همان طور که » سراب « تمام میشود و یا هم چون ابرهایی که از هم میپاشند. پس برای دفع این حوادث به پا خاستم تا باطل از میان رفت و نابود شد و دین پا برجا و محکم » گردید

آری حفظ امت اسلامی از خطرها و جلوگیری از سوء استفاده دشمن از تفرقه میان مسلمانان ، آنقدر مهم است که اهل بیت (علیهم السلام) در این راه حتی از خلافت و حاکمیت ظاهری

۱- ابن أ بی الحدید ، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰۸ و بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۶۲

خویش بر مسلمانان میگذشتند ، اما حالا چه شده است که عدهای از شیعیانِ جاهل چشم بر روی همه واقعیتها میبندند و با نام طرفداری از مکتب اهل بیت (علیهم السلام(بر آتش فتنههای مذهبی میدمند و به تضعیف امت اسلامی کمک میکنند!؟ امام خمینی (ره(در این رابطه میفرمایند:

...« آنهائی که میخواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند نه سنی هستند و نه شیعه ، آنها اصلا به اسلام کاری ندارند والا کسی که به اسلام اعتقاد داشته باشد در زمانی که ما باید با وحدت مسلمین پیروز بشویم ، به اختلافات و مسائل اختلافی دامن نمیزنند. اینها نیست جز اینکه قدرتهای بزرگ فهمیدهاند آن چیزی که آنان را عقب زده است اسلام و وحدت مسلمین و برادری بین همه امت اسلامی است. من از همه توقع دارم که به حرف مفسدین گوش نکنند و هر کس ایجاد اختلاف کند بدانید که از خارج الهام گرفته است و مقصودش از بین بردن اسلام است تا باز مثل سابق شود که در تحت سلطه اجانب باشیم. (۱) »

بیان نکات مهمی دربارهٔ این معنا از وحدت اسلامی نیز لازم است:

۴۴ . لازمه – قدرت و عظمت امت واحدهٔ اسلامی در برابر کفار و دشمنان اسلام ، اتحاد فکر و اندیشه آنان در تمام مسائل دینی نیست ، بلکه مهم این است که آنها در اصول مهم اسلامی با یکدیگر اشتراک نظر دارند و در هر گوشه ایاز جهان اسلام به کمک و یاری یکدیگر در مقابل کفار و دشمنان اسلام میشتابند. چنین وحدتی حتی اقتضاء نمیکندکه مرزهای جغرافیایی میان ملتها نیز برداشته شود؛ بلکه کشورها و قومیتهای مختلف اسلامی ، در عین وجود مرزهای مستقل جغرافیایی ، میتوانند پشتیبان و همیار یکدیگر باشند. چنانچه امام خمینی (ره(در تشریح این معنا میفرماید:

رمز ...« پیروزی مسلمین در صدر اسلام وحدت کلمه و قوت ایمان بود... باید با قوای کفر به قدرت اسلامی مبارزه کنیم و دست تبهکاران را از ممالک خودمان دور کنیم. اگر وحدت کلمه اسلامی بود و اگر دولتها و ملّتهای اسلام به هم پیوسته بودند معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین زیر دست قدرتها باشند. اگر این قدرت ، به قدرت بزرگ الهی منضم بشود به قدرت ایمان و همه با هم برادرانه در راه اسلام قدم بردارند ، هیچ قدرتی بر آنها غلبه نخواهد کرد. » (۲)

، ۴ . بعضی - این نوع وحدت را وحدتی تاکتیکی و سیاسی تعریف میکنند؛ یعنی عامل و انگیزه رسیدن به چنین وحدتی را تنها وجودِ دشمنِ مشترک میدانند. با این رویکرد ممکن است ما اعتقادی به اشتراک و وحدت دینی میان مسلمانان نداشته باشیم و ضمنِ مشرک، مرتد ، کافر و

۱- صحیفه امام ، ج ۱۴، ص ۳۸۱، تاریخ : ۱۳۶۰/۰۳/۰۹

۲- صحیفه امام ، ج ۷ص ۶۶ تاریخ: ۱۳۵۸/۰۲/۰۱

دشمن دانستنِ دیگر مسلمانان ، تنها به خاطر دشمن مشترک و مصالح خودمان ، مدّتی با آنها مماشات کنیم. متأسفانه تصور بعضی از معنای امت واحده چنین معنایی است. این در حالی است که شاکله امت واحده اسلامی بر اساس اشتراک در پذیرش اسلام و تفاهم مسلمانان در بسیاری از کلیات و حتی جزئیات اصول اعتقادی دین اسلام و احکام عملی آن شکل میگیرد.

۴۹ . چنین – وحدتی در دایرهٔ عنوان اسلام شکل میگیرد. زیرا در اینجا ممکن است این شبهه به وجود آید که با توجه به معنایی که شما از امت واحده اسلامی و ضرورت انسجام میان مسلمانان بیان کردید ، پس باید این وحدت را به تمام فرق اسلامی مانند: ناصبیان ، غالیان و حتی گروهها و فرقههای نوظهور دیگر ، نیز تسرّی داده شود و آنها را نیز برادران دینی بنامیم؟!

در جواب باید گفت منظور از وحدتی که از روایات و سیرهٔ اهل بیت (علیهم السلام(استنباط میشود وحدت با گروههایی است که به نصِّ روایات اسلامی هنوز در دایرهٔ اسلام باقی هستند و اختلاف ما با آنها در ضروریات و اصول مذهب است ، نه در ضروریات و اصول دین.

از این جهت بایستی حسابِ پیروان دیگر مذاهب اسلامی را از معاندان ، فرقههای انحرافی و فاسقانی که راه و رسم و رفتار آنها نوعی شورش علیه کلیتِ عقاید جامعه دینی و یکپارچگی امت اسلامی است ، جدا کرد.

۲ تعامل و هم اندیشی مسلمانان

معنای دیگر وحدت اسلامی که بزرگان شیعه به تبعیت از اهل بیت (علیهم السلام(آن را مورد توجه قرار دادهاند این است که مسلمانان در تبلیغ مرام و مسلک خویش، باید متانت را حفظ کنند ، به یک دیگر سب و فحش و دشنام ندهند ، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبندند ، منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره ، احساسات یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج

نشوند و در حقیقت لااقل حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمان به اسلام ، لازم دانسته است درباره خودشان رعایت کنند:

ادْع « إلِ سَبیلِ ربَکَّ بِالحْکْمَهِ وَالمْوْعِظَهِ الحَسَنهِ وَجَادلِهْم بِالتَّیِ هِیَ أحْسَنُ؛ (۱)

به وسیله حکمت و اندرزهای نیکو به سوی راه پروردگارت دعوت کن و با آنها (یعنی مخالفان(به طریقی که نیکوتر است به مناظره » پرداز

با توجه به این معنا ، هیچ ضرورتی ایجاب نمیکند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی ، تسامح و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند. همچنان که وحدت ایجاب نمیکند که مسلمین دربارهٔ اصول و فروع اختلافی میان یکدیگر ، بحث و استدلال نکنند و ک تاب ننویسند.

اما باید پذیرفت که در فضای مخاصمه و دشمنی افکار مسلمانان نمیتواند به یکدیگر نزدیک

۱- نحل/۱۲۵

شود و نه تنها از اختلافها کاسته نمیشود ، بلکه بر شدت آنها افزوده میشود. از همین رو قرآن

کریم روش گفت وگو و استدلال با مخالفان و مخصوصاً مشرکان را این گونه بیان میکند:

قلُ « لعِّبَادِی یقُولو ا التَّیِ هِی أحَسَنُ إنِّ الشَّیطَانَ ینزغُ بیَنه مْ إنِّ الشَّیطَانَ کاَنَ للِإنِسَانِ عَد وّا

مُّبینا؛ (۱)

به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین]سخن [باشد؛ چراکه شیطان]به وسیله سخنان ناروا [

میان آنها فتنه و فساد میکند؛ زیرا]همیشه[شیطان دشمنی آشکار برای انسان بوده ». است

از همین رو امامانِ شیعه نیز که مفسرانِ واقعیِ آیاتِ خداوند هستند ، در سیره و عمل بر این آیه

قرآن تأکید میکردند:

و« قو لو ا للِناَّسِ ح سْنا؛ (۲)

و با مردم به زبان خوش سخن ». گویید

آن بزرگواران بر این نکته پافشاری میکردند که هدف از مباحثاتِ دینی هدایت و ارشاد مردم

است ، نه مخاصمه وجنگ با آنان. از این جهت باید محترمانه و مؤدبانه با آنها سخن گفت؛

چنانکه قرآن کریم میفرماید:

فقُولاَ « له قوْلا لیًّنا لعَّلهًّی تذَکَّرُ أوْ یخْشَ؛ (۳)

و با او سخنی نرم گویید؛ شاید پند گیرد یا ». بترسد

واقعیت این است که هرکس ثقلین را طریق هدایت خویش قرار داده باشد ، در به کار بردن این

سیره و روش تردیدی نخواهد کرد. پس در این معنا از وحدت ، ما به جای مناظره و مجادله با

یکدیگر ، به مبادله افکار میپردازیم.

مقام معظم رهبری دربارهٔ این دو معنای وحدت اسلامی میفرمایند:

اتحاد « مسلمین ، به معنای انصراف مسلمین و فِرَق گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین بشود:

اول این که فرِق گوناگون اسلامی (فرَق سنی و فرَق شیعه(که هر کدام فِرَق مختلف کلامی و فقهی دارند – حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام ، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند.

دوم این که فِرَق گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یک دیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوای فقها و علما هست

۱– اسراء/۵۳

۲– بقره/۸۳

۳– طه/۴۴

که اگر مورد بحث فقهیِ عالمانه قرار بگیرد ، ممکن است با مختصر تغییری ، فتاوای دو مذهب به هم نزدیک شود. (۱)

فصل دوم: تجلی وحدت در سیرهٔ امام رضا (علیه السلام)

پذیرش ولایتعهدی و مصلحت امت اسلام

درباره پذیرشِ ولایتعهدی مأمون از جانب امام رضا (علیه السلام(سخنان فراوانی گفته شده است؛ در این میان ، این موضوع روشن است که امام رضا (علیه السلام(علی رغم میل باطنی ولایتعهدی مأمون را پذیرفتند. اما نکتهای که در این رابطه نباید از آن غفلت کرد این است که امام رضا (علیه السلام(در پذیرشِ اکراه گونه ولای تعهدی ، همچون دیگر ائمه شیعه (علیهم السلام(مصلحت امت اسلامی را نیز در نظر گرفتند ، و حتی در این مسیر خرده گیریها و نکوهش بعضی افراد ساده دل و مقدس نمای شیعه را نیز تحمل نمودند. (۲) حقیقت اینکه امام با شرط نمودن عدم دخالت در امور حکومتی برای قبول ولایتعهدی (۳) ، از تأیید رفتارهای حکومت مأمون برائت جستند ، ولی در ضمن ، این فرصت را فراهم ساختند تا امت اسلامی از وجود پربرکت ایشان بهره ببرد. نکته دیگر این که امام (علیه السلام(با قبول ولایتعهدی این شایعه را خنثی کرد که ائمه تنها به امور دینی شیعه میپردازند و کار فقهی انجام میدهند؛ اما به خیر و شر امور مسلمین کاری ندارند ، از این جهت است که امام رضا (علیه السلام(در پاسخ محمد « بن » عرفه که دلیل قبول ولایتعهدی را پرسید؟ فرمود: به همان دلیل که جدم امیرالمؤمنین داخل شدن در شورای شش نفره را پذیرفت]من نیز ولایتعهدی را پذیرفتم (۴)

آری همه ائمه (علیهم السلام(چه در موضوع نادیده گرفته شدن حق ولایت ایشان و چه در موضوع پذیرش آن ، همچون جدشان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام(همواره صلاحِ کل امت

اسلامی را در نظر میگرفتند ، و مصلحت شخصی و یا مذهبی خاص، همچون تشیع ، دراین باره تصمیم ساز نبوده است؛ چنانچه امام رضا (علیه السلام(در خطبه ایکه در قبول ولایتعهدی خواندند ، از مردم خواستند که در قبال قبول ولایت ، عهد شکنی نکنند و با اشاره به نادیده گرفته شدن حق امیرالمؤمنین (علیه السلام(در جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم(فرمودند: چنان که در گذشته این کار صورت گرفت]حرمت وصایت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم(نگهداشته نشد [و شخص وصیّ بر آن نابکاریها و اعمال خلاف صبر نمود و پس از آن هم در دوران قدرت متعرّض آن نشد از بیم آنکه مبادا تفرقه ایجاد شود و اسلام سست گردد ، و رشته وحدت و اتّحاد مسلمین بگسلد زیرا که افکار زمان جاهلیّت در مغزها باقی بود و بدان نزدیک و

۱- بیانات امام خامنهای در دیدار میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۶۸/۰۷/۲۴
۲- شیخ صدوق ، عیون أخبار الرضا علی هالسلام ، ترجمه غفاری و مستفید ،ج ۲، ص ۳۱۵
۳- شیخ صدوق ، عیون أخبار الرضا علی هالسلام ، ترجمه غفاری و مستفید ،ج ۲، ص ۳۱۵
۴- شیخ صدوق ، عیون أخبار الرضا علی هالسلام ، ترجمه غفاری و مستفید ، ج ۲، ص ۳۱۵

قریب العهد بودند ، و منافقین کاملا کمین کرده و در راه یافتن فرصت نشسته بودند تا دستاویزی

پیدا کرده و شرّ به پا کنند ، و اکنون هم نمی دانم سرانجام با من و شما چه رفتاری خواهد شد ،

قلم قضا نیست مگر به دست خدا و او بدرستی آشکار سازنده حقّ است و بهترین فصل کننده و

جدا سازنده حقّ از باطل است. (۱)

همنشینی، مراوده و محبت با اهل سنت

توصیههای فراوانی از ائمه شیعه (علیهم السلام(درباره مراوده ، همنشینی و م خالطه شیعیان با

سایر مسلمانان در تمامیِ سطوحِ زندگیِ دینی و اجتماعی به دست ما رسیده است؛ ارتباطی که اگر

با رفتارهای نیک و کرداری پسندیده همراه باشد ، خود تبلیغی مؤثر برای مذهب شیعه در ذهنیت

دیگر مسلمانان میباشد. در این میان سیرهٔ عملی ائمه (علیهم السلام(در تعامل با اهل سنت

الگویی مناسب برای دیگر شیعیان است ، چنانچه یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام(

میگوید به آن حضرت عرض کردم:

رفتار بایسته ما با اقواممان و آنان که با آنها معاشرت داریم و شیعه هم نیستند ، چیست؟

امام (علیه السلام(فرمودند:

تَنْظُرُونَ « أَئِمَّتَکُم الَّذِینَ تَقْتَد ونَ بِهِمْ فَتَصْنَع ونَ کَمِثْلِ مَا یَصْنَع ونَ فَوَاللَّهِ إِنَّه مْ لَیَع ود ونَ مَرْضَاه مْ

وَ یَشْهَد ونَ جَنَائِزِه مْ وَ یقِیم ونَ الشَّهَادَةَ له مْ وَ عَلَیْهِمْ وَ یؤُدُّونَ الْامَانَهَ إِلَیْهِمْ؛ (۲)

به پیشوایان خود نگاه کنید و از آنان پیروی کنید ، آنگونه که آنان رفتار میکنند ، شما نیز

همانطور رفتار کنید ، به خدا سوگند آنان به عیادت بیماران غیر شیعه شان میروند و بر جنازه

هایشان حاضر میشوند و به سود و ضرر آنها]هرچه حق باشد[گواهی میدهند و امانتهای آنان را

به آنها بر ». میگردانند

در سیرهٔ امام رضا (علیه السلام) نیز همچون سایر ائمه بزرگوار شیعه ارتباط و مرادوده با دیگرمسلمانان جایگاه خاصی داشت و همه مسلمانان چه در مدینه و چه در مرو ، از محبت آن حضرت بهره مند بودند ، همچنانکه آن حضرت به شیعیان نیز در این باره توصیههایی داشتند. آن گونه که م عَمّر بن خَلّد نقل میکند:

۱- شیخ صدوق ، عیون أخبارالرضا علیه السلام ، ترجمه غفاری و مستفید ، چاپ اول، تهران: نشر صدوق ۱۳۷۲ ش ، ج ۲ ، ص ۳۲۹ ابن شهرآشوب ، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام ، چاپ اول ، قم: علامه ۱۳۷۹ق،ج ۴، ص ۳۶۵ و و محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار چاپ دوم ، بیروت: دار إحیاء التراث العربی ۱۴۰۳ ق، ج۴۹، ص ۱۵۳

۲- شیخ کلینی ، کافی ، ج ۲، ص ۶۳۶ ؛ علی بن حسن بن فضل طبرسی ، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار ، ص ۴۰۹ ؛ شیخ حر عاملی ، وسائل الشیعه ،ج ۱۲ص ۶(سند این روایت صحیح است. محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن معاویه بن وهب)

به ابی الحسن الرضا (علیه السلام(گفتم: برای والدینم که حق را نمیشناسند]و شیعه نیستند [دعا کنم؟ امام رضا (علیه السلام(فرمود: برای آن دو دعا کن و به نیابت آنان صدقه بده و اگر زندهاند و از مذهب حق بی اطلاع می باشند با آنان مدارا و نیکی کن زیرا که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم(گفت: خداوند مرا با پیام مهر و شفقت مبعوث کرد نه عداوت و بریدن از پدر و مادر و خویشان. (۱)

تعامل علمی به دور از توهین به مقدسات

همه میدانند که اهل بیت (علیهم السلام(همواره با باطل و انحراف ، به مبارزه میپرداختند و هیچگاه سر سازگاری با اهل باطل نداشتند. ولی منطق اهل بیت در این راه همواره تکیه بر روشنگری و استدلال و برهان بوده است و آن بزرگواران هیچ گاه از راههای باطلی همچون توهین و دشنام و تخریبِ مخالفانشان استفاده نکرده اند.

امام رضا (علیه السلام(نیز در دوران ولایتعهدی با وجود آن که هیچ خطری ایشان را تهدید نمیکرد و کسی نمیتوانست با ایشان برخورد عملی کند ، همین سیره و روش را ادامه دادند و با آنکه گزارشهای بسیاری از گفتگو و مباحثه ایشان با علمای اهل سنت به دست ما رسیده است ، ولی حتی یک مورد را نمیتوان یافت که ایشان توهینی به عقاید اهل سنت نموده باشند و یا با سخنانشان تعصب و دشمنی آنها را برانگیخته باشند. اینها همه در حالی است که شخص خلیفه ، یعنی مأمون نیز در مجالس عام و خاص اظهار تشیع میکرد و حتی به مباحثه با علمای اهل سنت درباره اثبات ولایت اهل بیت (علیهم السلام(پرداخته و انتقاداتی را نسبت به خلفای اهل سنت بیان میداشت. (۲) از همین رو اگر امام (علیه السلام(روشی دیگر در برخورد با اهل سنت را طلب میکردند چه بسا از ناحیه مأمون مورد استقبال قرار میگرفت.

متأسفانه امروز دشمنان شیعه و اهل بیت (علیهم السلام(برای اینکه به فضای تعصب دامن بزنند و مسلمانان را از پیشوایان واقعی اسلام ، یعنی ائمه اطهار (علیهم السلام(دور کنند ، همواره در صددند منطق شیعه و اهل بیت (علیهم السلام(را منطق دشنام و توهین جلوه دهند. این درحالی است که اهل سنت و عالمان آنها همواره با اهل بیت (علیهم السلام(مراوده داشته و با آنها همنشین بوده اند؛ همچنانکه بسیاری از شاگردان و راویان احادیث ائمه (علیهم السلام(از اهل سنت به شمار میآیند. با این سخن ، مشخص است اگر اهل بیت (علیهم السلام(همچون بعضی از افراد جاهل و لجوج که در آن زمان نیز کم نبودند ، به خلفای اهل سنت توهین و لعن (۳)

۱- محمد بن یعقوب کلینی ، کافی ، ج۲ ، ص ۱۵۹

۲- نگاه شود به: شیخ صدوق ، عیون أخبار الرضا علیه السلام ،ترجمه غفاری و مستفید ، ج۲،ص ۴۳۳-۴۷۸

۳- اگرچه لعن نوعی نفرین است و از همین رو معنایی متفاوت با دشنام دارد

میکردند ، نه تنها نباید هیچ یک از اهل سنت در محضر ائمه (علیهم السلام(حضور مییافتند ، بلکه باید آنها نیز در مقابل به مذمّت و قدْحِ آن بزرگواران میپرداختند. این درحالی است که فقهای اهل سنت همیشه ایشان را منبع راستین علم و فضیلت و تقوا میدانستند؛ درحالی که خود از محورهای اختلافیِ عقیدتی با ایشان آگاه بودند.

مسلماً امامت مذهب خاصی مثل مذهب شیعه امامیه و درعین حال محبوب و مراد پیشوایان مذاهب دیگر بودن ، مدارای عمیق و وسیعی را در رفتار میطلبد تا باعث جذب و جلب نظر مخالفان شود؛ زیرا کوچک ترین برخورد تند و بدرفتاری باعث تنفر و دوری مخالفان میشود.

نهی از جدال و مخاصمه در دین

متأسفانه یکی از اموری که مسلمانان را از اصل دین دور میکند و آنها را درگیر حواشی بی فایده مینماید ، جدال و مراء و مخاصمه در امور دینی و مذهبی است؛ جدالی که نه برای آگاه سازی و بیان حقیقت به کار میرود ، بلکه برای غلبه بر دیگران و پیروز نشان دادن خویش است ، در این نوع جدال برای دو طرف مهم نیست که آنچه در پاسخ بیان میشود حق است یا باطل ، و یا اینکه آنها با مطلب حقی در مخالفت هستند ، بلکه دو طرف میخواهند به هر روش و هر سخنی طرف مقابل را محکوم و منکوب کنند. از همین رو امام رضا (علیه السلام(به واسطه پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام(روایت میفرماید:

لعَنَ « اللَّهُ الَّذِینَ یج ادلِو ن فی دِینه أو لئَکَ ملَعْونو نَ عَلَ لسِانِ نَبیِهِّ؛ (۱)

خداوند متعال لعنت کرده است کسانی را که درباره دین خدا مجادله میکنند ، و اینان به لسان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم(نیز ». ملعونند

متأسفانه چنین مناظرههایی که به منظور اظهار فضل و صرفا غلبه بر دیگران صورت گیرد ،

سرچشمه بسیاری از خویها و رفتارهای زشتی از جمله ریا و تظاهر ، عیب جویی ، خودستایی ، تکبر ، حسد ، جاه طلبی ، نفاق و دورویی ، نسبتهای ناروا دادن به دیگران و بسیاری صفات ناپسند دیگر میشود. البته مناظره و گفتگو اگر به هدف روشن ساختن حق بوده و با تعامل علمی با دیگران همراه باشد ، شامل خطاب این روایت نیست و میتواند در جایگاه خاص خود بسیاری از سوءتفاهمها و تعصبات بی پایه را از میان مسلمانان ریشه کن کند.

بدیهی است مجادله و مناظره هنگامی مؤثر میافتد که حق و عدالت و درستی و امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هرگونه توهین و تحقیر و خلاف گویی و استکبار خالی باشد ، و خلاصه تمام جنبههای انسانی آن حفظ شود.

از همین رو اگرچه مأمون به انگیزههای مختلف همواره مناظرههایی را میان امام رضا (علیه السلام(و علمای اهل سنت و یا علمای سایر ادیان برنامه ریزی میکرد ولی آن حضرت افزون بر

۴ . شیخ صدوق ، عیون أخبارالرضا (علیه السلام(، ترجمه غفاری و مستفید ، ج ،، ص ۴۴۱

۱- شیخ صدوق ، عیون أخبارالرضا (علیه السلام) ، ترجمه غفاری و مستفیدج ۲، ص ۱۱۶

رعایت تمام جوانب حق ، تأکیدی فراوان بر اخلاق مناظره علمی داشتند به گونهای که به طرف مقابل فرصت میدادند تا ذهن خود را فعال نموده ، هر گونه اشکال ، ابهام و ایرادی دارد مطرح نماید. همچنین آن حضرت هرگز در سخن گفتن با ایشان سخن زشتی بر زبان نمیآورد و هیچ گاه آنان را سرزنش نمینمود ، عیوب آنان را جستجو نمیکرد و هرگز در مناظرات سخن آنان را قطع نمیکرد مگر آنکه از حد گذشته باشد. (۱)

با این رویکرد اهل بیت (علیهم السلام(همواره با برشمردن آیات قرآن کریم در رابطه اخلاق و آداب مناظره ، ضمن نهی از مجادله و مخاصمه در امور بی فایده مذهبی به تبیین مجادله احسن پرداختهاند چنانچه امام حسن عسکری (علیه السلام(از جد بزرگوارشان امام صادق (علیه السلام(روایت میکنند که آن حضرت در تبیین معنای مجادله احسن و غیر احسن فرمودند:

مجادله غیر احسن ، مجادلهای است که با باطل گویی به بحث بپردازی و او دلیلی بر باطل خود اقامه نماید ولی تو با دلیلی که خداوند به حق در مقابل او قرار داده ، باطلش را رد نکنی ، بلکه فقط حرف او را انکار کنی یا منکر یک واقعیت و ادعای صحیحی بشوی که او برای اثبات ادعای باطل خود از آن کمک گرفته است و بدین سبب آن حقّ را انکار نموده و به باطلی معترف شوی ، از خوف آنکه میترسی به واسطه آن دلیل مطلوب او ثابت شود! و همه اینها به خاطر آن است که تو راه خلاصی و پاسخ دادن به او را نمیدانی! و این چنین مجادله و مناظرهای بر شیعیان ما حرام است زیرا موجب فتنه و گرفتاری پیروان ناتوان ما و نیز اهل باطل است ،]و آنها را درگیر خطا و اشتباه میکند [امّا اهل باطل آن نقطه ضعف را هنگام بحث با افراد ناتوان از شما ، دلیلی بر پوچی استدلالهای شما و حجتی بر ادعای باطلشان قرار میدهند ، و افراد ناتوان شما از مشاهده این وضع دلگیر و محزون میشوند چون میبینند اعتقاد صحیح آنها در چنگ اهل باطل تضعیف

گردید. و امّا مجادله احسن هما نگونه است که خداوند به پیامبرش در بحث با منکرین حشر آموخته است.

امام صادق (علیه السلام(سپس با بیان نمونه قرآنی این مناظره فرمود: این معنای مجادله احسن است ، که در آن جای هیچ عذر و بهانهای برای مخالف باقی نمیگذارد ،]و شبهه و اعتراضش مطابق فهم او پاسخ داده میشود.[و امّا جدال غیراحسن این است که منکر حقّی شوی که تمیز حقّ و باطل طرف بحث را از تو سلب میکند ، و با این انکار حق تنها او را از باطلش دور میسازی]و نه اینکه او را به حقّ نزدیک کنی[و این شیوه ممنوع و حرام است ، است زیرا تو نیز مانند او هستی او یک واقعیت را انکار نموده و تو واقعیت دیگری را.

۴ . برای مطالعه مناظره های امام رضا (علیه السلام(به کتاب عیون أخبار الرضا (علیه السلام)مراجعه شود.

۱- برای مطالعه مناظره های امام رضا (علیه السلام) به کتاب عیون أخبار الرضا (علیه السلام) مراجعه شود.

نمونهای از فعالیتهای فرهنگی متناظر با این روز

عالم آل محمد(صلی « ۴. برگزاری همایش، نشست تخصصی یا جلسه سخنرانی در موضوع

» الله علیه و آله(، الهامبخش همدلی و همزبانی به مسلمین

کهکشان « ،. برگزاری نمایشگاه موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در نرم افزار

(» کرامت

۹. تولید بروشور یا کتابچه از محتوای این فصل به همراه مسابقه

برای طیف مخاطب سازمان »(امام هشتم (علیه السلام « ۱. شناسایی کتاب مناسب با موضوع

متبوع (کودک، نوجوان ، جوانان ، زنان ، عمومی ، فرهیختگان و کارشناسان و...(و برگزاری مسابقه

کتابخوانی

۱. دعوت از کارشناسان یا نویسندگان کتابهای برتر در موضوع معرفی حضرت ثامن الحجج

عالم آل محمد(صلی الله علیه و آله(، الهامبخش همدلی و همزبانی به « (علیه السلام(و

و مشارکت با صداوسیمای استانی برای برگزاری گفتگوی تلوزیونی یا رادیویی » مسلمین

۱. برگزاری فراخوان شعر ، متن ادبی ، وبلاگ نویسی و... در موضوع روایات رضوی

۳. تولید پوستر و کارت پستال و فلش کارت موضوعی (با استفاده از تابلوهای طراحی شده در

(» کهکشان کرامت « نرم افزار

۳. برگزاری میزگرد تحلیلی ، کرسی آزاداندیشی یا پرسش و پاسخ با هدف معرفی ب عد

در دانشگاهها » الهامبخش همدلی و همزبانی عالم آل محمد(صلی الله علیه و آله(، به مسلمین «

و حوزههای علمیه

۴۱ . برگزاری work shape با حضور خوشنویسان ، هنرمندان گرافیست و... در بقاع متبرکه

یا پایگاههای فرهنگی اصلی شهر برای تولید آثار هنری با محتوای تولیدی در کتاب و دعوت از

هنردوستان و عموم مردم علاقمند

۴۴ . برگزاری مسابقات ورزشی (ویژه محلات ، دانشگاهها ، پایگاههای بسیج و...(با شعار

و برگزاری همایش بزرگ پایانی با برنامههای متنوع » همدلی و همزبانی؛ با الگوی رضوی «

فرهنگی ویژه دهه کرامت و اهدای جوایز تیمهای برتر

۴، . برگزاری مسابقات پیامکی از مضمون کارت پستال یا پوستر طراحی و توزیع شده با

و اهدای جوایز به پاسخهای برتر »؟ پیام این طرح چیست « عنوان

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹